

انجیل یوحنا

آغاز حکومت
هیروдіس کبیر
ق.م ۳۷

ولادت عیسی
فرار به مصر
ق.م ۴/۵

مرگ
هیروдіس کبیر
ق.م ۴

بازگشت
به ناصره
ق.م ۳/۴

تبدیل یهودیه
به یک
ایالت رومی
ق.م ۶

مشخصات انجیل یوحنا:

هدف:

اثبات قطعی این حقیقت که عیسی پسر خداست و اینکه همه کسانی که به او ایمان می آورند، زندگی جاودانی خواهند داشت.

نویسنده:

یوحنا ی رسول، پسر زبدی، برادر یعقوب که پسر رعد نامیده می شد.

گیرندگان:

اشخاص تازه مسیحی شده و غیرمسیحیان جستجوگر

تاریخ نگارش:

احتمالاً بین سالهای ۸۵-۹۰ م.

اوضاع و احوال جهان:

بعد از ویرانی اورشلیم در سال ۷۰ م. و قبل از تبعید یوحنا به جزیره بطموس نوشته شده است.

آیه مهم:

«شاگردان عیسی معجزات بسیاری از او دیدند که در این کتاب نوشته نشده است. ولی همین مقدار نوشته شد تا ایمان آورید که عیسی، همان مسیح و فرزند خداست و با ایمان به او، زندگی جاوید بیابید» (۲۰:۳۰-۳۱).

افراد مهم:

عیسی، یحییای تعمیددهنده، شاگردان، مریم، مرتا، ایلعازر، مادر عیسی، پیلاطوس، مریم مجدلیه

محللهای مهم:

حومه یهودیه، سامره، جلیل، بیت عنیا، اورشلیم

جنبه های خاص:

از هشت معجزه ثبت شده در انجیل یوحنا، شش مورد آن در سایر انجیل پیدا نمی شود و منحصر به انجیل



خدا گفت و کهکشانشا پدید آمد، ستاره ها آسمانها را روشن ساختند، و سیاره ها شروع به چرخش به دور خورشید کهکشانشا نمودند، زیرا سخنان خدا قدرتی حیرت انگیز، نامحدود، و نامتناهی دارد. او دوباره سخن گفت و دریاها و خشکی ها پر از گیاهان و جانوران و موجوداتی شدند که می دونند، شنا می کنند، رشد می کنند و تکثیر می شوند، زیرا سخنان خدا احیاکننده و نیروبخش است. بار دیگر او سخن گفت و زن و مرد بوجود آمدند، زن و مردی که قادر به فکر کردن، سخن گفتن و عشق ورزیدن می باشند، زیرا سخنان او جلال و شکوهی فردی و خلاق دارد. او خالق و خداوند جاودانی، لایتناهی، و نامحدود همه هستی بود، هست و خواهد بود.

و بعد، او بصورت انسان به نقطه ای از عالم هستی که سیاره زمین نامیده می شود، آمد. آفریدگار توانا جزئی از خلقت و محدود به زمان و مکان شد و در معرض گذر زمان، بیماری و مرگ قرار گرفت. محبت، او را به این کار سوق داد؛ او آمد تا گمشدگان را رهایی بخشد و نجات دهد و هدیه زندگی جاودانی را به آنان عطا کند. او کلمه است؛ او عیسی مسیح است.

این همان حقیقتی است که یوحنا در این کتاب به ما ارائه می دهد. انجیل یوحنا داستان زندگی مسیح نیست؛ این کتاب استدلال محکمی است در اثبات تجسم، و گواه قاطعی است بر این حقیقت که عیسی فرزند خداست که از آسمان نازل شده و تنها منبع زندگی جاودانی می باشد.

یوحنا در همان جملات اول، هویت مسیح را آشکار می کند: «در ازل پیش از آنکه چیزی پدید آید، "کلمه" وجود داشت و نزد خدا بود. او همواره زنده بود، و خود او خداست» (۱:۱ و ۲)؛ و بقیه کتاب بسط همین موضوع است. یوحنا که شاهد عینی بر زندگی عیسی بود، برای نشان دادن طبیعت الهی و انسانی مسیح و رسالت حیات بخش او، هشت مورد از معجزات (یا به قول خودش آیات یا علامات) مسیح را انتخاب می کند. علامات مزبور اینها هستند: (۱) تبدیل آب به شراب (۱:۲-۱۱)، (۲) شفای پسر یک افسر (۴:۴-۵۴)، (۳) شفای مرد افلیج در بیت حسدا (۵:۹-۹)، (۴) خوراک دادن به ۵۰۰۰ نفر فقط با چند عدد نان و ماهی (۶:۱-۱۴)، (۵) راه رفتن روی آب (۶:۱۵-۲۱)، (۶) بینا کردن مرد کور (۹:۱-۴۱)، (۷) زنده کردن ایلعازر (۱۱:۱-۴۴)، و بعد از قیام، (۸) کمک کردن به شاگردان در صید انبوه ماهی (۲۱:۱-۱۴).

در هر فصل، الوهیت عیسی روشنتر می شود. یوحنا بوسیله القابی که به عیسی می دهد، بر هویت واقعی او تأکید می گذارد، القابی از قبیل کلمه، فرزند یگانه خدا، بره خدا، پسر خدا، نان حقیقی، زندگی، قیامت، و تاک. و همه این القاب و عناوین با عبارت «من هستم» ادا می شود. وقتی عیسی این عبارت را بکار می برد، بر الوهیت ازلی و ابدی خود تأکید می گذارد. عیسی می گوید: «من نان حقیقی هستم (۳۵:۶)؛ من نور جهان هستم (۸:۱۲ و ۹:۵)؛ من در هستم (۱۰:۷)؛ من شبان خوب و دلسوزم

انتصاب پنطیوس پپلاطوس به فرمانداری م ۲۶	آغاز خدمت عیسی خدمت نیقودیموس م ۲۷	عیسی دوازده شاگرد را انتخاب می‌کند م ۲۸	عیسی به ۵۰۰۰ نفر خوراک می‌دهد م ۲۹	مصلوب شدن و قیام و صعود عیسی م ۳۰	آغاز حکومت تیریوس قیصر م ۱۴
--	---	--	---	--	-----------------------------------

(۱۱،۱۴:۱۰)؛ من زنده کننده مردگان هستم (۲۵:۱۱)؛ من راه و راستی و زندگی هستم (۶:۱۴)؛ و من تا ک حقیقی هستم (۱:۱۵)»
البته بزرگترین علامت، قیام می‌باشد، و یوحنا گزارش هیجان‌انگیزی درباره شاهدان عینی که قبر را خالی یافتند، در دسترس ما قرار می‌دهد. سپس شرح دیدارهای متعدد عیسی بعد از قیام با افراد و گروه‌های مختلف را ثبت می‌کند.
یوحنا، شاگرد سرسپرده مسیح، نمایی شخصی و قدرتمند از عیسی مسیح، فرزند جاودانی خدا، به ما ارائه داده است. با خواندن این کتاب، به او ایمان آورید و او را پیروی کنید.

یوحناست؛ همینطور «گفتگو در بالاخانه» (فصل‌های ۱۴-۱۷) خاص این انجیل می‌باشد. بیش از ۹۰٪ مطالب انجیل یوحنا در انجیل دیگر تکرار نشده است. انجیل یوحنا حاوی نسب‌نامه یا هر نوع گزارشی درباره ولادت، کودکی، و سوسه، تبدیل هیأت مسیح، برگزیدن شاگردان، مثل و حکایت، ماجرای صعود، یا فرمان مأموریت بزرگ نیست.

تقسیم‌بندی کلی

الف - تولد و آمادگی عیسی، پسر خدا
(۱:۱ - ۱۲:۲)

یوحنا مشخص می‌کند که عیسی فقط یک انسان نیست؛ او فرزند جاودانی خداست. او نور جهان است چون او زندگی جاودانی را به تمامی بشر هدیه می‌کند. چقدر کوتاه‌بینانه و احمقانه است که عیسی را فقط یک انسان فوق‌العاده خوب یا معلم اخلاق بدانیم. با وجود این، بعضی وقتها که تعلیم او را سرسری می‌گیریم و به میل خودمان زندگی می‌کنیم، طوری عمل می‌کنیم که گویا عیسی فقط یک معلم برجسته است. اگر عیسی پسر جاودانی خداست، باید به هویت الهی و پیغام زندگی‌بخش او توجه کنیم.

ب - پیغام و خدمت عیسی، پسر خدا
(۱۳:۲ - ۵۰:۱۲)

عیسی با افراد بطور جداگانه ملاقات می‌کند، برای جماعت‌های بزرگ موعظه می‌نماید، به شاگردانش تعلیم می‌دهد، و با علمای دینی به بحث می‌نشیند. مردم واکنش‌های مختلفی در برابر این پیغام که او پسر خداست، از خود نشان می‌دهند. بعضی او را می‌پرستند، بعضی حیرت می‌کنند، بعضی از پذیرفتن آن روی بر می‌تابند، و برخی در صدد سرکوبی آن بر می‌آیند. امروز هم همان واکنش‌های مختلف را شاهد هستیم. اوضاع تغییر کرده، اما قلب مردم همچنان سخت باقی مانده است. باشد که ما خود را جزو کسانی ببینیم که عیسی با آنها مواجه شد، و به امید اینکه واکنش ما در قبال او، پرستش و پیروی او باشد.

۱- عیسی با ایمان و بی‌ایمانی از سوی مردم مواجه می‌شود.

۲- عیسی با مخالفت علمای دینی مواجه می‌شود.

۳- عیسی در اورشلیم با وقایع سرنوشت‌سازی مواجه می‌شود.

ج - مرگ و قیام عیسی، پسر خدا
(۱:۱۳ تا ۲۵:۲۱)

عیسی بدقت به شاگردان تعلیم داد که چگونه حتی بعد از مرگش در ایمان بمانند. با وجود این، شاگردان نتوانستند سخنان او را درک کنند. بعد از مرگ عیسی و انعکاس اولین خبرها درباره زنده شدن او، شاگردان نتوانستند آن را باور کنند. از توما بطور خاص بعنوان کسی یاد می‌شود که حتی وقتی خبر را از سایر شاگردان که خود عیسی زنده را به چشم دیده بودند، شنید، باور نکرد. باشد که ما مانند توما خواهان این نباشیم که عیسی را جسماً و رودررو ببینیم، بلکه باشد که شهادت شاگردان را که یوحنا در این انجیل ثبت کرده است، بپذیریم.

۱- عیسی به شاگردانش تعلیم می‌دهد.

۲- عیسی رسالتش را به کمال می‌رساند.

موضوعات مهم

موضوع	توضیحات	اهمیت
عیسی مسیح، پسر خدا	یوحنا به ما نشان می‌دهد که عیسی فرزند یگانه خداست. از آنجا که عیسی بطور کامل هم‌ذات با خداست، می‌تواند بوضوح و بطور دقیق خدا را آشکار سازد.	ما می‌توانیم کاملاً به گفته‌های عیسی اعتماد کنیم چون او پسر خداست. با اعتماد به او می‌توانیم با فکری باز و به دور از تعصب پیغام خدا را بفهمیم و اراده او را در زندگی خود پیاده کنیم.
زندگی جاودانی	عیسی تا به ابد زنده است چون او فرزند خداست. قبل از پیدایش جهان، او در کنار خدا بود و تا ابد با او سلطنت خواهد کرد. در انجیل یوحنا می‌بینیم که عیسی حتی قبل از قیامش در قدرت و شکوه نمایان می‌شود.	عیسی زندگی جاوید را به ما هدیه می‌کند. ما دعوت شده‌ایم که زندگی‌ای توأم با رابطه شخصی و جاودانی با او داشته باشیم. و این زندگی از همین دنیا شروع می‌شود. گرچه ما پیر خواهیم شد و خواهیم مرد، اما با ایمان به او می‌توانیم زندگی جدیدی داشته باشیم که جاودانی است.
ایمان	یوحنا هشت علامت یا معجزه از عیسی را ثبت می‌کند که ماهیت قدرت و محبت عیسی را نشان می‌دهد. در این معجزات ما قدرت او را بر تمامی خلقت، و محبت او را به تمام مردم می‌بینیم. این علامات ما را تشویق می‌کند که به او ایمان بیاوریم.	ایمان، اعتمادی فعال، زنده، و دائمی به عیسی بعنوان خداست. وقتی ما به زندگی، تعلیم، مرگ، و قیام او ایمان می‌آوریم، از گناهانمان پاک می‌شویم و برای پیروی از او قدرت می‌یابیم. اما باید از روی ایمان به او جواب بدهیم.
روح القدس	عیسی به شاگردانش تعلیم داد که بعد از صعودش به آسمان، روح القدس خواهد آمد. روح القدس در کسانی که از عیسی پیروی می‌کنند، ساکن می‌شود، و به آنها مشورت و تسلی می‌دهد. از طریق روح القدس حضور و قدرت مسیح با همه کسانی است که به او ایمان دارند.	روح مقدس خدا ما را بسوی ایمان به خدا هدایت می‌کند. ما باید روح القدس را بشناسیم تا بتوانیم همه تعلیم عیسی را بفهمیم. اگر به روح القدس اجازه دهیم که در ما کار کند، می‌توانیم محبت عیسی را بچشمیم و از هدایت و رهبری او برخوردار شویم.
قیام	عیسی روز سوم بعد از مردنش، زنده شد. این واقعه را شاگردانش و شاهدان عینی بسیاری تأیید کردند. این حقیقت شاگردان را عوض کرد و آنها را به رهبرانی فعال در کلیسای نو بنیاد مبدل نمود. این واقعیت اساس ایمان مسیحی را تشکیل می‌دهد.	همان طور که شاگردان عوض شدند، ما هم می‌توانیم عوض شویم، و می‌توانیم یقین داشته باشیم که روزی زنده خواهیم شد و تا ابد با مسیح زندگی خواهیم کرد. همان قدرتی که مسیح را زنده کرد، می‌تواند هر روز توانایی پیروی مسیح را به شما بدهد.

محل‌های مهم در انجیل یوحنا

داستان عیسی از اینجا شروع می‌شود که یحیی تعمیددهنده در نزدیکی بیت‌عنیا در آن سوی رود اردن خدمت می‌کند (۲۸:۱). عیسی نیز خدمتش را شروع می‌کند. او با چند تن که مدتی بعد جزو ۱۲ شاگرد او خواهند شد، صحبت می‌کند. خدمت عیسی در جلیل با شرکت در جشن عروسی در قانا شروع می‌شود (۱:۲). سپس به کفرناحوم می‌رود که محل اقامت جدیدش می‌شود (۱۲:۲). او برای عید پسخ به اورشلیم می‌رود (۱۳:۲) و آنجا با نیکودیموس که یکی از علمای دینی بود، ملاقات می‌کند (۱:۳). بعد که یهودیه را ترک می‌کند، از سامره می‌گذرد و به سامریان خدمت می‌کند (۱:۴). عیسی در جلیل (۴:۴) و در یهودیه و اورشلیم معجزاتی انجام می‌دهد (۱:۵). همینطور که رد او را دنبال می‌کنیم، می‌بینیم که در نزدیکی بیت‌صیدا در کنار دریای جلیل به ۵۰۰۰ نفر خوراک می‌دهد (۱:۶). روی آب بسوی شاگردانش که ترسیده بودند، راه می‌رود (۱۶:۶)، در جلیل موعظه می‌کند (۱:۷)، سپس به اورشلیم باز می‌گردد (۲:۷)، در آن طرف رود اردن در پیریه موعظه می‌کند (۴:۱۰)، در بیت‌عنیا ایلعازر را زنده می‌نماید (۱:۱۱)، و بالاخره برای آخرین بار وارد اورشلیم می‌شود تا عید پسخ را با شاگردانش جشن بگیرد و تعالیم مهمی درباره وقایعی که در شرف وقوع بود به ایشان بدهد و بگوید که چگونه باید عمل کنند. آخرین ساعات عمر او قبل از اعدامش در شهر (۱:۱۳)، در باغ جتسیمانی (۱:۱۸)، و بالاخره طی چند دور محاکمه (۱۲:۱۸) می‌گذرد. او مصلوب می‌شود، اما همان طور که وعده داده بود، دوباره زنده می‌گردد.



الف - تولد و آمادگی عیسی، پسر خدا (۱:۱ تا ۱۲:۲)

یوحنا موضوعات منحصر بفردی را درباره تولد عیسی در اختیار ما می‌گذارد. موجودیت عیسی از زمان تولد او آغاز نشد. او از ازل همواره وجود داشته است.

خدا انسان شد

(۲)

در ازل، پیش از آنکه چیزی پدید آید، «کلمه» وجود داشت و نزد خدا بود. او همواره زنده بوده، و خود او خداست. ^۳ هر چه هست، بوسیله او آفریده شده و چیزی نیست که آن را نیافریده باشد. ^۴ زندگی جاوید در اوست و این زندگی به تمام مردم نور می‌بخشد. ^۵ او همان نوری است که در تاریکی می‌درخشد و تاریکی هرگز نمی‌تواند آن را خاموش کند.

۱:۱

پیدا

۱:۱

فیل

۶:۲

۲۱:۵

۳:۱

اقرن ۶:۸

کول ۱۷:۱ و ۱۶:۱

عبر ۲:۱

۴:۱

یو ۱۵:۳ و ۱۶:۳۶؛ ۳۵:۴؛ ۴۸:۳

۸:۱۲؛ ۱۱:۲۵؛ ۱۴:۶

۲۰:۱۲؛ ۵:۱

۵:۱

یو ۳:۱۹؛ ۵:۹

بخاطر اینست که او آنها را به ما داده است. با خدا شما چیز خاصی هستید؛ جدا از خدا هیچ چیز نیستید، چون هدفی را که برای آن ساخته شده‌اید، عملی نمی‌کنید. **۳:۱-۵** آیا هرگز شده که فکر کنید زندگی‌تان بقدری پیچیده است که خدا هم نمی‌تواند شمارا درک کند؟ به خاطر داشته باشید، خدایی که تمام عالم را آفرید، هیچ چیز برایش آنقدر پیچیده نیست که از درک آن عاجز باشد. او که شما را آفریده است، امروز زنده است. محبت او بزرگتر از هر مشکلی است که شما با آن روبرو می‌شوید.

۴:۱ چرا زندگی جاوید در مسیح نوری برای تمام مردم است؟ چون مرگ، تاریکی جاودانی را به ارمان می‌آورد و فقط زندگی جاودانی مسیح، ما را در ملکوت تازه او تا به ابد زنده نگه خواهد داشت. مسیح تا به ابد زنده است چون خداست. خدا به این جهان آمد تا امید و نور حیات جاودانی خود را به تمامی بشر ارزانی دارد. زندگی جاودانی خریدنی نیست، بلکه فقط می‌توان آن را بعنوان هدیه دریافت کرد. اما عیسی این هدیه را فقط به کسانی می‌دهد که طالب آن باشند، اشخاصی که می‌خواهند به طریقی زندگی کنند که پیروان خدا در ملکوت آینده و جاودانی او زندگی خواهند کرد.

۴:۱ عیسی مسیح خالق زندگی بود، و زندگی او به تمام مردم نور می‌بخشد. در این نور، ما خود را همان‌طور که واقعاً هستیم می‌بینیم (یعنی همچون گناهکارانی که به نجات احتیاج دارند). وقتی ما از عیسی یعنی نور پیروی می‌کنیم، می‌توانیم از راه رفتن با چشمان کور و افتادن در گناه اجتناب کنیم. او راه پیش روی ما را روشن می‌سازد تا بتوانیم ببینیم که چطور زندگی کنیم. او تاریکی گناه را از زندگی ما دور می‌کند. آیا اجازه داده‌اید نور مسیح بر زندگی شما بتابد؟

۱:۱ تعالیم و کارهای عیسی بگونه‌ای جداناپذیر به شخصیت و وجود او وابسته است. یوحنا عیسی را انسانی کامل و خدایی کامل معرفی می‌کند. اگرچه عیسی همه خصوصیات انسانی را بطور کامل بر خود گرفت و مانند یک انسان زندگی کرد، با اینحال او همواره در تمام لحظات زندگی بشری خود، خدای جاودانی بوده که همیشه وجود داشته، خدایی که خالق عالم است، نیرویی که تمامی خلقت را به هم پیوند می‌دهد و منبع زندگی جاودانی است. این چیزی است که درباره عیسی حقیقت دارد، و اساس همه حقایق است. اگر ما نتوانیم یا نخواهیم به این حقیقت اساسی ایمان بیاوریم، قادر نخواهیم بود سرنوشت ابدی‌مان را به او بسپاریم. یوحنا به همین دلیل این انجیل را نوشت تا در ما این ایمان را ایجاد کند که عیسی مسیح حقیقتاً خدای در جسم بود و هست (۲۰:۳۰ و ۳۱).

۱:۱ یوحنا این انجیل را به ایمانداران همه جا، هم یهودیان و هم غیر یهودیان (امت‌ها) نوشت. او یکی از ۱۲ شاگرد عیسی و شاهد عینی زندگی او بوده است، از اینرو نوشته او دقیقی است. کتاب او شرح حال نیست (مانند انجیل لوقا)، بلکه شرح موضوعی زندگی عیسی است. بسیاری از مخاطبین اولیه یوحنا زمینه فکری یونانی داشتند. در فرهنگ یونانی، پرستش خدایان اسطوره‌ای رایج بود، خدایانی که ویژگی‌های فوق طبیعی‌شان همانقدر برای یونانی‌ها اهمیت داشت که تبار خانوادگی برای یهودیان. یوحنا نشان می‌دهد که عیسی نه فقط متفاوت از این خدایان اسطوره‌ای است، بلکه برتر از آنهاست.

۳:۱ خدا در آفرینش، هستی را از نیستی بوجود آورد. ما که مخلوق هستیم، هیچ جای غرور نداریم. اگر ما وجود داریم، بخاطر خداست و اگر استعدادها خاصی داریم

۷:۱ خدا یحیای پیامبر را فرستاد تا این «نور» را به مردم معرفی کند و مردم به او ایمان آورند. ^۸ یحیی آن نور نبود، او فقط شاهدهی بود تا نور را به مردم معرفی کند. ^۹ اما بعد، آن نور واقعی آمد تا به هر کس که به این دنیا می‌آید، بتابد. ^{۱۰} گرچه جهان را او آفریده بود، اما زمانی که به این جهان آمد، کسی او را نشناخت. ^{۱۱} حتی در سرزمین خود و در میان قوم خود، یهودیان، کسی او را نپذیرفت. اما او به تمام کسانی که به او ایمان آوردند، این حق را داد که فرزندان خدا گردند؛ بلی، فقط کافی بود به او ایمان آورند تا نجات یابند. ^{۱۳} این اشخاص تولدی نو یافتند، نه همچون تولدهای معمولی که نتیجه امیال و خواسته‌های آدمی است، بلکه این تولد را خدا به ایشان عطا فرمود.

۱۴:۱ «کلمه خدا» انسان شد و بر روی این زمین و در بین ما زندگی کرد. او لبریز از محبت و بخشش و راستی بود. ما بزرگی و شکوه او را به چشم خود دیدیم، بزرگی و شکوه فرزند بی‌نظیر پدر آسمانی ما، خدا.

۱۵ یحیی او را به مردم معرفی کرد و گفت: «این همان کسی است که به شما

۷:۱
یو ۳:۵

۹:۱
ایو ۸:۲

۱۲:۱
روم ۲۹، ۱۶، ۱۵، ۸
ایو ۲۳، ۱، ۳

۱۴:۱
خرو ۳۵، ۳۴، ۴۰
روم ۳:۱، ۳:۸
غلا ۴:۴
فیل ۸-۶:۲
کول ۹:۲
۱ تیمو ۱۶:۳
عبر ۱۴:۲
ایو ۱:۱، ۲:۴

انگیزه‌های ما را زیرورو می‌کند. تولد تازه جسماً شما را زنده می‌کند و در خانواده اصلی‌تان قرار می‌دهد. تولد تازه روحاً شما را زنده می‌کند و در خانواده خدا قرار می‌دهد. آیا از خدا خواسته‌اید که شما را شخص تازه‌ای کند؟ این شروع تازه در زندگی در دسترس همه کسانی قرار دارد که به مسیح ایمان می‌آورند.

۱۴:۱ مسیح با انسان شدن (۱) **معلم کامل** شد. ما با مطالعه زندگی عیسی می‌توانیم پی ببریم که خدا چگونه فکر می‌کند و در نتیجه ما چگونه باید فکر کنیم (فیلیپیان ۲:۵-۱۱)؛ (۲) **نمونه کامل** شد. او الگویی از آن چیزی است که ما باید بشویم، و او به ما نشان می‌دهد که چگونه زندگی کنیم و قدرت لازم برای این زندگی را به ما می‌بخشد (۱ پطرس ۲:۲۱-۲۳)؛ (۳) **قربانی کامل** شد. عیسی بعنوان قربانی برای تمام گناهان به این جهان آمد، و مرگ او شرط خدا برای از میان بردن گناه را برآورده ساخت (کولسیان ۱:۱۵-۲۳).

۱۴:۱ وقتی مسیح متولد شد، در واقع خدا انسان گردید. او جزئی انسان و جزئی خدا نبود؛ او انسان کامل و خدای کامل بود (کولسیان ۲:۹). قبل از آمدن مسیح، انسان نمی‌توانست بطور کامل خدا را بشناسد. بعد از آمدن مسیح، انسان توانست بطور کامل خدا را بشناسد چون خدا در مسیح قابل رؤیت و ملموس شد. مسیح نمود کامل خدا در شکل انسانی بود. کاستن اهمیت انسان بودن مسیح یا خدا بودن او دو اشتباه عقیدتی است که بیشتر از سایر اشتباهات رواج دارد.

بگذارید مسیح زندگی شما را نورانی کند، که در اینصورت دیگر در تاریکی لغزش نخواهید خورد.

۸:۱ برای کسب اطلاعات بیشتر درباره یحیی تعمیددهنده، به تاریخچه زندگی او در یوحنا فصل ۱ مراجعه کنید. **۸:۱** ما نیز مانند یحیای تعمیددهنده، منبع نور خدا نیستیم؛ ما فقط این نور را منعکس می‌کنیم. عیسی مسیح آن نور حقیقی است؛ او به ما کمک می‌کند تا راهمان را بسوی خدا ببینیم؛ او نشان می‌دهد که چگونه این راه را طی کنیم. اما مسیح بر آن شده است که نورش را از طریق پیروانش به دنیای بی‌ایمان بتاباند. شاید به این دلیل که بی‌ایمانان نمی‌توانند جلال کامل و تابان نور او را بطور مستقیم تحمل کنند. کلمه **شاهد** اشاره به نقش ما بعنوان منعکس کننده نور مسیح دارد. ما هیچ وقت نباید خود را بعنوان آن نور به دیگران معرفی کنیم، بلکه همیشه باید مسیح یعنی نور را به آنها نشان دهیم.

۱۰:۱-۱۲ اگر چه مسیح جهان و انسانها را آفریده بود، انسانها او را نشناختند (۱۰:۱). با آنکه تمامی عهدعتیق به آمدن مسیح اشاره کرده بود، حتی کسانی که خدا آنان را برگزیده بود تا بقیه مردم دنیا را برای پذیرفتن مسیح موعود آماده کنند، او را رد کردند (۱۱:۱ و ۱۲).

۱۳:۱ همه کسانی که عیسی مسیح را بعنوان خداوند زندگی‌شان می‌پذیرند، روحاً دوباره متولد می‌شوند و زندگی تازه‌ای از خدا دریافت می‌کنند. بواسطه مسیح، این تولد تازه ما را کاملاً عوض می‌کند؛ طرز فکر، امیال، و

گفتم بعد از من می آید و مقامش از من بالاتر است، زیرا پیش از آنکه من باشم، او وجود داشت.»

۱۷:۱

خرو ۱:۲۰

^{۱۶} لطف بی پایان او به همه ما رسید و برکت در پی برکت نصیب ما شد. ^{۱۷} خدا احکام خود را توسط موسی به مردم داد، اما راستی و محبت را بوسیله عیسی مسیح عطا فرمود. ^{۱۸} کسی هرگز خدا را ندیده است؛ اما عیسی، فرزند یگانه خدا، او را دیده است زیرا همواره همراه پدر خود، خدا می باشد. او هر آنچه را که ما باید درباره خدا بدانیم، به ما گفته است.

۱۸:۱

خرو ۲۰:۳۳

قرن ۶:۴

کول ۱۵:۱

یحیای تعمیددهنده رسالتش را اعلام می کند

(۱۹)

^{۱۹} روزی سران قوم یهود از شهر اورشلیم، چند تن از کاهنان و دستیارانش را نزد یحیی فرستادند تا بدانند آیا او ادعا می کند که مسیح است یا نه.

۲۰:۱

لو ۱۵:۳

یو ۲۸:۳

۲۱:۱

تث ۱۵:۱۸

ملا ۵:۴

متی ۱۴:۱۱

^{۲۰} یحیی، صریحاً اظهار داشت: «نه، من مسیح نیستم.»

^{۲۱} پرسیدند: «خوب، پس که هستید؟ آیا الیاس پیامبر هستید؟»

جواب داد: «نه!»

پرسیدند: «آیا شما آن پیامبر نیستید که ما چشم براهش می باشیم؟»

باز هم جواب داد: «نه.»

می گرفتند. بسیاری از آنها ظاهراً از احکام خدا اطاعت می کردند تا دیندار بنظر آیند، در حالیکه باطناً قلبشان پر از غرور و طمع بود. فریسیان معتقد بودند که مراسم و سنن مذهبی که سینه به سینه از گذشتگان دریافت داشته اند، به اندازه کلام الهامی خدا مهم اند. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره فریسیان، به جدول های متی فصل ۳ و مرقس فصل ۲ مراجعه کنید.

این علمای دینی به چند دلیل به دیدن یحیای تعمیددهنده آمدند: (۱) وظیفه آنان بعنوان نگهبانان دین و ایمان ایجاب می کرد که هر طریقت و پیغام تازه ای را بررسی کنند (تثنیه ۱۳:۱-۵؛ ۱۸:۲۰-۲۲)؛ (۲) آنها می خواستند او را امتحان کنند تا دریابند که آیا او واقعاً یک نبی هست یا نه. (۳) یحیی پیروان نسبتاً زیادی داشت که تعدادشان روز بروز افزوده می شد. احتمالاً در دل آنها حسادت وجود داشت و می خواستند بدانند چرا این مرد اینقدر مشهور شده است.

۲۱:۱-۲۳ درباره هویت یحیای تعمیددهنده در فکر فریسیان چهار احتمال وجود داشت: (۱) او همان نبی ای است که به کلام خدا سخن خواهد گفت (تثنیه ۱۸:۱۵)؛ (۲) الیاس است (ملاکی ۵:۴)؛ (۳) مسیح است؛ یا (۴) یک نبی دروغین

۱۷:۱ محبت و عدالت هردو جنبه هایی از طبیعت خدا هستند که او در رابطه اش با ما از آنها استفاده می کند. موسی بر شریعت و عدالت خدا تأکید کرد، در حالیکه عیسی مسیح آمد ترحمت، محبت، و بخشش خدا را برجسته سازد. موسی فقط می توانست وسیله ای برای اجرای شریعت باشد، در حالیکه مسیح آمد تا آن را تحقق بخشد. قبلاً طبیعت و اراده خدا در احکام آشکار شده بود؛ حالا طبیعت و اراده خدا در عیسی مسیح آشکار شده است. مکاشفه خدا دیگر به کمک لوح های سنگی صورت نمی گیرد، بلکه خدا از طریق زندگی یک شخص مکشوف می شود.

۱۸:۱ خدا در عهدعتیق از طریق افراد مختلف با انسان ارتباط برقرار می کرد. این افراد معمولاً انبیایی بودند که پیغامهای خدا را برای قوم اسرائیل می آوردند. اما هیچ کس هرگز خدا را ندید. خدا طبیعت و ذات خود را به طریقی در مسیح آشکار کرد که قابل دیدن و لمس کردن بود، خدا انسانی شد که روی زمین زندگی کرد. ۱۹:۱ این سران قوم، فریسیان بودند (۲۴:۱). آنها عضو سنهدرین یعنی شورای مشایخ قوم اسرائیل بودند. این شورا عهده دار رسیدگی به امور مذهبی قوم بود. هم یحیی و هم عیسی بیشتر اوقات، همین فریسیان را به باد انتقاد

نمی‌توان این واقعیت را نادیده گرفت که یحیی منحصر بفرد بود. او لباسهای غیرعادی می‌پوشید و غذاهای عجیب می‌خورد و به کسانی که از اردن برای دیدن او به بیابان می‌رفتند، پیامی غیرمعمول را موعظه می‌کرد.

اما هدف یحیی این نبود که بی‌نظیر و منحصر بفرد بنظر برسد. هدف او اطاعت بود. او می‌دانست که نقش حساسی را در دنیا بعهده دارد که همانا اعلام ظهور نجات‌دهنده باشد. او تمام نیروی خود را متمرکز این کار کرده بود. لوقا می‌فرماید که وقتی کلام خدا بر یحیی نازل شد تا قوم را هدایت کند، او در بیابان بسر می‌برد. یحیی آماده و منتظر بود. فرشته‌ای که تولد یحیی را به زکریا اعلام کرده بود، مشخص نموده بود که این کودک می‌بایست نذیره باشد، یعنی برای خدمت خدا تخصیص داده شود؛ و یحیی به این نوع زندگی وفادار ماند. این مرد بظاهر وحشی، در نظام سیاسی یهود هیچ قدرت یا مقامی نداشت، اما با قدرت و اختیاری مقاومت‌ناپذیر سخن می‌گفت. مردم با سخنان او تکان می‌خوردند چون او حقیقت را می‌گفت و آنان را دعوت می‌کرد تا از گناهانشان دست بشویند؛ بعد ایشان را به نشانه توبه غسل تعمید می‌داد. صدها نفر به دعوت او لیبک می‌گفتند. اما او حتی وقتی مردم دور او ازدحام می‌کردند، به کسی بالاتر از خودش اشاره می‌نمود، و هرگز فراموش نمی‌کرد که وظیفه اصلی او اعلام آمدن نجات‌دهنده است.

سخنان یحیی که تماماً حقیقت بود، همانطور که بسیاری را برمی‌انگیخت تا توبه کنند، سایرین را به مقاومت و مخالفت تحریک می‌کرد. یحیی حتی هیرودیس پادشاه را دعوت کرد تا به گناهش اعتراف کند. هیرودیا، زنی که هیرودیس بطور نامشروع با او ازدواج کرده بود، تصمیم گرفت خود را از دست این واعظ بیابانی خلاصی دهد. اگرچه او توانست موجبات قتل او را فراهم سازد، اما نتوانست جلو پیغام او را بگیرد. کسی که یحیی آمدن او را اعلام نموده بود، حالا دیگر فعالیت خود را شروع کرده بود. یحیی رسالت خود را به کمال رسانده بود. خدا به هر یک از ما هدفی برای زندگی داده است. ما می‌توانیم به هدایت او اطمینان کنیم. یحیی کتاب مقدس کامل را که ما امروز داریم، در دسترس نداشت. باوجود این، او زندگی‌اش را بر حقیقتی که از کتب عهدعتیق فراگرفته بود، متمرکز ساخت. ما نیز می‌توانیم از کلام خدا به حقایقی پی ببریم که برایمان حیاتی است. و وقتی این حقایق در زندگی ما جامه عمل بپوشند، دیگران به طرف او کشیده خواهند شد. خدا می‌تواند شما را متفاوت از هر کس دیگری بکار ببرد. امروز اجازه بدهید که او بداند شما میل و رغبت به پیروی او دارید.

نقاط قوت و موفقیت‌ها:

- * پیام‌آور منتخب خدا برای اعلام آمدن عیسی
- * واعظی که مضمون موعظه او توبه بود
- * در رویارویی با مخالفان، نترس بود
- * بخاطر سبک زندگی استثنایی‌اش، معروف بود
- * سازش‌ناپذیر بود

نقاط ضعف و اشتباهات:

- * لحظه‌ای به هویت عیسی شک کرد

درس‌هایی از زندگی او:

- * خدا هیچ تضمینی برای زندگی راحت یا بی‌خطر برای کسانی که او را خدمت می‌کنند، نمی‌دهد
- * انجام هرکاری که خواست خداست، بزرگترین سرمایه ممکن برای تمام عمر است
- * ایستادن بر روی حقیقت مهم‌تر از خود زندگی است

آمار حیاتی

- * اهل: یهودیه
- * شغل: نبی
- * خویشاوندان: پدر: زکریا. مادر: الیزابت. خویشاوند دور: عیسی.
- * هم‌عصر با: هیرودیس، هیرودیا

آیه کلیدی:

«مطمئن باشید در جهان تا بحال کسی بزرگتر از یحیی نبوده است، باوجود این، کوچکترین شخص در ملکوت خدا از او بزرگتر است» (متی ۱۱:۱۱).

ماجرای زندگی یحیی در هر چهار انجیل نقل شده است. آمدن او در اشعیا ۴۰:۳ و ملاکی ۴:۵ پیشگویی شده بود؛ و در اعمال ۱:۵، ۲۲؛ ۳۷:۱۰؛ ۱۶:۱۱؛ ۱۳:۲۴ و ۲۵؛ ۱۸:۲۵؛ ۱۹:۴ و ۳۰ به او اشاره شده است.

توبه
دهنده

۲۲ گفتند: «پس به ما بگویید که هستید تا بتوانیم برای سران قوم که ما را به اینجا فرستاده‌اند، جوابی ببریم.»

۲۳ یحیی گفت: «چنانکه اشعای نبی پیشگویی کرده، من صدای ندا کننده‌ای هستم که در بیابان فریاد می‌زند: ای مردم، خود را برای آمدن خداوند آماده سازید.»

۲۴ سپس، افرادی که از طرف فرقه فریسی‌ها آمده بودند،^{۲۵} از او پرسیدند: «خوب، اگر شما نه مسیح هستید، نه الیاس و نه آن پیامبر، پس چه حق دارید مردم را غسل تعمید دهید؟»

۲۶ یحیی گفت: «من مردم را فقط با آب غسل می‌دهم؛ ولی همین جا در میان این جمعیت، کسی هست که شما او را نمی‌شناسید.^{۲۷} او بزودی خدمت خود را در بین شما آغاز می‌کند. مقام او بقدری بزرگ است که من حتی شایسته نیستم کفشهای او را پیش پایش بگذارم.»

۲۸ این گفتگو در «بیت عنیا» روی داد. بیت عنیا دهی است در آنطرف رود اردن و جایی است که یحیی، مردم را غسل تعمید می‌داد.

گواهی یحیی بر مسیح بودن عیسی

(۲۰)

۲۹ روز بعد، یحیی، عیسی را دید که بسوی او می‌آید. پس به مردم گفت: «نگاه

۲۹:۱

اش ۷:۵۳

اقرن ۷:۵

اپتر ۱:۱۰ : ۲۶:۳

بزودی کسی ظهور کند که قادر بود گناهان را بپوشد، کاری که فقط پسر خدا، مسیح موعود، می‌توانست از عهده آن بر آید.

۲۷:۱ یحیی تعمیددهنده گفت که او حتی شایسته نیست که مانند یک غلام و خدمتکار، کفشهای مسیح را پیش پایش بگذارد. اما در لوقا ۷:۲۸، عیسی گفت که در میان تمام انسانهایی که تا بحال بدنیا آمده‌اند، کسی بزرگتر از یحیی نبوده است. اگر چنین انسان بزرگی حس کرد که لیاقت غلامی مسیح را ندارد، چقدر بیشتر ما باید غرورمان را کنار بگذاریم و او را خدمت کنیم! با شناخت بیشتر مسیح، غرور و خودبینی بتدریج در ما نابود می‌شود.

۲۹:۱ هر صبح و عصر، بره‌ای در خانه خدا برای گناهان مردم قربانی می‌شد (خروج ۲۹:۳۸-۴۲). در اشعیا ۷:۵۳ پیشگویی شده بود که مسیح موعود، خادم خدا، مانند بره‌ای ذبح خواهد شد. برای پرداخت جریمه گناه، می‌بایست جانی فدا می‌شد و خدا بر آن شد که خودش قربانی را مهیا کند. وقتی عیسی بعنوان قربانی کامل مرد، گناه همه مردم جهان پاک شد. گناهان ما به این طریق بخشیده می‌شود (اقرنتیان ۷:۵). «گناه جهان» یعنی گناهان همه، گناه تک‌تک افراد. عیسی با مرگ خود،

است. یحیی سه مورد اول را در مورد خودش انکار کرد، و با اشاره به گفته اشعای نبی در عهدعتیق، خود را صدای کسی معرفی کرد که در بیابان فریاد می‌زند. سران قوم بر او فشار آوردند تا بگوید کیست، چون مردم منتظر آمدن مسیح موعود بودند (لوقا ۳:۱۵). اما یحیی گفت که برای آماده کردن راه مسیح موعود آمده است، یعنی فقط بر **هدف** آمدنش تأکید نمود. فریسیان به اصل مطلب توجه نداشتند. آنها می‌خواستند بدانند که یحیی کیست، اما آنچه برای یحیی مهم بود، این بود که آنها بدانند که عیسی کیست.

۲۶:۱ یحیی یهودیان را تعمید می‌داد. این‌ها (فرقه‌ای از یهودیان که بسیار تابع مقررات شریعت بودند و مانند راهب‌ها زندگی می‌کردند) غسل تعمید را به منظور طهارت انجام می‌دادند، اما بطور معمول فقط غیریهودیان (امت‌ها) به هنگام گرویدن به مذهب یهود، غسل تعمید می‌یافتند. وقتی فریسیان از او سؤال کردند که به چه اختیاری تعمید می‌دهد، درواقع می‌خواستند بپرسند که «چرا با قوم برگزیده خدا مثل غیریهودیان رفتار می‌کنی؟» یحیی در جواب گفت: «من فقط با آب غسل می‌دهم.» یحیی با این کار فقط به مردم کمک می‌کرد که عملی را که مظهر توبه است، انجام دهند. اما قرار بود

کنید! این همان بزه‌ای است که خدا فرستاده تا برای آمرزش گناهان تمام مردم دنیا قربانی شود.^{۳۰} این همان کسی است که گفتم بعد از من می‌آید ولی مقامش از من بالاتر است، چون قبل از من وجود داشته است.^{۳۱} من نیز او را نمی‌شناختم. ولی برای این آمدم که مردم را با آب غسل دهم تا به این وسیله او را به قوم اسرائیل معرفی کنم.»

^{۳۲} سپس گفت: «من روح خدا را دیدم که به شکل کبوتری از آسمان آمد و بر عیسی قرار گرفت.^{۳۳} همانطور که گفتم، من نیز او را نمی‌شناختم ولی وقتی خدا مرا فرستاد تا مردم را غسل تعمید دهم، در همان وقت به من فرمود: هرگاه دیدی روح خدا از آسمان آمد و بر کسی قرار گرفت، بدان که او همان است که منتظرش هستید. اوست که مردم را با روح القدس تعمید خواهد داد.^{۳۴} و چون من با چشم خود این را دیده‌ام، شهادت می‌دهم که او فرزند خداست.»

۳۰:۱
یو ۱:۱۵، ۲۷

۳۲:۱
متی ۱۶:۳
مر ۱:۱
لو ۲۲:۳
۳۳:۱
لو ۱۶:۳
اعما ۵:۱
۳۴:۱
یو ۱:۱۰، ۴۹؛ ۳۶:۱
۲۷:۱۱؛ ۳۰:۲۰، ۳۱

نخستین شاگردان عیسی

(۲۱)

^{۳۵} فردای آنروز، وقتی یحیی با دو نفر از شاگردان خود ایستاده بود،^{۳۶} عیسی را

یعنی او روح القدس را بر همه ایمانداران می‌فرستد تا به آنها قدرت دهد تا مطابق پیام انجیل زندگی کنند و آن را به دیگران تعلیم دهند. این کار بعد از زنده شدن عیسی و صعود او به آسمان شروع شد (به یوحنا ۲۰:۲۲؛ اعمال فصل ۲ مراجعه کنید).

^{۳۴:۱} کار یحیی این بود که مردم را بسوی عیسی، یعنی مسیح موعود که منتظرش بودند، هدایت کند. امروز مردم بدنبال کسی می‌گردند که در این دنیای ناامن، به آنها امنیت بدهد. وظیفه ما این است که آنها را بسوی مسیح هدایت کنیم و به ایشان نشان دهیم که او همان کسی است که در جستجوی شما هستند.

^{۳۵:۱} این شاگردان جدید، القاب مختلفی برای مخاطب قرار دادن عیسی به کار می‌بردند: بره خدا (۳۶:۱)، آقا (در ترجمه تحت‌اللفظی ربی یا استاد) (۳۸:۱)، مسیح (۴۱:۱، ۴۵)، پسر خدا (۴۹:۱)، پادشاه اسرائیل (۴۹:۱). وقتی آنها عیسی را شناختند، درک آنها از او بیشتر شد. هرچه ما برای شناختن مسیح بیشتر وقت صرف می‌کنیم، درک و فهم ما از شخصیت او بیشتر خواهد شد. ممکن است ما بخاطر تعالیم او جذب او شویم، اما خواهیم فهمید که او پسر خداست. با آنکه این شاگردان در ظرف چند روز عیسی را به نام دیگری صدا کردند، اما تا سه سال بعد آنچه را که بر زبان می‌آوردند، درک نمی‌کردند (اعمال فصل ۲). آنچه که آنها براحتی بر

جریمه گناه شما را پرداخت. شما با اعتراف گناه خود به او و طلب آمرزش از او، می‌توانید بخشش گناهان را دریافت کنید.

^{۳۰:۱} با آنکه یحیی تعمیددهنده واعظ مشهوری بود و عده زیادی را به گرد خود جمع کرده بود، شاد بود از اینکه عیسی مقامی برتر از او داشته باشد. این فروتنی واقعی است و معیار بزرگ بودن در موعظه، تعلیم، یا هر کار دیگری است که ما برای مسیح انجام می‌دهیم. وقتی رضا به انجام کاری می‌دهید که خدا از شما می‌خواهد و اجازه می‌دهد عیسی مسیح در نتیجه آن کار جلال بیابد، خدا کارهای بزرگی از طریق شما انجام خواهد داد.

^{۳۱:۱} به هنگام تعمید عیسی، یحیی تعمیددهنده اعلام کرد که او مسیح موعود است. خدا در تعمید عیسی علامتی به یحیی نشان داد تا او بداند که عیسی حقیقتاً فرستاده اوست (۳۳:۱). یحیی و عیسی خویشاوند دور هم بودند، بنابراین یحیی او را می‌شناخت. اما مسیح بودن وی برای او مشخص نبود تا زمان تعمید او که فهمید عیسی، همان مسیح موعود است. شرح تعمید عیسی در متی ۳:۱۳-۱۷؛ مرقس ۱:۹-۱۱؛ و لوقا ۳:۲۱ و ۲۲ آمده است.

^{۳۳:۱} تعمید عیسی بوسیله آب به منظور آماده‌سازی بود، چون برای توبه صورت می‌گرفت و نمایانگر پاک شدن گناه بود. اما قرار بود عیسی با روح القدس تعمید دهد،

دید که از آنجا می گذرد، یحیی با اشتیاق به او نگاه کرد و گفت: «بینید! این همان بره‌ای است که خدا فرستاده است.»^{۳۷} آنگاه دو شاگرد یحیی برگشتند و در پی عیسی رفتند.

^{۳۸} عیسی که دید دو نفر دنبال او می آیند، برگشت و از ایشان پرسید: «چه می خواهید؟»

جواب دادند: «آقا، کجا اقامت دارید؟»

^{۳۹} فرمود: «بیاید و بینید.»

پس همراه عیسی رفتند و از ساعت چهار بعد از ظهر تا غروب نزد او ماندند.^{۴۰} (یکی از آن دو، «اندریاس» برادر «شمعون پطرس» بود.)

^{۴۱} اندریاس رفت و برادر خود را یافته، به او گفت: «شمعون، ما مسیح را پیدا کرده‌ایم!»^{۴۲} و او را آورد تا عیسی را ببیند.

عیسی چند لحظه به او نگاه کرد و فرمود: «تو شمعون، پسر یونا هستی. ولی از این پس پطرس (یعنی «صخره») نامیده خواهی شد!»

^{۴۳} روز بعد، عیسی تصمیم گرفت به ایالت جلیل برود. در راه، «فیلیپ» را دید و به او گفت: «همراه من بیا.»^{۴۴} (فیلیپ نیز اهل بیت صیدا و همشهری اندریاس و پطرس بود.)

^{۴۵} فیلیپ رفت و «نتنائیل» را پیدا کرد و به او گفت: «نتنائیل، ما مسیح را یافته‌ایم، همان کسی که موسی و پیامبران خدا درباره‌اش خبر داده‌اند. نامش عیسی است، پسر یوسف و اهل ناصره.»

۴۰:۱

متی ۱۸:۴-۲۲

مر ۱۶:۱

لو ۵:۲-۱۱

۴۱:۱

ایو ۳:۲۳

دان ۲۵:۹

یو ۲۵:۴

۴۲:۱

متی ۱۸:۱۶

اقرن ۵:۱۵

۱ پتر ۵:۲

مکا ۱۴:۲۱

۴۳:۱

یو ۶:۵۶ و ۱۲:۲۰-۲۲

۴۵:۱

۱۰:۴۹ : ۴:۲۶ : ۱۵:۳

پیدا ۹:۸

اعد ۱۸:۱۵-۱۸

مز ۲ : ۸:۱۶-۱۱ : ۲۲

۱۱۰ : ۱۱:۱۳۲

اش ۶:۹ : ۱۴:۷ : ۱۰-۱:۱۱

۵-۱:۳۲ : ۹-۱:۴۲

۱۳-۱:۴۹ : ۶:۵۰

۵۳

ار ۱۵:۳۳ : ۶:۵۰-۲۳

حز ۲۳:۳۴ : ۲۵:۳۷

دان ۲۵:۹ : ۱۳:۷

میکا ۲:۵

زکر ۳:۳۳ : ۹:۸۱ و ۱۲:۶

۷:۱۳ : ۹:۹

خود او. ما باید انگیزه‌هایمان را برای پیروی او مورد بررسی قرار دهیم. آیا انگیزه ما جلال اوست یا جلال یافتن خودمان؟

۴۰:۱ اندریاس شهادت یحیی تعمیددهنده را درباره عیسی پذیرفت و بلافاصله نزد برادرش، شمعون پطرس رفت و به او گفت که مسیح را یافته است. او هیچ تردیدی نداشت که عیسی، همان مسیح موعود است. اندریاس نه تنها خبر ظهور مسیح موعود را به پطرس داد، بلکه در سرتاسر اناجیل می‌بینیم که او مشتاق آشنا کردن مردم با عیسی است (به یوحنا ۶:۹۸ : ۹:۱۲ و ۲۲:۱۲ مراجعه کنید).

۴۲:۱ عیسی پطرس را آنطور که در آن زمان بود، نمی‌دید، بلکه او را آنگونه که در آینده خواهد بود، می‌دید. در اناجیل مشاهده نمی‌کنیم که شخصیت پطرس، مانند «صخره» شده باشد. او در دوره کلیسای اولیه تبدیل به «صخره» شد که شرح آن در کتاب اعمال رسولان آمده است. عیسی با دادن نامی تازه به شمعون، نشان داد که در شخصیت او تغییری صورت خواهد گرفت.

زبان می‌راندند، می‌بایست در عمل پیاده می‌شد. ممکن است سخنان حاکی از ایمان را براحتی بر زبان آوریم، اما درک عمیق مسیح فقط در اثر زندگی با ایمان پدید می‌آید.

۳۷:۱ یکی از این دو شاگرد، اندریاس بود (۴۰:۱). دیگری یا یوحنا، نویسنده این کتاب بود، یا فیلیپ که نامش اغلب ذکر می‌شود. چرا این دو شاگرد، یحیی تعمیددهنده را ترک کردند؟ چون این کاری بود که یحیی از آنها خواست. یحیی آنها را بسوی عیسی، یعنی کسی که آنها را برای پیروی‌اش آماده کرده بود، هدایت کرد. این دو بعلاوه پطرس (۴۲:۱) و نتنائیل (۴۵:۱)، اولین شاگردان عیسی بودند.

۳۸:۱ وقتی آن دو شاگرد دنبال عیسی برآه افتادند، عیسی از آنها پرسید: «چه می‌خواهید؟» رفتن دنبال عیسی کافی نیست؛ ما باید با دلایل درست دنبال او برویم. پیروی از عیسی بخاطر اهداف خودمان، درواقع به این معناست که از مسیح می‌خواهیم پیرو ما باشد و برای دست یافتن به مقاصد خودمان با ما همراه شود، نه مقاصد

۴۶ نتنائیل با تعجب پرسید: «گفتی اهل ناصره؟ مگر ممکن است از ناصره هم چیز خوبی بیرون آید؟»

فیلیپ گفت: «خودت بیا و او را ببین.»

۴۷ وقتی نزدیک می شدند، عیسی فرمود: «ببینید، این شخص که می آید، یک مرد شریف و یک اسرائیلی واقعی است.»

۴۸ نتنائیل پرسید: «از کجا می دانی من که هستم؟»

عیسی فرمود: «قبل از آنکه فیلیپ تو را پیدا کند، من زیر درخت انجیر تو را دیدم.»
۴۹ نتنائیل حیرت زده گفت: «آقا، شما فرزند خدا هستید؛ شما پادشاه اسرائیل می باشید!»

۴۹:۱

یو ۱:۳۴

۵۰ عیسی گفت: «چون فقط گفتم تو را زیر درخت انجیر دیدم، به من ایمان آوردی؟ بعد از این چیزهای بزرگتر خواهی دید. ۵۱ در حقیقت همه شما آسمان را خواهید دید که باز شده و فرشتگان خدا نزد من می آیند و به آسمان باز می گردند.»

۵۱:۱

پیدا ۱۲:۲۸

تبدیل آب به شراب

(۲۲)

۲ دو روز بعد، مادر عیسی در یک جشن عروسی در دهکده «قانا» در جلیل مهمان بود. ۲ عیسی و شاگردان او نیز به عروسی دعوت شده

۱:۲

یو ۱:۲۹، ۳۵، ۴۳

فراهم باشد. تمام شدن شراب در جشن عروسی مایه سرافکنندگی و شدیداً برخلاف اصول متعارف مهمان نوازی بود. عیسی بر آن بود که نیازی را رفع کند.

۴۶:۱ یهودیان از ناصره متنفر بودند، چون یک پادگان رومی در آنجا مستقر بود. نظر منفی نتنائیل انعکاسی از نظر عموم مردم بود. زادگاه نتنائیل قانا بود که تقریباً در هفت کیلومتری ناصره قرار داشت.

۴۶:۱ وقتی نتنائیل شنید که عیسی اهل ناصره است، متعجب شد و از فیلیپ در این مورد سؤال نمود. فیلیپ در پاسخ به سؤال او گفت: «خودت بیا و او را ببین.» خوشبختانه نتنائیل رفت و عیسی را دید و شاگرد او شد. اگر او بدون تحقیق بیشتر، روی تعصبش پافشاری می کرد، امکان شناخت مسیح موعود را از دست می داد!
۲:۱ و ۲ در زمان عیسی، جشن عروسی یک هفته بطول می انجامید. برای پذیرایی از مهمانان زیادی که دعوت می شدند، تدارکات زیادی دیده می شد و یک هفته به جشن و پایکوبی برای شروع زندگی تازه زوج جوان می گذشت. اغلب همه اهالی دهکده را دعوت می کردند، و مردم هم به عروسی می رفتند. جواب رد دادن به دعوت عروسی توهین محسوب می شد. برنامه ریزی دقیقی لازم بود تا جا برای همه مهمانان که تعدادشان هم زیاد بود،

نخستین سفرهای عیسی

عیسی بعد از آنکه بدست یحیی در رود اردن تعمید گرفت و در بیابان بوسیله شیطان وسوسه شد (به نقشه ای که در مرقس فصل اول وجود دارد، مراجعه کنید)، به جلیل باز گشت. او به شهرهای ناصره، قانا، و کفرناحوم رفت و بعد برای عید پسح به اورشلیم بازگشت.



بودند.^۳ هنگام جشن، شراب تمام شد. مادر عیسی با نگرانی نزد او آمد و گفت: «شرابشان تمام شده است.»

^۴ عیسی فرمود: «از من چه می‌خواهی؟ هنوز وقت آن نیست که معجزه‌ای انجام دهم.»

^۵ با اینحال، مادر عیسی به خدمتکاران گفت: «هر دستوری به شما می‌دهد، اطاعت کنید.»

^۶ در آنجا شش خمرهٔ سنگی بود که فقط در مراسم مذهبی از آن استفاده می‌شد و گنجایش هر کدام حدود ۱۰۰ لیتر بود.

^۷ عیسی به خدمتکاران فرمود: «این خمره‌ها را پر از آب کنید.»^۸ وقتی پر کردند، فرمود: «حالا کمی از آن را بردارید و نزد گردانندهٔ مجلس ببرید!»

^۹ وقتی گردانندهٔ مجلس آن آب را که شراب شده بود چشید، داماد را صدا زد و گفت: «چه شراب خوبی! مثل اینکه شما با دیگران خیلی فرق دارید، چون معمولاً در جشنها، اول با شراب خوب از مهمانها پذیرایی می‌کنند و بعد که همه سرشان گرم شد، شراب ارزانتر را می‌آورند. ولی شما شراب خوب را برای آخر

می‌گیرند که قادر به درکش نیستند؛ در این قبیل موارد، باید اعتماد خود را به عیسی حفظ کنند و بدانند که او به بهترین طریق عمل خواهد کرد.

۵:۲ مریم مطیع روشهای عیسی در حل مسائل بود. او می‌دانست که عیسی فقط پسر او نیست، بلکه بالاتر از آن و پسر خداست. وقتی ما مشکلاتمان را به حضور مسیح می‌بریم، ممکن است فکر کنیم که می‌دانیم او چگونه و به چه نحو باید آنها را حل کند. اما شاید او طریق کاملاً متفاوتی برای حل مشکلاتمان داشته باشد. ما باید مانند مریم مطیع باشیم و اجازه بدهیم تا مشکلات را هر طور که او صلاح می‌داند، برطرف کند.

۶:۲ از این شش خمره سنگی پر از آب بطور معمول برای مراسم طهارت مذهبی استفاده می‌شد. مطابق آیین یهودیان، مردم در طی روز در اثر تماس با اشیاء، بطور نمادین ناپاک می‌شدند. آنها قبل از آنکه چیزی بخورند، آب بر دستهای خود می‌ریختند تا خود را از هر نجاست ناشی از لمس اشیاء مختلف پاک کنند.

۱۰:۲ مردم برای دست یافتن به هیجان و مفهوم زندگی به همه چیز متوسل می‌شوند مگر به خدا. آنها بنا به دلایلی گمان می‌کنند که خدا کسل کننده و ملال آور است. همان طور که شرابی که عیسی درست کرد، بهترین نوع شراب بود، زندگی در او هم بهتر از آن نوع زندگی‌ای است که خودمان داریم. چرا قبل از رسیدن به بن‌بست، خدا را امتحان نکنیم؟ چرا بهترین‌ها را برای آخر نگه داریم؟

۲۱:۲ عیسی رسالت نجات جهان را داشت، که بزرگترین رسالت در تاریخ بشر بود. با وجود این، او برای حضور یافتن در عروسی وقت گذاشت و در جشن شرکت کرد. شاید ما کارهای روحانی‌مان را آنقدر «مهم» بینداریم که نخواهیم برای این قبیل مناسبات اجتماعی وقت بگذاریم. اما شاید این مناسبات اجتماعی جزئی از رسالت ما باشد. عیسی برای جشنهای عروسی ارزش قائل می‌شد چون مردم در این جشنها شرکت می‌کردند؛ و او آمد تا با مردم باشد. ما اغلب می‌توانیم در اوقات شادمانی و جشن و سرور با دیگران، به رسالت خود عمل کنیم. برای اینکه در زندگی‌تان تعادل بوجود بیاورید، علاوه بر اوقات کار، در لحظات خوش نیز عیسی را وارد زندگی‌تان کنید.

۴:۲ «هنوز وقت آن نیست که معجزه‌ای انجام دهم» را می‌توان چنین نیز ترجمه کرد: «ساعت من هنوز نرسیده است.» مریم احتمالاً از عیسی نخواست که معجزه‌ای کند، بلکه شاید خواسته بود تا در این معضل بزرگ آنها را یاری دهد و از جایی مقداری شراب بیابد. طبق روایات تاریخ کلیسا، یوسف، شوهر مریم، مرده بود، بنابراین احتمالاً در مسائل و مشکلات از پسرش می‌خواست تا کمکی کند. درک پاسخ عیسی به مریم دشوار است، اما شاید نکته در همین جا باشد. با آنکه مریم نمی‌دانست عیسی قصد چه کاری را دارد، اما یقین داشت که هر کاری او بکند، درست است. کسانی که به عیسی ایمان دارند، گاه در شرایطی قرار

۴:۲

جا ۱:۳

متی ۱۲:۴۶-۴۹

یو ۶:۷؛ ۲۰:۸؛ ۲۶:۱۹

۶:۲

مر ۳:۷

یو ۲۵:۳

۹:۲

یو ۴:۶

نگه داشته‌اید.» او نمی‌دانست که شراب از کجا آمده است، ولی خدمتکاران می‌دانستند.

^{۱۱} این معجزه عیسی در دهکده قانای جلیل، اولین نشانه قدرت دگرگون کننده او بود و شاگردان ایمان آوردند که او واقعاً همان مسیح است.

^{۱۲} سپس عیسی با مادر، برادران و شاگردان خود برای چند روز به شهر کفرناحوم رفت.

۱۱:۲

یو ۲:۳ : ۲:۳ : ۴:۴ : ۵:۴
 ۱۴:۶ : ۱۱:۴۷ : ۱۲:۳۷

۱۲:۲

متی ۴:۱۲-۵۰

ب- پیغام و خدمت عیسی، پسر خدا (۲:۱۳ - ۱۲:۵۰)

یوحنا بر الوهیت مسیح تأکید می‌گذارد. او هفت معجزه از عیسی نقل می‌کند که همگی بر مسیح بودن عیسی اشاره دارد. در این بخش، او سخنانی از عیسی را ثبت کرده که در آنها او خود را نان حیات، آب حیات، نور جهان، در، و شبان نیکو معرفی می‌کند. یوحنا تعالیمی از عیسی را در اختیار ما قرار می‌دهد که در هیچ جای دیگری یافت نمی‌شود. در مقایسه با سه انجیل دیگر، جنبه الهیاتی این انجیل بیشتر است.

۱- عیسی با ایمان و با بی‌ایمانی از سوی مردم مواجه می‌شود پاکسازی خانه خدا به دست عیسی

(۲۳)

^{۱۳} عید پَسَح که یکی از اعیاد بزرگ یهود بود، نزدیک می‌شد. پس عیسی به

۱۳:۲

خرو ۱۲:۱۴

اعد ۲۸:۱۶

تث ۱:۱۶

مهمی محسوب می‌شد. در کفرناحوم بود که متی به شاگردی دعوت شد (متی ۹:۹)، و همچنین شهر برخی دیگر از شاگردان بود (متی ۴:۱۳)، و افسران عالی‌رتبه دولتی در این شهر اقامت داشتند (۴:۴). حداقل یک عبادتگاه بزرگ در این شهر وجود داشت. با آنکه عیسی این شهر را کانون فعالیت‌های خود در ایالت جلیل قرار داده بود، آن را بخاطر بی‌ایمانی مردمش، سرزنش کرد (متی ۱۱:۲۳؛ لوقا ۱۰:۱۵).

^{۱۳:۲} مراسم عید پَسَح هر سال در خانه خدا در اورشلیم برگزار می‌شد. هر مرد یهودی در این روزها برای زیارت به اورشلیم می‌رفت (تثنیه ۱۶:۱۶). این عید یک هفته طول می‌کشید. عید پَسَح فقط یک روز بود و بقیه روزهای هفته به برگزاری عید نان فطیر می‌گذشت. یهودیان در طول این هفته، آزادی اجدادشان از بردگی در مصر را گرامی می‌داشتند (خروج ۱۲:۱-۱۳).

^{۱۳:۲} اورشلیم هم مرکز مذهبی و سیاسی فلسطین، و هم جایی بود که یهودیان انتظار داشتند مسیح موعود از آنجا ظهور کند. خانه خدا (هیکل یا معبد بزرگ اورشلیم) در آنجا

^{۱۱:۲} وقتی شاگردان معجزه عیسی را دیدند، به او ایمان آوردند. این معجزه قدرت عیسی را بر طبیعت نشان داد. نحوه انجام آن نیز نشان داد که او در خدمت خود، به کمک انسانها خواهد شتافت، با اقتدار سخن خواهد گفت و با مردم در ارتباط مستقیم خواهد بود.

^{۱۱:۲} معجزات تنها رویدادهایی فوق بشری نیستند، بلکه وقایعی هستند که قدرت خدا را نشان می‌دهند. تقریباً هر معجزه‌ای که عیسی کرد، در مسیر احیای این عالم سقوط کرده بود؛ او کوران را بینا و لنگان را خرامان ساخت، و حتی مردگان را زنده کرد. به او ایمان داشته باشید، نه چون او یک ابرمرد است، بلکه چون خدایی است که عمل خلاقه‌اش را در ما ادامه می‌دهد، در ما که برخی فقیریم، یا ناتوانی‌های جسمی داریم، یا مشکلات خانوادگی و اجتماعی داریم، یا برخی درماندگی‌های دیگری که نیاز به بازآفرینی دارند.

^{۱۲:۲} کفرناحوم، طی خدمت عیسی در جلیل، محل اصلی اقامت او بود. این شهر که گذرگاه بزرگ بازرگانی بود، بخاطر وجود پادگان روم و موقعیت تجاری‌اش، شهر

شهر اورشلیم رفت. ^{۱۴} آنجا، در خانه خدا، مردم را دید که برای انجام مراسم قربانی، به خرید و فروش گاو، گوسفند و کبوتر مشغولند. صرافان پولها را روی میزها چیده بودند و با مشتریها مبادله می کردند.

^{۱۵} عیسی با طناب، شلاقی ساخت و همه را از آنجا بیرون کرد. او گاو و گوسفندان را بیرون راند و سکه های صرافان را بر زمین ریخت و میزها را واژگون کرد. ^{۱۶} سپس به سراغ کبوترفروشان رفت و دستور داده، گفت: «اینها را از اینجا بیرون ببرید و خانه پدر مرا به بازار تبدیل نکنید.»

۱۶:۲
لو ۴:۲
یو ۲:۱۴

قرار داشت. طی اعیاد بزرگ، بسیاری از خانواده های یهودی از سرتاسر دنیا به اورشلیم سفر می کردند. معبد بزرگ در جای حیرت انگیزی ساخته شده بود، روی تپه ای مشرف بر شهر. سلیمان ساختمان اولیه معبد را در همین محل، تقریباً ۱۰۰۰ سال پیش از آن (۹۴۹ ق.م.) بنا کرده بود، اما بابلی ها آن را ویران کردند (۲ پادشاهان فصل ۲۵). این معبد را دوباره در سال ۵۱۵ ق.م. بنا کردند و هیرودیس کبیر آن را گسترش داد و طرح آن را تغییر داد.

۱۴:۲ یوحنا به اولین پاکسازی خانه خدا اشاره می کند. دومین پاکسازی در پایان خدمت عیسی، تقریباً سه سال بعد اتفاق افتاد که در متی ۱۲:۲۱-۱۷؛ مرقس ۱۱:۱۲-۱۹؛ لوقا ۴۵:۱۹-۴۸ ثبت شده است.

۱۴:۲ مالیات خانه خدا می بایست به پول رایج محل پرداخت می شد، بنابراین خارجی ها می بایست پولشان را با صرافان مبادله می کردند. این صرافان غالباً متقلب بودند و در قبال پولی که به مشتری می دادند، به میزان بسیار نابرابر و بالایی از او ارزش مطالبه می کردند. علاوه بر مالیات خانه خدا، مردم ملزم به گذراندن قربانی برای گناه بودند. بسیاری بخاطر سفر طولانی نمی توانستند حیوانات خودشان را جهت قربانی بیاورند. عده ای هم که حیواناتشان را با خود می آوردند، بخاطر معیوب بودن، برای قربانی مورد قبول واقع نمی شد. بنابراین خرید و فروش حیوانات کار و بار پررونقی در صحن خانه خدا بود. قیمت حیوانات قربانی در اطراف خانه خدا بسیار بالاتر از هر جای دیگری بود. عیسی از اعمال فریبکارانه و طمعکارانه صرافان و تجار به خشم آمد. آنها نمی بایست در محوطه خانه خدا به تجارت بپردازند. حضور آنها در خانه خدا که محل پرستش خدا بود، مایه ننگ برای آن بود.

۱۴:۲ اطراف خانه خدا در روزهای عید پسخ همیشه مملو از جمعیت بود. علمای دینی با اجازه دادن به صرافان و تجار برای برپا کردن بساط خود در صحن غیریهودیان، بر ازدحام اطراف خانه خدا می افزودند. آنها این عمل را تسهیلاتی برای زائرین و راهی برای تأمین هزینه نگهداری خانه خدا

می دانستند و به این ترتیب، این کار را توجیه می کردند. اما ظاهراً برای علمای مذهبی اهمیتی نداشت که صحن غیریهودیان بقدری پراز تجار باشد که عبادت و پرستش را برای خارجی ها مشکل سازد، در حالی که عبادت هدف اصلی زیارت خانه خدا بود. بنابراین، هیچ تعجیبی ندارد که عیسی با دیدن این وضع به خشم آید.

۱۴:۲-۱۶ خانه خدا مورد استفاده نادرست کسانی قرار می گرفت که آن را به مرکز داد و ستد تبدیل کرده بودند. آنها یا فراموش کرده بودند، یا توجهی نداشتند که خانه خدا محل عبادت است، نه بازاری برای کسب ثروت. ما هم اگر کلیسا را محلی برای ملاقات های شخصی یا کسب درآمد بدانیم، قطعاً نگرشمان درباره کلیسا غلط است. یقین حاصل کنید که برای پرستش خدا به کلیسا می روید.

۱۵:۲ و ۱۶ روشن است که خشم عیسی متوجه تاجران بود چون آنها از کسانی که برای عبادت به خانه خدا می آمدند، بهره کشی می کردند. خشم مهار نشده و خشم به جا با هم فرق دارند، گرچه هر دو خشم نامیده می شوند. ما باید خیلی مواظب باشیم که چطور از خشم، این حس نیرومند، استفاده می کنیم. عصبانی شدن از بی عدالتی و گناه درست است، اما عصبانی شدن بخاطر گناهان جزئی و شخصی درست نیست.

۱۵:۲ و ۱۶ عیسی شلاقی ساخت و صرافان را از آنجا بیرون کرد؛ آیا این مجوزی است برای ما که با خطا کاران با خشونت رفتار کنیم؟ بعضی از اختیارات فقط به برخی از افراد داده شده است نه به همه. مثلاً، حق استفاده از اسلحه و بازداشت مردم فقط به مأمورین پلیس داده شده است، نه به عموم مردم. فقط قضات این اختیار را دارند که مردم را زندانی کنند، و افراد معمولی این اجازه را ندارند. عیسی قدرت و اختیار خدا را داشت، قدرتی که ما آن را نداریم. ما در ضمن اینکه می خواهیم زندگی مشابه زندگی مسیح داشته باشیم، هرگز نباید سعی کنیم در قسمتی که اختیاری به ما داده نشده است، مدعی داشتن اختیار باشیم.

۱۷ آنگاه شاگردان عیسی به یاد این پیشگویی کتاب آسمانی افتادند که می گوید: «اشتیاقی که برای خانه خدا دارم، مثل آتش در من زبانه می کشد.»
 ۱۸ سران قوم یهود از عیسی پرسیدند: «تو به چه حق این کارها را می کنی؟ اگر از طرف خدا آمده ای، با معجزه های آن را به ما ثابت نما!»

۱۹ عیسی جواب داد: «بسیار خوب، معجزه های که برای شما می کنم این است: این خانه خدا را خراب کنید تا من در عرض سه روز آن را دوباره بسازم!»
 ۲۰ گفتند: «چه می گویی؟ چهل و شش سال طول کشید تا این خانه را ساختند. تو می خواهی سه روزه آن را بسازی؟»

۲۱ ولی منظور عیسی از «خانه خدا» بدن خودش بود. ۲۲ پس از اینکه عیسی از میان مردگان زنده شد، شاگردانش این گفته او را به یاد آوردند. آنها هم به مطالب کلام خدا و هم به کلام عیسی ایمان آوردند.

۲۳ بخاطر معجزات او در روزهای عید، بسیاری در اورشلیم به او ایمان آوردند.
 ۲۴ ولی عیسی به آنها اعتماد نکرد، چون از قلب مردم آگاه بود،^{۲۵} و لازم نبود کسی به او بگوید که مردم چقدر زود تغییر عقیده می دهند، چون او انسان را خوب می شناخت.

۱۷:۲
 مز ۹:۶۹
 ۱۸:۲
 متی ۳۸:۱۲
 ۱۹:۲
 متی ۶۱:۲۶ ؛ ۴۰:۲۷
 مر ۵۸:۱۴
 اعما ۱۴:۶
 ۲۰:۲
 عز ۱۶:۵
 ۲۱:۲
 یو ۳۸:۱۰ ؛ ۲۱:۱۴
 ۱۰ ؛ ۲۱:۱۷
 اقرن ۱۶:۳ ؛ ۱۹:۳
 اقرن ۱۶:۶
 افس ۲۱:۲ و ۲۲
 کول ۹:۲
 اپتر ۲-۴-۷
 ۲۲:۲
 مز ۷:۲ ؛ ۱۰:۱۶
 لو ۲۴:۲۵ ؛ ۲۶:۲۴
 یو ۱۶:۱۲ ؛ ۲۶:۱۴
 ۲۴:۲
 اسمو ۷:۱۶
 اتوا ۹:۲۸
 متی ۴:۹ ؛ مر ۸:۲

که می فرماید: «هیچ چیز مانند دل انسان، فریبکار و شرور نیست؛ کیست که از آنچه در آن می گذرد، آگاه باشد؟»
 بعضی از همین مردم که عیسی را «مسیح» می نامیدند، بعداً فریاد برمی آورند که «مصلوبش کن!» ایمان آوردن به مسیح وقتی همه چیز هیجان انگیز است و همه او را دنبال می کنند، آسان است. اما ایمان واقعی، وقتی ایمان آوردن عامه پسند هم نباشد، استوار می ماند.

۱۷:۲ نقل قول از مزمو ۹:۶۹ به صورت دیگری هم ترجمه شده است، به این قرار که «غیرت خانه تو مرا خورده است» (ترجمه قدیمی). عیسی اعمال شریانه ای را که در خانه خدا صورت می گرفت، توهینی به خدا می دانست و از اینرو نتوانست آن را سرسری بگیرد. آتش خشم درست برعلیه گناه و بی احترامی به خدا در او شعله ور بود.

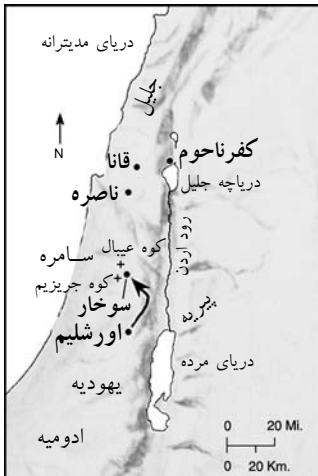
۱۹:۲ و ۲۰ این عمارت خانه خدا را زروبا بل بیش از ۵۰۰ سال پیش از آن ساخته بود، اما هیرودیس کبیر طرح آن را تغییر داده و آن را بزرگتر و به مراتب زیباتر کرده بود. ۴۶ سال از شروع تعمیرات و بازسازی بنا گذشته بود (۲۰ ق.م). و هنوز به پایان نرسیده بود؛ بنابراین، گفته مسیح مبنی بر اینکه می تواند آن عمارت را بعد از ویرانی، ظرف سه روز از نو برپا کند، تکان دهنده بود.

۲۱:۲ عیسی داشت بر اختیار خود در خصوص اخراج تجار از خانه خدا صحه می گذاشت. این جمله به بدن او اشاره دارد، نه به طور لغوی به خانه خدا. قیام مسیح (همان خانه خدا که در عرض سه روز ساخته می شود) قدرت و اختیار او را در بیرون کردن تجار (۱۸:۲)، شفا، اخراج ارواح ناپاک، و بخشش گناهان ثابت خواهد کرد.

۲۳-۲۵:۲ عیسی، پسر خدا، همه چیز را درباره طبیعت انسان می دانست. او بخوبی از حقیقت ارمیا ۹:۱۷ آگاه بود

ملاقات در سامره

عیسی برای عید پسخ به اورشلیم رفت، خانه خدا را پاکسازی کرد، و با نیتودیموس که از عالمای مذهبی بود، درباره زندگی جاودانی سخن گفت. سپس اورشلیم را ترک گفت و به شهرهای ایالت یهودیه سفر کرد. سر راه جلیل، از سوخار و سایر دهکده های این ایالت دیدن کرد. برعکس بیشتر یهودیان آن زمان، او سعی نکرد از سامره اجتناب کند.



ملاقات شبانه نيقوديموس با عيسى

(۲۴)

۳

یک شب، یکی از روحانیون بزرگ یهود برای گفت و شنود نزد عیسی آمد. نام او نيقوديموس و از فرقه فریسی‌ها بود. نيقوديموس به عیسی گفت: «استاد، ما روحانیون این شهر، همه می‌دانیم که شما از طرف خدا برای هدایت ما آمده‌اید. معجزاتان نشان می‌دهد که خدا با شماست.»

۳ عیسی جواب داد: «اگر تولد تازه پیدا نکنی، هرگز نمی‌توانی ملکوت خدا را ببینی. این که می‌گویم عین حقیقت است.»

۴ نيقوديموس با تعجب گفت: «منظورتان از تولد تازه چیست؟ چگونه امکان دارد پیرمردی مثل من، به شکم مادرش باز گردد و دوباره متولد شود؟»

۵ عیسی جواب داد: «آنچه می‌گویم عین حقیقت است. تا کسی از آب و روح

۱:۳

یو ۵:۷ ؛ ۳۹:۱۹

۲:۳

یو ۳۳:۹

اعما ۲۲:۲ ؛ ۳۸:۱۰

۳:۳

یو ۱۳:۱

۱ پط ۲۳:۱

۵:۳

اعما ۳۸:۲

تیط ۵:۴

۱ پط ۲۱:۳

۳:۳ نيقوديموس از ملکوت چه می‌دانست؟ از کتاب مقدس می‌دانست که خدا بر این ملکوت حکومت خواهد کرد، و این ملکوت، فرمانروایی خدا بر این زمین بوده، و متشکل از قوم خدا خواهد بود. عیسی به این فریسی مؤمن نشان داد که ملکوت برای همه مردم جهان خواهد بود (۱۶:۳)، نه فقط برای یهودیان، و اینکه نيقوديموس در صورتی جزو ملکوت خواهد بود که شخصاً تولد تازه پیدا کند (۵:۳). این مفهومی بنیادی بود؛ ملکوت شخصی است، نه ملی یا قومی، و لازمه ورود به آن توبه و تولد تازه روحانی است. بعداً عیسی تعلیم داد که ملکوت خدا از طریق حضور روح القدس در قلب ایمانداران شروع می‌شود. وقتی عیسی به این جهان باز گردد تا آن را داوری کند و شیطان را برای همیشه براندازد، ملکوت را بطور کامل برقرار خواهد کرد (به توضیحات مربوط به لوقا ۱:۸ ؛ ۱۱:۹ و لوقا ۱۱:۲۰؛ مکاشفه فصل‌های ۲۱ و ۲۲ مراجعه کنید).

۵:۳ «با آب و روح» می‌توانست اشاره داشته باشد به (۱) فرق بین تولد جسمانی (آب) و تولد روحانی (روح)، یا (۲) دوباره زنده شدن بوسیله روح و نشان دادن این تولد تازه با تعمید. آب ممکن است نمایانگر عمل پاک‌کنندگی روح مقدس خدا باشد (تیطس ۵:۳). عیسی اهمیت تولد تازه روحانی را شرح می‌دهد و می‌گوید که ما با داشتن زندگی بهتر وارد ملکوت نمی‌شویم، بلکه وقتی که روحاً تولد تازه پیدا کنیم.

۱:۳ نيقوديموس معلم و از فرقه فریسی‌ها بود. او جزو علمای دینی این فرقه بود، فرقه‌ای که اعضای آن غالباً بخاطر ریاکاری‌شان مورد انتقاد عیسی و یحییای تعمیددهنده قرار می‌گرفتند (در مورد فریسیان به توضیحات مربوط به متی ۷:۳ مراجعه کنید). بیشتر فریسیان شدیداً به عیسی حسادت می‌کردند چون او پایه‌های قدرت و اختیار آنها را سست می‌کرد و دیدگاه‌های ایشان را زیر سؤال می‌برد. اما نيقوديموس جستجوگر بود، و معتقد بود که عیسی جوابهایی دارد. او که معلم دانشمندی بود، نزد عیسی آمد تا از او بیاموزد. هرچقدر هم عاقل و تحصیل کرده باشید، باید با فکر و دل باز نزد مسیح بیایید، چون در این صورت است که او می‌تواند حقایق الهی را به شما تعلیم دهد.

۱:۳ با آنکه او می‌توانست یکی از دستیارانش را نزد عیسی بفرستد، خودش شخصاً پیش او رفت. او می‌خواست خودش عیسی را امتحان کند تا حقیقت را از شایعات باز شناسد. شاید او از ترس بدگوییهای هم‌مسلمان خود، یعنی فریسیان درباره ملاقاتش با عیسی، در شب نزد او رفت. بعدها که پی برد عیسی حقیقتاً همان مسیح است، با بی‌باکی در دفاع از او سخن گفت (۵:۷). ما نیز مانند نيقوديموس باید خودمان عیسی را امتحان کنیم؛ دیگران نمی‌توانند این کار را به‌جای ما انجام دهند. پس از آن، وقتی ایمان آوردیم که او همان کسی است که ادعا کرده، دوست خواهیم داشت که درباره او با همه سخن بگوییم.

خدا قادر است افرادی را که ما آنها را خیلی دور از خدا می‌پنداریم، بسوی خود جذب کند. در مورد نيقوديموس، مدتی طول کشید تا او از تاریکی بیرون بیاید، اما خدا نسبت به این ایماندار «مخفی» صبور بود.

نيقوديموس از ترس اینکه مبدا شناخته شود، در شب با عیسی قرار ملاقات گذاشت. گفتگوهایی که بین فریسیان و عیسی در روز روشن انجام می‌شد، بیشتر خصمانه بود، اما نيقوديموس واقعاً قصدش آموختن بود. احتمالاً او به چیزی بیش از آنچه که انتظار داشت رسید؛ او دعوت شد تا زندگی تازه را بیابد! ما چیز زیادی درباره نيقوديموس نمی‌دانیم، اما می‌دانیم که بعد از رویارویی با عیسی در آن شب، تبدیل به شخص جدیدی شد. او با درک تازه‌ای از خدا و از خودش، آنجا را ترک گفت.

نيقوديموس بعداً بعنوان عضوی از شورای عالی ظاهر می‌شود. وقتی شورا در مورد یافتن راه‌های ممکن برای از بین بردن عیسی به بحث نشست، نيقوديموس سؤالی را مطرح کرد که در آن عدالت آنها را مورد سؤال قرار داد. گرچه اعتراض او مورد قبول واقع نشد، اما در هر صورت او نظرش را با صدای بلند اعلام نمود. او بتدریج تغییر کرده بود.

آخرین تصویری که از نيقوديموس داریم، او را در کنار یوسف رامه‌ای نشان می‌دهد که جسد عیسی را از مقامات رومی تحویل می‌گیرند تا دفن کنند. نيقوديموس که می‌دانست چه کار خطرناکی می‌کند، دست به اقدام بی‌باکانه‌ای زد. او دائماً رشد می‌کرد.

خدا خواهان رشد مداوم است نه کمال آنی. چقدر درجه رشد روحانی فعلی‌تان با طول مدتی که عیسی را شناخته‌اید، هماهنگی دارد؟

نقاط قوت و موفقیت‌ها:

- * یکی از معدود عالمین دینی بود که به عیسی ایمان آورد.
- * یکی از اعضای شورای عالی بود، شورایی که قدرت زیادی داشت.
- * فریسی‌ای بود که شخصیت و معجزات عیسی، او را مجذوب کرده بود.
- * همراه با یوسف رامه‌ای عیسی را دفن کرد.

نقاط ضعف و اشتباهات:

- * از اینکه مبدا پیروی او از عیسی فاش شود، شدیداً در ترس بود.

درس‌هایی از زندگی او:

- * اگر تولد تازه نیابیم، هرگز نمی‌توانیم از برکات خدا برخوردار شویم.
- * خدا قادر است کسانی را که ما آنها را دست‌نیافتنی به حساب می‌آوریم، تغییر دهد.
- * خدا صبور است.
- * اگر ما آماده باشیم، خدا می‌تواند ما را بکار بگیرد.

آمار حیاتی:

- * اهل: اورشلیم
- * شغل: عالم دینی
- * هم‌عصر با: عیسی، حنا، قیافا، پیلاتوس، یوسف رامه‌ای

آیه کلیدی:

«نيقوديموس با تعجب گفت: "منظورتان از تولد تازه چیست؟ چگونه امکان دارد پیرمردی مثل من، به شکم مادرش برگردد و دوباره متولد شود؟"» (یوحنا ۳: ۴)
داستان نيقوديموس در یوحنا ۱: ۳-۲۱؛ ۷: ۵۰-۵۲؛ و ۱۹: ۳۹ و ۴۰ نقل شده است.



تولد نیابد، نمی تواند وارد ملکوت خدا شود. ^۶ زندگی جسمانی را انسان تولید می کند، ولی زندگی روحانی را روح خدا از بالا می بخشد. ^۷ پس تعجب نکن که گفتم باید تولد تازه پیدا کنی. ^۸ درست همانگونه که صدای باد را می شنوی ولی نمی توانی بگویی از کجا می آید و به کجا می رود، در مورد تولد تازه نیز انسان نمی تواند پی ببرد که روح خدا آن را چگونه عطا می کند. ^۹ نیکودیموس پرسید: «منظورتان چیست؟ من سخنان شما را بدرستی درک نمی کنم.»

^{۱۰} عیسی جواب داد: «نیکودیموس، تو از علمای دینی اسرائیل هستی؛ چگونه این چیزها را درک نمی کنی؟ ^{۱۱} برآستی من آنچه را که می دانم و دیده ام می گویم ولی تو نمی توانی باور کنی. ^{۱۲} من از امور این دنیا با تو سخن می گویم و تو باور نمی کنی. پس اگر از امور آسمان با تو صحبت کنم چگونه باور خواهی کرد؟ ^{۱۳} چون فقط من که مسیح هستم از آسمان به این جهان آمده ام و باز هم به آسمان باز می گردم. ^{۱۴} همانگونه که موسی در بیابان مجسمه مار مفرغی را بر چوبی آویزان کرد تا مردم به آن نگاه کنند و از مرگ نجات یابند، من نیز باید بر صلیب آویخته شوم تا مردم به من ایمان آورده، از گناه نجات پیدا

۶:۳

حز ۲۶:۳۶ و ۲۷

یو ۱:۱۳

روم ۱۵:۸ و ۱۶

اقرن ۱۵:۵۰

غلا ۴:۶

۸:۳

جا ۱۱:۵

حز ۳۷:۵، ۳۸:۱۰، ۳۹:۱۴

۱۳:۳

یو ۳۸:۴۲، ۳۸:۴۲، ۳۸:۴۲

روم ۱۰:۶

افس ۴:۹ و ۱۰

۱۴:۳

اعد ۲۱:۹ و ۲۱

۱۵:۳

ایو ۱۱:۵ و ۱۲

فکر که آنها را هرگز نمی توان نزد خدا آورد، اشخاصی مثل رهبر دنیوی که برایش دعا نکرده اید یا افراد موقتی که هیچ وقت به آنها شهادت نداده اید؟ هیچ وقت فکر نکنید که شخص بخصوصی هرگز به پیغام انجیل پاسخ نخواهد داد. خدا از طریق روح القدس می تواند همه را بسوی خود جلب کند، و شما باید با پشتکار برای هر کسی که روح القدس در فکر شما قرار می دهد، دعا کنید. برای هر کسی که با او تماس دارید، شاهد و نمونه باشید. خدا ممکن است کسانی را لمس کند که شما بسیار بعید می دانید و شاید شما را برای لمس آنها بکار برد.

۱۱ و ۱۰:۳ این معلم یهودی بر عهدعتیق احاطه کامل داشت، اما آنچه را که کتاب درباره مسیح موعود گفته بود، درک نکرده بود. دانش نجات نیست. لازم است که شما کتاب مقدس را بدانید؛ اما مهم تر از آن، باید خدایی را که این کتاب را آشکار می سازد و نجاتی را که این خدا هدیه می کند، درک کنید. **۱۵ و ۱۴:۳** وقتی اسرائیلی ها در بیابان سرگردان بودند، خدا برای تنبیه قوم گردنکش، مارهایی را به میان ایشان فرستاد. کسانی که در اثر مارگزیدگی محکوم به مرگ بودند، اگر از دستور خدا اطاعت می کردند و با ایمان به مار مفرغی که بر چوبی بلند کرده شده بود نگاه می کردند، شفا می یافتند (به اعداد ۲۱:۹ و ۲۱:۹ مراجعه کنید). ما نیز باید به همین شکل به عیسی نگاه کنیم تا نجات بیابیم. شما با نگاه کردن به عیسی و

۶:۳ عیسی می فرماید که روح القدس از بالا زندگی تازه می بخشد. روح القدس کیست؟ خدا سه شخصیت در یک وجود است، پدر، پسر، و روح القدس. پسر خدا انسان شد تا بتواند برای گناهان ما بمیرد. او زنده شد تا از طریق احیا و تولد تازه روحانی به همه مردم نجات را ارزانی دارد. وقتی عیسی به آسمان صعود کرد، حضور جسمانی او زمین را ترک گفت، اما او وعده داد که روح القدس را می فرستد تا حضور روحانی او در بین انسانها بماند (به لوقا ۲۴:۴۹ مراجعه کنید). حالا همه ایمانداران می توانند از قدرت روح القدس بهره مند شوند، حال آنکه در زمان عهدعتیق روح القدس به افراد بخصوصی آن هم برای مقاصد مشخصی قدرت می داد. روح القدس برای اولین بار در روز پنطیکاست به ایمانداران عطا شد (اعمال فصل ۲). در خصوص روح القدس، یوحنا ۱۶:۱۴-۲۸؛ رومیان ۸:۹؛ اقرنتیان ۱۲:۱۳، و ۲ اقرنتیان ۱:۲۲ را بخوانید. **۸:۳** عیسی شرح می دهد که ما نمی توانیم کار روح القدس را تحت کنترل خود بگیریم. او به طریقی عمل می کند که ما نمی توانیم پیش بینی یا درک کنیم. همان طور که تولد جسمانی شما به اختیار خودتان صورت نگرفت، به همان شکل نمی توانید چگونگی تولد روحانی تان را درک کنید. تولد روحانی هدیه ای است از جانب خدا که روح القدس می بخشد (رومیان ۸:۱۶؛ اقرنتیان ۲:۱۰-۱۲؛ ۱ تسالونیکیان ۵:۱ و ۵:۶). **۸:۳** آیا هستند کسانی که شما به آنها بی اعتنایی، با این

کنند و زندگی جاوید بیابند.^{۱۶} زیرا خدا بقدری مردم جهان را دوست دارد که یگانه فرزند خود را فرستاده است، تا هر که به او ایمان آورد، هلاک نشود بلکه زندگی جاوید بیابد.^{۱۷} خدا فرزند خود را فرستاده است نه برای اینکه مردم را محکوم کند بلکه بوسیله او نجاتشان دهد.

^{۱۸} «کسانی که به او ایمان بیاورند، هیچ نوع محکومیت و هلاکتی در انتظارشان نیست؛ ولی کسانی که به او ایمان نیاورند، از هم اکنون محکوم اند، چون به یگانه فرزند خدا ایمان نیاورده اند.^{۱۹} محکومیت بی ایمانان به این دلیل است که نور از آسمان به این جهان آمد ولی مردم تاریکی را بیشتر از نور دوست داشتند، چون اعمال و رفتارشان بد است.^{۲۰} مردم از نور آسمانی نفرت دارند، چون می خواهند در تاریکی، گناه ورزند؛ پس به نور نزدیک نمی شوند، مبدا کارهای گناه آلودشان دیده شود و به سزای اعمالشان برسند.^{۲۱} ولی درستکاران با شادی به سوی نور می آیند تا همه ببینند که آنچه می کنند، پسندیده خداست.»

۱۶:۳
روم ۸:۵ ؛ ۳:۸

۱۷:۳
یو ۱۲:۴۷

۱۸:۳
یو ۵:۲۴
روم ۸:۱

۱۹:۳
یو ۱:۴ ؛ ۵:۷ ؛ ۷:۷
۱۲:۸ ؛ ۴۶:۱۲

۲۰:۳
افس ۱۱:۵-۱۳

۲۱:۳
ایو ۱:۷

انجیل را به دیگران می رسانیم، محبت ما باید مانند محبت مسیح باشد، به این ترتیب که حاضر به از دست دادن رفاه و امنیت خود باشیم تا دیگران هم مانند ما محبت خدا را دریافت کنند.

^{۱۸:۳} وقتی انسان می کوشد خود را از ترسهایش آزاد کند، ممکن است در این تلاش، به خود یا به اعمال نیکش یا به ثروتش اتکا کند. اما فقط خدا می تواند ما را از چیزی که واقعاً باید از آن بترسیم، یعنی محکومیت جاودانی، نجات دهد. ما باید به خدا ایمان بیاوریم و قبول کنیم که تلاش هایمان برای نجات خود بی فایده است و از خدا بطلبیم که عمل نجات بخش خود را در ما به انجام برساند. وقتی عیسی درباره «کسانی که به او ایمان نمی آورند»، سخن می گوید، به کسانی اشاره می کند که کاملاً او را رد می کنند یا به او بی اعتنا هستند، نه کسانی که دچار شکهای زودگذر نسبت به او می شوند.

^{۱۹-۲۱} بسیاری از مردم نمی خواهند زندگی شان در نور خدا بر ملا شود چون از چیزی که آشکار خواهد شد، می ترسند. آنها نمی خواهند عوض شوند. وقتی می بینید که اشتیاق شما به درستکاری و اطاعت از خدا تهدیدی است برای این قبیل افراد، تعجب نکنید، چون آنها می ترسند مبدا نوری که در شماست، بعضی از تاریکی های زندگی شان را بر ملا سازد. با وجود این، مایوس نشوید. به دعا کردن ادامه دهید که در این صورت آنها به این درک خواهند رسید که چقدر زندگی در نور بهتر از زندگی در تاریکی است.

ایمان به اینکه او شما را نجات خواهد داد، از «نیش» کشنده گناه نجات پیدا خواهید کرد.

^{۱۶:۳} بسیاری از مردم مایل نیستند به زندگی جاودانی فکر کنند، چون در این دنیا زندگی غم انگیزی دارند. اما زندگی جاودانی امتداد زندگی غم انگیز و فانی این دنیا نیست؛ زندگی جاودانی حیات خداست (افسیان ۴:۱۸) که در مسیح مجسم شد (۶:۱۴) و حالا بعنوان ضمانت به همه ایمانداران داده می شود، ضمانت اینکه تا ابد زندگی خواهند کرد. در زندگی جاودانی مرگ، بیماری، بدی، اندوه، بی عدالتی و گناه وجود ندارد. اگر ما مسیح را نشناسیم، دست به انتخابهایی می زنیم که گویی زندگی فقط به این دنیای زودگذر محدود می شود. اما در حقیقت، این زندگی فقط پیش درآمدی است بر جاودانگی. بنابراین، از حالا به بعد، هر اتفاقی را از دیدگاه ابدیت مورد ارزیابی قرار دهید.

^{۱۶:۳} تمام انجیل در این آیه خلاصه شده است. محبت واقعی ایستا و خودخواهانه نیست، بلکه دیگران را در بر می گیرد. اینجا خدا الگوی محبت واقعی را تعیین می کند که اساس همه روابط پر محبت است؛ اگر شما کسی را بسیار دوست داشته باشید، حاضر خواهید بود بهای گزافی در راه او بپردازید. خدا با فدا کردن جان پسرش، بالاترین بهای ممکن را پرداخت. عیسی پذیرفت که بجای ما مجازات شود؛ او بهای گناهان ما را پرداخت، و بعد زندگی تازه را فراهم آورد و به ما هدیه کرد. وقتی پیغام

سخنان بیشتری از یحیی درباره عیسی

(۲۵)

<p>۲۲:۳ یو ۲:۴</p> <p>۲۴:۳ متی ۱۲:۴</p> <p>۲۶:۳ یو ۷:۶ و ۳۴</p> <p>۲۷:۳ اقرن ۷:۴ عبر ۴:۵</p> <p>۲۸:۳ ملا ۱:۳ یو ۱:۲۰ و ۲۳</p> <p>۲۹:۳ اش ۵:۶۲ قرن ۲:۱۱ مکا ۹:۲۱</p> <p>۳۲:۳ یو ۱۱:۳</p>	<p>۲۲ پس از آن، عیسی با شاگردان خود از اورشلیم بیرون رفت، اما مدتی در ایالت یهودیه بسر برد و مردم را غسل تعمید می‌داد. ۲۳ یحیی در این هنگام نزدیک سالیم در محلی به اسم عینون مردم را غسل تعمید می‌داد، چون در آنجا آب زیاد بود و مردم برای تعمید نزد وی می‌آمدند. ۲۴ این قبل از زندانی یحیی بود. ۲۵ روزی، یک یهودی با شاگردان یحیی بر سر طهارت به بحث پرداخت. ۲۶ شاگردان یحیی نزد او آمدند و گفتند: «استاد، آن شخصی که آن طرف رود اردن بود و گفتی که مسیح است، اکنون او نیز مردم را غسل تعمید می‌دهد و همه نزد او می‌روند، در صورتی که باید پیش ما بیایند.» ۲۷ یحیی جواب داد: «کار هر کس را خدا از آسمان تعیین می‌کند. ۲۸ کار من این است که راه را برای مسیح باز کنم تا مردم همه نزد او بروند. شما خود شاهدید که من صریحاً گفتم که مسیح نیستم، بلکه آمده‌ام تا راه را برای او باز کنم. ۲۹ در یک عروسی، عروس پیش داماد می‌رود و دوست داماد در شادی او شریک می‌شود. من نیز دوست دامادم و از خوشی داماد خوشحالم. ۳۰ او باید روزبه روز بزرگتر شود و من کوچکتر. ۳۱ او از آسمان آمده و مقامش از همه بالاتر است. من از این زمین هستم و فقط امور زمینی را درک می‌کنم. ۳۲ او آنچه را که دیده و شنیده است می‌گوید ولی عده کمی</p>
---	---

یحیی گفت: «کار هر کس را خدا از آسمان تعیین می‌کند.» یحیی به کاری که خدا او را برای آن دعوت کرده بود، ادامه داد و اگر شاگرد عیسی می‌شد، نمی‌توانست کاری را که برای آن دعوت داشت، انجام دهد. هدف اصلی یحیی راهنمایی کردن مردم بسوی عیسی بود. حتی وقتی عیسی خدمتش را شروع کرد، یحیی باز می‌توانست مردم را بسوی او رهنمون شود. ۲۷:۳ یحیی ایمان داشت که خدا او را برگزیده است. وقتی خدا ما را برای کاری بر می‌گزیند، انجام آن کار امتیازی والا و مقدس خواهد بود؛ باید با اشتیاق تمام آن را بپذیریم.

۳۰:۳ یحیی گفت که مسیح باید بزرگتر شود و حال آنکه او باید کوچکتر گردد. شبانان و سایر رهبران مسیحی ممکن است دچار این وسوسه شوند که بیشتر حواس خود را متمرکز خدمات موفق خود کنند تا تمرکز بر روی مسیح. مواظب کسانی باشید که بیشتر بر موفقیت‌های خود تأکید می‌کنند تا بر ملکوت خدا.

۲۵:۳ بعضی از مردم بدنبال تضادها می‌گردند تا تخم نزاع، ناراضی، و شک را بکارند. یحیی تعمیددهنده با تکیه کردن بر وفاداری خود به مسیح، به این بحثهای الهیاتی خاتمه داد. وقتی سعی کنیم دیگران را تحت فشار قرار دهیم که به چیزی که ما ایمان داریم ایمان بیاورند، باعث ایجاد تفرقه خواهیم شد. بجای این کار، بیایید درباره وفاداری خودمان به مسیح و کاری که او برای ما کرده است، شهادت بدهیم. در این صورت، کسی نخواهد توانست در این باره با ما بحث کند.

۲۶:۳ شاگردان یحیی از اینکه مردم بجای یحیی از عیسی پیروی می‌کردند، ناراحت بودند. خیلی راحت می‌توان بخاطر شهرت کسی دیگر، حسادت را در خود پروراند. اما باید به خاطر داشته باشیم که رسالت واقعی ما صید مردم برای پیروی از عیسی است نه کسب افتخار برای خودمان.

۲۷:۳ چرا یحیی بعد از آنکه عیسی روی صحنه آمد، باز به تعمید دادن ادامه داد؟ چرا او نیز شاگرد عیسی نشد؟

سخنان او را باور می کنند. ^{۳۳} و ^{۳۴} کسانی که به او ایمان می آورند، پی می برند که خدا سرچشمه راستی است، چون این شخص که از طرف خداست کلام خدا را می گوید، زیرا روح خداوند به فراوانی در اوست. ^{۳۵} پدر آسمانی ما خدا، او را دوست دارد، چون او فرزند خداست و خدا همه چیز را در اختیار او قرار داده است. ^{۳۶} خدا کسانی را که به فرزند او ایمان آورند، نجات می دهد و زندگی جاوید نصیبشان می سازد. ولی کسانی که به او ایمان نیاورند و از او اطاعت نکنند، هرگز بحضور خدا راه نخواهند یافت، بلکه گرفتار خشم او خواهند شد.»

۳۳:۳
ایو ۱۰:۵
۳۴:۳
لو ۱۹:۴ و ۱۹
یو ۶:۶۳
۳۵:۳
یو ۲۰:۵ : ۲۴:۱۷
۳۶:۳
حب ۲:۴
یو ۱۶:۳
روم ۱۷:۱

گفتگوی عیسی با زنی در کنار چاه

(۲۷)

وقتی خداوند ما، عیسی مسیح فهمید که فریسی ها شنیده اند او بیشتر از یحیی مردم را غسل تعمید می دهد و شاگرد پیدا می کند، از یهودیه به جلیل بازگشت. (درواقع شاگردان عیسی مردم را غسل می دادند، نه خود او.)
۴
برای رفتن به جلیل، لازم بود عیسی از «سامره» بگذرد. ^۷ و ^۸ و ^۹ و ^{۱۰} و ^{۱۱} و ^{۱۲} و ^{۱۳} و ^{۱۴} و ^{۱۵} و ^{۱۶} و ^{۱۷} و ^{۱۸} و ^{۱۹} و ^{۲۰} و ^{۲۱} و ^{۲۲} و ^{۲۳} و ^{۲۴} و ^{۲۵} و ^{۲۶} و ^{۲۷} و ^{۲۸} و ^{۲۹} و ^{۳۰} و ^{۳۱} و ^{۳۲} و ^{۳۳} و ^{۳۴} و ^{۳۵} و ^{۳۶} و ^{۳۷} و ^{۳۸} و ^{۳۹} و ^{۴۰} و ^{۴۱} و ^{۴۲} و ^{۴۳} و ^{۴۴} و ^{۴۵} و ^{۴۶} و ^{۴۷} و ^{۴۸} و ^{۴۹} و ^{۵۰} و ^{۵۱} و ^{۵۲} و ^{۵۳} و ^{۵۴} و ^{۵۵} و ^{۵۶} و ^{۵۷} و ^{۵۸} و ^{۵۹} و ^{۶۰} و ^{۶۱} و ^{۶۲} و ^{۶۳} و ^{۶۴} و ^{۶۵} و ^{۶۶} و ^{۶۷} و ^{۶۸} و ^{۶۹} و ^{۷۰} و ^{۷۱} و ^{۷۲} و ^{۷۳} و ^{۷۴} و ^{۷۵} و ^{۷۶} و ^{۷۷} و ^{۷۸} و ^{۷۹} و ^{۸۰} و ^{۸۱} و ^{۸۲} و ^{۸۳} و ^{۸۴} و ^{۸۵} و ^{۸۶} و ^{۸۷} و ^{۸۸} و ^{۸۹} و ^{۹۰} و ^{۹۱} و ^{۹۲} و ^{۹۳} و ^{۹۴} و ^{۹۵} و ^{۹۶} و ^{۹۷} و ^{۹۸} و ^{۹۹} و ^{۱۰۰}

۴:۴
لو ۵:۲۹
۶:۵ و ۶:۴
پیدا ۱۹:۳۳ : ۲۲:۴۸
یوش ۲۲:۲۴
۷:۴
پیدا ۱۱:۲۴

۱-۳:۴ حالا دیگر مخالفت علیه عیسی، بخصوص از طرف فریسی ها، شدت گرفته بود. آنها از اینکه او مشهور شده بود، ناراحت بودند و از پیغام او که تعالیم ایشان را زیر سؤال برده بود، نفرت داشتند. از آنجا که عیسی هنوز در ابتدای خدمتش بود، زمان آن نبود که با این رهبران بطور علنی مقابله کند؛ از اینرو، اورشلیم را ترک کرد و بطرف شمال یعنی جلیل رفت.

۴:۴ وقتی مملکت شمالی که پایتختش سامره بود تسلیم آشوری ها شد، بسیاری از یهودیان از سامره اخراج شدند، و بیگانگان بجای آنها در این سرزمین اسکان داده و باعث برقراری صلح در منطقه شدند (۲ پادشاهان ۲۴:۱۷). از دید یهودیانی که در یهودیه زندگی می کردند، نسلی که از ازدواج این بیگانگان و باقیمانده یهودیان در سامره بوجود آمد، نسلی مختلط و ناخالص بود. از اینرو، یهودیان خالص از این نژاد مختلط که سامری نامیده می شدند، متنفر بودند، چون احساس می کردند این نسل به ملت و قوم خود خیانت کرده اند. یهودیان نهایت تلاش خود را می کردند تا از سامره عبور نکنند. اما عیسی دلیلی نمی دید که با این قبیل محدودیت های فرهنگی سازش کند، از این جهت مستقیماً از سامره عبور کرد.

۵-۷:۴ چاه یعقوب جزء مایملکی بود که در ابتدا از آن یعقوب بود. خود چاه احتمالاً بیش از ۷۰ متر عمق داشته است. این چاه از خودش آب نداشت، بلکه آب باران و شبنم در آن جمع می شد. چاه های آب اکثراً بیرون شهر و

۳۳-۳۵:۳ تمام زندگی روحانی ما از جواب این یک سؤال که «عیسی مسیح کیست»، مشخص می شود. اگر شما عیسی را فقط بعنوان پیغمبر یا معلم پذیرفته باشید، تعالیم پیامبرانه او را رد کرده اید، چون او ادعا کرد فرزند خداست. نبض انجیل یوحنا این حقیقت پویاست که عیسی مسیح فرزند خدا، مسیح موعود، و نجات دهنده است که از ابتدا بوده و تا ابد خواهد بود. حقیقت پویا این است که همین عیسی ما را دعوت کرده است تا او را بپذیریم و با او تا ابد زندگی کنیم. وقتی فهمیدیم عیسی کیست، ناگزیریم او را شخصاً بپذیریم.

۳۶:۳ عیسی می گوید کسانی که به او ایمان می آورند، زندگی جاوید دارند (نه اینکه زندگی جاوید خواهند داشت). بنابراین، زندگی جاوید در لحظه تولد تازه شروع می شود. دریافت زندگی جاوید به معنای برخورداری از حیات خدا می باشد، حیاتی که ذاتاً جاودانی است. دریافت این زندگی در این دنیا، زندگی جاودانی با خدا را تضمین می کند.

۳۶:۳ یوحنا نشان می دهد که عیسی فرزند حقیقی خداست. او بزرگترین انتخاب زندگی را در مقابل ما می گذارد. ما امروز مسؤولیم که تصمیم بگیریم که چه کسی را پیروی خواهیم کرد (یوش ۱۵:۲۴)؛ خدا از ما می خواهد که زندگی را انتخاب کنیم (تثنیه ۱۵:۳۰-۲۰). تصمیم به موکول کردن این انتخاب به آینده، به معنای انتخاب نکردن پیروی از مسیح است. تصمیم نگرفتن بسیار خطرناک است.

نزدیک دهکده «سوخار» به «چاه یعقوب» رسید. این چاه در زمینی است که یعقوب به پسر خود یوسف داده بود. عیسی از رنج سفر خسته و از گرمای آفتاب تشنه، کنار چاه نشست.

ظهر بود و شاگردان او برای خرید خوراک به ده رفته بودند.

در همین وقت، یکی از زنان سامری سر چاه آمد تا آب بکشد. عیسی از او آب خواست.

^۹ زن تعجب کرد که یک یهودی از او آب می‌خواهد، زیرا یهودیان با تنفیری که از سامریها داشتند، با آنان حتی سخن نمی‌گفتند، چه رسد به اینکه چیزی از آنان بخواهند؛ و زن این مطلب را به عیسی گوشزد کرد.

^{۱۰} عیسی جواب داد: «اگر می‌دانستی که خدا چه هدیه‌ی عالی می‌خواهد به تو بدهد و اگر می‌دانستی که من کیستم، آنگاه از من آب حیات می‌خواستی.»

^{۱۱} زن گفت: «تو که دَلُو و طناب نداری و چاه هم که عمیق است؛ پس این آب حیات را از کجا می‌آوری؟» ^{۱۲} مگر تو از جد ما یعقوب بزرگتری؟ چگونه می‌توانی آب بهتر از این به ما بدهی، آبی که یعقوب و پسران و گله‌ی او از آن می‌نوشیدند؟»

^{۱۳} عیسی جواب داد: «مردم با نوشیدن این آب، باز هم تشنه می‌شوند. ^{۱۴} ولی کسی که از آبی که من می‌دهم بنوشد، ابداً تشنه نخواهد شد، بلکه آن آب در وجودش تبدیل به چشمه‌ای جوشان خواهد شد و او را به زندگی جاوید خواهد رساند.»

۹:۴

۲ پاد ۲۴:۱۷

عز ۴

متی ۵:۱۰

یو ۴:۸

اعما ۴۸:۱۰

۱۰:۴

اش ۳:۱۲ : ۳:۴۴

ار ۱۳:۲

یو ۳۹-۳۷:۷

اقرن ۱۳:۱۲

مکا ۶:۲۱ : ۱۷:۲۲

۱۴:۴

یو ۳۵:۶ : ۳۷:۷ و ۳۸

در کنار جاده اصلی قرار داشت. زنان روزی دو بار، صبح و عصر برای کشیدن آب به سر چاه می‌آمدند. اما این زن ظهر به سر چاه آمد؛ شاید بخاطر بدنام بودنش نمی‌خواست با مردم برخوردی داشته باشد. اینجا عیسی پیغام عجیبی درباره آب تازه و خالص به او داد، آبی که تشنگی روحانی او را تا ابد رفع خواهد کرد.

۷:۴-۹ این زن (۱) سامری بود، یعنی از نژاد مختلطی بود که یهودیان از آنها نفرت داشتند؛ (۲) بدنام بود؛ و (۳) در یک محل عمومی حضور داشت. هیچ مرد محترم یهودی در چنین شرایطی با یک زن حرف نمی‌زد. اما عیسی این کار را کرد. انجیل برای همه است، از هر نژاد، مقام اجتماعی، یا گذشته گناه‌آلود. ما باید آماده باشیم که پیغام انجیل را در هر وقت و در هر جا به دیگران برسانیم. عیسی همه موانع را برای رساندن پیغام انجیل روی صلیب می‌خکوب کرد، و ما که او را پیروی می‌کنیم کاری کمتر از او نباید انجام دهیم.

۱۰:۴ منظور عیسی از «آب زندگانی» چه بود؟ در عهدعتیق آیات زیادی وجود دارد که درباره تشنگی برای

خدا سخن می‌گوید (مزمور ۱:۴۲؛ اشعیا ۵۵:۱؛ ارمیا ۱۳:۲؛ زکریا ۱:۱۳). خدا چشمه زندگی نامیده شده است (مزمور ۹:۳۶؛ ارمیا ۱۳:۱۷). عیسی فرمود که آب حیاتی خواهد داد که تا ابد تشنگی برای خدا را در شخص رفع می‌کند. او با این گفته، ادعا کرد که همان مسیح موعود است. فقط مسیح موعود می‌توانست این هدیه رایگان را ارزان‌تر دارد تا نیاز ذاتی روح انسان را برطرف سازد.

۱۳:۴-۱۵ بسیاری از جنبه‌های زندگی روحانی شخص شبیه جنبه‌های زندگی جسمانی اوست. همان‌طور که بدن گرسنه و تشنه می‌شود، روح ما هم گرسنه و تشنه می‌شود. روح ما به غذا و آب روحانی نیاز دارد. آن زن دو نوع آب را با هم اشتباه گرفت، شاید چون پیش از آن هیچ کس دیگری با او درباره گرسنگی و تشنگی روحانی‌اش سخن نگفته بود. محروم کردن بدنمان از غذا و آب دور از ذهن است. پس چرا باید روح خود را از خوراک محروم کنیم؟ کلمه حیات، عیسی مسیح، و کلام مکتوب خدا، یعنی کتاب مقدس، می‌تواند گرسنگی و تشنگی روح ما را برطرف سازد.

۱۵ زن گفت: «آقا، خواهش می‌کنم قدری از آن آب به من بدهید تا دیگر تشنه نشوم و مجبور نباشم هر روز این راه را بیایم و برگردم.»
 ۱۶ ولی عیسی فرمود: «برو شوهرت را بیاور.»
 ۱۷ زن جواب داد: «شوهر ندارم.»
 عیسی فرمود: «راست گفتی.»^{۱۸} تابحال پنج بار شوهر کرده‌ای، و این مردی که اکنون با او زندگی می‌کنی، شوهر تو نیست. عین حقیقت را گفتی!
 ۱۹ زن که مات و مهوت مانده بود، گفت: «آقا، آیا شما پیامبرید!»^{۲۰} و بلافاصله موضوع گفتگو را عوض کرد و گفت: «چرا شما یهودیها اینقدر اصرار دارید که فقط اورشلیم را محل پرستش خدا بدانید، در صورتی که ما سامری‌ها مثل اجدادمان این کوه را محل عبادت می‌دانیم؟»
 ۲۱ عیسی جواب داد: «ای زن حرفم را باور کن. زمانی می‌رسد که برای پرستش «پدر»، نه به این کوه رو خواهیم آورد و نه به اورشلیم.^{۲۲} شما سامری‌ها درباره کسی که می‌پرستید چیزی نمی‌دانید اما ما یهودی‌ها او را می‌شناسیم، زیرا نجات بوسیله یهود به این دنیا می‌رسد.^{۲۳} اما زمانی می‌آید، و در واقع همین الان است، که پرستندگان واقعی، «پدر» را به روح و راستی پرستش خواهند کرد. «پدر» طالب چنین پرستندگانی هست.^{۲۴} زیرا خدا روح است، و هر که بخواهد او را پرستد، باید به روح و راستی پرستد.

۱۵:۴
یو ۴:۳۴

۱۹:۴
لو ۱۶:۷
۲۰:۴
پیدا ۱۲:۷و ۱۸:۳۳ ؛
داو ۷:۹
تث ۵:۱۲
۲ تو ۱۲:۷
۲۱:۴
ملا ۱۱:۱
اتیمو ۸:۲
۲۲:۴
۲ یاد ۱۷:۲۸-۴۱
اش ۳:۲
اعما ۱۷:۲۴-۲۹
روم ۳:۲ ؛ ۴:۹و
۲۴و۲۳:۴
۲ قرن ۱۷:۳و ۱۸
فیل ۳:۳

بحث را عوض کنند. ما در شهادت‌مان باید آرام‌آرام موضوع صحبت را به مسیری بکشانیم که شخص تصمیم بگیرد چه موضعی نسبت به مسیح اتخاذ کند.
 ۲۰:۴-۲۴ این زن موضوع محل درست عبادت را که مسأله داغ الهیاتی آن زمان بود، مطرح کرد. اما عیسی موضوع گفتگو را برگرداند و درباره نیازهای شخصی او سخن گفت. این سؤال که «در کجا عبادت کنیم؟» وسیله‌ای بود در دست آن زن برای پوشاندن عمیق‌ترین نیازش. عیسی او را به این سؤال کشاند که «چطور عبادت کنیم و برای عبادت به کمک چه کسی احتیاج داریم؟»
 ۲۱:۴-۲۴ روح‌القدس چطور ما را در عبادت یاری می‌کند؟ روح‌القدس برای ما دعا می‌کند (رومیان ۸:۲۶)، سخنان مسیح را به ما تعلیم می‌دهد (یوحنا ۱۴:۲۶)، و به ما کمک می‌کند تا محبت و عشق خدا را نسبت به خودمان احساس کنیم (رومیان ۵:۵).
 ۲۲:۴ وقتی عیسی فرمود: «نجات بوسیله یهود به این دنیا می‌رسد»، منظورش این بود که نجات فقط از طریق خودش که یهودی بود، به مردم می‌رسد؛ مقرر بود که تمام مردم جهان از طریق او نجات بیابند. خدا وعده داد که نجات همه ملل و اقوام از طریق یهود خواهد بود

۱۵:۴ این زن به اشتباه فکر کرد که اگر آبی را که عیسی می‌دهد بدست آورد، دیگر لازم نخواهد بود هر روز به سر چاه بیاید. او به پیغام عیسی علاقمند شد چون فکر کرد که به این ترتیب می‌تواند راحت‌تر زندگی کند. اما اگر همیشه اینطور بود، مردم پیغام مسیح را فقط برای اینکه زندگی‌شان راحت‌تر، سالم‌تر، یا غنی‌تر شود، می‌پذیرفتند. پیغام مسیح برای این است که ما را از درون عوض کند. مسیح ما را از مشکلات دور نمی‌سازد، بلکه به ما کمک می‌کند تا با دیدی درست با آنها مواجه شویم.
 ۱۵:۴ این زن در همان لحظه درک نکرد عیسی درباره چه چیز سخن می‌گوید. مدتی طول می‌کشد تا چیزی را که اساس زندگی‌تان را تغییر می‌دهد، بپذیرید. عیسی به این زن فرصت داد تا از او سؤال کند و خودش به نتیجه برسد. رساندن پیغام انجیل همیشه نتیجه فوری بدنبال ندارد. وقتی از مردم می‌خواهید تا اجازه دهند عیسی زندگی‌شان را تغییر دهد، به آنها وقت بدهید تا مسأله را درست بسنجند.
 ۱۶:۴-۱۹ وقتی این زن دریافت که عیسی همه چیز را درباره زندگی خصوصی او می‌داند، فوراً موضوع بحث را عوض کرد. مردم اغلب از صحبت درباره گناهان یا مشکلاتشان ناراحت می‌شوند و سعی می‌کنند موضوع

۲۵:۴ زن گفت: «من می‌دانم که مسیح به زودی می‌آید. شما یهودی‌ها هم این را قبول دارید و وقتی او بیاید همهٔ مسایل را برای ما روشن خواهد کرد.»
 ۲۶:۴ عیسی فرمود: «من همان مسیح هستم!»

۲۵:۴
 تث ۱۵:۱۸
 ۲۶:۴
 مر ۶:۱۴ و ۶:۲
 یو ۲۴:۸ ؛ ۳۵-۳۷

گفتار عیسی دربارهٔ محصول روحانی

(۲۸)

۲۷ در همین وقت، شاگردان عیسی از راه رسیدند و وقتی دیدند او با یک زن گفتگو می‌کند، تعجب کردند، ولی هیچیک از ایشان جرأت نکرد پرسد چرا با او صحبت می‌کند.

۲۸ آنگاه زن کوزهٔ خود را همانجا کنار چاه گذاشت و به ده بازگشت و به مردم گفت: ۲۹ «بیایید مردی را ببینید که هر چه تابحال کرده بودم، به من بازگفت. فکر نمی‌کنید او همان مسیح باشد؟» ۳۰ پس مردم از ده بیرون ریختند تا عیسی را ببینند.

۲۹:۴
 یو ۳۱:۲۶-۷

۳۱ در این میان، شاگردان اصرار می‌کردند که عیسی چیزی بخورد. ۳۲ ولی عیسی به ایشان گفت: «من خوراکی دارم که شما از آن خبر ندارید.»

۳۳ شاگردان از یکدیگر پرسیدند: «مگر کسی برای او خوراک آورده است؟»
 ۳۴ عیسی فرمود: «خوراک من این است که خواست خدا را بجا آورم و کاری را که بعهدهٔ من گذاشته است انجام دهم. ۳۵ آیا فکر می‌کنید وقت برداشت محصول چهار ماه دیگر، در آخر تابستان است؟ نگاهی به اطرافتان بیندازید تا ببینید که مزرعه‌های وسیعی از جانهای مردم برای درو آماده است. ۳۶ دروگران مزد خوبی می‌گیرند تا این محصول را در انبارهای آسمانی ذخیره کنند. چه

۳۴:۴
 ایو ۱۲:۲۳
 یو ۵:۳۶ ؛ ۳۶:۳۰ ؛ ۳۸:۶ ؛
 ۴:۱۷ ؛ ۱۹:۲۸-۳۰
 ۳۵:۴
 متی ۳۷:۳۸ و ۳۷
 لو ۲:۱۰
 ۳۶:۴
 دان ۳:۱۲
 اقرن ۳:۹ ؛ ۹:۱۷-۱۹

۳۵:۴ بعضی اوقات، مسیحیان با این دلیل که اعضای خانواده یا دوستانشان حاضر نیستند ایمان بیاورند، خود را از شهادت دادن معاف می‌کنند. با وجود این، عیسی مشخص کرد که در اطراف ما همیشه محصولی هست که انتظار ما را می‌کشد تا آن را درو کنیم. نگذارید عیسی شما را در حال عذر و بهانه آوردن ببیند. به اطرافتان نگاه کنید! کسانی را خواهید یافت که آماده شنیدن کلام خدا هستند.

۳۶:۴-۳۸ مزدی که عیسی می‌دهد، شادی کار برای او و دیدن محصولی از ایمانداران است. معمولاً کارنده چیزی جز بذر نمی‌بیند، درحالی که پاداش عظیمی که محصول باشد، نصیب دروکننده می‌شود. اما در کار عیسی، هر دو پاداش خواهند گرفت، چون هم کارنده و هم دروکننده شاهد آمدن ایمانداران تازه به ملکوت مسیح خواهند بود.

(پیدایش ۳:۱۲). انبیای عهدعتیق یهودیان را فرا خواندند تا برای دیگر ملل جهان نور باشند، و خدا را به آنها بشناسانند؛ آنها آمدن مسیحای یهودی را که قرار بود برای نجات قوم و همه مردم جهان بیاید، پیشگویی کردند. زن کنار چاه آب، بخوبی از این قسمت‌های کتب مقدسه مطلع بود، چون او منتظر آمدن مسیح موعود بود. اما او تشخیص نداد که با همان کسی سخن می‌گوید که عهدعتیق دربارهٔ او پیشگویی کرده بود.

۳۴:۴ خوراکی که عیسی راجع به آن سخن می‌گوید، فقط مطالعه کتاب مقدس، دعا، یا حضور یافتن در کلیسا را شامل نمی‌شود. علاوه بر اینها، ما با انجام اراده خدا و با کمک به گسترش کار نجات او تغذیه می‌شویم. ما نه تنها با چیزهایی که می‌گیریم، بلکه با چیزهایی که برای خدا می‌دهیم نیز تغذیه می‌شویم.

برکت عظیمی نصیب کارنده و دروکننده می‌شود! ^{۳۷} این مثل، اینجا هم صدق می‌کند که دیگران کاشتند و ما درو کردیم. ^{۳۸} من شما را می‌فرستم تا محصولی را درو کنید که زحمت کاشتنش را دیگران کشیده‌اند. زحمت را دیگران کشیده‌اند و محصول را شما جمع می‌کنید!»

۳۷:۴
ایو ۸:۳۱
میکا ۱۵:۶

ایمان آوردن بسیاری از سامری‌ها به عیسی (۲۹)

^{۳۹} آن زن به هر که در آن ده می‌رسید، سخنان عیسی را بازگو می‌کرد و می‌گفت: «این شخص هرچه در عمرم کرده بودم، به من بازگفت!» از این جهت، بسیاری از سامری‌ها به عیسی ایمان آوردند. ^{۴۰} وقتی آنان بر سر چاه آب نزد عیسی آمدند، خواهش کردند که به ده ایشان برود. عیسی نیز رفت و دو روز با ایشان ماند. ^{۴۱} در همین دو روز، بسیاری به پیغام او گوش دادند و به او ایمان آوردند. ^{۴۲} آنگاه به آن زن گفتند: «ما دیگر فقط بخاطر سخنان تو به او ایمان نمی‌آوریم، زیرا خودمان پیغام او را شنیده‌ایم و ایمان داریم که او نجات دهنده جهان است.»

۴۲:۴
اش ۶:۴۹
متی ۲۱:۱
لو ۲۹:۲-۳۱
یو ۲۹:۱-۲۹:۱۷
اعما ۳۱:۵-۲۳:۱۳
افس ۱۳:۲
فیل ۲۰:۳
اتیمو ۱۵:۱
ایو ۱۴:۴

موعظه در جلیل

(۳۰ / متی ۱۲:۴-۱۷؛ مرقس ۱:۱۵-۱۵؛ لوقا ۴:۱۴ و ۱۵)

^{۴۳} بعد از دو روز، عیسی از آنجا به ایالت جلیل رفت، ^{۴۴} چون همانطور که خود می‌گفت: «پیامبر همه جا مورد احترام مردم است، جز در دیار خویش.» ^{۴۵} وقتی به جلیل رسید، مردم با آغوش باز از او استقبال کردند، زیرا در روزهای عید در اورشلیم، معجزات او را دیده بودند.

۴۴ و ۴۳:۴
متی ۵۷:۱۳
مر ۴:۶
لو ۲۴:۴
۴۵:۴
تث ۱۶:۱۶

شفای پسر افسر

(۳۱)

^{۴۶ و ۴۷} در این سفر، به شهر قانا نیز رفت، همانجایی که در جشن عروسی آب را

۴۶:۴
یو ۲۳:۱۱، ۱:۲

مردم این تغییرات را می‌بینند، کنجکاو می‌شوند. از این فرصت‌ها برای معرفی مسیح به آنها استفاده کنید. **۴۶:۴ و ۴۷** این افسر احتمالاً در خدمت هیروودیس بود. او ۳۰ کیلومتر راه را برای دیدن عیسی پیمود و او را «آقا» خطاب کرد. با این کلام، او خود را زیردست عیسی به حساب آورد با آنکه از نظر قانونی بر عیسی برتری داشت.

عبارت «زحمت را دیگران کشیده‌اند» (۳۸:۴) می‌تواند به انبیای عهدعتیق و یا یحیای تعمیددهنده اشاره داشته باشد. **۳۹:۴** زن سامری فوراً تجربه خود را با دیگران در میان گذاشت. علیرغم بدنام بودنش، مردم دعوت او را پذیرفتند و برای ملاقات عیسی به سر چاه آمدند. شاید در زندگی گذشته‌مان گناهایی وجود داشته باشد که بخاطر آنها شرمسار باشیم. اما عیسی ما را عوض می‌کند؛ و وقتی

تبدیل به شراب کرده بود. وقتی عیسی در آنجا بسر می‌برد، افسری که پسرش بیمار بود، از شهر کفرناحوم نزد او آمد. او شنیده بود که عیسی از ایالت یهودیه حرکت کرده و به جلیل رسیده است. پس به قانا آمده، عیسی را یافت و از او خواهش کرد تا بیاید و پسر او را شفا دهد، چون پسرش در آستانهٔ مرگ بود.

۴۸ عیسی پرسید: «تا معجزات بسیار نبینید، ایمان نخواهید آورد؟»

۴۹ آن افسر التماس کرد و گفت: «خواهش می‌کنم تا پسرم نمرده، بیایید و او را شفا دهید.»

۵۰ آنگاه عیسی فرمود: «برگرد به خانه؛ پسرت شفا یافته است.» آن مرد به گفتهٔ عیسی اطمینان کرد و به شهر خود بازگشت. ۵۱ هنوز در راه بود که خدمتکارانش به او رسیدند و با خوشحالی مژده داده، گفتند: «ارباب، پسر تان خوب شد!»

۵۲ پرسید: «کی حالش بهتر شد؟» گفتند: «دیروز در حدود ساعت یک بعد از ظهر، ناگهان تب او قطع شد.» ۵۳ پدر فهمید که این همان لحظه‌ای بود که عیسی فرمود: «پسرت شفا یافته است.» پس با تمام خانوادهٔ خود ایمان آورد که عیسی همان مسیح است.

۵۴ این دومین معجزهٔ عیسی بود که بعد از بیرون آمدن از یهودیه، در جلیل انجام داد.

۴۸:۴

اقرن ۲۲:۱

عبر ۴:۲

۵۳:۴

اعما ۱۴:۱۱ : ۲۴:۱۶

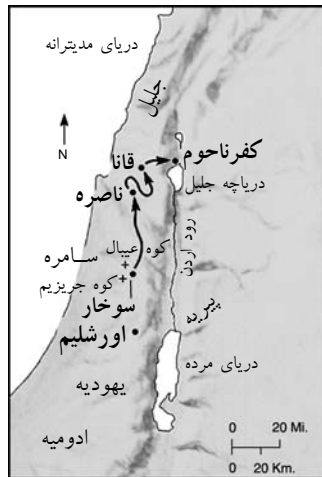
۵۴:۴

یو ۱۱:۲

از غیریهودیان نشان می‌دهد. این افسر ایمان داشت که عیسی می‌تواند هر چه ادعا می‌کند، انجام دهد. او ایمان آورد، بنابراین معجزه را هم دید.

۵۰:۴ این افسر نه تنها ایمان داشت که عیسی می‌تواند شفا دهد، بلکه با بازگشت به خانه از عیسی اطاعت هم کرد، یعنی ایمانش را نشان داد. کافی نیست که بگوییم ما ایمان داریم که عیسی می‌تواند مشکلاتمان را رفع کند، بلکه باید این را در عمل نشان دهیم. وقتی برای احتیاج یا مشکلی دعا می‌کنید، طوری زندگی کنید که نشان دهید ایمان دارید که عیسی می‌تواند به آنچه می‌گویید عمل کند.

۵۱:۴ این نشان می‌دهد که معجزات عیسی توهم و خیال نبود. با آنکه پسر آن افسر ۳۰ کیلومتر دورتر از عیسی بود، اما در همان موقع که عیسی فرمود که «پسرت شفا پیدا کرده است»، پسر شفا یافته بود. مسافت مانعی ایجاد نمی‌کند چون مسیح بر فاصله مکانی تفوق دارد. ما هرگز نمی‌توانیم بقدری بین خود و مسیح فاصله ایجاد کنیم که او دیگر نتواند به ما کمک کند.



عیسی به جلیل باز می‌گردد

عیسی دو روز در سوخار ماند، سپس به جلیل رفت. او قبل از رسیدن به قانا، از ناصره و شهرهای دیگر جلیل دیدن کرد. از آنجا او کلام شفافیتش خود را بکار برد و در کفرناحوم پسر یک افسر را شفا داد. انجیل متی به ما می‌گوید که عیسی بعد از آن در کفرناحوم ماند (متی ۴:۱۲ و ۱۳).

۴۸:۴ این معجزه صرفاً لطفی در حق این افسر نبود بلکه علامتی بود برای همه مردم. انجیل یوحنا که برای همه انسانها نوشته شده است، خدمت عیسی را به قشر دیگری

شفای مرد لنگ کنار استخر

(۴۲)

پس از مدتی، عیسی به اورشلیم بازگشت تا در مراسم یکی از اعیاد یهود شرکت کند.^۲ داخل شهر، نزدیک دروازه‌ای به نام «دروازه گوسفند»، استخری بود به نام «بیت حسدا»، با پنج سکوی سرپوشیده در اطرافش.^۳ در آنجا دسته‌دسته بیماران کور و لنگ و افلیج بر روی زمین دراز کشیده بودند و منتظر بودند آب استخر تکان بخورد. (زیرا معتقد بودند که هر چند وقت یکبار، فرشته‌ای از آسمان می‌آید و آب استخر را تکان می‌دهد و اولین کسی که داخل استخر شود، شفا می‌یابد.)

یکی از بیمارانی که در آنجا بود، مردی بود که سی و هشت سال تمام زمینگیر بود.^۶ وقتی عیسی او را دید و پی برد که بیماری‌اش طول کشیده است، پرسید: «می‌خواهی شفا بیایی؟»

بیمار جواب داد: «دیگر رمقی در بدنم نمانده است. کسی را نیز ندارم که وقتی آب تکان می‌خورد، مرا در استخر بیندازد. تا می‌آیم بخود حرکتی بدهم، می‌بینم که قبل از من، دیگری داخل آب شده است.»

عیسی به او فرمود: «برخیز، بستر را جمع کن و به خانه برو!»^۸ همان لحظه بیمار شفا یافت و بستر خود را جمع کرد و به راه افتاد. ولی آن روز که عیسی این معجزه را کرد، شنبه، روز استراحت یهودیان بود.

۱:۵
لاو: ۲۳: ۲
تث: ۱: ۱۶
یو: ۱۳: ۲
۲: ۵
نح: ۱۳: ۱۲ + ۳۹

۶:۵
مز: ۱۳۷: ۲ + ۱۱۳: ۵
عبر: ۱۳: ۴

۸:۵
متی: ۶: ۹
مر: ۱۱: ۲
لو: ۲۴: ۵

شما دارد. بسیاری توانسته‌اند به دردمندان و رنجدیدگان خدمت مؤثری کنند، چون خودشان بر آسیبها و دردهای خود پیروز شده‌اند.

۱:۵ در بین اعیاد یهود، سه عید بود که همه مردان یهودی می‌بایست برای شرکت در آنها به اورشلیم می‌رفتند. این سه عید عبارت بودند از (۱) عید پسخ و عید فطیر، (۲) عید هفته‌ها (که عید پنطیکاست هم نامیده می‌شد)، و (۳) عید خیمه‌ها.

۴ و ۳: ۵ معلوم نیست که آیا واقعاً فرشته‌ای آب استخر را تکان می‌داد، یا این فقط اعتقاد مردم بود. در هر صورت، عیسی این مرد را که سالها منتظر مانده بود تا شفا بیابد، شفا داد.

۶: ۵ عیسی سؤال مناسبی از آن مرد کرد. او پرسید: «می‌خواهی شفا بیایی؟» بعد از ۳۸ سال، مشکل این مرد، جزو زندگی روزمره‌اش شده بود. هیچ کس تا به آن موقع به او کمک نکرده بود. او دیگر امیدی به شفا یافتن نداشت و تمایلی نداشت چاره‌ای برای خود بیندیشد. هر چقدر هم که حس کنیند در نقایص خود محبوسید، خدا می‌تواند در بغرنج‌ترین نیازهایتان به شما کمک کند. نگذارید مشکل یا درد و رنج باعث شود امیدتان را از دست بدهید. خدا علیرغم شرایط شما، یا حتی بخاطر شرایط ویژه شما، کار خاصی برای

عیسی در اورشلیم
تعلیم می‌دهد
بین فصل‌های چهار و
پنج انجیل یوحنا،
عیسی در سرتاسر
جلیل، بخصوص در
کفرناحوم، خدمت
کرد. او برخی را
دعوت کرده بود تا
او را پیروی کنند، اما
بعد از سفرش به
اورشلیم بود (۵: ۱)
که از بین کسانی
که از آنها دعوت
بعمل می‌آورد،
۱۲ شاگرد خود را
انتخاب کرد.



۱۰:۵

خرو ۱۰:۲۰ ؛ نغ ۱۹:۱۳
 ار ۲۱:۱۷ ؛ متی ۲:۱۲
 مر ۲۴:۲ ؛ ۴:۳
 لو ۲:۶ ؛ ۱۴:۱۳

۱۰ پس سران قوم اعتراض کنان به مردی که شفا یافته بود گفتند: «چه می کنی؟ مگر نمی دانی امروز شنبه است و نباید کاری انجام دهی؟ پس چرا رختخواب را جمع می کنی؟»

یوحنا	لوقا	مرقس	متی	عیسی ادعا کرد که:	ادعاهای مسیح
۲۲:۲ ؛ ۴۵:۵-۴۷ ؛ ۴۵:۶ ؛ ۴۰:۷ ؛ ۳۶-۳۴:۱۰ ؛ ۱۸:۱۳ ؛ ۲۵:۱۵ ؛ ۹:۲۰	۲۱-۱۶:۴ ؛ ۲۳-۱۸:۷ ؛ ۳۷:۲۲ ؛ ۳۱:۱۸ ؛ ۴۴:۲۴	۶۲ ، ۶۱ ، ۲۱:۱۴	۱۷:۵ ؛ ۳۳:۱۴ ؛ ۱۷و۱۶:۱۶ ؛ ۳۱:۲۶ ، ۵۳-۵۶ ؛ ۴۳:۲۷	پیشگویی های عهدعتیق در او انجام شد	کسانی که زندگی مسیح را می خوانند با این سؤال اجتناب ناپذیر روبرو می شوند که آیا عیسی خدا بود. بخشی از هر نتیجه گیری منطقی باید شامل این حقیقت باشد که او ادعا کرد که خداست. ما راه دیگری بجز قبول یا عدم قبول ادعای او نداریم. زندگی جاودانی در گرو این انتخاب است.
۵۱:۱ ؛ ۱۴و۱۳:۳ ؛ ۲۷:۶ ، ۵۳ ؛ ۲۳:۱۲ ، ۳۴ (به توضیحات متن مراجعه کنید)	۲۲:۶ ؛ ۳۴و۳۳:۷ ؛ ۸:۱۲ ؛ ۲۲:۱۷ ؛ ۸:۱۸ ؛ ۳۱ ؛ ۱۰:۱۹ ؛ ۳۶:۲۱ (به توضیحات متن مراجعه کنید)	۳۸ ، ۳۱:۸ ، ۹:۹ ؛ ۴۵:۱۰ ؛ ۴۱:۱۴ (به توضیحات متن مراجعه کنید)	۸:۱۲ ؛ ۲۰:۸ ؛ ۲۷:۱۶ ؛ ۲۸:۱۹ ؛ ۱۹و۱۸:۲۰ ؛ ۲۷:۲۴ ، ۴۴ ؛ ۳۱:۲۵ ؛ ۲:۲۶ ؛ ۴۵ ، ۶۴ (به توضیحات متن مراجعه کنید)	پسر انسان اس	که خداست. ما راه دیگری بجز قبول یا عدم قبول ادعای او نداریم. زندگی جاودانی در گرو این انتخاب است.
۱۸:۱ ؛ ۳۶و۳۵:۳ ؛ ۱۸:۵ ؛ ۲۶-۴۰:۶ ؛ ۳۶:۱۰ ؛ ۴:۱۱ ؛ ۱:۱۷ ؛ ۷:۱۹ ؛ ۲۶و۲۵:۴ ؛ ۲۵و۲۴:۱۰ ؛ ۲۷:۱۱	۲۲:۱۰ ؛ ۲۸:۸	۱۲و۱۱:۳ ؛ ۶۲و۶۱:۱۴	۲۷:۱۱ ؛ ۳۳:۱۴ ؛ ۱۷و۱۶:۱۶ ؛ ۴۳:۲۷	پسر خداست	سبح موعود است
۲۶و۲۵:۴ ؛ ۲۵و۲۴:۱۰ ؛ ۲۷:۱۱	۲۷-۲۵:۲۴	۳۰و۲۹:۸	۱۰و۹:۲۳ ؛ ۶۴و۶۳:۲۶	سبح موعود است	معلم / استاد است
۱۴و۱۳:۳	۴۹و۴۸:۷	۱۲-۱:۲	۱۸:۲۶	معلم / استاد است	قدرت و اختیار دارد که گناهان را ببخشد
۱۴و۱۳:۳ ؛ ۲۸:۲۰		۱۹:۵		خداوند است	نجات دهنده است.
۹:۱۰ ؛ ۱۷:۳	۱۰:۱۹				

۱۰:۵ مردی که ۳۸ سال راه نرفته بود، شفا یافته بود، اما فریسیان بیشتر به فکر قوانین پیش پا افتاده خودشان بودند تا زندگی و سلامتی یک انسان. خیلی آسان است که در مقررات و قوانین ساخته و پرداخته انسان گرفتار شویم طوری که گرفتاری های مردم را فراموش کنیم. آیا روشهای شما برای زندگی، از جانب خداست یا ساخته و پرداخته انسان است؟ آیا این روشها به مردم کمک می کند، یا سنگ لغزشی است در زندگی آنها؟

۱۰:۵ از نظر فریسی ها، جمع کردن رختخواب در روز شنبه کار محسوب می شد، و بنابراین مجاز نبود. جمع کردن رختخواب در روز شنبه، حکم عهدعتیق را نمی شکست، بلکه تفسیر فریسیان از این حکم را می شکست، حکمی که می گفت: «روز سبت را به یاد داشته باش و آن را مقدس بدار» (خروج ۸:۲۰). این فقط یکی از صدها قانونی بود که آنها به احکام عهدعتیق اضافه کرده بودند.

۱۱ جواب داد: «آن کسی که مرا شفا داد، به من گفت چنین کنم.»

۱۲ پرسیدند: «چه کسی به تو چنین دستوری داده است؟»

۱۳ آن مرد جوابی نداشت بدهد چون عیسی در میان جمعیت ناپدید شده بود.

۱۴ ولی بعد، عیسی در خانه خدا او را یافت و فرمود: «ببین، تو دیگر شفا پیدا کرده‌ای، حالا اگر می‌خواهی وضعت بدتر از اول نشود، از گناهان سابق دست بکش.»

۱۵ او نزد سران قوم رفت و گفت: «کسی که مرا شفا داد، عیسی است.»

عیسی ادعا می‌کند که پسر خداست

(۴۳)

۱۶ پس، ایشان به آزار و اذیت عیسی پرداختند و او را متهم به قانون‌شکنی کردند

چون روز شنبه این معجزه را انجام داده بود. ۱۷ ولی عیسی جواب داد: «پدر من

خدا همیشه کارهای نیک انجام می‌دهد، و من نیز از او پیروی می‌کنم.»

۱۸ این حرف عیسی، سران قوم را در ریختن خون او مصمم‌تر ساخت، چون نه

تنها قانون مذهبی را می‌شکست، بلکه خدا را نیز پدر خود می‌خواند و به این

ترتیب خود را با خدا برابر می‌ساخت.

۱۹ عیسی ادامه داد: «باور کنید که من به میل خود کاری انجام نمی‌دهم، بلکه

فقط کارهایی را که از پدر خود می‌بینم، بعمل می‌آورم. ۲۰ زیرا پدرم خدا مرا

دوست دارد و هر چه می‌کند، به من می‌گوید. من معجزه‌های بزرگتر از شفای

این مرد انجام خواهم داد تا شما تعجب کنید. ۲۱ حتی مرده‌ها را نیز زنده خواهم

۱۴:۵

۱۱:۸

۱۷:۵

یو ۹:۴ ؛ ۱۰:۱۴

۱۸:۵

اش ۶:۹

یو ۱۸:۱ ؛ ۱۸:۱۰ ؛ ۳۳:۳۰

۲۸:۲۰

فیل ۶:۲

تیظ ۱۳:۲

۲ پط ۱:۱

۱ یو ۵:۵

۱۹:۵

یو ۲۸:۸ ؛ ۴۹:۱۲ ؛ ۱۰:۱۴

۲۱:۵

یو ۱۱:۲۵

بگوید: «چه اتفاقی می‌افتد اگر خدا همه کارهایش را در روز شنبه متوقف کند؟» در این صورت، طبیعت دچار هرج و مرج می‌شود، و گناه جهان را واژگون می‌کند. عیسی توضیح می‌دهد که وقتی فرصت کار نیک (یا کار خدا) دست می‌دهد، حتی در روز شنبه هم نباید نسبت به انجام آن بی‌اعتنا بود.

۱۷:۵ عیسی خودش را با خدا، یعنی با پدرش یکی می‌دانست. فریسیان نیز خدا را پدر خود می‌خواندند، اما آنها متوجه شدند که عیسی مدعی داشتن رابطه منحصر بفردی با خداست. فریسیان در مقابل ادعای عیسی دو راه داشتند: یا به او ایمان بیاورند، یا او را متهم به کفرگویی کنند. آنها شق دوم را انتخاب کردند.

۱۹:۵-۲۳ عیسی بخاطر یکی بودنش با خدا، طوری زندگی کرد که خدا از او می‌خواست. ما نیز از آنجا که با عیسی متحد شده‌ایم، باید طوری زندگی کنیم که او از ما

۱۴:۵ این مرد قبلاً لنگ یا فلج بود، اما حالا می‌توانست راه برود. این، معجزه بزرگی بود. اما او به بخشش گناهان که معجزه بزرگتری بود، احتیاج داشت. این مرد خوشحال بود که جسماً شفا یافته است، اما او می‌بایست از گناهانش دست می‌کشید و بخشش خدا را می‌طلبید تا روحاً شفا یابد. بخشش خدا بزرگترین هدیه‌ای است که می‌توان دریافت کرد.

۱۷ و ۱۶:۵ سران قوم شاهد معجزه عظیم شفا و نیز شاهد شکسته شدن تفسیرشان از حکم تورات بودند. آنها توجه‌شان را معطوف شکسته شدن حکم کردند و معجزه را نادیده گرفتند، چون احکام و قوانین برای آنها مهم‌تر از معجزه بود. خدا آماده است کارهای عظیمی در زندگی ما انجام دهد، اما ما با محدود کردن دیدمان در مورد نحوه عمل خدا، ممکن است جلو معجزات او را بگیریم.

۱۷:۵ این عبارت به صورت «پدرم همیشه کار می‌کند»، نیز ترجمه شده است. به عبارت دیگر، عیسی می‌خواست

ساخت همانگونه که خدا این کار را می‌کند. ^{۲۲} پدرم خدا داوری گناهان تمام مردم را به من واگذار کرده، ^{۲۳} تا همه به من احترام بگذارند همانطور که به خدا احترام می‌گذارند. اگر به من که فرزند خدا هستم احترام نگذارید، در واقع به خدا که پدر من است احترام نگذاشته‌اید، زیرا اوست که مرا نزد شما فرستاده است. ^{۲۴} «باز تکرار می‌کنم: هر که به پیغام من گوش دهد و به خدا که مرا فرستاده است ایمان بیاورد، زندگی جاوید دارد و هرگز بخاطر گناهانش بازخواست نخواهد شد، بلکه از همان لحظه از مرگ نجات پیدا کرده، به زندگی جاوید خواهد پیوست. ^{۲۵} مطمئن باشید زمانی فرا خواهد رسید و در واقع الان فرا رسیده است که صدای من به گوش مرده‌ها خواهد رسید و هر که به آن گوش دهد، زنده خواهد شد. ^{۲۶} پدرم خدا در خود حیات دارد و به من نیز که فرزند او هستم عطا کرده تا در خود حیات داشته باشم. ^{۲۷} او به من اختیار داده است تا گناهان مردم را داوری کنم چون من پسر انسان نیز هستم. ^{۲۸} از این گفته من تعجب نکنید، چون وقت آن رسیده است که تمام مرده‌ها در قبر صدای مرا بشنوند ^{۲۹} و از قبر بیرون بیایند، تا کسانی که خوبی کرده‌اند، به زندگی جاوید برسند و کسانی که بدی کرده‌اند، محکوم گردند.

^{۳۰} «و اما من پیش از آنکه کسی را محاکمه نمایم، نخست با پدرم مشورت می‌کنم. هرچه خدا به من دستور دهد، همان را انجام می‌دهم، از این جهت محاکماتی که من می‌کنم کاملاً عادلانه است، زیرا مطابق میل و اراده‌ی خدایی است که مرا فرستاده، نه مطابق میل خودم.

آخرت. زندگی ما هدیه‌ای از جانب اوست (به تثنیه ۳۰:۲۰؛ مزمور ۹:۳۶ مراجعه کنید). از آنجا که عیسی تا جاودانگی با خدا که خالق است، هستی و وجود خواهد داشت، او نیز «زندگی» است (یوحنا ۱:۴) که از طریق او ما تا جاودانگی زنده می‌مانیم (به یوحنا ۱۱:۵ مراجعه کنید).

۲۷:۵ در عهدعتیق سه علامت درباره آمدن مسیح موعود ذکر شده است. در این فصل، یوحنا نشان می‌دهد که عیسی هر سه علامت را دارد. تمامی قدرت و حاکمیت به او که پسر انسان است، داده شده است (۲۷:۵) را با دانیال ۱:۷-۱۴ مقایسه کنید). لنگان و مریضان شفا می‌یابند (۵:۲۰، ۲۶) را با اشعیا ۶:۳۵؛ ارمیا ۹:۳۱ مقایسه کنید). مردگان زنده می‌شوند (۵:۲۸، ۲۱) را با تثنیه ۳۲:۳۹؛ اسموئیل ۲:۶؛ پادشاهان ۴:۳۲-۳۶ مقایسه کنید).

۲۹:۵ آنانی نیز که بر علیه مسیح طغیان کرده‌اند قیام خواهند کرد، اما به منظور شنیدن داوری خدا و محکومیت به یک زندگی جاودانی بدور از خدا.

می‌خواهد. سؤالاتی از قبیل «اگر عیسی بجای من بود چه کار می‌کرد؟» و «عیسی می‌خواهد من چه کار کنم؟» ممکن است ما را در انتخاب‌های درست کمک کند.

۲۴:۵ زندگی جاوید یعنی زندگی کردن با خدا تا ابد، زمانی شروع می‌شود که عیسی مسیح را بعنوان نجات‌دهنده بپذیریم. در آن لحظه، زندگی تازه در ما شروع می‌شود (۲قرنیتیان ۵:۱۷). با وجود این، ما جسماً خواهیم مرد، اما وقتی مسیح باز گردد، بدن ما را قیام خواهد داد تا برای همیشه زنده باشیم.

۲۵:۵ وقتی عیسی گفت که مرده‌ها صدای او را خواهند شنید، منظورش کسانی بود که روحاً مرده‌اند و در این حالت صدای او را می‌شنوند، آن را درک می‌کنند، و بعد او را می‌پذیرند. کسانی که کلام خدا را می‌پذیرند زندگی جاوید خواهند داشت.

۲۶:۵ خدا منبع و آفریننده زندگی است، چون جدا از خدا، نه در این دنیا حیات واقعی وجود دارد و نه در جهان

عیسی بر ادعاهایش صحنه می‌گذارد

(۴۴)

۳۱ «وقتی در بارهٔ خودم چیزی می‌گویم، شما باور نمی‌کنید. ۳۲ و ۳۳ پس شخصی دیگر را شاهد می‌آورم و او یحییای پیامبر است و به شما اطمینان می‌دهم که هر چه او در بارهٔ من می‌گوید، راست است. ۳۴ از این گذشته، شاهد اصلی من انسان نیست بلکه خداست. گفتم که یحیی شاهد است، تا شما به من ایمان آورید و نجات بیابید. ۳۵ یحیی مانند چراغی، مدتی روشن بود و شما از نورش استفاده کردید و شاد بودید. ۳۶ ولی من شاهدی بزرگتر از سخنان یحیی دارم و آن معجزاتی است که می‌کنم. پدرم به من گفته است این معجزه‌ها را بکنم و همین معجزه‌هاست که ثابت می‌کند خدا مرا فرستاده است. ۳۷ خدا خود گواه من است، خدایی که هرگز او را ندیده‌اید و صدایش را نشنیده‌اید. ۳۸ علتش نیز این است که شما به سخنان خدا گوش نمی‌دهید، چون نمی‌خواهید به من که با پیغام خدا پیش شما فرستاده شده‌ام، ایمان بیاورید.

۳۹ «شما کتاب آسمانی تورات را با دقت بخوانید، چون عقیده دارید که به شما زندگی جاوید می‌دهد. در صورتی که همان کتاب به من اشاره می‌کند و مرا به شما معرفی می‌نماید. ۴۰ با اینحال شما نمی‌خواهید نزد من بیایید تا زندگی جاوید را بدست آورید.

۴۱ «نظر و تأیید شما برای من هیچ ارزشی ندارد، ۴۲ زیرا شما را خوب می‌شناسم که در دلتان نسبت به خدا ذره‌ای محبت ندارید. ۴۳ من از جانب خدا آمده‌ام و شما مرا رد می‌کنید؛ ولی حاضرید کسانی را قبول کنید که از طرف خدا فرستاده نشده‌اند بلکه نمایندهٔ خود شما و از جنس خودتان می‌باشند! ۴۴ می‌دانید چرا نمی‌توانید به من ایمان بیاورید؟ چون می‌خواهید مردم به شما احترام بگذارند و به احترامی که از خدا می‌آید، توجهی ندارید.

۳۱:۵

یو ۱۴:۸

۳۲:۵

یو ۱:۱۵ و ۷:۱۵

۳۶:۵

یو ۳۸:۳۷، ۲۵:۱۰

۲۴:۱۵

ایو ۹:۵

۳۷:۵

تث ۱۲:۴

یو ۱۸:۱

۳۸:۵

یو ۳۷:۸

ایو ۱۴:۲

۳۹:۵

اش ۱۶:۳۴

لو ۲۵:۲۴

یو ۵۲:۷

اعما ۱۱:۱۷

روم ۱۷:۲

۴۱:۵

یو ۱۸:۷

متعصب بودند، نخواستند پسر خدا زندگی‌شان را عوض کنند.

۴۱:۵ رضایت چه کسی را می‌خواهید جلب کنید؟ علمای دینی از وجهه و اعتبار بالایی در اسرائیل برخوردار بودند، اما چنین تأییدی هیچ ارزشی برای عیسی نداشت. عیسی در پی این بود که رضایت خدا را جلب کند. این اصل خوبی برای ماست. حتی اگر بالاترین مقام انسانی در این دنیا از اعمال ما رضایت داشته باشد ولی خدا ما را تأیید نکند، باید نگران بود. اما اگر خدا از ما رضایت داشته باشد، حتی اگر دیگران از ما ناراضی باشند، باید خوشحال باشیم.

۳۱:۵ عیسی ادعا کرد که با خدا برابر است (۱۸:۵)، زندگی جاودانی می‌دهد (۲۴:۵)، سرچشمه زندگی است (۲۶:۵)، و گناه را داوری می‌کند (۲۷:۵). این گفته‌ها روشن می‌سازد که عیسی ادعا کرد که خداست.

۳۹:۵ علمای دینی می‌دانستند که کتاب مقدس چه می‌گوید، اما نمی‌توانستند گفته‌های کتاب را به زندگی خودشان ربط دهند. آنها تعالیم کتب مقدسه را فرا گرفته بودند، اما نمی‌توانستند بفهمند مسیح موعود به چه کسی اشاره دارد. آنها قوانین را می‌دانستند اما نجات‌دهنده را نشناختند. آنها که به نظام مذهبی ساخته خودشان

۴۵: «با اینحال، فکر نکنید که من در حضور خدا از شما شکایت می‌کنم. نه، کسی که از شما شکایت می‌کند، موسی است، همان موسی که به او امیدوارید. ۴۶ شما حتی به موسی ایمان ندارید، چون اگر داشتید، به من نیز ایمان می‌آوردید، برای اینکه موسی در کتاب تورات در باره من نوشته است. ۴۷ و چون نوشته‌های او را قبول ندارید، به من نیز ایمان نمی‌آورید.»

خوراک دادن به پنج هزار نفر

(۹/۱۴:۱۳-۲۱؛ مرقس ۶:۳۰-۴۴؛ لوقا ۹:۱۰-۱۷)

۶ پس از این رویداد، عیسی به آنسوی دریاچه جلیل رفت (دریاچه جلیل به دریاچه طبریه نیز معروف است)،^{۵۲} و سیل جمعیت بطرف او سرازیر شد! بیشتر ایشان زائران خانه خدا بودند که به شهر اورشلیم می‌رفتند تا در مراسم عید پَسَح شرکت کنند. هر جا که عیسی می‌رفت، ایشان نیز بدنبال او می‌رفتند تا ببینند چطور بیماران را شفا می‌بخشد. در آن حال، عیسی از تپه‌ای بالا رفت و شاگردانش دور او نشستند؛ آنگاه مردم را دید که دسته‌دسته بدنبال او از تپه بالا می‌آیند. عیسی رو به فیلیپ کرد و پرسید: «فیلیپ، ما از کجا می‌توانیم نان بخریم و این مردم را سیر کنیم؟»^{۵۳} عیسی این سؤال را از او کرد تا ببیند عقیده او چیست، چون عیسی خود می‌دانست چه کند. ۵۴ فیلیپ جواب داد: «خوارها نان لازم است تا بتوانیم این جمعیت را سیر کنیم.»

۴۵:۵

یو ۲۸:۹

روم ۱۷:۲

۴۶:۵

پیدا ۱۵:۳؛ ۳:۱۲؛ ۱۸:۱۸؛

۱۸:۲۲؛ ۱۰:۴۹

تث ۱۸:۱۵؛ ۱۸

لو ۴۴:۲۷؛ ۲۴

اعما ۲۳ و ۲۲

۴۷:۵

لو ۳۱:۱۶

۲:۶

متی ۱۴:۱۴

مر ۳۵:۶

لو ۱۲:۹

۶:۶

اعد ۲۲ و ۲۱؛ ۱۱

۷:۶

مر ۳۷:۶

کلمه عمل می‌کردند و حتی قوانینی هم خودشان به آنها اضافه کرده بودند. هشدار عیسی در این مورد که موسی از آنها شکایت خواهد کرد، حقیقتاً خشم آنها را برافروخت. موسی درباره عیسی نوشته بود (پیدایش ۱۵:۳؛ اعداد ۹:۲۱؛ ۱۷:۲۴؛ تثیبه ۱۵:۱۸)، با وجود این، وقتی عیسی آمد، علمای دینی از ایمان آوردن به او امتناع کردند. ۵:۶ اگر کسی می‌دانست از کجا باید غذا تهیه کرد، آن شخص فیلیپ بود. چون او از اهالی بیت صیدا بود، شهری که در نزدیکی آنها قرار داشت و در فاصله ۱۵ کیلومتری مکانی که آنها آنجا بودند، واقع بود (۴۴:۱). عیسی داشت فیلیپ را امتحان می‌کرد تا ایمانش را تقویت کند. عیسی با پیشنهاد راه‌حلی انسانی (با علم به اینکه هیچ راه‌حلی وجود ندارد)، عمل معجزه‌آسایی را که می‌رفت انجام دهد، برجسته کرد.

۵:۶-۷ عیسی از فیلیپ پرسید که از کجا می‌تواند مقدار زیادی نان بخرند. فیلیپ شروع کرد به برآورد کردن هزینه احتمالی. عیسی می‌خواست به او بیاموزد که چاره‌جویی برای مسأله مالی مهم‌ترین قسمت حل مشکل



عیسی روی آب راه می‌رود عیسی ۵۰۰۰ نفر را در کنار تپه‌ای در نزدیکی دریای جلیل در بیت صیدا خوراک داد. شاگردان از طریق دریا بسوی بیت صیدا یا کفرناحوم براه افتادند. اما با طوفان مواجه شدند و عیسی خرامان روی آب به طرف آنها رفت! آنها در جنیساتر لنگر انداختند (مرقس ۵:۳۶). از آنجا از راه دریا یا خشکی، به کفرناحوم بازگشتند.

۴۵:۵ فریبیان فخر می‌فروختند به اینکه پیروان واقعی جدهان موسی هستند. آنها به همه قوانین موسی کلمه به

۹:۶ یکی از شاگردان عیسی، «اندریاس» برادر شمعون پطرس، گفت: «پسر بچه‌ای اینجا است که پنج نان جو و دو ماهی دارد. ولی این به چه درد این جمعیت می‌خورد؟»

۱۰:۶ عیسی فرمود: «بگوئید همه بنشینند.» پس تمام جمعیت روی سبزه‌ها نشستند. فقط مردها در آن جمعیت، پنج هزار تن بودند.
 ۱۱ آنگاه عیسی نانها را گرفت، خدا را شکر کرد و داد تا بین مردم تقسیم کند. با ماهیها نیز چنین کرد. مردم آنقدر خوردند تا سیر شدند. ۱۲ سپس، عیسی به شاگردان فرمود: «تکه‌های باقیمانده را جمع کنید تا چیزی تلف نشود.» ۱۳ از همان پس مانده‌ها دوازده سبد پر شد.

۱۴ وقتی مردم این معجزه بزرگ را دیدند گفتند: «حتماً این همان پیامبری است که ما چشم برافش بوده‌ایم.» ۱۵ وقتی عیسی دید که مردم می‌خواهند او را به زور ببرند و پادشاه کنند، از ایشان جدا شد و تنها بالای کوهی رفت.

عیسی روی آب راه می‌رود

(۹۷ / متی ۱۴: ۲۲-۲۳؛ مرقس ۶: ۴۵-۵۲)

۱۶ هنگام غروب، شاگردان عیسی به کنار دریاچه رفتند و به انتظار او نشستند. ۱۷ ولی وقتی دیدند هوا تاریک شد و عیسی از کوه بازنگشت، سوار قایق شدند و به طرف کفرناحوم، که در آنسوی دریاچه بود، حرکت کردند. ۱۸ و ۱۹ در همان حال که پارو می‌زدند و جلو می‌رفتند، باد شدیدی وزیدن گرفت و دریاچه

۹:۶
۲ یاد ۴: ۴۴ و ۴۳

۱۰:۶
متی ۲۱: ۱۴
مر ۴: ۴۳ و ۴۴
لو ۹: ۱۴
۱۱:۶
اتیمو ۴: ۵ و ۴

۱۴:۶
پیدا ۱۰: ۴۹
تث ۱۸: ۱۵ و ۱۸
اش ۷: ۱۴؛ ۹: ۶
متی ۳: ۱۱
یو ۱: ۲۱؛ ۷: ۴۰-۴۲

۱۶:۶
متی ۲۳: ۱۴-۲۷
مر ۶: ۴۷-۵۱

۹:۸:۶ عیسی معمولاً برای معجزه کردن ترجیح می‌داد از طریق مردم عمل کند. اینجا او از دارایی یک کودک برای انجام یکی از بزرگترین معجزاتی که در انجیل ثبت شده، استفاده کرد. برای خدمت به مسیح سن مانع نیست. هیچ وقت فکر نکنید که برای خدمت به مسیح خیلی جوان یا خیلی پیر هستید.

۱۳:۶ در این پس‌مانده‌ها درسی هست. خدا به فراوانی می‌دهد. خدا هر چیزی را که می‌توانیم به او بدهیم، یعنی وقت، استعداد، یا ثروتمان، می‌گیرد و کارایی آن را به میزانی فوق از انتظارات ما افزون می‌سازد. اگر شما قدم اول را بردارید و خود را در اختیار خدا بگذارید، او به شما نشان خواهد داد که چقدر در پیشرفت کار ملکوتش می‌توانید مورد استفاده قرار بگیرید.

۱۸:۶ دریاچه جلیل حدود ۲۱۵ متر زیر سطح دریا قرار دارد، عمق آن ۵۰ متر است و دورتادور آن با تپه‌ها محصور می‌باشد. این ویژگی‌های طبیعی اغلب منجر به طوفانهای ناگهانی می‌شد که در پی آن امواج بسیار

نیست. امکان دارد که ما با فکر کردن به اینکه چه چیز شدنی و چه چیز نشدنی است، کاری را که خدا در نظر دارد در زندگی ما انجام دهد، محدود کنیم. آیا کارهای غیرممکنی هست که احساس می‌کنید خدا می‌خواهد انجام دهد؟ نگذارید برآورده‌ایان از کارهای ظاهراً غیر ممکن، شما را از انجام کاری که بر عهده‌تان گذاشته می‌شود، باز دارد. خدا می‌تواند کارهای معجزه‌آسایی بکند. در تأمین هزینه مالی به او توکل کنید.

۹:۸:۶ شاگردان مسیح بطور آشکار در نقطه مقابل این پسر خردسال قرار دارند که هرچه داشت آورد. یقیناً آنها آذوقه بیشتری از آن پسر خردسال داشتند؛ اما می‌دانستند چیزی که دارند برای این جمعیت کفایت نمی‌کند، بنابراین اصلاً چیزی ندادند. آن پسر آن مقدار خوراک کمی را هم که داشت، داد و این کار او همه چیز را عوض کرد. اگر ما چیزی به خدا ندهیم، او چیزی نخواهد داشت که از آن استفاده کند. اما او هر چیز کمی هم که داریم، می‌پذیرد و آن را زیاد می‌کند.

طوفانی شد. هنوز از ساحل چندان دور نشده بودند که ناگهان در میان ظلمت و طوفان، عیسی را دیدند که روی آب بطرف قایق پیش می‌آید. همه وحشت کردند.^{۲۰} ولی عیسی به ایشان فرمود: «من هستم، نترسید!»^{۲۱} وقتی خواستند او را سوار قایق کنند، متوجه شدند که قایق به ساحل رسیده است.

عیسی، نان واقعی

(۹۹)

^{۲۲} صبح روز بعد، آن طرف دریاچه، مردم دوباره جمع شدند تا عیسی را ببینند، زیرا دیده بودند که شاگردان عیسی با تنها قایقی که آنجا بود آن محل را ترک گفته و عیسی را با خود نبرده بودند.^{۲۳} چند قایق دیگر از «طبریّه» به محلی که خداوند نانها را برکت داد و مردم خوردند، رسیدند.^{۲۴} وقتی مردم متوجه شدند که نه عیسی و نه شاگردان در آنجا هستند، سوار قایق شده، خود را به کفرناحوم رساندند تا او را پیدا کنند.

^{۲۵} وقتی به آنجا رسیدند و عیسی را پیدا کردند، پرسیدند: «استاد، چطور به اینجا آمدی؟»

^{۲۶} عیسی جواب داد: «حقیقت اینست که شما برای خوراک نزد من آمده‌اید نه بسبب ایمان به من.»^{۲۷} اینقدر در فکر چیزهای زودگذر این دنیا نباشید، بلکه نیروی خود را در راه کسب زندگی جاوید صرف کنید. این زندگی جاوید را من به شما می‌بخشم، زیرا پدر من، خدا، مرا برای همین به این جهان فرستاده است.^{۲۸} گفتند: «ما چه کنیم تا خدا از ما راضی باشد؟»

۲۷:۶

اش ۲:۵۵

متی ۱۷:۳ ؛ ۵:۱۷

مر ۱۱:۱ ؛ ۷:۹

لو ۲۲:۳

یو ۱:۳۳ ؛ ۳۷:۵ ؛ ۱۸:۸

اعما ۲۲:۲

روم ۲۳:۶

۲ پط ۱۷:۱ و ۱۸

فکر نمی‌کردند عیسی به کمک آنها بیاید. ایمان یک حالت فکری و روانی است که باعث می‌شود انسان از خدا انتظار کمک داشته باشد. وقتی ما با این انتظار زندگی کنیم، می‌توانیم بر ترسهایمان فایق آییم.

۲۶:۶ عیسی از کسانی انتقاد می‌کرد که فقط بخاطر منافع مادی و موقتی او را پیروی می‌کردند، نه به این علت که روحاً گرسنه بودند. ما باید مسیح را بخاطر نیازمان به حقیقت، پیروی کنیم. بسیاری از مردم، از مذهب برای بدست آوردن شهرت، رفاه، یا رأی آوردن در انتخابات استفاده می‌کنند. اما این انگیزه‌ها خودخواهانه است. ایمانداران واقعی از عیسی پیروی می‌کنند فقط به این دلیل که می‌دانند طریق او طریق زندگی است.

۲۸:۶ و ۲۹ عیسی به سؤالی جواب داد که هنوز هم کسانی را که واقعاً در جستجوی خدا هستند، به خود

عظیمی بوجود می‌آید. چین طوفانهایی در این دریا گرچه امری عادی بنظر می‌رسید، با اینحال بسیار وحشت‌انگیز بود. وقتی عیسی به هنگام طوفان روی آب به طرف شاگردان آمد، به آنها گفت که نترسند. ما اغلب با طوفانهای روحانی و عاطفی روبرو می‌شویم و مثل یک قایق کوچک روی دریاچه‌ای بزرگ، احساس می‌کنیم که به این سو و آن سو کشانده می‌شویم. علیرغم اوضاع و شرایط وحشتناک، اگر اجازه بدهیم مسیح کنترل زندگی مان را بدست بگیرد، او می‌تواند در هر طوفانی به ما آرامش بدهد.

۱۹ و ۱۸:۶ شاگردان وحشت‌زده شدند چون تصور کردند روحی دیده‌اند (متی ۲۶:۱۴). اما اگر آنها همه معجزاتی را که تا قبل از آن از عیسی دیده بودند، باور کرده بودند، می‌توانستند این معجزه را نیز بپذیرند. آنها ترسیده بودند چون انتظار آمدن او را نداشتند، و از قبل

۲۹ عیسی فرمود: «خدا از شما می‌خواهد که به من که فرستاده‌ام هستم، ایمان آورید.»

۳۰ و ۳۱ گفتند: «اگر می‌خواهی ایمان بیاوریم که تو مسیح هستی باید بیشتر از اینها به ما معجزه نشان دهی. هر روز به ما نان رایگان بده، همانطور که موسی به اجداد ما به هنگام سفر در بیابان نان عطا می‌کرد. کتاب آسمانی نیز می‌گوید: موسی از آسمان به ایشان نان می‌داد.»

۳۲ عیسی فرمود: «قبول کنید که این پدر من خدا بود که به ایشان نان می‌داد، نه موسی. و اکنون نیز اوست که می‌خواهد نان حقیقی را از آسمان به شما ببخشد. ۳۳ این نان حقیقی را خدا از آسمان فرستاده است تا به مردم دنیا زندگی جاوید ببخشد.»

۳۴ گفتند: «آقا، از این نان هر روز به ما بده.»

۳۵ عیسی جواب داد: «من نان حیات هستم. هر که نزد من آید، دیگر گرسنه نخواهد شد و کسانی که به من ایمان آورند، هرگز تشنه نخواهند گردید. ۳۶ ولی همانگونه که قبلاً گفتم، شما با اینکه مرا دیده‌اید، به من ایمان نیاورده‌اید. ۳۷ ولی بعضی نزد من خواهند آمد و ایشان کسانی هستند که پدرم خدا به من داده است و ممکن نیست هرگز ایشان را از دست بدهم. ۳۸ چون من از آسمان آمده‌ام تا آنچه خدا می‌خواهد انجام دهم نه آنچه خودم می‌خواهم. ۳۹ و خدا از من می‌خواهد که حتی یک نفر از کسانی را که به من عطا کرده است از دست ندهم، بلکه ایشان را در روز قیامت به زندگی جاوید برسانم. ۴۰ چون خواست خدا این است که هر کس فرزند او را دید و به او ایمان آورد، از

۲۹:۶

۳:۱

۱ یو ۲۳:۳

۳۱:۶

خرو ۱۵:۴:۱۶

اعد ۷:۱۱

نح ۱۵:۹

مز ۴۰:۱۰۵ ؛ ۲۴:۷۸

متی ۳۸:۱۲

مر ۱۱:۸

اقرن ۳:۱۰

۳۳:۶

یو ۵۰:۴۱:۶

۳۵:۶

یو ۴:۴ ؛ ۴۸:۶

۳۸ و ۳۷:۷

۳۷:۶

یو ۲۴:۲:۱۷ ؛ ۲۹ و ۲۸:۱۰

۳۸:۶

یو ۴:۴ ؛ ۳۰:۵

۳۹:۶

یو ۲۴:۵ ؛ ۲۴:۱۰ ؛ ۲۸:۱۰ ؛ ۱۲:۱۷ ؛ ۹:۱۸

کول ۳:۳

۴۰:۶

یو ۱۶:۳ ؛ ۱۸:۱۴:۱

یافت، و مسیح را باید دعوت کرد که هر روز با ما راه رود تا به ما زندگی روحانی ببخشد.

۳۸:۶ عیسی مستقل از خدای پدر کار نمی‌کرد، بلکه در اتحاد با او عمل می‌نمود. این حقیقت به ما اطمینان بیشتری می‌دهد که در او امین و محفوظ هستیم. هدف عیسی انجام اراده خدا بود، نه ارضای تمایلات انسانی خود. ما که پیرو عیسی هستیم، باید همین هدف را داشته باشیم. ۳۹:۶ عیسی گفت که او حتی یک نفر از کسانی را که پدر به او عطا کرده است، از دست نخواهد داد. بنابراین، هر کسی که واقعاً عهد می‌کند که به عیسی مسیح بعنوان منجی ایمان بیاورد، وعده خدا در مورد زندگی جاودانی حتماً در مورد او تحقق می‌یابد. مسیح اجازه نخواهد داد شیطان آنها را مغلوب کند و نجات را از دست بدهند (همچنین به ۱۲:۱۷ ؛ فیلیپیان ۶:۱ مراجعه کنید).

۴۰:۶ کسانی که ایمانشان را بر عیسی قرار می‌دهند، به هنگام بازگشت او، توسط خدا قیام داده خواهند شد و وارد

مشغول کرده است: ما چه کنیم تا خدا از ما راضی باشد؟ مذاهب و مکاتب مختلف می‌کوشند برای این سؤال پاسخی بیابند. اما پاسخ عیسی مختصر و ساده است: ما باید به او که فرستاده خداست، ایمان بیاوریم. رضایت خدا با **کارهایی که می‌کنیم** بدست نمی‌آید، بلکه بستگی به این دارد که به چه کسی ایمان داریم. اولین قدم این است که بپذیریم عیسی همان کسی است که خودش ادعا می‌کند. همه پیشرفت‌های روحانی بدنال این اعتراف مثبت می‌آید. در دعا به مسیح بگویید: «تو مسیح، پسر خدای زنده هستی»، و یک زندگی مبتنی بر ایمان را در پیش بگیرد که خالقان از آن راضی باشد.

۳۵:۶ مردم نان می‌خورند تا گرسنگی جسمانی‌شان رفع شود و جسماً تغذیه گردند. ما تنها با داشتن رابطه‌ای درست با عیسی مسیح می‌توانیم گرسنگی روحانی خود را رفع کنیم و روحاً تغذیه شویم. پس هیچ تعجیبی ندارد که او خود را نان زندگی نامید. اما نان را باید خورد تا زندگی

همان وقت زندگی جاوید بیابد. من در روز قیامت چنین کسان را زنده خواهم کرد.»

یهودیان نمی‌پذیرند که عیسی از آسمان آمده است

(۱۰۰)

^{۴۱} باز یهودیان لب به اعتراض گشودند، چون عیسی ادعا کرده بود نانی است که از آسمان آمده است. ^{۴۲} پس گفتند: «مگر این همان عیسی، پسر یوسف نیست؟ همه ما پدر و مادرش را می‌شناسیم! حالا چطور شده که ادعا می‌کند از آسمان آمده است؟»

^{۴۳} ولی عیسی جواب داد: «اینقدر اعتراض نکنید. ^{۴۴} فقط کسی می‌تواند نزد من آید که پدرم خدا که مرا فرستاده است او را بسوی من جذب کند، و من در روز قیامت او را زنده خواهم ساخت. ^{۴۵} همانطور که در کتاب آسمانی نوشته شده است: همه از خدا تعلیم خواهند یافت. پس کسانی که صدای خدای پدر را بشنوند و راستی را از او بیاموزند، بسوی من می‌آیند. ^{۴۶} البته منظورم این نیست که کسی خدا را دیده است، نه! چون فقط من که از نزد او آمده‌ام، او را دیده‌ام. ^{۴۷} «این حقیقت بزرگی است که به شما می‌گویم که هر که به من ایمان آورد،

۴۱:۶

یو ۵۸، ۵۱، ۳۳:۶

۴۲:۶

یو ۲۷:۷

۴۴:۶

ار ۳:۳۱

هوش ۴:۱۱

یو ۶۵:۶؛ ۳۲:۱۲

۴۵:۶

اش ۱۳:۵۴

ار ۳۴:۳۱

میکا ۲:۴

اتسا ۹:۴

عبر ۱۱:۸ و ۱۱

۴۶:۶

متی ۲۷:۱۱

لو ۲۲:۱۰

یو ۱۸:۱؛ ۳۷:۵؛ ۲۹:۷

۲قون ۶:۴

۴۷:۶

یو ۱۶:۳

۴۵:۶ عیسی به دیدگاه عهدعتیق در مورد ملکوت مسیح که در آن همه مردم مستقیماً از خدا تعلیم خواهند یافت، اشاره می‌کند (اشعیا ۵۴:۱۳؛ ارمیا ۳۱:۳۱-۳۴؛ عبرانیان ۸:۸-۱۱). او نه تنها بر شنیدن بلکه بر اهمیت آموختن نیز تأکید می‌کند. ما از طریق کتاب مقدس، تجربیاتمان، افکاری که روح القدس در ذهن ما می‌گذارد، و مسیحیان دیگر، از خدا تعلیم می‌گیریم.

۴۷:۶ اصطلاح *ایمان آورد* که در اینجا بکار رفته، معنای «تداوم ایمان» را می‌رساند. ما فقط یک بار ایمان نمی‌آوریم، بلکه دائماً در ایمان یا اعتماد به او زندگی می‌کنیم.

۴۷:۶ علمای دینی بارها از عیسی خواستند تا دلیل برتری‌اش را بر اینبای قیل از خودش ثابت کند. اینجا عیسی به نانی که از آسمان آمد (همان من - به اعداد ۷:۱۱-۹ مراجعه کنید) و موسی به اجدادشان داد تا بخورند، اشاره می‌کند. این نان مادی و موقتی بود. مردم آن را می‌خوردند، و برای یک روز تغذیه می‌شدند؛ اما آنها می‌بایست هر روز نان بیشتری می‌خوردند، نانی که آنها را از مرگ نجات می‌داد. عیسی که به مراتب بزرگتر از موسی است، آن نان روحانی است که از آسمان آمده تا کاملاً ما را بی‌نیاز سازد و بسوی زندگی جاوید سوق دهد.

زندگی جاودانی خواهند گردید (به اقرنتیان ۵۲:۱۵؛ ۱سالونیکیان ۱۶:۴ مراجعه کنید).

۴۱:۶ وقتی یوحنا به «یهودیان» اشاره می‌کند، منظورش قوم یهود نیست، بلکه به سران قوم یهود اشاره می‌کند که با عیسی دشمن بودند. خود یوحنا هم یهودی بود.

۴۱:۶ علمای دینی لب به اعتراض گشودند چون نمی‌توانستند ادعای الوهیت عیسی را بپذیرند. آنها فقط او را نجاری از اهالی ناصره می‌پنداشتند. آنها از ایمان آوردن به او بعنوان پسر خدا امتناع ورزیدند، و نمی‌توانستند پیغام او را تحمل کنند. بسیاری از مردم مسیح را رد می‌کنند چون می‌گویند نمی‌توانند باور کنند که او پسر خداست. درواقع چیزی که آنها نمی‌توانند بپذیرند، ادعاهایی است که او بر زندگی آنها وارد می‌کند. و از اینرو برای محفوظ نگه داشتن خود از این پیغام، پیغام‌آور را انکار می‌کنند.

۴۴:۶ این خداست و نه انسان که مؤثرترین نقش را در نجات ایفا می‌کند. وقتی کسی بر آن می‌شود که به عیسی مسیح بعنوان منجی ایمان بیاورد، او این کار را فقط در پاسخ به ترغیب روح مقدس خدا می‌کند. خدا ترغیب می‌کند، بعد ما تصمیم می‌گیریم که ایمان بیاوریم یا نه. بنابراین، هیچ کس بدون کمک خدا نمی‌تواند به عیسی ایمان بیاورد.

از همان لحظه، زندگی جاوید دارد. ^{۴۸} من نان حیات هستم. ^{۴۹} پدران شما در بیابان آن نان را خوردند و عاقبت مردند. ^{۵۰} اما هر که از این نان آسمانی بخورد، تا به ابد زنده می ماند. ^{۵۱} آن نان زنده که از آسمان نازل شد، منم. هر که از این نان بخورد، تا ابد زنده می ماند. این نان در واقع همان بدن من است که فدا می کنم تا مردم نجات یابند.»

^{۵۲} مردم با شنیدن این سخن، باز اعتراض کرده، به یکدیگر گفتند: «عجب حرفی می زند! چطور می خواهد بدنش را به ما بدهد تا بخوریم؟»

^{۵۳} پس عیسی باز فرمود: «این که می گویم عین حقیقت است: تا بدن مسیح را نخورید و خون او را ننوشید، هرگز نمی توانید زندگی جاوید داشته باشید. ^{۵۴} ولی کسی که بدنم را بخورد و خونم را بنوشد زندگی جاوید دارد، و من در روز قیامت او را زنده خواهم ساخت. ^{۵۵} چون بدنم خوراک واقعی و خونم نوشیدنی واقعی است. ^{۵۶} به همین دلیل، هر که بدنم را بخورد و خونم را بنوشد، در من خواهد ماند و من در او. ^{۵۷} من به قدرت پدرم خدا زندگی می کنم، همان که مرا به این دنیا فرستاد. شخصی نیز که در من است، به قدرت من زندگی می کند. ^{۵۸} نان واقعی منم که از آسمان آمده ام. نانی که اجداد شما در بیابان خوردند، نتوانست ایشان را برای همیشه زنده نگهدارد. اما هر که از این نان بخورد، برای همیشه زنده خواهد ماند.» ^{۵۹} عیسی این سخنان را در عبادتگاه کفرناحوم بیان کرد.

خودداری بسیاری از شاگردان از پیروی عیسی

(۱۰۱)

^{۶۰} درک این پیغام چنان سخت بود که حتی شاگردان عیسی نیز به یکدیگر می گفتند: «خیلی مشکل است بفهمیم چه می خواهد بگوید. چه کسی می تواند منظورش را درک کند؟»

^{۶۱} عیسی متوجه شد که شاگردان او نیز لب به اعتراض گشوده اند؛ پس به ایشان فرمود: «سخنان من شما را ناراحت کرده است؟ ^{۶۲} پس اگر ببینید که من

۴۸:۶
یو ۵۸:۶
عبر ۱۰:۵، ۱۰:۱۰
۵۱:۶
یو ۱۱:۱۰، ۱۱:۱۰

۵۴:۶
یو ۳۹:۶

۵۶:۶
یو ۴:۱۵ ؛ ۲۰:۱۴ ؛ ۲۱:۱۷
روم ۸:۱-۱۰
۵۷:۶
یو ۲۶:۵ ؛ ۱۹:۱۴ ؛ ۵:۱۵
۲ پط ۱:۳ و ۴
۵۸:۶
یو ۳۱:۶
۵۹:۶
متی ۲۳:۴

۶۲:۶

مر ۱۹:۱۶
یو ۱۳:۳
اعما ۹:۱
افس ۸:۴

آشامیدن خون، آدمخواری بنظر می رسد. علمای دینی نمی توانستند گفته عیسی را تحمل کنند چون شریعت موسی خوردن خون را منع کرده بود (لاویان ۱۷:۱۰-۱۱). اما البته عیسی درباره خون حقیقی سخن نمی گفت. منظور او این بود که زندگی اش باید به درون افراد منتقل شود، اما آنها نمی توانستند این اندیشه را بپذیرند. بعدها پولس رسول در بحث خود درباره مشارکت، از تمثیل بدن و خون استفاده کرد (۱ قرنتیان ۱۱:۲۳-۲۶).

۵۱:۶ عیسی چطور می تواند بدن خود را بعنوان نان بدهد تا بخوریم؟ خوردن نان زندگی بمعنای متحد شدن با مسیح است. ما به دو طریق با مسیح متحد می شویم: (۱) با ایمان به مرگ و قیامت او، و (۲) با وقف کردن خود به او و زندگی کردن طبق خواست او، با اتکا به تعلیم او برای هدایت شدن، و توکل به روح القدس برای قدرت یافتن.

۵۶:۶ این پیغام تکان دهنده ای بود، چون خوردن بدن و

دوباره به آسمان باز می‌گردم، چه حالی به شما دست خواهد داد؟^{۶۳} فقط روح خدا به انسان زندگی جاوید می‌دهد. کسانی که فقط یک بار متولد شده‌اند، با آن تولد جسمانی، هرگز این هدیه را دریافت نخواهند کرد. ولی اکنون به شما گفتم که چگونه این زندگی روحانی و واقعی را می‌توانید بدست آورید.^{۶۴} با اینحال، بعضی از شما به من ایمان نخواهید آورد.» چون عیسی از همان ابتدا می‌دانست چه کسانی به او ایمان خواهند آورد و چه کسی به او خیانت خواهد کرد.

۶۳:۶ یو ۳۴:۳
روم ۲:۸
اقرن ۱۵:۴۵
اقرن ۳:۶
عبر ۱۲:۴

۶۴:۶ متی ۴:۱۰
یو ۱۱:۱۳

^{۶۵} پس گفت: «به همین دلیل گفتم فقط کسی می‌تواند نزد من بیاید که پدرم خدا او را بسوی من جذب کند.»

۶۵:۶ یو ۴۴:۳۷

^{۶۶} با شنیدن این سخن، بسیاری از پیروانش از او روی گرداندند و دیگر او را پیروی نکردند.^{۶۷} آنگاه عیسی رو به آن دوازده شاگرد کرد و پرسید: «شما نیز می‌خواهید بروید؟»

۶۶:۶ لو ۲۲:۹
عبر ۳۸:۱۰
ایو ۲:۱۹
یو ۳۴:۳؛ ۲۵:۵ و ۲۶:۶

^{۶۸} شمعون پطرس جواب داد: «استاد، نزد که برویم؟ فقط شماست که با سخنانتان به انسان زندگی جاوید می‌دهید.^{۶۹} و ما ایمان آورده‌ایم و می‌دانیم که شما فرزند مقدس خدا هستید.»

۶۹:۶ لو ۳۴:۴
اعما ۱۴:۳
ایو ۲:۲۰

۶۵:۶۳:۶ روح‌القدس زندگی جاوید می‌دهد (۶:۳)؛ بدون عمل روح‌القدس ما حتی نمی‌توانیم نیاز خود را به او ببینیم (۱۷:۱۴). آغاز و پایان همه تولدهای روحانی با خداست، چون اوست که حقیقت را برای ما آشکار می‌نماید؛ و بعد وقتی به این حقیقت واکنش نشان می‌دهیم، او در ما زندگی می‌کند.

۶۶:۶ چرا سخنان عیسی موجب شد بسیاری از پیروانش او را ترک کنند؟ (۱) شاید دریافته بودند که او قصد ندارد آن مسیحا و پادشاه و فاتحی باشد که آنها انتظارش را می‌کشیدند. (۲) او نخواست که تسلیم خواسته‌های خودخواهانه آنها شود. (۳) او بر ایمان تأکید می‌کرد، نه بر اعمال. (۴) درک تعالیم او مشکل بود، و بعضی از سخنانش بسیار ناخوشایند بنظر می‌رسید. وقتی در ایمان رشد می‌کنیم، این وسوسه هست که بخاطر سخت بودن درس‌هایی که او می‌دهد، از او روی بر گردانیم. آیا واکنش شما در برابر وسوسه این خواهد بود که از مسیح دست بکشید، برخی از تعالیمش را نادیده بگیرید، یا او را رد کنید؟ بجای اینها از خدا بخواهید تا معنی تعالیم او را به شما بفهماند و نشان دهد که چطور آنها را به زندگی‌تان ربط دهید. بعد با جرأت طبق حقیقت خدا عمل کنید.

۶۷:۶ در مورد عیسی حد وسطی وجود ندارد. وقتی او از شاگردان پرسید که آیا آنها هم او را ترک خواهند کرد، نشان داد که آنها می‌توانند یا او را بپذیرند یا رد کنند. سعی عیسی این نبود که با تعالیمش مردم را از خود براند. او فقط حقیقت را می‌گفت. هرچه تعداد بیشتری از مردم پیغام واقعی عیسی را می‌شنیدند، دو دستگی بیشتر می‌شد؛ یک دسته کسانی بودند که صادقانه در جستجوی حقیقت بودند و می‌خواستند چیزهای بیشتری درباره آن بدانند، و دسته دوم کسانی بودند که عیسی را رد می‌کردند چون چیزهایی که می‌شنیدند، مطابق میلشان نبود.

۶۷:۶ و ۶۸ بعد از آنکه بیشتر پیروان عیسی او را ترک کردند، او از آن دوازده شاگرد پرسید که آیا آنها هم می‌خواهند او را ترک کنند. پطرس جواب داد: «کجا می‌توانیم برویم؟» پطرس که لحن صریحی داشت، بجای همه ما پاسخ داد. او گفت که هیچ راه دیگری وجود ندارد. تنها عیسی زندگی می‌دهد. مردم برای کسب زندگی جاوید همه جا را می‌گردند، اما مسیح را که تنها سرچشمه زندگی است، از دست می‌دهند. با او بمانید، بخصوص زمانی که سردرگم هستید و احساس تنهایی می‌کنید.

۷۰: آنگاه عیسی فرمود: «من خودم شما دوازده نفر را انتخاب کردم؛ ولی یکی از شما بازیچه دست شیطان است.»^{۷۱} عیسی در باره یهودا پسر شمعون اسخریوطی سخن می‌گفت که یکی از آن دوازده شاگرد بود و در آخر به عیسی خیانت کرد.

۷۰:۶
متی ۴:۱۰
یو ۲۷:۱۳

۲- عیسی با مخالفت علمای دینی روبرو می‌شود تمسخر عیسی از سوی برادرانش (۱۲۱)

پس از آن عیسی به ایالت جلیل رفت و در دهات آنجا می‌گشت تا از یهودیه دور باشد، چون در آنجا سران یهود می‌خواستند او را بکشند. **۷** اما عید «خیمه‌ها» که یکی از اعیاد بزرگ یهود بود، نزدیک می‌شد.^۳ پس برادران عیسی به او اصرار می‌کردند تا به یهودیه برود و در مراسم عید شرکت کند. ایشان با طعنه به او می‌گفتند: «به یهودیه برو تا عده بیشتری معجزات تو را ببینند.»^۴ چون اگر بخواهی خود را اینطور پنهان کنی، هرگز به شهرت نخواهی رسید. اگر براستی شخص بزرگی هستی، این را به دنیا ثابت کن.^۵ حتی برادرانش نیز به او ایمان نداشتند.

ع عیسی جواب داد: «من نمی‌توانم حالا بروم، ولی شما می‌توانید. الان وقت آمدن من نیست. ولی برای شما فرقی ندارد کی بروید،^۷ چون مردم دنیا از شما

۱:۷
یو ۱۸:۵ : ۱۹:۷ : ۳۷:۸

۲:۷
لاو ۲۳:۲۳ و ۲۴
تث ۱۶:۱۶
زکر ۱۶:۱۴
۳:۷
متی ۴۶:۱۲
مر ۳:۳ و ۳۲
اعما ۱۴:۱

۶:۷
یو ۴:۲
۷:۷
یو ۱۹:۳ : ۱۸:۱۵ و ۱۹

۷۰:۳-۵ برادران عیسی در ایمان آوردن به او دچار اشکال بودند. بعضی از آنها عاقبت جزو رهبران کلیسا شدند، اما در این مرحله، هنوز نمی‌دانستند که آیا عیسی یک بار برای همیشه ادعای مسیح بودن خود را ثابت خواهد کرد یا نه. بعد از آنکه عیسی مرد و دوباره زنده شد، آنها بالاخره به او ایمان آوردند. ما امروز همه دلایل را برای ایمان آوردن داریم، چون ما شرح دقیق معجزات، مرگ، و قیام او را در اختیار داریم. ما همچنین سند کاری را که انجیل طی قرن‌ها در زندگی مردم کرده است، در دسترس داریم. این فرصت را برای ایمان آوردن به پسر خدا را از دست ندهید.

۷:۷ از آنجا که دنیا از عیسی نفرت داشت، می‌توان این انتظار را داشت که مردم از ما نیز که او را پیروی می‌کنیم، متنفر باشند. اگر همه چیز خوب پیش می‌رود، از خود بپرسید که آیا آنطور که باید و شاید عیسی را پیروی می‌کنید. ما می‌توانیم خوشحال باشیم از اینکه زندگی خوب پیش می‌رود، اما نه به بهای پیروی عیسی از روی بی‌میلی یا به قیمت عدم پیروی او.

۷۰:۶ بعضی از مردم در واکنش به پیغام عیسی، او را ترک کردند؛ دیگران با او ماندند و حقیقتاً به او ایمان آوردند؛ و برخی مانند یهودا با او ماندند اما سعی کردند از عیسی برای اهداف شخصی استفاده کنند. بسیاری امروز از مسیح رو بر می‌گردانند. سایرین وانمود می‌کنند که او را پیروی می‌نمایند، اما بخاطر مقام، رأی آوردن برای انتخابات، یا ارتباطات شغلی به کلیسا می‌روند. اما فقط دو جواب واقعی به عیسی وجود دارد، یا او را می‌پذیرید یا ردش می‌کنید. شما چه پاسخی به مسیح داده‌اید؟

۷۱:۶ برای کسب اطلاعات بیشتر درباره یهودا، به تاریخچه زندگی او به مرقس فصل ۱۴ مراجعه کنید.
۲:۷ مراسم عید خیمه‌ها در لاویان ۲۳:۲۳ تشریح شده است. این عید در مهر ماه، یعنی در حدود شش ماه بعد از مراسم عید پسخ که در یوحنا ۲:۶-۵ به آن اشاره شده، برگزار می‌شد. این عید یادآور روزهایی بود که اسرائیلی‌ها در بیابان سرگردان بودند و در خیمه‌ها زندگی می‌کردند (لاویان ۲۳:۴۳).

نفرت ندارند ولی از من متنفرند، زیرا من اعمال زشت و گناه آلودشان را به ایشان گوشزد می‌کنم.^۸ شما الان بروید و در مراسم عید شرکت کنید. ولی من بعد، در وقت مناسب خواهم آمد.»^۹ ایشان رفتند، ولی عیسی ماند.

عیسی آشکارا در خانه خدا تعلیم می‌دهد (۱۲۳)

۱۱:۷
یو ۵۶:۱۱

سپس، عیسی نیز برای عید رفت، اما طوری که کسی متوجه آمدن او نشد.^{۱۱} در آنجا سران یهود او را جستجو می‌کردند و با کنجکاوی از یکدیگر می‌پرسیدند:
«پس عیسی کجاست؟»

۱۲:۷
متی ۴۵:۲۱ و ۴۶
لو ۱۶:۷
یو ۴۰:۷-۴۳؛ ۱۶:۹؛ ۱۰:۱۹
۱۳:۷
یو ۲۲:۹ و ۲۳

^{۱۲} در میان مردم نیز بحث زیاد بود. برخی طرفدار او بودند و می‌گفتند: «عیسی مرد بزرگوار است»، و برخی مخالف او بودند و می‌گفتند: «نه، عیسی مردم را گمراه می‌کند.»^{۱۳} با اینحال، هیچکس جرأت نمی‌کرد آزادانه درباره‌ او اظهار نظر کند، چون از سران قوم می‌ترسیدند.

۱۵:۷
اعما ۱۳:۴؛ ۳:۲۲
تیمو ۱۵:۳

^{۱۴} وقتی نیمی از ایام عید سپری شده بود، عیسی وارد خانه خدا شد و برای مردم موعظه کرد.^{۱۵} سران قوم یهود از سخنان او تعجب کردند و به یکدیگر گفتند:
«عجیب است! چگونه امکان دارد شخصی که هیچوقت در مدرسه دینی ما درس نخوانده است، اینقدر معلومات داشته باشد؟»

۱۶:۷
یو ۲۸:۸؛ ۱۲:۴۹؛ ۱۴:۱۰
۱۷:۷
هو ۱:۱۶-۳

^{۱۶} عیسی به ایشان فرمود: «آنچه به شما می‌گویم، از فکر و نظر خودم نیست بلکه از خدایی است که مرا فرستاده است.^{۱۷} اگر کسی برآستی بخواهد مطابق خواست خدا زندگی کند، پی خواهد برد که آنچه من می‌گویم، از خداست نه از

مجازاته‌ای ایمان به عیسی بود (۹:۲۲ و ۲۳). برای یک یهودی، این بدترین ننگ اجتماعی بود.
۱۳:۷ همه درباره عیسی سخن می‌گفتند! اما وقتی زمان آن رسید که علناً درباره او اظهار نظر کنند، هیچ کس حرفی نزد. همه ترسیدند. ترس می‌تواند شهادت ما را خفه کند. با آنکه بسیاری در کلیسا درباره مسیح سخن می‌گویند، وقتی زمان آن می‌رسد که بطور علنی درباره ایمانشان چیزی بگویند، غالباً مضطرب می‌شوند. عیسی می‌گوید که اگر ما در مقابل دیگران به ایمان به او اعتراف کنیم، او از ما نزد پدر آسمانی تعریف خواهد کرد (متی ۱۰:۳۲). شجاع باشید! در مورد مسیح اظهار نظر کنید!

۱۶:۷-۱۸ آیا تا بحال شده به سخنرانان مذهبی گوش کرده باشید و ندانید که آیا حقیقت را می‌گویند یا نه؟ اگر چنین است، آنها را بیازمایید. (۱) از خودتان پرسید که آیا حرفهای ایشان با کتاب مقدس مطابقت دارد یا با آن مغایر است؛ و (۲) اینکه آیا سخنانشان به مسیح اشاره دارد یا به خودشان.

۱۰:۷ عیسی با بزرگترین هدیه‌ای که می‌شد تقدیم کرد، آمد؛ بنابراین چرا اغلب خود را مخفی می‌کرد؟ چون علمای دینی از او متنفر بودند و بدون توجه به گفته‌ها و اعمالش هدیه نجات او را رد می‌کردند. هر چه بیشتر او در انتظار عمومی تعلیم می‌داد و خدمت می‌کرد، علمای دینی مشکلات بیشتری برای پیروانش بوجود می‌آوردند. بنابراین، لازم بود که تا جایی که امکان داشت، در خفا تعلیم دهد و خدمت کند. امروز مردم بسیاری این امتیاز را دارند که بطور علنی تعلیم دهند، موعظه کنند، و عبادت نمایند بدون اینکه آزار و اذیت ببینند. این ایمانداران باید با سپاسگزاری، از آزادی‌شان استفاده کنند.

۱۳:۷ علمای مذهبی قدرت زیادی بر عموم مردم داشتند. معلوم است که آنها هنوز نمی‌توانستند عیسی را گرفتار سازند، اما تهدید کرده بودند که کسی بطور علنی از او حمایت نکند. اخراج و طرد از عبادتگاه یکی از

خودم.^{۱۸} کسی که نظر خود را بگوید، هدفش اینست که مورد توجه مردم قرار گیرد؛ ولی کسی که می‌خواهد خدا مورد تمجید و ستایش واقع شود، او شخص درستکار و بی‌ریایی است.^{۱۹} مگر موسی تورات را به شما نداده است؟ پس چرا دستورات آن را اطاعت نمی‌کنید؛ اگر می‌گویید می‌کنیم، پس چرا می‌خواهید مرا بکشید؟»

^{۲۰} ایشان از این سخن، یکه خوردند و گفتند: «تو بکلی عقلت را از دست داده‌ای! چه کسی می‌خواهد تو را بکشد؟»

^{۲۱} عیسی جواب داد: «من یک بیمار را در روز شنبه شفا دادم و همه تعجب کردند.^{۲۲} در صورتی که خود شما نیز روز شنبه کار می‌کنید. به دستور موسی پسران تن را حتی در روز شنبه ختنه می‌کنید. (البته ختنه از زمان ابراهیم رسم شد، نه از زمان موسی).^{۲۳} اگر روز ختنه بچه به شنبه بیفتد، شما او را در روز شنبه ختنه می‌کنید تا شریعت موسی را نشکسته باشید. پس چرا مرا محکوم می‌کنید که روز شنبه یک بیمار را شفای کامل دادم؟^{۲۴} به راستی قضاوت کنید، نه به ظاهر.»

^{۲۵} بعضی از مردم اورشلیم به یکدیگر گفتند: «مگر این همان نیست که می‌خواهند او را بکشند؟^{۲۶} پس چطور حالا آزادانه موعظه می‌کند و کسی به او چیزی نمی‌گوید؟ شاید سران قوم ما نیز سرانجام پی برده‌اند که او همان مسیح است.^{۲۷} ولی این غیرممکن است. چون ما شنیده‌ایم که وقتی مسیح بیاید،

۱۸:۷
یو ۴۱:۵؛ ۵۴:۵۰:۸

۱۹:۷
یو ۱:۱۷؛ ۱:۷

۲۰:۷
یو ۴۸:۸-۵۲؛ ۲۹:۱۰

۲۱ و ۲۲:۷
پیدا ۱۷:۱۰ و ۱۰
لاو ۳:۱۲
یو ۸:۵
اعما ۸:۷
۲۳:۷
یو ۱۰:۵
۲۴:۷
اش ۳:۱۱
یو ۱۵:۸

۲۷:۷
یو ۴۱:۷ و ۴۲:۹؛ ۲۹:۹

اگر هشتمین روز تولد به روز شنبه می‌افتاد، باز ختنه انجام می‌شد (با آنکه ختنه کار محسوب می‌شد). اگر چه علمای دینی بعضی استثناها را برای قوانین روز شنبه مجاز کرده بودند، هیچ کدام از کارهای عیسی را مجاز نمی‌دانستند؛ با اینکه عیسی فقط از روی ترحم به کسانی که احتیاج به شفا داشتند، کمک می‌کرد.

۲۶:۷ این فصل عکس‌العمل‌های مختلفی را که مردم نسبت به عیسی داشتند، نشان می‌دهد. آنها او را بزرگوار (۱۲:۷، ۱۶)، گمراه کننده (۱۲:۷)، دیوانه (۲۰:۷)، مسیح موعود (۲۶:۷)، پیغمبر (۴۰:۷)، و مردی که باید دستگیر شود (۴۴:۷)، نامیدند. ما باید نظر خود را درباره عیسی مشخص کنیم و باید بدانیم که نظر و اعتقاد ما، نتایج و عواقب جاودانی دارد.

۲۷:۷ بر اساس یک روایت رایج، مسیح موعود می‌بایست بدون مقدمه و بطور ناگهانی در میان مردم ظهور کند. اما کسانی که به این روایت معتقد بودند، موضع کتاب مقدس را در این مورد که در آن محل تولد مسیح بوضوح پیشگویی شده بود، نادیده می‌گرفتند (میکاه ۵:۲).

۱۹:۷ فریسیان زندگی خود را صرف این می‌کردند که با نگاه داشتن تبصره‌های بسیار دقیقی که به احکام شریعت خدا اضافه کرده بودند، خود را مقدس بنمایانند. سرزنش عیسی مبنی بر اینکه آنها از تورات موسی اطاعت نمی‌کنند، فریسیان را شدیداً به خشم می‌آورد. ایشان با اینکه به خود و به احکام ابداعی خود می‌بالیدند، با اینحال خیلی پایین‌تر از معیارهای دین موسی عمل می‌کردند. پیروان عیسی باید بالاتر از اخلاقیاتی که مذهب تعیین می‌کند، عمل نمایند و از مرز «بکن و نکن‌های» شریعت بگذرند و به روح شریعت عمل کنند.

۲۰:۷ بیشتر مردم احتمالاً از توطئه قتل عیسی مطلع نبودند (۱۸:۵). عده کمی در پی یافتن فرصت مناسب برای کشتن او بودند، اما اکثراً هنوز در پی تصمیم‌گیری برای ایمان آوردن به او بودند.

۲۱-۲۳:۷ مطابق قوانین موسی ختنه می‌بایست هشت روز بعد از تولد طفل صورت گیرد (پیدایش ۱۷:۱۰ و ۱۹:۱؛ لاویان ۳:۱۲). همه فرزندان ذکور یهودی ختنه می‌شدند تا معلوم شود که جزء عهدی هستند که خدا با قومش بست.

هیچکس نمی‌داند از کجا آمده است. در صورتی که ما همه می‌دانیم که این شخص کجا متولد شده است.»

^{۲۸} پس عیسی به هنگام موعظه خود در خانه خدا به مردم فرمود: «شما البته مرا می‌شناسید و می‌دانید کجا متولد و کجا بزرگ شده‌ام. ولی من از طرف کسی آمده‌ام که شما او را نمی‌شناسید، او حقیقت محض است.^{۲۹} من او را می‌شناسم برای اینکه از او هستم و اوست که مرا نزد شما فرستاد.»

^{۳۰} با شنیدن این سخنان، سران قوم خواستند او را بگیرند ولی کسی جرأت این کار را بخود نداد، چون هنوز زمان مقرر نرسیده بود.^{۳۱} با وجود این، در همان وقت بسیاری ایمان آوردند که او همان مسیح است و به یکدیگر گفتند: «آیا انتظار دارید مسیح که چشم براهش بودیم، از این بیشتر معجزه کند؟»

کوشش علمای دینی برای دستگیری عیسی

(۱۲۴)

^{۳۲} هنگامی که فریسیان و سران کاهنان شنیدند مردم درباره عیسی چه می‌گویند، بی‌درنگ مأمورانی فرستادند تا او را بگیرند.^{۳۳} آنگاه عیسی به مردم فرمود: «من فقط مدت کوتاهی در میان شما خواهم بود. پس از آن، نزد فرستنده خود بازخواهم گشت.^{۳۴} آنگاه شما مرا جستجو خواهید کرد، اما مرا نخواهید یافت و به جایی نیز که می‌روم، نمی‌توانید راه یابید.»

^{۳۵} سران قوم از این گفته عیسی تعجب کردند و از یکدیگر پرسیدند: «مگر کجا می‌خواهد برود؟ شاید می‌خواهد از این مملکت خارج شود و نزد یهودیان سایر ممالک برود. شاید هم می‌خواهد پیش غیر یهودی‌ها برود.^{۳۶} منظورش چه بود که گفت: «مرا جستجو خواهید کرد، اما مرا نخواهید یافت و به جایی نیز که می‌روم، نمی‌توانید راه یابید؟»

^{۳۷} روز آخر که مهمترین روز عید بود، عیسی با صدای بلند به مردم فرمود: «هر که تشنه است، نزد من بیاید و بنوشد.^{۳۸} چنانکه کتاب آسمانی می‌فرماید، هر که به من ایمان بیاورد، از وجود او نهرهای آب زنده جاری خواهد شد.»

۲۸:۷

یو ۱۸:۱؛ ۴۳:۵؛
۵۵:۲۶، ۱۴:۸

۲۹:۷

متی ۲۷:۱۱
یو ۱۷:۳؛ ۵۵:۸؛ ۱۵:۱۰؛
۲۵:۱۷

۳۳:۷

یو ۱۹:۱۴؛
۱۸-۱۶، ۱۰، ۵:۱۶

۳۴:۷

یو ۲۱:۸؛ ۳۳:۱۳

۳۷:۷

اش ۱:۵۵
یو ۴:۱۰، ۱۴:۳۵؛

مکا ۱۷:۲۲

۳۸:۷

اش ۳:۱۲؛ ۳:۴۴؛ ۱۱:۵۸
جز ۱-۴۷؛ ۱۰-۱۰
یول ۱۸:۳

۳۸:۷ عیسی در ۱۰:۴ از اصطلاح آب زندگانی برای اشاره کردن به زندگی جاودانی استفاده کرد. اینجا او از این اصطلاح برای اشاره به روح القدس استفاده می‌کند. زندگی جاودانی و روح القدس هر دو با هم وجود دارند، به این ترتیب که داشتن زندگی جاودانی حضور روح القدس را شامل می‌شود. هر گاه که کسی روح القدس را می‌پذیرد، روح القدس زندگی جاودانی به همراه می‌آورد. عیسی در فصل‌های ۱۴ تا ۱۶ تعلیم بیشتری درباره

۳۷:۷ سخنان عیسی که فرمود: «نزد من بیاید و بنوشد»، بطور ضمنی به موضوع بسیاری از قسمتهای کتاب مقدس که درباره برکات حیات بخش مسیح سخن می‌گوید، اشاره دارد (اشعیا ۲:۱۲ و ۳:۴۴؛ ۴:۳؛ ۱۱:۵۸). عیسی با دادن این وعده که روح القدس را به همه کسانی که به او ایمان بیاورند، می‌دهد، ادعا کرد که همان مسیح است چون این کاری بود که فقط مسیح موعود می‌توانست آن را انجام دهد.

۳۹ منظور عیسی از نهرهای آب زنده، همان روح القدس بود که به کسانی داده می شود که به عیسی ایمان آورند. ولی روح القدس هنوز به کسی عطا نشده بود، چون عیسی هنوز به جلال خود در آسمان بازنگشته بود.

۳۹:۷
یو ۱۷:۱۴ و ۱۸:۱۶ ؛ ۷:۱۶
۲۲:۲۰
روم ۹:۸
اقرن ۱۵:۴۵
اقرن ۳:۱۷

تفرقه و بی ایمانی

۴۰ وقتی مردم این سخن را از عیسی شنیدند، گفتند: «براستی این باید همان پیامبری باشد که پیش از مسیح می آید.»^{۴۱ و ۴۲} دیگران گفتند: «این خود مسیح است.» بعضی نیز می گفتند: «این مرد نمی تواند مسیح باشد. آیا مسیح از جلیل می آید؟ چون کتاب آسمانی می گوید که مسیح از نسل داود پادشاه است و در دهکده بیت لحم، زادگاه داود، متولد می شود.»

۴۰:۷
تث ۱۵:۱۸
یو ۲۱:۱ ؛ ۱۴:۱۶
۴۲ و ۴۱:۷
اسمو ۱:۱۶
اسمو ۲:۱۲
مز ۱۱:۱۳۲
میکا ۵:۲
متی ۱:۱ ؛ ۵:۲-۱۰
لو ۴:۲
یو ۵:۷
۴۳:۷
یو ۱۶:۹ ؛ ۱۹:۱۰

۴۳ پس، مردم چند دسته شدند. بعضی نیز خواستند او را بگیرند ولی کسی دست بسوی او دراز نکرد.

۴۵ مأمورانی که رفته بودند تا عیسی را بگیرند، دست خالی بازگشتند. فریسی ها و سران کاهنان پرسیدند: «پس چرا او را نیاوردید؟»

۴۶ گفتند: «هیچکس تا بحال مانند این مرد سخنانی چنین دلنشین نگفته است.»

۴۷ فریسی ها ایشان را ریشخند کرده، گفتند: «پس شما هم فریب خورده اید؟»

۴۸ آیا حتی یک نفر از ما سران قوم و فریسی ها ایمان آورده ایم که او مسیح است؟^{۴۹} این مردم نادان که به او ایمان آورده اند، شریعت را نمی دانند. لعنت خدا بر ایشان باد!»

۴۶:۷
لو ۲۲:۴

۴۸:۷
اقرن ۱:۲۰

یهودی بودند، نظارت داشتند و به آنها این اجازه را داده بودند که هرکسی را که موجب آشوب شود یا یکی از مناسک مذهبی را زیر پا گذارد، دستگیر کنند. این رهبران مذهبی صدها حکم و فریضه پیش پا افتاده وضع کرده بودند که هیچکس حتی خود این رهبران نیز قادر نبودند تمامی آنها را بطور کامل حفظ کنند. اما این مأمورین نتوانستند حتی یک دلیل برای دستگیری عیسی بیابند. وقتی به او گوش می دادند تا مدرکی علیه او پیدا کنند، نتوانستند از شنیدن سخنان عالی او خودداری نمایند. ۴۶:۷-۵۰. علمای دینی خود را تنها کسانی می دانستند که به حقیقت دسترسی دارند. اما آنها با حقایق مربوط به مسیح مخالفت می کردند، چون اصلاً آن را برای خودشان نمی دانستند. خیلی ساده است که فکر کنیم حقایق مربوط به همه چیز نزد ماست و کسانی که با ما مخالفند اصلاً چیزی از حقیقت نمی دانند. اما حقیقت خدا در اختیار همه قرار دارد. رفتار خودخواهانه و فرقه گرایانه فریسیان را تکرار نکنید.

روح القدس خواهد داد. روح القدس به پیروان عیسی در روز پنتیکاست قدرت بخشید (اعمال فصل ۲) و از آن روز به بعد، در اختیار هر کسی که به عیسی بعنوان نجات دهنده ایمان می آورد، قرار می گیرد.

۴۰:۷-۴۳ مردم سؤالاتی درباره عیسی می کردند. در نتیجه این سؤالات، بعضی به او ایمان آوردند و بعضی دیگر دشمن او شدند؛ برخی هم نمی توانستند بپذیرند که او مسیح است چون ناصری بود، نه اهل بیت لحم (میکاه ۵:۲). گرچه او در ناصره بزرگ شد، اما در بیت لحم متولد شده بود (لوقا ۲:۷-۱۰). اگر آنها با دقت بیشتری تحقیق می کردند، اینطور سریع به نتایج غلط نمی رسیدند. وقتی بدنبال حقایق الهی هستید، یقین حاصل کنید که با قلب و فکر باز و بدقت و تعمق کتاب مقدس را بررسی می کنید. پیش از کسب دانش کافی درباره کتاب مقدس، سریع نتیجه گیری نکنید. ۴۴:۷ و ۴۵ با آنکه فلسطین تحت اشغال روم بود، اما مسؤولیت مسائل داخلی و امور مذهبی به رهبران مذهبی داده شده بود. رهبران مذهبی بر مأمورین خانه خدا که

۵۱۰۰ در اینجا نیکودیموس برخاست و گفت: «آیا شریعت به ما اجازه می‌دهد کسی را بدون محاکمه محکوم کنیم؟» نیکودیموس یکی از سران قوم یهود بود و او همان کسی است که یک شب مخفیانه برای گفت و شنود نزد عیسی آمد. ۵۲ به او جواب دادند: «مگر تو هم جلیلی هستی؟ برو کتاب آسمانی را با دقت بخوان تا ببینی که هیچ پیامبری از جلیل ظهور نمی‌کند.» پس از این سخن، همه برخاستند و به خانه‌های خود رفتند.

بخش زنی زناکار

(۱۲۵)

عیسی به کوه «زیتون» بازگشت. ^۱ اولی روز بعد، صبح زود، باز به خانه خدا رفت. مردم نیز دور او جمع شدند. عیسی نشست و مشغول تعلیم ایشان شد. ^۲ در همین وقت، سران قوم و فریسیان زنی را که در حال زنا گرفته بودند، کشان‌کشان به مقابل جمعیت آوردند ^۳ و به عیسی گفتند: «استاد، ما این زن را به هنگام عمل زنا گرفته‌ایم. ^۴ او مطابق قانون موسی باید کشته شود. ولی نظر شما چیست؟» ^۵ آنان می‌خواستند عیسی چیزی بگوید تا او را به دام بیندازند و محکوم کنند. ولی عیسی سر را پایین انداخت و با انگشت بر روی زمین چیزهایی می‌نوشت.

۵۰:۷

یو ۳:۲۰؛ ۳۹:۱۹

۵۱:۷

خرو ۱:۲۳

تث ۱۷:۸-۱۹؛ ۱۹-۱۵

امت ۱۳:۱۸

۵۲:۷

اش ۹:۲

متی ۱۴:۱۶-۱۶

یو ۱:۴۶

۵۰:۸

خرو ۱۴:۲۰

لاو ۱۸:۲۰؛ ۱۰:۲۰

تث ۱۸:۵؛ ۲۲:۲۲

ایو ۳۱:۹-۱۱

متی ۲۷:۵ و ۲۸

ریاکارانه‌شان برملا شده و شهرت و اعتبارشان کم کم در حال افول بود، بر آن شدند که از خودشان دفاع کنند. غرور بر روی توانایی آنان برای استدلال و تفکر اثر گذاشت و بزودی این فکر ذهن آنان را اشغال کرد که برای حفظ آبرویشان، عیسی را از میان بردارند. دیگر مهم نبود چه چیز خوب و درست است؛ آنها با توطئه برای قتل عیسی، قوانین خودشان را زیر پا گذاشتند.

۶:۸ چون سران قوم آن زن را در حین عمل زنا گرفته بودند، می‌بایست مردی را که با او مرتکب این عمل شده بود نیز می‌آوردند. از این رو، با آوردن آن زن به تنهایی، قانون را رعایت نکردند. مطابق شریعت هر دو طرف می‌بایست سنگسار می‌شدند (لاویان ۲۰:۱۰؛ تثنیه ۲۲:۲۲).

سران قوم داشتند از این زن بعنوان دامی برای فریب دادن عیسی استفاده می‌کردند. اگر عیسی می‌گفت که آن زن نباید سنگسار شود، آنها او را به جرم زیر پا گذاشتن قانون موسی دستگیر می‌کردند. اگر او آنها را ترغیب به اعدام آن زن می‌کرد، آنها موضوع را به مقامات رومی گزارش می‌دادند، چون دولت روم اجازه اعدام را به یهودیان نداده بود.

۵۰:۷ این آیه چیزهای بیشتری درباره شخصیت واقعی نیکودیموس در اختیار ما می‌گذارد. او همان فریسی‌ای بود که در شب بدیدن عیسی رفته بود (فصل ۳). از قرار معلوم نیکودیموس مخفیانه ایماندار شده بود. از آنجا که بیشتر فریسیان از عیسی نفرت داشتند و می‌خواستند او را از میان ببرند، نیکودیموس با اظهار نظر درباره عیسی، شهرت و مقام بالایش را به خطر انداخت. او بابی باکی، این سخن را گفت و فریسیان فوراً به او مظنون شدند. بعد از مرگ عیسی، نیکودیموس عطریات برای تدهین جسد عیسی آورد (۳۹:۱۹). این آخرین باری است که در کتاب مقدس به او اشاره می‌شود، اما طبق روایات، او از پطرس و یوحنا غسل تعمید گرفت و بعدها تحت فشار، مجبور شد که از عضویت در شورای عالی کناره‌گیری کند.

۵۱:۷ نیکودیموس فریسیان را متوجه این نکته کرد که مقررات خودشان را رعایت نمی‌کنند. فریسیان دیدند که کم کم در حال عقب‌نشینی‌اند، چون مأمورین خانه خدا وقتی از پیش عیسی بازگشتند، تحت تأثیر سخنان او قرار گرفته بودند (۴۶:۷). و یکی از خود آنها، یعنی نیکودیموس از او دفاع می‌کرد. فریسیان که انگیزه‌های

۷:۸ سران قوم با اصرار می‌خواستند که او جواب دهد. پس عیسی سر خود را بلند کرد و به ایشان فرمود:

«اگر می‌خواهید او را سنگسار کنید، باید سنگ اول را کسی به او بزند که خود تابحال گناهی نکرده است.»

۸:۱ سپس، دوباره سر را پایین انداخت و به نوشتن بر روی زمین ادامه داد. ۹:۱ سران قوم، از پیر گرفته تا جوان، یک‌یک بیرون رفتند تا اینکه درمقابل جمعیت فقط عیسی ماند و آن زن. ۱۰:۱ آنگاه عیسی بار دیگر سر را بلند کرد و به زن گفت: «آنانی که تو را گرفته بودند کجا رفتند؟ حتی یک نفر هم نماند که تو را محکوم کند؟» ۱۱:۱ زن گفت: «نه آقا!» عیسی فرمود: «من نیز تو را محکوم نمی‌کنم. برو و دیگر گناه نکن.»

۷:۸
تث ۷:۱۷

۱۱:۸
یو ۱۴:۵

عیسی، نور جهان

(۱۲۶)

۱۲:۱ عیسی در یکی از تعالیم خود، به مردم فرمود: «من نور جهان هستم، هر که مرا پیروی کند، در تاریکی نخواهد ماند، زیرا نور حیات بخش راهش را روشن می‌کند.»

۱۲:۸
اش ۲۰۱:۹
یو ۱:۴، ۹:۵، ۱۹:۳، ۵:۹
۴۶:۳۵، ۳۶:۴
قرن ۶:۴

گناه نکند. عیسی حاضر است هر گناهی را در زندگی تان ببخشد، اما اعتراف به گناه و توبه نشانه تغییر عمیق درونی است. ما با کمک خدا می‌توانیم بخشش مسیح را بپذیریم و به گناهانمان خاتمه دهیم.

۱۲:۸ پیروی از عیسی چه معنایی دارد؟ همان‌طور که سرباز از افسر مافوق خود پیروی می‌کند، ما هم باید عیسی را بعنوان فرمانده خود پیروی کنیم. همان‌طور که غلام از ارباب خود اطاعت می‌کند، ما هم باید از عیسی بعنوان خداوند (یعنی ارباب) خود اطاعت کنیم. همان‌طور که ما نصایح مشاور مورد اعتماد را بکار می‌گیریم، باید از فرامین عیسی در کتاب مقدس اطاعت کنیم. همان‌طور که به قوانین و رسوم ملی عمل می‌کنیم، باید به قوانین مسیح عمل کنیم چون ما شهروندان آسمان هستیم.

۱۲:۸ عیسی خود را نور جهان نامید. برای پی بردن به منظور او، به توضیحات مربوط به ۴:۱ مراجعه کنید. ۱۲:۸ عیسی در قسمتی از خانه خدا سخن می‌گفت که به خزانه معروف بود (۲۰:۸)، جایی که در آنجا شمع روشن می‌کردند. شمع مظهر ستون آتشی بود که مردم اسرائیل را در بیابان راهنمایی می‌کرد (خروج ۲۱:۱۳ و ۲۲). در چنین جایی عیسی خود را نور جهان نامید. ستون آتش مظهر حضور، حفاظت، و هدایت خدا بود. عیسی با خود،

۷:۸ این گفته مهمی در مورد داوری دیگران است. چون عیسی مسأله سنگسار کردن را نفی نکرد، نمی‌توانستند او را به شکستن احکام موسی متهم کنند. اما او با گفتن این حقیقت که فقط شخصی بی‌گناه می‌تواند سنگ اول را بیندازد، اهمیت ترحم و بخشش را برجسته کرد. آیا وقتی دیگران در گناه گرفتار می‌شوند، سریع درباره آنها حکم و قضاوت می‌کنید؟ با این کار، چنین بنظر می‌رسد که گویی خودتان هرگز گناه نکرده‌اید. داوری کار خداست نه ما. وظیفه ما بخشش و ترحم کردن است.

۹:۸ وقتی عیسی گفت که فقط کسانی باید سنگ اول را بیندازند که گناهی نکرده‌اند، سران قوم، از پیر گرفته تا جوان بیرون رفتند. بی‌تردید مسن‌ترها بیشتر از جوانترها از گناهانشان مطلع بودند. سن و سال و تجربه، کمال‌طلبی و خودپسندی دوره جوانی را تعدیل می‌کند. اما در هر سن و سالی که هستید، نگاه صادقانه‌ای به زندگی خود بیندازید؛ بپذیرید که طبیعت گناه‌آلودی دارید؛ و وقتتان را بیشتر صرف یافتن راههایی برای کمک به دیگران بکنید و نه صدمه رساندن به آنها.

۱۱:۸ عیسی زنی را که متهم به گناه زنا بود محکوم نکرد، اما این‌طور نبود که گناهش را نادیده بگیرد یا آن را محکوم نکند. عیسی به آن زن گفت که برود و دیگر

۱۳ فریسیان گفتند: «تو از خودت تعریف می کنی؛ تو دروغ می گویی.»

۱۴ عیسی فرمود: «من هر چه می گویم عین حقیقت است، حتی اگر درباره خودم باشد. چون می دانم از کجا آمده ام و به کجا بازمی گردم. ولی شما این را نمی دانید. ۱۵ شما بی آنکه چیزی درباره من بدانید قضاوت می کنید، ولی من درباره شما قضاوت نمی کنم. ۱۶ اگر نیز چنین کنم، قضاوت من کاملاً درست است، چون من تنها نیستم، بلکه «پدری» که مرا فرستاد، با من است. ۱۷ مطابق شریعت شما، اگر دو نفر درباره موضوعی شهادت دهند، شهادت ایشان بطور مسلم قابل قبول است. ۱۸ درباره من هم دو نفر هستند که شهادت می دهند، یکی خودم و دیگری «پدرم» که مرا فرستاد.»

۱۹ پرسیدند: «پدرت کجاست؟»

عیسی جواب داد: «شما که نمی دانید من کیستم، چگونه می خواهید پدرم را بشناسید؟ اگر مرا می شناختید، پدرم را نیز می شناختید.»

۲۰ عیسی این سخنان را در قسمتی از خانه خدا که خزانه در آنجا بود، بیان کرد. با اینحال کسی او را نگرفت، چون وقت او هنوز بسر نرسیده بود.

هشدار عیسی درباره داوری آینده

(۱۲۷)

۲۱ باز به ایشان فرمود: «من می روم و شما به دنبال من خواهید گشت و در گناهاتان خواهید مرد؛ و جایی هم که می روم، شما نمی توانید بیایید.»

۲۲ یهودیان از یکدیگر پرسیدند: «مگر می خواهد خودش را بکشد؟ منظورش چیست که می گوید جایی می روم که شما نمی توانید بیایید؟»

۲۳ آنگاه عیسی به ایشان فرمود: «شما از پایین هستید و من از بالا. شما متعلق به

۱۴:۸

یو ۲۸:۷ : ۳۷:۱۸

مکا ۵:۱

۱۶:۸

یو ۳۰:۵ : ۱۴:۱۱ و ۱۱

۳۲:۱۶

۱۷:۸

تث ۶:۱۷ : ۱۵:۱۹

قرن ۱:۱۳

عبر ۲۸:۱۰

۱۸:۸

یو ۳۷:۵

۱۹:۸

یو ۹:۷:۱۴

۲۰:۸

مر ۴۱:۱۲

لو ۱:۲۱

یو ۳۰:۷

۲۱:۸

یو ۳۴:۷ : ۳۳:۱۳

۲۲:۸

یو ۳۵:۷ و ۳۶

۲۳:۸

یو ۳۱:۳ : ۱۹:۱۵ : ۱۶:۱۷

یو ۵:۴

عیسی شاهد دیگری ندارد، ادعای او شرعاً بی اعتبار است. عیسی در جواب آنها گفت که خود خدا بر شهادت او صحه می گذارد. او و خدا دو شاهد می شدند و مطابق حکم شریعت دو شاهد برای هر شهادتی کافی بود (تثنیه ۱۹:۱۵).

۲۰:۸ خزانه خانه خدا در صحن زنان قرار داشت. در این قسمت، ۱۳ جعبه جمع آوری هدایای نقدی تعبیه شده بود. هفت عدد از آنها به مالیات خانه خدا اختصاص داشت؛ شش تای بقیه برای هدایای اختیاری بود. روزی، زن بیوه ای تنها پولی را که داشت، در یکی از این جعبه ها انداخت و عیسی درس عمیقی از عمل او داد (لوقا ۲۱:۲ و ۲۱).

حضور و حفاظت و هدایت خدا را بهمراه می آورد. آیا نور جهان در وجود شما هست؟

۱۴:۱۳ و ۱۴ فریسیان فکر می کردند عیسی با دیوانه است یا دروغگو. اما عیسی شق سومی را ذکر کرد و آن اینکه او حقیقت را می گوید. از آنجا که فریسیان از پذیرفتن شق سوم امتناع می ورزیدند، هرگز نمی توانستند او را بعنوان مسیح و خداوند بشناسند. شما هم اگر در پی این هستید که بدانید عیسی کیست، قبل از آنکه واقعاً و آگاهانه از کنار او بگذرید، برای شناخت او همه درها را به روی خود نبندید. برای پی بردن به این حقیقت که او مسیح و خداوند است، به فکری گشوده نیاز دارید.

۱۸:۸ یهودیان اینطور استدلال می کردند که چون

این جهان هستید ولی من نیستم. ^{۲۴} برای همین گفتم که شما در گناهانتان خواهید مرد. چون اگر ایمان نیاورید که من مسیح و فرزند خدا هستم، در گناهانتان خواهید مرد.»

^{۲۵} مردم از او پرسیدند: «به ما بگو که تو کیستی؟» عیسی جواب داد: «من همانم که از اول به شما گفتم. ^{۲۶} برای خیلی چیزها می‌توانم شما را محکوم کنم و خیلی چیزها دارم که به شما تعلیم دهم؛ اما فعلاً این کار را نمی‌کنم. فقط چیزهایی را می‌گویم که فرستنده من از من خواسته است، و او حقیقت محض است.» ^{۲۷} ولی مردم هنوز نفهمیدند که عیسی درباره خدا سخن می‌گوید.

^{۲۸} پس، عیسی فرمود: «وقتی مرا کشتید، آنگاه خواهید فهمید که من مسیح هستم و از خود کاری نمی‌کنم، بلکه هرچه «پدر» به من آموخت، همان را به شما گفته‌ام. ^{۲۹} کسی که مرا فرستاده است با من است و مرا تنها نگذاشته، زیرا همواره کارهای پسندیده او را بجا می‌آورم.»

تعلیم درباره فرزندان واقعی خدا

(۱۲۸)

^{۳۰} در این وقت، بسیاری از سران قوم یهود، با شنیدن سخنان او ایمان آوردند که او همان مسیح است.

عیسی به این عده فرمود: «اگر همانگونه که به شما گفتم زندگی کنید، شاگردان واقعی من خواهید بود. ^{۳۲} حقیقت را خواهید شناخت و حقیقت شما را آزاد خواهد ساخت.»

^{۳۳} گفتند: «منظورت چیست که می‌گویی آزاد می‌شوید؟ ما که اسیر کسی نیستیم که آزاد شویم. ما فرزندان ابراهیم هستیم.»

^{۳۴} عیسی جواب داد: «این عین حقیقت است که هر که گناه می‌کند، اسیر و

۲۴:۸
خرو ۱۵و۱۴:۳
یو ۲۶:۴ : ۵۸،۲۸:۸
۱۹:۱۳

۲۶:۸
یو ۳۴-۳۳:۳۴ : ۴۹:۱۲
۱۵:۱۵

۲۸:۸
یو ۱۵،۱۴،۱۱:۳ : ۱۹:۵
۳۲:۱۲ : ۲۴:۸
روم ۴:۱
۲۹:۸
یو ۳۴:۴ : ۳۸:۶ : ۱۰:۱۴
۳۲:۱۶

۳۱:۸
یو ۷:۱۵

۳۲:۸
روم ۲:۸
قرن ۱۷:۳
غلا ۱۳:۱:۵
۱بطر ۱۶:۲

۳۳:۸
لاو ۴۲:۲۵
متی ۹:۳
۳۴:۸
روم ۱۶:۶
۱بطر ۱۹:۲

ما را آزاد نمی‌کند تا هر کاری که دلمان می‌خواهد بکنیم، بلکه ما را آزاد می‌سازد تا خدا را پیروی کنیم. وقتی در پی این هستیم که برای خدا زندگی کنیم، حقیقت کامل عیسی ما را آزاد می‌کند تا شخصیتمان تبدیل به آن چیزی شود که خدا می‌خواهد.

۳۵ و ۳۴:۸ گناه این قدرت را دارد که ما را اسیر خود سازد، بر ما مسلط و حاکم شود، و نحوه عملکرد ما را تعیین کند. عیسی می‌تواند شما را از این اسارت آزاد کند، اسارتی که مانع می‌شود شما همان کسی باشید که خدا در نظر دارد. اگر گناه شما را تحت تسلط خود می‌گیرد یا

۲۴:۸ اگر مردم مسیح را رد کنند، در گناهانشان خواهند مرد، چون با این کار تنها راه رهایی از گناه را رد می‌کنند. متأسفانه، معیارهای این دنیا بقدری مردم را به خود جذب کرده که چشمان بسیاری از مردم به روی هدیه پرازش مسیح بسته است.

۳۲:۸ عیسی خودش همان حقیقت است که ما را آزاد می‌سازد. او سرچشمه حقیقت و معیار کامل راستی است. او ما را از عواقب گناه، خودفریبی، و فریب شیطان آزاد می‌سازد. او راهی را که به زندگی جاودانی در حضور خدا منتهی می‌شود، بوضوح به ما نشان می‌دهد. بنابراین، عیسی

برده گناه است.^{۳۵} برده‌ها در خانه حقی ندارند، ولی تمام حق به پسر خانواده می‌رسد.^{۳۶} پس، اگر پسر شما را آزاد کند، در واقع آزادید.^{۳۷} بلی، می‌دانم که شما فرزندان ابراهیم هستید. با وجود این، بعضی از شما می‌خواهید مرا بکشید، چون در دل شما جایی برای پیغام من پیدا نمی‌شود.
۳۸ «من هرچه از پدرم دیده‌ام، می‌گویم. شما نیز هرچه از پدر خود آموخته‌اید، انجام می‌دهید.»

۳۹ گفتند: «پدر ما ابراهیم است.»

عیسی جواب داد: «نه، اگر چنین بود، شما نیز از رفتار خوب ابراهیم سرمشق می‌گرفتید.^{۴۰} من حقایقی را که از خدا شنیده‌ام به شما گفته‌ام، با این حال شما می‌خواهید مرا بکشید. ابراهیم هرگز چنین کاری نمی‌کرد!^{۴۱} وقتی چنین می‌کنید، از پدر واقعی‌تان پیروی می‌نمایید.»

مردم جواب دادند: «ما که حرام‌زاده نیستیم. پدر واقعی ما خداست.»

۴۲ عیسی فرمود: «اگر اینطور بود، مرا دوست می‌داشتید. چون من از جانب خدا نزد شما آمده‌ام. من خودسرانه نیامده‌ام بلکه خدا مرا پیش شما فرستاده است.
۴۳ چرا نمی‌توانید سخنان مرا بفهمید؟ دلیلش اینست که نمی‌خواهید به من گوش دهید.^{۴۴} شما فرزندان پدر واقعی‌تان شیطان می‌باشید و دوست دارید اعمال بد او را انجام دهید. شیطان از همان اول قاتل بود و از حقیقت نفرت داشت. در وجود او ذره‌ای حقیقت پیدا نمی‌شود، چون ذاتاً دروغگو و پدر تمام دروغگوهاست.
۴۵ به همین دلیل است که وقتی من حقیقت را به شما می‌گویم، نمی‌توانید باور کنید.^{۴۶} کدام یک از شما می‌تواند حتی یک گناه به من نسبت دهد؟ هیچکدام!

۳۵:۸

پیدا ۱۰:۲۱
غلا ۳۰:۴

۳۹:۸

متی ۹:۳
روم ۷:۹ : ۲۸:۳
غلا ۲۹:۷، ۳

۴۱:۸

تث ۶:۳۲
اش ۸:۵۴ : ۱۶:۵۳
ملا ۶:۱

۴۲:۸

یو ۱:۱۶ : ۱۶:۳ : ۴۳:۵
۲۷:۱۶
غلا ۴:۴

۴۴:۸

پیدا ۴:۱۳
ایو ۸:۳ : ۴:۲

۴۵:۸

یو ۳۷:۱۸

نبوده باشند، اما نفرت آنها از حقیقت، دروغها و مقاصد سبانه‌شان دال بر این بود که چقدر تحت سلطه شیطان هستند. آنها ابزاری بودند در دست شیطان برای انجام نقشه‌های او. هنوز هم شیطان از مردم برای بی‌اثر کردن کار خدا در دنیا استفاده می‌کند.

۴۶:۸ هیچ‌کس نمی‌تواند گناهی به عیسی نسبت دهد. کسانی که از او متنفر بودند و مرگ او را می‌خواستند، در زندگی‌اش دقیق شدند اما نتوانستند خطایی در او بیابند. عیسی با زندگی بدون گناهش ثابت کرد که خدای در جسم است. او تنها الگوی کامل برای پیروی است.

۴۶:۸ در بعضی موارد، عیسی عمداً از کسانی که به سخنانش گوش فرامی‌دادند دعوت می‌کرد تا او را امتحان کنند. او کسانی را که می‌خواستند درباره ادعاها و شخصیتش از او تحقیق کنند، به گرمی می‌پذیرفت به شرط اینکه از یافته‌های خود پیروی کنند. دعوت عیسی از مردم برای تحقیق در مورد زندگی و شخصیت او،

شما را اسیر می‌سازد، عیسی می‌تواند قدرت گناه را بر زندگی شما نابود کند.

۴۱:۸ عیسی فرزندان موروئی را از فرزندان واقعی متمایز کرد. علمای دینی بطور موروئی فرزندان ابراهیم (آغازگر قوم یهود) بودند و از این رو ادعا می‌کردند که فرزندان خدا هستند. اما اعمال آنها نشان می‌داد که فرزندان واقعی شیطانند، چون از شیطان هدایت می‌گرفتند. فرزندان واقعی ابراهیم (پیروان وفادار خدا) مانند آنها عمل نخواهند کرد. عضویت در کلیسا و پیوندهای خانوادگی، شما را جزو فرزندان واقعی خدا نخواهد ساخت. پدر واقعی شما آن کسی است که از او اطاعت می‌کنید.

۴۳:۸ علمای دینی نمی‌توانستند ایمان بیاورند چون نمی‌خواستند. شیطان از لجاجت، غرور، و تعصب آنها استفاده کرد تا نگذارد به عیسی ایمان بیاورند.

۴۵ و ۴۴:۸ رفتار و اعمال این رهبران دینی، به وضوح نشان می‌داد که پیروان شیطانند. آنها شاید از این امر آگاه

پس حال که حقیقت را از من می‌شنوید، چرا به من ایمان نمی‌آورید؟^{۴۷} هر کس که پدرش خدا باشد، با خوشحالی به سخنان خدا گوش می‌دهد؛ و چون شما گوش نمی‌دهید، ثابت می‌کنید که فرزندان خدا نیستید.»

۴۷:۸
ایو ۶:۴

ادعای عیسی در مورد جاودانی بودن خود (۱۲۹)

^{۴۸} سران قوم فریاد زده، گفتند: «ای سامری اجنبی، ما از ابتدا درست می‌گفتیم که تو دیوانه‌ای.»^{۴۹} عیسی فرمود: «من دیوانه نیستم. من به پدرم خدا احترام می‌گذارم، ولی شما به من بی‌احترامی می‌کنید.^{۵۰} با اینکه من نمی‌خواهم خود را بزرگ جلوه دهم، خدا مرا بزرگ می‌کند و هر که مرا قبول نکند، خدا او را محاکمه و مجازات خواهد نمود.^{۵۱} این که می‌گویم عین حقیقت است: هر که احکام مرا اطاعت کند، هرگز نخواهد مرد.»

۴۹:۸
یو ۲۰:۷
۵۰:۸
یو ۱۵:۴۱ و ۴۲

۵۱:۸
یو ۲۴:۵ + ۲۵:۱۱ و ۲۶

^{۵۲} سران یهود گفتند: «حالا دیگر برای ما ثابت شد که تو دیوانه‌ای. ابراهیم و تمام پیامبران بزرگ خدا مردند؛ حال، تو ادعا می‌کنی که هر که از تو اطاعت کند، نخواهد مرد؟^{۵۳} یعنی تو از پدر ما ابراهیم که مرد، بزرگتری؟ از پیامبران خدا هم که مردند بزرگتری؟ خود را که می‌دانی؟»

۵۳:۸
یو ۱۲:۴

^{۵۴} عیسی به ایشان فرمود: «اگر من از خود تعریف کنم، این ارزشی ندارد؛ اما این پدر من است که به من عزت و جلال می‌بخشد، یعنی همان کسی که ادعا می‌کنید خدای شماست.^{۵۵} شما مطلقاً او را نمی‌شناسید، اما من کاملاً او را می‌شناسم؛ و اگر بگویم او را نمی‌شناسم، آنگاه مانند شما دروغگو خواهم بود! ولی حقیقت این است که من خدا را می‌شناسم و کاملاً مطیع او هستم.^{۵۶} جدّ شما ابراهیم شادی می‌کرد از اینکه یک روز مرا ببیند. او می‌دانست که من به این جهان خواهم آمد؛ از این جهت شاد بود.»

۵۴:۸
یو ۱۴:۱۶ + ۱۷:۱
اعما ۱۳:۳
۵۵:۸
یو ۲۹:۷ + ۱۰:۱۵

۵۶:۸
پیدا ۱۷:۲۲ و ۱۸
لو ۲۴:۱۰
غلا ۱۶:۹، ۱۸:۳
عبر ۱۳:۱، ۱۰:۱۱

^{۵۷} سران قوم فریاد زدند: «چه می‌گویی؟ تو حتی پنجاه سال نیز نداری و می‌گویی ابراهیم را دیده‌ای؟»

عیسی می‌گوید کسانی که از احکام او اطاعت کنند، نخواهند مرد، درباره مرگ روحانی صحبت می‌کنند نه مرگ جسمانی. مسیح به کسانی که از او پیروی می‌کنند، وعده زندگی جاودانی می‌دهد.

۵۶:۸ خدا به ابراهیم، پدر قوم یهود، گفت که همه ملت‌ها از طریق او برکت خواهند یافت (پیدایش ۱۲:۱-۳). عیسی که از نسل ابراهیم بود، از طریق مرگ، قیام، و هدیه نجات خود، همه مردم را برکت داد.

روشن می‌کند که آنها غالباً به دو دلیل از رویارویی با او طفره می‌روند: (۱) آنها هرگز دعوت او را برای امتحانش نمی‌پذیرند؛ یا (۲) آنها او را امتحان می‌کنند اما هرگز در اثر یافته‌های خود، مایل نیستند به او ایمان بیاورند. آیا شما مرتکب هیچ‌یک از این اشتباهات شده‌اید؟

۵۱:۸ اطاعت فرایندی دائمی است، بنابراین هر وقت گناه می‌کنیم باید همیشه از خدا بخواهیم که ما را ببخشد. وقتی

۵۸:۸ عیسی به ایشان فرمود: «این حقیقت محض است که قبل از اینکه حتی ابراهیم به این جهان بیاید، من وجود داشتم.»
 ۵۹ سران قوم که دیگر طاقت شنیدن سخنان او را نداشتند، سنگ برداشتند تا او را بکشند. ولی عیسی از کنار ایشان گذشت و از خانه خدا بیرون رفت و از نظرها پنهان شد.

شفای کور مادرزاد

(۱۴۸)

۹ وقتی عیسی از محلی می گذشت، کور مادرزادی را دید. ۲ شاگردان از او پرسیدند: «استاد، این شخص چرا نابینا دنیا آمده است؟ آیا در اثر گناهان خود او بوده است یا در نتیجه گناهان پدر و مادرش؟»
 ۳ عیسی جواب داد: «هیچکدام. علت آنست که خدا می خواهد قدرت شفابخش خود را اکنون از طریق او نشان دهد. ۴ تا فرصت باقیست من باید وظیفه ای را که فرستنده من به عهده من گذاشته است انجام دهم، زیرا وقت کمی تا شب باقی مانده و در آن نمی توان کاری انجام داد. ۵ من تا وقتی در این جهان هستم، به آن نور می بخشم!»

۵۸:۸
 خرو ۱۴:۳
 اش ۶:۹ : ۱۳:۴۳
 میکا ۲:۵
 یو ۲۸:۲۴ : ۱۹:۱۳
 کول ۱۷:۱
 عبر ۸:۱۳
 مکا ۸:۱

۱:۹
 خرو ۵:۲۰
 لو ۲:۱۳
 یو ۳۴:۹
 ۳:۹
 یو ۴:۱۱
 ۴:۹
 یو ۳۶:۱۹ : ۳۴:۴
 ۴:۱۷ : ۳۵:۱۲ : ۹:۱۱
 ۵:۹
 اش ۲:۹ : ۶:۴۲ : ۶:۴۹
 لو ۳۲:۲
 یو ۹:۵ : ۱۹:۳ : ۱۲:۸ : ۴۶:۱۲

نسبت به عیسی هستیم. همسایگان آن مرد شک و تعجب نشان دادند؛ عکس العمل فریسیان بی ایمانی و تعصب بود؛ والدین آن مرد به عیسی ایمان آوردند، اما از ترس اینکه مبدا تکفیر شوند، سکوت اختیار کردند؛ و این مرد که شفا یافت، ایمانی دائمی و روبه رشد از خود نشان داد. ۳ و ۲:۹ اعتقاد رایجی که در فرهنگ یهود وجود داشت، این بود که مصیبت و درد و رنج نتیجه بعضی از گناهان بزرگ در زندگی است. اما مسیح از درد و رنج این مرد، برای تعلیم درباره ایمان و جلال دادن خدا استفاده کرد. مادر دنیای سقوط کرده ای زندگی می کنیم که همیشه به عمل خوب پاداش نمی دهند و رفتار بد همیشه مورد مجازات قرار نمی گیرد. بنابراین، مردم بی گناه رنج می برند. اگر خدا رنج و درد را در اثر دعای ما از ما دور کند، ممکن است او را بخاطر آسایش و رفاه پیروی کنیم، نه از روی محبت و سرسپردگی. دلایل رنج و درد ما هر چه می خواهد باشد، عیسی این قدرت را دارد که به ما کمک کند تا با آنها مقابله کنیم. وقتی شما از نوعی بیماری، مصیبت، یا نقص عضو رنج می برید، سعی کنید از خدا نپرسید که «چرا چنین اتفاقی برای من افتاد؟» یا «چه کار نادرستی کرده ام که به این بلا دچار شدم؟» بجای این سوالات، از خدا بخواهید تا در آزمایشها به شما قوت بخشد و دید عمیق تری از آنچه روی داده است، به شما عطا کند.

۵۸:۸ این یکی از مهم ترین سخنان عیسی است. وقتی او می گوید که قبل از اینکه ابراهیم به این جهان بیاید، وجود داشت، بطور غیر قابل انکاری بر الوهیتش تأکید می گذارد. این آیه در ترجمه قدیمی چنین است: «پیش از آنکه ابراهیم پیدا شود من هستم.» عیسی نه فقط گفت که پیش از آنکه ابراهیم به این جهان بیاید، وجود داشت، بلکه عنوان مقدس خدا را در مورد خودش بکار برد: «من هستم» (خروج ۱۴:۳). چنین ادعایی واکنش و عکس العمل را بر می انگیزد و نمی توان آن را نادیده گرفت. علمای دینی سعی کردند او را به جرم کفر گویی سنگسار کنند چون عیسی ادعا می کرد که با خدا برابر است. اما عیسی واقعاً خداست. آیا شما واقعاً این حقیقت را پذیرفته اید؟

۵۹:۸ بر طبق حکم شریعت در لایوان ۱۶:۲۴، سران قوم حاضر بودند عیسی را بخاطر ادعای برابری با خدا سنگسار کنند. ایشان ادعای عیسی را بخوبی درک می کردند، اما باز به او ایمان نیاوردند، و او را متهم به کفر کردند. اما نکته خنده دار اینست که کفر گوی واقعی خودشان بودند؛ ایشان به همان خدایی که فکر می کردند خدمتش می کنند، کفر می گفتند.

۱:۹ در فصل ۹، ما شاهد چهار نوع عکس العمل مختلف

۶ آنگاه آب دهان بر زمین انداخت و با آن گل درست کرد و به چشمان کور مالید،^۷ و به او فرمود: «به حوض سیلوحا برو و چشمانت را بشوی.» (سیلوحا به زبان عبری به معنی «فرستاده» می‌باشد.) آن کور نیز رفت، و چشمان خود را در آن حوض شست و بینا بازگشت.

^۸ همسایه‌ها و کسانی که او را بعنوان فقیری نابینا می‌شناختند، از یکدیگر پرسیدند: «آیا این همان گدای کور است؟»^۹ بعضی گفتند همانست و بعضی دیگر گفتند: «نه، غیرممکن است که او باشد. اما شباهت زیادی به او دارد.» مرد فقیر گفت: «من همانم.»

^{۱۰} از او پرسیدند: «پس چه شد که بینا شدی؟»

^{۱۱} گفت: «شخصی که مردم او را عیسی می‌خوانند، گل درست کرد، به چشمانم مالید و گفت که به حوض سیلوحا بروم و گل را از چشمانم بشویم. من نیز رفتم و شستم و بینا شدم.»

^{۱۲} پرسیدند: «او حالا کجاست؟»

جواب داد: «نمی‌دانم.»

۶:۹

مر ۲۳:۷ : ۲۳:۸

۷:۹

۲ پاد ۱۴:۵

نج ۱۵:۳

اش ۵:۳۵

۸:۹

اعما ۱۰:۲۳

بازجویی علمای دینی از مرد کور

(۱۴۹)

^{۱۳} پس او را نزد فریسیان بردند.^{۱۴} عیسی این کور را روز شنبه شفا داده بود.^{۱۵} فریسیان جریان را از او پرسیدند. او نیز گفت که عیسی گل درست کرد، به چشمانش مالید و وقتی شست، بینا شد.

^{۱۶} بعضی از ایشان گفتند: «اگر چنین باشد، عیسی از جانب خدا نیست، زیرا در روز عبادت و استراحت کار می‌کند.»

دیگران گفتند: «ولی چگونه یک شخص گناهکار می‌تواند چنین معجزه‌ای بکند؟» پس بین ایشان اختلاف افتاد.^{۱۷} آنگاه فریسی‌ها بازگشتند و به آن

۱۴:۹

یو ۹:۵

۱۶:۹

یو ۲۳ : ۴۳، ۱۲:۷

۱۷:۹

تث ۱۵:۱۸

متی ۱۱:۲۱

یو ۱۹:۴ : ۱۴:۶

می‌کرد. شک و تردید آنها بخاطر کمبود مدرک و شاهد نبود، بلکه از روی حسادت به شهرت و محبوبیت عیسی بود.

۹:۱۴-۱۶ برای یهودیان، شنبه یا سبت روز مقدس و استراحت هفته بود. فریسیان فهرست بلند بالایی از احکام مربوط به روز سبت تهیه کرده بودند. گل درست کردن و شفا دادن آن مرد کار محسوب می‌شد، بنابراین ممنوع بود. شاید عیسی با گل درست کردن، می‌خواست نظرش را درباره سبت بیان کند و نشان دهد که توجه به احتیاجات دیگران حتی در روز استراحت درست است.

۷:۹ حوض سیلوحا را حزقیای پادشاه ساخته بود. کارگران او تونلی زیرزمینی حفر کرده بودند که آب چشمه‌ای در بیرون از دیوارهای شهر را به داخل شهر هدایت می‌کرد. و به این ترتیب، مردم بدون ترس از حمله دشمنان، می‌توانستند همیشه آب به منازلشان ببرند. این تونل بخصوص در زمانهایی که شهر در محاصره دشمنان بود، اهمیت داشت (به پادشاهان ۲۰:۲۰ و ۲۰:۲۰ اتوارخ ۳۰:۳۲ مراجعه کنید).

۱۳:۹-۱۷ فریسیان عیسی را مورد سؤال و تردید قرار می‌دادند، حال آنکه مردم شفا می‌یافتند و زندگی‌ها تغییر

مردی که قبلاً کور بود، گفتند: «تو خودت چه می‌گویی؟ این شخص که چشمانت را باز کرد، کیست؟»

جواب داد: «بنظر من باید پیامبری از طرف خدا باشد.»

^{۱۸} سران قوم که نمی‌خواستند باور کنند که او کور بوده است، پدر و مادرش را خواستند. ^{۱۹} از ایشان پرسیدند: «این پسر شماس است؟ آیا درست است که کور بدنی آمده است؟ در اینصورت چطور چشمانش باز شد؟»

^{۲۰} پدر و مادر جواب دادند: «بلی، این پسر ماست و کور هم بدنی آمده است. ^{۲۱} ولی نه می‌دانیم چطور چشمانش باز شد و نه می‌دانیم چه کسی این کار را برایش کرده است. از خودش پرسید، چون بالغ است و می‌تواند همه چیز را بگوید.»

^{۲۲} و ^{۲۳} پدر و مادر او از ترس سران قوم یهود چنین گفتند، چون ایشان اعلام کرده بودند که هر که بگوید عیسی همان مسیح است، او را از تمام مزایای جامعه محروم خواهند کرد.

^{۲۴} فریسی‌ها دوباره او را خواستند و گفتند: «خدا را تمجید کن نه عیسی را، چون ما خوب می‌دانیم که عیسی آدم شیادی است.»

^{۲۵} جواب داد: «من نمی‌دانم که او خوب است یا بد. فقط می‌دانم که کور بودم و بینا شدم!»

^{۲۶} از او پرسیدند: «خوب، عیسی با تو چه کرد؟ چطور چشمانت را باز کرد؟»
^{۲۷} جواب داد: «من یک بار به شما گفتم، مگر نشنیدید؟ چرا می‌خواهید دوباره تعریف کنم؟ آیا شما هم می‌خواهید شاگرد او بشوید؟»

^{۲۸} فریسی‌ها او را دشنام داده، گفتند: «تو خودت شاگرد او هستی. ما شاگردان موسی می‌باشیم. ^{۲۹} ما می‌دانیم که خدا با موسی رودر رو سخن می‌گفت. اما درباره این شخص، هیچ چیز نمی‌دانیم.»

^{۳۰} جواب داد: «این خیلی عجیب است که او می‌تواند کوری را بینا کند و شما درباره او هیچ چیز نمی‌دانید؟ ^{۳۱} همه می‌دانند که خدا به دعای اشخاص شیاد

۲۵:۹ مردی که قبلاً کور بود تا به این لحظه سؤالات تکراری شنیده بود. او نمی‌دانست چطور شفا یافته، اما می‌دانست که زندگی‌اش بطور معجزه‌آسایی تغییر کرده است، و او از گفتن حقیقت ترس نداشت. شما برای سخن گفتن درباره مسیح برای دیگران، لازم نیست همه جوابها را بدانید. مهم این است که به آنها بگویید مسیح چه کاری برای شما کرده و چطور زندگی‌تان را تغییر داده است. بعد مطمئن باشید که خدا از سخنان شما استفاده خواهد کرد تا دیگران هم به او ایمان بیاورند.

۲۸:۹ و ۳۴ ایمان تازه آن مرد شدیداً مورد امتحان و

آزمایش چند تن از مراجع دینی قرار گرفت. او را دشنام دادند و از عبادتگاه بیرون راندند. شما نیز وقتی عیسی را پیروی می‌کنید، ممکن است با آزار و اذیت مواجه شوید. ممکن است دوستان و حتی جانتان را از دست بدهید. اما هیچ کس هرگز نمی‌تواند زندگی جاویدی را که عیسی به شما داده است، از شما بگیرد.

۳۰:۹-۳۳ این مرد، هرچه طعم زندگی در مسیح را بیشتر می‌چشید، بیشتر به کسی که او را شفا داده بود، اعتقاد پیدا می‌کرد. وقتی عیسی را بعنوان استاد، بعد پیغمبر، و بعد خداوند پذیرفت، نه تنها بینایی جسمانی

۲۲:۹

یو ۱۳:۷؛ ۴۲:۱۲؛ ۲:۱۶

۳۸:۱۹

اعما ۱۳:۵

۲۴:۹

یوش ۱۹:۷

۲۸:۹

یو ۴۵:۵

روم ۱۷:۲

۲۹:۹

یو ۱۰:۱؛ ۱۴:۸

۳۱:۹

ایو ۹:۲۷

مز ۱۵:۳۴؛ ۱۸:۶۶

۱۹:۱۴۵

امت ۲۹:۱۵

اش ۱۵:۱

ار ۱۱:۱۱؛ ۱۲:۱۴

میکا ۴:۳

زکر ۱۳:۷

گوش نمی‌دهد، بلکه دعای کسی را می‌شنود که خداپرست باشد و اراده‌ او را انجام دهد. ^{۳۲} از آغاز جهان تا بحال هیچوقت کسی پیدا نشده که بتواند چشمان کور مادرزاد را باز کند. ^{۳۳} اگر این شخص از طرف خدا نبود، چگونه می‌توانست چنین کاری بکند؟»

۳۳:۹

یو ۲:۳

^{۳۴} ایشان فریاد زدند: «ای حرامزاده لعنتی، تو می‌خواهی به ما درس بدهی؟» پس او را بیرون کردند.

۳۴:۹

یو ۴۲:۱۲

عیسی درباره کوری روحانی تعلیم می‌دهد

(۱۵۰)

^{۳۵} وقتی این خبر به گوش عیسی رسید، او را پیدا کرد و فرمود: «آیا تو به مسیح ایمان داری؟»

۳۵:۹

متی ۱۶:۱۶

مر ۱:۱

^{۳۶} جواب داد: «آقا، بگوئید مسیح کیست، چون می‌خواهم به او ایمان بیاورم.»

^{۳۷} عیسی فرمود: «تو او را دیده‌ای و هم اکنون با تو سخن می‌گویدی.»

۳۷:۹

یو ۲۶:۴

^{۳۸} گفت: «بلی ای خداوند، ایمان آوردم.» و عیسی را پرستش کرد.

^{۳۹} عیسی به او فرمود: «من به این جهان آمده‌ام تا چشمان دل‌آزانی را که در باطن کورند باز کنم و به آنانی که تصور می‌کنند بینا هستند، نشان دهم که کورند.»

۳۹:۹

لو ۱۸:۴ و ۱۹

^{۴۰} بعضی از فریسیان که آنجا بودند، گفتند: «آیا منظورت اینست که ما کوریم؟»

۴۰:۹

روم ۱۱:۲

^{۴۱} عیسی جواب داد: «اگر کور بودید، تقصیر نمی‌داشتید؛ ولی شما مقصر باقی می‌مانید، چون ادعا می‌کنید که چشم دارید و همه چیز را می‌بینید.»

۴۱:۹

امت ۱۲:۲۶

یو ۲۲:۱۵

عیسی، شبان خوب و دلسوز

(۱۵۱)

«هر که نخواهد از در به آغل گوسفندان داخل شود بلکه از روی

دیوار به داخل برود، یقیناً دزد است. ^۱ زیرا شبان گوسفندان همیشه از در

۱:۱۰

اش ۱۰:۵۶

۲:۱۰

اعما ۲۸:۲۰

گزند دزدان، هوای بد، یا حیوانات وحشی در امان باشند. آغل، غار یا طویله یا محوطه‌ای سر باز بود که دورتادورش را دیواری از سنگ یا چوب احاطه می‌کرد. غالباً چوپان برای محافظت از گوسفندان در آغل می‌خوابید. همان‌طور که چوپان به فکر گوسفندانش است، عیسی، این شبان مهربان نیز به فکر گله‌اش (یعنی پیروانش) می‌باشد. حزقیال نبی در پیشگویی‌ای که از آمدن مسیح موعود کرد، او را چوپان نامید (حزقیال ۲۳:۳۴).

بدست آورد، بلکه از نظر روحانی نیز بینا شد. وقتی شما بسوی مسیح باز می‌گردید، از آن به بعد با دید متفاوتی به او می‌نگرید. هرچه بیشتر با او راه بروید، بیشتر او را درک می‌کنید. پطرس می‌فرماید: «در قدرت روحانی رشد کنید و در شناخت خداوند و نجات دهنده‌مان عیسی مسیح ترقی نمایید» (۲ پطرس ۱:۳). اگر شما می‌خواهید بیشتر عیسی را بشناسید، همیشه با او راه روید.

۱۰:۱۰ شبها، گوسفندان را غالباً در آغل جمع می‌کردند تا از

وارد می‌شود.^۳ دربان نیز برای شبان در را می‌گشاید، گوسفندان صدای او را می‌شنوند و نزد او می‌آیند. شبان نام گوسفندان خود را یک به یک می‌خواند و آنها را بیرون می‌برد.^۴ او پیشاپیش گوسفندان حرکت می‌کند و گوسفندان بدنبال او می‌روند، چون صدای او را می‌شناسند.^۵ گوسفندان دنبال غریبه نمی‌روند، بلکه از او فرار می‌کنند، چون با صدای غریبه‌ها آشنا نیستند.»

^۶ کسانی که این مثل را شنیدند، منظور عیسی را درک نکردند.^۷ پس برای ایشان توضیح داد و فرمود: «مطمئن باشید که من آن دری هستم که گوسفندان از آن وارد می‌شوند.^۸ دیگران که پیش از من آمدند، همه دزد و راهزن بودند. بهمین جهت، گوسفندان واقعی به سخنان ایشان گوش ندادند.^۹ بلی، من در هستم. کسانی که از این در وارد می‌شوند، نجات پیدا می‌کنند و در داخل و بیرون می‌گردند و چراگاه سبز و خرم می‌یابند.^{۱۰} کار دزد اینست که بدزدد، بکشد و نابود کند؛ اما من آمده‌ام تا به شما حیات واقعی را به فراوانی عطا نمایم.»

۵:۱۰

امت ۲۷:۱۹

غلا ۸:۱

اقس ۱۴:۴

۶:۱۰

یو ۲۵:۱۶

۲ پط ۲۲:۲

۷:۱۰

یو ۶:۱۴

۸:۱۰

ار ۱:۲۳ ؛ ۶:۵۰

جز ۲:۳۴

۱۰:۱۰

یو ۴:۵

اعما ۲۹:۲۰

۲ پط ۱:۲

عناوین عیسی	محل آیات	عنوان	اهمیت عنوان
عیسی در موقعیت‌های مختلف، عناوینی به خودش نسبت می‌دهد که به نقش‌های خاص و وظایف او برای مردم اشاره دارد. بعضی از این عناوین به وعده‌های مسیح موعود در عهدعتیق اشاره داشت. عناوین دیگر راههایی بودند برای کمک به مردم برای درک او.	۲۷:۶ (به توضیح خود متن مراجعه کنید)	پسر انسان	عیسی بیشتر دوست داشت خود را با این عنوان معرفی کند. این عنوان بر انسانیتش تأکید می‌گذارد؛ اما آن را به طریقی بکار می‌برد که تأکیدی بر الوهیتش بود.
	۳۵:۶	نان زندگانی	عیسی با این عنوان، به نقش حیات‌بخش خود اشاره می‌کرد، به این معنا که او تنها منبع زندگی جاودانی است.
	۱۲:۸	نور جهان	نور مظهر حقیقت روحانی است. عیسی جواب مطلق نیاز انسان برای حقیقت روحانی است.
	۷:۱۰	در آغل گوسفندان	عیسی تنها راه به ملکوت خداست.
	۱۱:۱۰	چوپان خوب و دلسوز	تصاویر عهدعتیق را از مسیح موعود به خود نسبت داد. این عنوان ادعایی است بر الوهیتش، و تأکیدی است بر محبت و رهبری او.
	۲۵:۱۱	کسی که مردگان را زنده می‌کند	عیسی نه تنها منبع زندگی است، بلکه بر مرگ هم قدرت مطلق دارد.
	۶:۱۴	راه، راستی، و زندگی	عیسی روش، پیغام، و مقصود برای همه مردم است. او با این عنوان هدفش را از آمدن به دنیا خلاصه کرد.
	۱:۱۵	تاک	این عنوان قسمت مهم دیگری هم دارد: «شما نیز شاخه‌ها.» همانطور که عیسی در بیشتر عنوان‌های دیگرش به ما یادآوری می‌کند، در این عنوان هم یادآور می‌شود که شاخه‌ها از طریق اتصال به تاک زنده هستند و جدا از آن نمی‌توانند زندگی کنند. ما هم برای زندگی روحانی کاملاً به مسیح وابسته‌ایم.

۱۱ «من شبان خوب و دلسوزم. شبان خوب از جان خود می گذرد تا گوسفندان را از چنگال گرگها نجات دهد. ۱۲ ولی کسی که مزدور است و شبان نیست، وقتی می بیند گرگ می آید، گوسفندان را گذاشته، فرار می کند، چون گوسفندان از آن او نیستند و او شبانشان نیست. آنگاه گرگ به گله می زند و گوسفندان را پراکنده می کند. ۱۳ مزدور می گریزد، چون برای مزد کار می کند و به فکر گوسفندان نیست.»

۱۴ «من شبان خوب و مهربانم و گوسفندانم را می شناسم و آنها نیز مرا می شناسند. ۱۵ درست همانطور که پدرم مرا می شناسد و من او را می شناسم. من جان خود را در راه گوسفندان فدا می کنم. ۱۶ من در آغلهای دیگر نیز گوسفندانی دارم؛ آنها را نیز باید بیاورم. آنگاه به صدای من توجه کرده، همه با هم یک گله خواهند شد و یک شبان خواهند داشت.»

۱۷ «پدرم مرا دوست دارد، چون من جانم را می دهم و باز پس می گیرم. ۱۸ کسی نمی تواند بزور مرا بکشد، من داوطلبانه جانم را فدا می کنم. چون اختیار و قدرت این را دارم که هرگاه بخواهم، جانم را بدهم و باز پس بگیرم. پدرم این اختیار را به من داده است.»

۱۹ سران قوم وقتی این سخنان را شنیدند، باز درباره او اختلاف نظر پیدا کردند. ۲۰ بعضی گفتند: «این مرد دیوانه است و عقل خود را از دست داده است. چرا به حرفهای او گوش می دهید؟» ۲۱ دیگران گفتند: «بنظر دیوانه نمی آید. مگر دیوانه می تواند چشمان کور را باز کند؟»

۱۱:۱۰

اش ۱۱:۴۰

جز ۱۱:۳۴-۲۳:۱۶؛ ۲۴:۳۷

عبر ۲۱ و ۲۰:۱۳

۱ پط ۲۵:۲؛ ۴:۵

۱۶:۳

۱۷:۷

۱۴:۱۰

فیل ۱۰:۳

۱۹:۲ تیمو

۱۶:۱۰

اش ۵۶:۵۶

جز ۲۲ و ۲۱:۳۷

یو ۵۲:۱۱؛ ۲۰:۱۷-۲۴

افس ۱۴:۲؛ ۶:۳

۱۷:۱۰

اش ۵۳:۵۳

۲ قرن ۱۵:۵

عبر ۹:۲

۱۶:۳

۱۸:۱۰

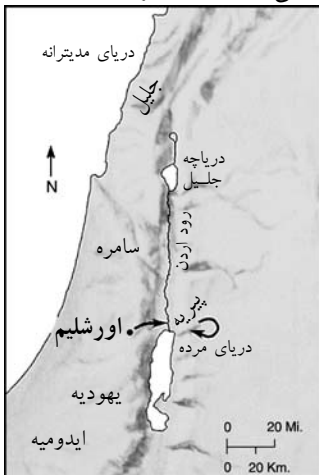
یو ۲۵:۱۱؛ ۱۱:۱۹

عبر ۸:۵؛ ۱۶:۷

تعصباتشان نمی توانستند ببینند، و سعی کردند او را در یک چارچوب انسانی محدود کنند. اما دید محدود آنها، عیسی را محدود نکرد.

خدمت در آن سوی اردن

عیسی برای عید خیمه ها، در اورشلیم بوده است (۲:۱۷)؛ سپس پیش از بازگشت به اورشلیم برای جشن سالگرد، در چند شهر، احتمالاً شهرهای یهودیه، موعظه کرد. او دوباره خشم سران قوم را که سعی داشتند او را دستگیر کنند، برانگیخت؛ اما او شهر را ترک گفت و به آن سوی اردن رفت تا در آنجا موعظه کند.



۱۱:۱۰ و ۱۲ مزدور بخاطر پول از گوسفندان مراقبت می کند، درحالی که چوپان به خاطر علاقه ای که به آنها دارد این کار را می کند. چوپان نسبت به گوسفندان متعهد است. عیسی صرفاً انجام وظیفه نمی کند بلکه متعهد است که ما را دوست داشته و حتی جانش را در راه ما بدهد. معلمین و انبیای دروغین چنین تعهدی ندارند.

۱۶:۱۰ «گوسفندان دیگر» اشاره به کسانی دارد که یهودی نیستند. عیسی آمد تا هم یهودیان را نجات بخشد و هم غیریهودیان را. این تمثیلی است از رسالت جهانی مسیح یعنی مردن برای گناهان تمام مردم دنیا.

۱۷:۱۰ و ۱۸ عیسی درباره مرگ و قیامت صحبت می کند. این وقایع بعنوان بخشی از نقشه خدا برای نجات جهان، کاملاً تحت کنترل خدا بودند.

۱۹:۱۰ و ۲۰ اگر عیسی فقط یک انسان بود، پس مشاعر خود را از دست داده بوده، چون ادعای خدایی می کرده است. اما معجزات او ثابت کرد که گفته هایش صحت دارد. او واقعاً خدا بود. سران قوم خارج از چارچوب

سران قوم دور عیسی را در خانه خدا می گیرند

(۱۵۲)

۲۳ و ۲۲ زمستان بود و عیسی به هنگام جشن سالگرد بنای خانه خدا در اورشلیم بود و در «تالار سلیمان» در خانه خدا، قدم می زد. ۲۴ سران قوم یهود دور او را گرفتند و پرسیدند: «تا به کی می خواهی ما را در شک و تردید نگاه داری؟ اگر تو همان مسیح هستی، روشن و واضح به ما بگو.»

۲۵ عیسی جواب داد: «من قبلاً به شما گفتم ولی باور نکردید. معجزه هایی که به قدرت پدرم می کنم، ثابت می کند که من مسیح هستم. ۲۶ اما شما به من ایمان نمی آورید، زیرا جزو گوسفندان من نیستید. ۲۷ گوسفندان من صدای مرا می شناسند، من نیز ایشان را می شناسم و آنها بدنبال من می آیند. ۲۸ من به ایشان زندگی جاوید می بخشم تا هرگز هلاک نشوند. هیچکس نیز نمی تواند ایشان را از دست من بگیرد. ۲۹ چون پدرم ایشان را به من داده است و او از همه قویتر است؛ هیچ انسانی نمی تواند ایشان را از پدرم بگیرد. ۳۰ من و پدرم خدا یک هستیم.»

۳۱ باز سران قوم سنگها برداشتند تا او را بکشند.

۳۲ عیسی فرمود: «به امر خدا برای کمک به مردم، معجزه های بسیار کرده ام. برای کدام یک از آن معجزه ها می خواهید مرا بکشید؟»

۲۳:۱۰
اعما ۱۱:۳ : ۱۲:۵
۲۴:۱۰
لو ۶۷:۲۲

۲۵:۱۰
یو ۵:۳۶ : ۳۸:۱۰
۱۱:۱۴ و ۱۱

۲۶:۱۰
یو ۸:۴۷
۱۰:۶۴ و ۱۰:۲۸

۲۸:۱۰
یو ۶:۳۹ : ۳۹:۳۷ و ۳۰:۲
۱۱:۵ و ۱۲

۲۹:۱۰
یو ۱۴:۲۸ : ۱۷:۲۴
۳۰:۱۰
اش ۹:۶

یو ۱:۱ : ۱۰:۳۸
۱۷:۲۱-۲۴

محافظت می کند، عیسی هم مقدسینش را از آسیب جاودانی حفظ می نماید. ضمن اینکه ایمانداران می توانند انتظار رنج و عذاب را در این دنیا داشته باشند، اما شیطان نمی تواند آسیبی به روح آنها بزند. هیچ کس نمی تواند زندگی جاوید را از ایشان بگیرد. دلایل زیادی وجود دارد که اینجا روی زمین ترس داشته باشیم، چون دنیا قلمرو شیطان است. اما اگر تصمیم به پیروی از عیسی بگیرید، او به شما ایمنی جاودانی خواهد داد.

۳۱ و ۳۰:۱۰ این یکی از واضح ترین سخنان عیسی درباره الوهیتش است؛ او و خدای پدر یکی هستند. آنها یک شخصیت واحد نیستند، اما در ذات و طبیعت یکی می باشند. بنابراین، عیسی صرفاً یک معلم خوب نیست؛ او خداست. ادعای او مبنی بر خدا بودن غیرقابل تردید است. سران قوم خواستند او را به همین دلیل بکشند، چون طبق احکام مذهبی شان، هر کسی که ادعای خدایی می کرد، باید کشته می شد. هیچ چیز نمی توانست آنها را متقاعد کند که ادعای عیسی درست است.

۳۱:۱۰ سران قوم خواستند طبق دستور لایوان ۱۵:۲۴ و ۱۶ درباره کفرگویی (ادعای خدایی) عمل کنند. آنها قصد داشتند او را سنگسار کنند.

۲۳ و ۲۲:۱۰ جشن سالگرد، بزرگداشت روزی بود که خانه خدا در سال ۱۶۴ ق.م. به دست مکابی ها تطهیر شد. قبل از آن آنتیوخوس اپیفانس، خانه خدا را با قربانی کردن یک خوک بر روی قربانگاه، نجس و آلوده کرده بود. جشن سالگرد تا اواخر ماه دسامبر ادامه پیدا می کرد. جشن سالگرد همان عید روشنائی یا تقدیس (هنوکا) می باشد که یهودیان در حال حاضر جشن می گیرند.

۲۳:۱۰ تالار سلیمان که ستون سلیمان هم نامیده می شد، ایوان سقف داری بود که روی چند ردیف طولانی ستون سنگی و درست در میان دیوارهای صحن قرار داشت. ۲۴:۱۰ سران قوم منتظر علامات و جوابهایی بودند که بتواند ایشان را نسبت به هویت عیسی متقاعد کند. از این رو نتوانستند حقایقی را که عیسی به آنها ارائه می کرد، بشنوند. عیسی سعی کرد عقاید غلط آنها را اصلاح کند، اما آنها به عقاید غلطی که درباره مسیح موعود داشتند، چسبیده بودند. این نوع کوری، هنوز هم مردم را از عیسی دور نگه می دارد. آنها عیسی را مطابق شرایطی که خودشان تعیین می کنند می خواهند؛ اگر پذیرفتن مسیح به معنای تغییر کل زندگی باشد، آنها او را رد می کنند. ۲۹ و ۲۸:۱۰ همان طور که چوپان از گوسفندان

۳۳ جواب دادند: «ما بخاطر کفری که می‌گویید می‌خواهیم تو را بکشیم، نه برای کارهای خوبت. چون تو یک انسانی ولی ادعای خدایی می‌کنی.»
 ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ عیسی جواب داد: «مگر در تورات شما نوشته نشده «شما خدایان هستید»؟ حال، اگر کتاب آسمانی که غیر ممکن است مطالب نادرستی در آن باشد، به کسانی که پیغام خدا به ایشان رسیده است، می‌گوید که خدایان هستند، آیا کفر است کسی که خدا او را تقدیس کرد و به جهان فرستاد، بگوید من فرزند خدا هستم؟^{۳۷} اگر معجزه نمی‌کنم، به من ایمان نیاورید.^{۳۸} ولی اگر می‌کنم و باز نمی‌توانید به خود من ایمان بیاورید، لااقل به معجزاتم ایمان آورید تا بدانید که "پدر" در وجود من است و من در وجود او هستم.»
 ۳۹ بار دیگر خواستند او را بگیرند ولی عیسی رفت و از آنان دور شد.^{۴۰} سپس به آن طرف رود اردن رفت، یعنی نزدیک به جایی که یحیی در آغاز مردم را غسل می‌داد.^{۴۱} در آنجا بسیاری از مردم نزد او آمدند؛ ایشان به یکدیگر می‌گفتند: «یحیی معجزه‌ای نکرد ولی هرچه در باره این شخص گفت درست درآمد.»^{۴۲} و بسیاری به این نتیجه رسیدند که او همان مسیح است.

۳- عیسی در اورشلیم با وقایع سرنوشت‌سازی روبرو می‌شود بیماری ایلعازر و مرگ او (۱۶۵)

روزی، شخصی به نام ایلعازر، که برادر مریم و مرتا بود، بیمار شد. ایشان در بیت‌عنیا زندگی می‌کردند. مریم همان کسی است که عطر گرانبهایش را بر پایهای عیسی ریخت و با موهای خود آنها را خشک کرد. آن دو خواهر برای عیسی پیغام فرستاده، گفتند: «آقا، دوست عزیزتان سخت بیمار است.»
 وقتی عیسی این خبر را شنید فرمود: «این بیماری موجب مرگ ایلعازر نخواهد شد، بلکه باعث بزرگی و جلال خدا خواهد گشت، و من، فرزند خدا نیز از این رویداد جلال خواهم یافت.»

۳۳:۱۰
 لاو ۱۵:۲۴ و ۱۶
 یو ۱:۱۸۱؛ ۵:۱۸۵؛ ۲۰:۲۸
 روم ۵:۹
 فیلی ۲:۶
 تیت ۲:۱۳
 عبر ۱:۹
 ۲ پط ۱:۱
 ایو ۵:۲۰
 ۳۴:۱۰
 مز ۸۲:۶
 ۳۷:۱۰
 یو ۱۵:۲۴

۴۲:۱۰
 یو ۷:۳۱؛ ۸:۳۱ و ۳۱
 ۴۵:۱۱

۱:۱۱
 متی ۲۱:۱۷
 لو ۱۰:۳۸
 ۲:۱۱
 متی ۲۶:۷
 مر ۴:۳
 لو ۷:۳۷ و ۳۸
 یو ۱۲:۳

۴:۱۱
 یو ۹:۳

ما نیز هم از طریق کتاب مقدس و هم بواسطه زندگی‌هایی که تغییر کرده‌اند، از معجزات او باخبریم. وقتی ما به کمک خارق‌العاده‌ای احتیاج داریم، عیسی منابع خارق‌العاده‌ای در اختیار ما می‌گذارد. ما نباید در کمک خواستن از او تردید کنیم.
 ۴:۱۱ هر مشکلی که بر سر راه ایماندار قرار می‌گیرد، می‌تواند در نهایت باعث جلال خدا شود، زیرا خدا می‌تواند هر رویداد بدی را به خوبی و خیریت تبدیل کند.

۳۴-۳۶:۱۰ این بیان روشنی است از حقیقت کتاب مقدس. اگر ما خداوندی مسیح را بپذیریم، تأیید او را نیز مبنی بر اینکه کتاب مقدس کلام خداست، خواهیم پذیرفت.
 ۲۰:۱۱ دهکده بیت‌عنیا تقریباً در فاصله سه کیلومتری شرق اورشلیم در جاده‌ای که به اریحا می‌رسید، قرار داشت.
 ۳:۱۱ وقتی بیماری برادر مریم و مرتا شدت گرفت، آنها برای کمک به عیسی متوسل شدند. آنها ایمان داشتند که او می‌تواند کمکشان کند چون معجزات او را دیده بودند.

^۵ عیسی با اینکه نسبت به مرتا و مریم و ایلعازر لطف خاصی داشت،^۶ با این حال وقتی خبر بیماری ایلعازر را شنید، در محلی که بود، دو روز دیگر نیز ماند.^۷ پس از آن، به شاگردان خود فرمود: «بیایید به یهودیه بازگردیم.»^۸ شاگردان اعتراض کرده، گفتند: «همین چند روز پیش بود که سران یهود می‌خواستند شما را در یهودیه بکشند. حال می‌خواهید باز به آنجا بروید؟»^۹ عیسی جواب داد: «در روز، دوازده ساعت هوا روشن است. تا زمانی که همه جا روشن است مردم می‌توانند راه بروند و نیفتند. آنها راه را می‌بینند زیرا از نور این جهان برخوردارند.^{۱۰} فقط در شب است که خطر افتادن وجود دارد، چون هوا تاریک است.»^{۱۱} آنگاه فرمود: «دوست ما ایلعازر خوابیده است و من می‌روم تا او را بیدار کنم.»

^{۱۲} و ^{۱۳} شاگردان تصور کردند که منظور عیسی اینست که ایلعازر دیشب راحت خوابیده است. از این رو گفتند: «پس حالش خوب خواهد شد.» ولی منظور عیسی این بود که ایلعازر مرده است.

^{۱۴} آنگاه عیسی بطور واضح فرمود: «ایلعازر مرده است.^{۱۵} و من خوشحالم که در کنار او نبودم، چون مرگ او یک بار دیگر به شما فرصت خواهد داد که به من ایمان آورید. حال بیایید نزد او برویم.»

^{۱۶} یکی از شاگردان او به نام «توما» که معنی اسمش «دوقلو» بود، به شاگردان دیگر گفت: «بیایید ما نیز برویم و با او بمیریم.»

۸:۱۱

یو ۵۹:۸، ۳۱:۱۰

۹:۱۱

مز ۱۱:۹۷، ۱۱۹:۱۰۵، ۱۳۰:۱

امث ۱۸:۴، ۹:۱۳

لو ۳۳:۱۳

یو ۴:۹

۱۰:۱۱

ایو ۲۵:۲۴، ۱۲

یو ۳۵:۱۲

ایو ۱۱:۲

۱۱:۱۱

دان ۲:۱۲

اعما ۶۰:۷

اقرن ۵۱:۱۵

۱۶:۱۱

متی ۳:۱۰

یو ۵:۱۴، ۲۴:۲۰-۲۸

۲:۲۱

۷-۵:۱۱ عیسی این خانواده را دوست داشت و اغلب نزد آنها می‌ماند. او از رنج آنها اطلاع یافت، اما فوراً به آن پاسخ نداد. او از تأخیرش هدف خاصی داشت. برنامه زمانی خدا، بخصوص تأخیر او، ممکن است ما را به این فکر بیندازد که او جواب نمی‌دهد یا به طریقی که ما می‌خواهیم پاسخ نمی‌دهد. اما او احتیاجات ما را مطابق برنامه و هدف دقیق خود رفع خواهد کرد. صبورانه منتظر زمانهای او باشید. **۱۰ و ۹:۱۱** روز به معنای شناخت اراده خدا و شب به معنای عدم شناخت اراده اوست. اگر در تاریکی گام برداریم، احتمال این هست که بیفتیم.

۱۵ و ۱۴:۱۱ اگر عیسی در آخرین لحظات زندگی ایلعازر نزد او می‌بود، به جای آنکه بگذارد بمیرد، او راشفا می‌داد. اما ایلعازر مُرد تا قدرت عیسی بر مرگ برای شاگردان و دیگران آشکار شود. بعضی اوقات ما باید لطمات را متحمل شویم تا قدرت خدا بر آن لطمه آشکار گردد.

۱۶:۱۱ شاگردان آگاه بودند که رفتن با عیسی به اورشلیم خطرناک است. آنان سعی کردند او را از رفتن به آنجا منصرف سازند. وقتی مخالفت آنها به جایی نرسید، حاضر شدند با او بروند و حتی با او بمیرند. آنها هدف از

آیا وقتی مشکلی پیش می‌آید، ناله و شکایت می‌کنید، و تقصیر را به گردن خدا می‌اندازید، یا مشکلاتتان را فرصت‌هایی برای جلال دادن او می‌شمارید؟



زنده کردن ایلعازر

وقتی عیسی خبر بیماری ایلعازر را شنید، مشغول موعظه در دهات آن سوی اردن، احتمالاً در پیریه، بوده است. عیسی فوراً آنجا را ترک نکرد، بلکه قبل از بازگشت به یهودیه، دو روز در آنجا ماند. او می‌دانست تا زمان رسیدنش به بیت‌عنیا، ایلعازر خواهد مرد، اما او قصد داشت معجزه بزرگی به انجام برساند.

تسلی دادن مریم و مرتا

(۱۶۶)

^{۱۷} وقتی به بیت عنیا رسیدند، شنیدند که ایلعازر را چهار روز پیش بخاک سپرده‌اند. ^{۱۸} بیت عنیا فقط چند کیلومتر تا شهر اورشلیم فاصله داشت. ^{۱۹} از اینرو، عده‌ای از سران قوم یهود برای تسلیت گفتن به مرتا و مریم، از اورشلیم به آنجا آمده بودند.

۱۷:۱۱
یو ۳۹:۱۱

^{۲۰} وقتی به مرتا خبر دادند که عیسی آمده است، برخاست و بی‌درنگ به پیشواز او رفت، ولی مریم در خانه ماند. ^{۲۱} مرتا به عیسی گفت: «سرورم، اگر اینجا بودید، برادرم از دست نمی‌رفت. ^{۲۲} حال نیز دیر نشده است؛ اگر از خدا بخواهید، برادرم دوباره زنده خواهد شد.»

۲۰:۱۱
لو ۳۸:۱۰-۴۲

^{۲۳} عیسی فرمود: «مرتتا، برادرت حتماً زنده خواهد شد.»
^{۲۴} مرتتا گفت: «بلی، البته می‌دانم که برادرم در روز قیامت مانند دیگران زنده خواهد شد.»

۲۲:۱۱
یو ۳۱:۹

^{۲۵} عیسی فرمود: «آن کسی که مردگان را زنده می‌کند و به ایشان زندگی می‌بخشد، من هستم. هر که به من ایمان داشته باشد، اگر حتی مانند دیگران بمیرد، بار دیگر زنده خواهد شد. ^{۲۶} و چون به من ایمان دارد، زندگی جاوید یافته، هرگز هلاک نخواهد شد. مرتتا! آیا به این گفته من ایمان داری؟»

۲۳:۱۱
دان ۲:۱۲
فیل ۲۱:۳
۱۴:۴ اتسا

^{۲۷} مرتتا گفت: «بلی استاد، من ایمان دارم که شما مسیح، فرزند خدا هستید، همانکه منتظرش بودیم.»

۲۴:۱۱
یو ۲۹ و ۲۸:۵
اعما ۱۵:۲۴

^{۲۸} آنگاه مرتتا به خانه بازگشت و مریم را از مجلس عزاداری بیرون برد و به او گفت: «عیسی اینجاست و می‌خواهد تو را ببیند.»

۲۵:۱۱
یو ۴:۱ ؛ ۳۶:۳ ؛ ۲۱:۵ ؛
۶:۶ و ۳۹:۶ ؛ ۴۰ ؛ ۶:۱۴

^{۲۹} مریم فوراً نزد عیسی رفت. ^{۳۰} عیسی بیرون رده در همان جا منتظر ایستاده بود. ^{۳۱} سران قوم که در خانه سعی می‌کردند مریم را دلداری دهند، وقتی دیدند که او با عجله از خانه بیرون رفت، فکر کردند به سر قبر می‌رود تا باز گریه کند. پس ایشان نیز بدنبال او رفتند.

۲۵:۱۱
کول ۱۸:۱ ؛ ۴:۳
ایو ۱:۱ ؛ ۲:۵ ؛ ۱۱ و ۱۸

^{۳۲} وقتی مریم نزد عیسی رسید، به پاهای او افتاد و گفت: «سرورم، اگر اینجا بودید، برادرم نمی‌مرد.»

۲۶:۱۱
مکا ۱۷:۱ و ۱۸۲۶:۱۱
یو ۶:۴۷-۵۱ ؛ ۵۱:۸۲۷:۱۱
متی ۱۶:۱۶
یو ۴:۴ ؛ ۶:۶ ؛ ۸:۱۴ ؛ ۹:۶

خود خالق زندگی است (به یوحنا ۱:۴:۶ مراجعه کنید). او که خودش زندگی است، یقیناً می‌تواند حیاتی دوباره ببخشد. **۲۷:۱۱** مرتتا را معمولاً از ماجرای دیگری می‌شناسیم، که طی آن او بقدری مشغول بود که فرصت نشستن پای سخنان عیسی را نداشت (لوقا ۱۰:۳۸-۴۲). اما اینجا او را در مقام زنی با ایمانی عمیق می‌بینیم.

مرگ عیسی را درک نکرده بودند، اما همچنان وفادار بودند. در انجام کار خدا خطرات نامعلومی وجود دارد. عاقلانه‌تر است که توجه داشته باشیم که برای شاگردی عیسی باید بهای سنگینی بپردازیم.

۲۵:۱۱ عیسی همان‌طور که قدرت بخشش گناه را دارد، بر زندگی و مرگ نیز قدرت دارد. او این قدرت را دارد چرا که

۳۳ وقتی عیسی دید که مریم گریه می کند و سران قوم نیز با او ماتم گرفته اند عمیقاً متأثر و پریشان گردید.

۳۴ او پرسید: « کجا او را دفن کرده اید؟ » گفتند: « بفرمایید، ببینید. » ۳۵ عیسی گریست.

۳۶ سران یهود به یکدیگر گفتند: « ببینید چقدر او را دوست می داشت. »

زنده کردن ایلعازر

(۱۶۷)

۳۷ و ۳۸ ولی بعضی می گفتند: « این مرد که چشمان کور را باز کرد، چرانتوانست کاری کند که ایلعازر زنده بماند؟ »

باز عیسی بشدت متأثر شد. سرانجام به سر قبر رسیدند. قبر او غاری بود که سنگ بزرگی جلو دهانه اش غلطانیده بودند.

۳۹ عیسی فرمود: « سنگ را کنار بزنید! » ولی مرتا، خواهر ایلعازر گفت: « حالا دیگر متعفن شده، چون چهار روز است که او را دفن کرده ایم. »

۴۰ عیسی فرمود: « مگر نگفتم اگر ایمان بیاوری، کارهای عجیب از خدا می بینی؟ » ۴۱ پس سنگ را کنار زدند. آنگاه عیسی به آسمان نگاه کرد و فرمود: « پدر،

شکر می کنم که دعای مرا شنیده ای. ۴۲ البته همیشه دعایم را می شنوی ولی این را بخاطر مردمی که اینجا هستند گفتم، تا ایمان آورند که تو مرا فرستاده ای. »

۴۳ سپس با صدای بلند فرمود: « ایلعازر، بیرون بیا! » ۴۴ ایلعازر از قبر بیرون آمد، در حالی که تمام بدنش در کفن پیچیده شده و پارچه ای سر و صورتش را پوشانده بود.

عیسی فرمود: « او را باز کنید تا بتواند راه برود. »

۳۵:۱۱

اش ۳:۵۳

لو ۴۱:۱۹

روم ۱۵:۱۲

عبر ۱۵:۴

۳۷:۱۱

یو ۷:۶-۹

۳۹:۱۱

یو ۱۷:۱۱

۴۱:۱۱

متی ۲۵:۱۱ : ۶۰:۲۷

لو ۲:۲۴

۴۲:۱۱

یو ۳۰:۱۲

۴۳:۱۱

تث ۳۹:۳۲

اسمو ۶:۲

لو ۱۴:۷ : ۵۴:۸

اعما ۱۵:۳ : ۴۰:۹

او نیز در انتظار عموم گریست. شاید با این کار در غم و دردشان شریک شد، یا شاید هم از بی ایمانی ایشان ناراحت شد. در هر دو صورت، عیسی نشان داد که آنقدر در فکر ماست که با ما گریه می کند.

۳۷:۱۱ و ۳۸ در آن زمان قبرها معمولاً غار بودند؛ این غارها را در دل صخره های آهکی واقع در دامنه تپه ها ایجاد می کردند. یک قبر غالباً آنقدر بزرگ بود که شخص می توانست در داخل آن راه برود. معمولاً چندین جسد را در یک قبر می گذاشتند. بعد از خاک سپاری، سنگ بزرگی را جلو مدخل قبر می غلطانیدند.

۴۴:۱۱ عیسی کسان دیگری را نیز زنده کرد، از جمله دختر یائروس (متی ۹:۱۸-۲۶؛ مرقس ۵:۴۱؛ لوقا ۸:۴۰-۵۶) و پسر یک بیوه زن (لوقا ۷:۱۱-۱۷).

۳۳-۳۴:۱۱ یوحنا تأکید می کند که ما خدایی داریم که به فکر ماست. این با تصویری که یونانی ها از خدا داشتند و در زمان یوحنا رایج بود، مغایرت داشت. خدای یونانی ها فاقد احساسات بود و خود را درگیر گرفتاری های انسانها نمی کرد. در اینجا احساسات عیسی را می بینیم، از قبیل دلسوزی، خشم، غم و اندوه، و حتی یأس. او غالباً احساسات عمیقی از خود بروز می داد؛ ما نیز هرگز نباید از آشکار کردن احساساتمان به او بترسیم. او احساساتمان را درک می کند، چون خودش آنها را تجربه کرد. صادق باشید، و سعی نکنید چیزی را از نجات دهنده تان مخفی کنید. او به احساسات ما اهمیت می دهد.

۳۵:۱۱ وقتی عیسی مردم را در حال گریه و شیون دید،

قیافا رهبر فرقه‌ای مذهبی بنام صدوقی‌ها بود. صدوقی‌ها افرادی تحصیل کرده و ثروتمند بودند که قدرت سیاسی ملت یهود را در دست داشتند. ایشان در بین فرقه‌های دیگر، فرقه‌ای ممتاز بودند، و مناسبات خوبی با دولت روم داشتند. آنان از عیسی متنفر بودند چون او زندگی امن آنها را به خطر می‌انداخت و پیغامی را تعلیم می‌داد که آنها نمی‌توانستند بپذیرند. ملکوتی که در آن رهبران **خدمت کنند**، هیچ گیرایی برای آنها نداشت.

خط مشی معمول قیافا این بود که به هر وسیله‌ای که شده هر چیزی را که قدرتش را مورد تهدید قرار می‌داد، از سر راه بردارد. برای قیافا مردن یا نمردن عیسی موضوع بحث نبود؛ تنها موضوعی که او به آن پرداخت این بود که مرگ عیسی چه موقعی باید صورت بگیرد. علاوه بر دستگیری و محاکمه عیسی، شورای عالی یهود قبل از اینکه بتواند حکم اعدام را صادر کند، باید تأیید دولت روم را نیز به دست می‌آورد. خیانت یهودا و تسلیم کردن مسیح به آنها کمک غیرمنتظره‌ای برای نقشه‌های قیافا بود.

اما قیافا تشخیص نداد که اعمال او در واقع قسمتی از نقشه عالی خدا بود که در آستانه انجام بود. رغبتی که قیافا برای قربانی شدن کسی دیگر برای حفظ امنیت خودش داشت، عملی کاملاً خودخواهانه بود. وقتی عیسی بر صلیب آویخته شد، قیافا فکر کرد در نبرد پیروز شده است، اما او قیام عیسی را پیش‌بینی نکرده بود!

قیافا فکر محدودی داشت. او نتوانست قیام مسیح را بپذیرد، حتی با آنکه مدارک قاطعی در دست بود. او سعی کرد کسانی را که مسیح قیام کرده زندگی‌شان را برای همیشه عوض کرده بود، ساکت کند (متی ۱۳ و ۲۸). قیافا نمایانگر کسانی است که به مسیح ایمان نخواهند آورد، زیرا فکر می‌کنند پذیرفتن عیسی بعنوان خداوند، برای آنها بسیار گران تمام خواهد شد. این قبیل افراد، قدرت و شهرت و لذا بد زودگذر این دنیا را به بخشش، هدایت، و زندگی جاودانی ترجیح می‌دهند. شما کدامیک را انتخاب کرده‌اید؟

نقاط قوت و موفقیت‌ها:

* به مدت ۱۸ سال کاهن اعظم بود.

نقاط ضعف و اشتباهات:

- * یکی از کسانی بود که بیش از دیگران مستقیماً مسبب قتل عیسی بود.
- * از سمتش بعنوان وسیله‌ای برای قدرت و امنیت شخصی استفاده می‌کرد.
- * نقشه دستگیری عیسی را کشید؛ محاکمه غیرقانونی او را ترتیب داد؛ پیلاتوس را مجبور به تأیید مصلوب شدن عیسی کرد؛ تلاش نمود از قیام عیسی جلوگیری کند؛ و بعداً سعی کرد حقیقت قیام عیسی را بپوشاند.
- * با دولت روم کنار می‌آمد، و در عین حال، ظواهر مذهبی را حفظ می‌کرد.
- * بعدها در آزار و اذیت مسیحیان دخالت داشت.

درس‌هایی از زندگی او:

- * خدا برای انجام اراده‌اش، حتی از انگیزه‌ها و اعمال شریانه دشمنانش هم استفاده می‌کند.
- * حتی اگر انگیزه‌های خودخواهانه‌مان را با اهداف و سخنان روحانی بپوشانیم، خدا نیت‌های ما را می‌بیند.

آمار حیاتی:

- * اهل: اورشلیم
- * شغل: کاهن اعظم
- * خویشاوندان: پدر زن: حنا
- * هم عصر با: عیسی، پیلاتوس، هیروдіس آنتیپاس

آیه کلیدی:

«یکی از ایشان به نام قیافا، که در آن سال کاهن اعظم بود، بر خاست و گفت: "شما اصلاً متوجه موضوع نیستید. آیا درک نمی‌کنید که بهتر است یک نفر فدا شود تا همه هلاک نگردند؟ آیا بهتر نیست این شخص فدای مردم شود؟"» (یوحنا ۱۱: ۴۹ و ۵۰)

توطئه قتل عیسی از سوی سران قوم

(۱۶۸)

^{۴۵} بعضی از سران قوم که با مریم بودند و این معجزه را دیدند، به عیسی ایمان آوردند. ^{۴۶} ولی بعضی نیز نزد فریسیان رفته، واقعه را گزارش دادند. ^{۴۷} کاهنان اعظم و فریسیان بی‌درنگ جلسه‌ای تشکیل دادند تا به این موضوع رسیدگی کنند. ایشان به یکدیگر می‌گفتند: «چه کنیم؟ این شخص معجزات بسیار می‌کند. ^{۴۸} اگر او را بحال خود بگذاریم، تمام این قوم بدنبال او خواهند رفت. آنگاه رومی‌ها به اینجا لشکر کشی کرده، این عبادتگاه و قوم ما را از بین خواهند برد.»

^{۴۹} یکی از ایشان به نام «قیافا»، که در آن سال کاهن اعظم بود، برخاست و گفت: «شما اصلاً متوجه موضوع نیستید. ^{۵۰} آیا درک نمی‌کنید که بهتر است یک نفر فدا شود تا همه هلاک نگردند؟ آیا بهتر نیست این شخص فدای مردم شود؟»

^{۵۱} قیافا با این سخن، در واقع پیشگویی کرد که عیسی باید در راه مردم فدا شود. اما این را از خود نگفت، بلکه بخاطر مقام روحانی که داشت، به او الهام شد. ^{۵۲} این پیشگویی نشان می‌دهد که مرگ عیسی نه فقط برای قوم اسرائیل بود، بلکه به این منظور نیز که همه فرزندان خدا را که در سراسر دنیا پراکنده‌اند، در یکی جمع کند. ^{۵۳} از آن روز به بعد، سران قوم یهود توطئه چیدند تا عیسی را به قتل رسانند.

^{۵۴} عیسی از آن پس، دیگر در میان مردم آشکار نمی‌شد، بلکه با شاگردانش از اورشلیم به دهکده «افرایم» در نزدیکی بیابان رفت و در آنجا ماند.

۴۷:۱۱

مز ۲:۲
یو ۱۹:۱۲
اعما ۱۶:۴

۴۸:۱۱

دان ۲۶:۹ و ۲۷

۴۹:۱۱

متی ۳:۲۶
لو ۳:۳ و ۴:۴
اعما ۶:۴

۵۰:۱۱

یو ۱۴:۱۸

۵۱:۱۱

خرو ۳۰:۲۸
اعد ۲۱:۲۷
عز ۲:۲ و ۳:۶۳

۵۲:۱۱

اش ۶:۴۹

یو ۱۶:۱۰

اعما ۴۷:۱۳

غلا ۲۸:۳

افس ۱۴:۲-۱۹؛ ۳:۶

۱ پط ۹:۵

ایو ۲:۲

۵۳:۱۱

متی ۳:۲۶ و ۳۰

۴۵:۱۱-۵۳ حتی با اینکه مردم از نزدیک قدرت خدایی عیسی را دیدند، برخی از ایمان آوردن به او امتناع ورزیدند. اینها که شاهد عینی بر معجزات او بودند، حتی او را رد کردند و برای قتل او توطئه چیدند. آنها بقدری سنگدل شده بودند که بجای پذیرفتن اشتباه خود، حاضر بودند پسر خدا را رد کنند. از غرور برحذر باشید. اگر بگذاریم غرور در ما رشد کند، می‌تواند ما را به گناهان بزرگی بکشاند.

۴۸:۱۱ سران قوم می‌دانستند اگر جلو عیسی را نگیرند، رومی‌ها آنها را مجازات خواهند کرد. رومی‌ها به یهودیان آزادیهای محدودی داده بودند بشرط آنکه آرام و مطیع باشند. معجزات عیسی اغلب باعث ایجاد ناآرامی می‌شد. رهبران قوم از این می‌ترسیدند که نارضایتی رومی‌ها سبب شود موقعیت خود را از دست بدهند یا حتی مجازات گردند.



فرستی با شاگردان رهبران قوم که کمر به قتل عیسی بسته بودند، با زنده شدن ایلعازر تحملشان به سر آمد. از اینرو، عیسی خدمت علنی‌اش را متوقف کرد و شاگردانش را با خود به بیرون از اورشلیم، به افرایم برد. آنها از افرایم به جلیل بازگشتند تا مدتی در آنجا بمانند (به نقشه مربوط به لوقا ۱۱:۱۷ مراجعه کنید).

۵۵ کم کم عید «پسح» که از روزهای مقدس یهود بود نزدیک می‌شد. مردم از سراسر مملکت در اورشلیم جمع می‌شدند تا خود را برای شرکت در مراسم عید آماده کنند. ۵۶ در این میان، همه می‌خواستند عیسی را ببینند، و در خانه خدا با کنجکاوی از یکدیگر می‌پرسیدند: «چه فکر می‌کنید؟ آیا عیسی برای شرکت در مراسم عید به اورشلیم خواهد آمد؟» ۵۷ ولی از طرف دیگر کاهنان اعظم و فریسیان اعلام کرده بودند که هر که عیسی را ببیند، فوراً گزارش دهد تا او را بگیرند.

۵۵:۱۱

خرو ۱۰:۱۹

۲ توا ۱۷:۳۰-۱۹

متی ۲۱:۲۶

مر ۱:۱۴

لو ۱:۲۲

یو ۲۸:۱۸

تدهین عیسی با عطری گرانبها

(۱۸۲ / متی ۲۶:۶-۱۳؛ مرقس ۱۴:۳-۹)

۱۲ شش روز پیش از آغاز عید پسح، عیسی وارد «بیت عنیا» شد، همان جایی که ایلعازر مرده را زنده کرده بود. ۲ یکشب در آن دهکده به افتخار عیسی ضیافتی ترتیب دادند. مرتا پذیرایی می‌کرد و ایلعازر

۱:۱۲

یو ۴۳:۱۱

محل آیات	کاری که عیسی کرد	چیزی که انتظار می‌رفت صورت بگیرد	انتظارات بزرگ
مرقس ۲: ۱-۱۲ لوقا ۵: ۱-۱۱	عیسی گناهان او را نیز بخشید. آنها نجات‌دهنده را یافتند.	مردی که می‌خواست شفا بیابد. شاگردان انتظار روزی معمولی برای ماهیگیری را داشتند.	عیسی هر جا که می‌رفت، فراتر از انتظار مردم عمل می‌کرد.
لوقا ۷: ۱۱-۱۷	عیسی پسرش را زنده کرد.	بیوه‌زنی می‌رفت تا پسرش را که مرده بود، دفن کند.	
متی ۱۲: ۳۸-۴۵	عیسی خالق معجزات را به آنها نشان داد.	علمای دینی معجزه‌ای خواستند.	
مرقس ۵: ۲۵-۳۴	عیسی به او کمک کرد تا بفهمد که ایمانش او را شفا داده است.	زنی که می‌خواست شفا یابد، به عیسی دست زد.	
یوحنا ۶: ۱-۱۵	عیسی از غذای کمی برای خوراک دادن به هزاران نفر استفاده کرد، و مقدار زیادی هم باقی ماند.	شاگردان فکر کردند مردم را باید به خانه‌هایشان بفرستند چون غذایی برای خوردن نبود.	
موضوعی که در سرتاسر انجیل وجود دارد	عیسی ملکوتی جاودانی و روحانی به آنها عرضه کرد تا سلطه گناه را براندازد.	مردم انتظار رهبری سیاسی را می‌کشیدند تا حکومت تازه‌ای ایجاد کند و سلطه رومی‌ها را براندازد.	
یوحنا ۱۳: ۱-۲۰	عیسی پاهای آنها را شست تا نشان دهد او خادم آنها نیز هست.	شاگردان خواستند شام پسح را با استادشان عیسی صرف کنند.	
یوحنا ۱۱: ۵۳؛ ۳۰: ۱۹؛ ۲۹-۱: ۲۰	اما عیسی زنده شد!	سران قوم خواستار مرگ عیسی شدند تا به آرزویشان برسند.	

۳:۱۲
لو ۳۸:۱۰-۴۱
یو ۱۱:۱۰ و ۱۱:۱۱

۴:۱۲
یو ۷:۶ و ۷:۷

۶:۱۲
امت ۲۸:۲۰-۲۲
یو ۱۳:۲۹
اقرن ۱۱:۱۰ و ۱۱:۱۱ ؛ ۱۰:۶
افس ۵:۵
اتیمو ۹:۱۰ و ۹:۱۱
۷:۱۲

متی ۱۰:۲۶-۱۳
مر ۱۴:۹ و ۱۴:۴۰
یو ۱۹:۴۰
۸:۱۲
تث ۱۱:۱۵
مر ۱۴:۷
۱۰:۱۲
لو ۱۶:۳۱

۱۲:۱۲
متی ۲۱:۴-۹
مر ۱۱:۷-۱۰
لو ۱۹:۳۵-۳۸

با عیسی سر سفره نشسته بود. ^۳ آنگاه مریم یک شیشه عطر سنبل خالص گران قیمت گرفت و آن را روی پایهای عیسی ریخت و با موهای سر خود آنها را خشک کرد. خانه از بوی عطر پر شد.

^۴ ولی «یهودا اسخریوطی» که یکی از شاگردان عیسی بود و بعد به او خیانت کرد، گفت: ^۵ «این عطر گرانبها بود. بهتر بود آن را می فروختیم و پولش را به فقرا می دادیم.» ^۶ البته او در فکر فقرا نبود بلکه در فکر خودش بود، چون مسئول دخل و خرج و نگهداری پول شاگردان بود و اغلب از این پول می دزدید.

^۷ عیسی جواب داد: «کاری با او نداشته باشید، مریم بدن مرا برای دفن آماده کرد. ^۸ به فقرا همیشه می توانید کمک کنید ولی من همیشه با شما نیستم.»

^۹ وقتی مردم اورشلیم شنیدند که عیسی آمده، دسته دسته به دیدن او شتافتند. آنان در ضمن بسیار مایل بودند ایلعازر را نیز که عیسی او را زنده کرده بود، ببینند. ^{۱۰} پس کاهنان اعظم تصمیم گرفتند ایلعازر را هم بکشند، ^{۱۱} زیرا بخاطر او بعضی از سران قوم یهود نیز ایمان آورده بودند که عیسی همان مسیح است.

ورود عیسی به اورشلیم، سوار بر الاغ

(۱۸۳ / متی ۲۱:۱۱-۱۱ ؛ مرقس ۱۱:۱-۱۱ ؛ لوقا ۱۹:۲۸-۴۴)

^{۱۲} روز بعد، در تمام شهر خبر پیچید که عیسی به اورشلیم می آید. پس، جمعیت

نمی دهد که به فقرا بی اعتنا باشیم تا بتوانیم کارهایی برای مسیح انجام دهیم که پرخرج است. عمل مریم کاری منحصر بفرد برای موقعیتی خاص بود. مریم این عمل را برای آماده کردن عیسی برای دفن انجام داد و می خواست ایمانش را به او بعنوان مسیح علناً اعلام کند. سخنان عیسی باید درس ارزشمندی درباره ارزش پول به یهودا داده باشد. متأسفانه او متوجه نشد، و کمی بعد استادش را در مقابل سی سکه نقره تسلیم کرد.

۱۲:۱۰ و ۱۱:۱۱ کوری و سختدلی کاهنانی که در رأس بودند، باعث شد که آنها بیشتر در عمق گناه فرو روند. آنها مسیح را رد کردند، نقشه قتل او را کشیدند، و حالا توطئه قتل ایلعازر را هم می چیدند. یک گناه به گناهان دیگر منجر می شود. آنها می توانستند عیسی را به کفرگویی متهم کنند، چون او ادعای برابری با خدا را کرده بود. اما ایلعازر چنین کاری نکرده بود. آنها می خواستند او کشته شود فقط چون نمونه زنده ای از قدرت عیسی بود. این هشدار است برای ما. گناه به گناهان بیشتری منتهی می شود و ما را به منجلا ب گناه و ورطه هلاکت می کشاند.

۳:۱۲ عطر سنبل خالص، روغن خوشبویی بود که از کوههای هندوستان وارد می شد. ارزش مقدار عطری که مریم روی پاهای عیسی ریخت، به اندازه درآمد یک سال بود. عطر سنبل خالص برای مسح پادشاهان بکار می رفت؛ شاید مریم عیسی را بعنوان مسیح و پادشاهش مسح کرد.

۴:۱۲-۶ یهودا اغلب از صندوق دخل و خرج شاگردان می دزدید. البته عیسی از این موضوع باخبر بود، اما از قرار معلوم هیچ وقت عکس العملی نشان نداد یا حرفی در این باره نزد. به همان شکل، وقتی ما طریق گناه را انتخاب می کنیم، خدا شاید بلافاصله جلو ما را نگیرد، اما این به آن معنا نیست که اعمال ما مورد تأیید اوست. ما متحمل چیزی که سزاوار آن هستیم، خواهیم شد.

۵:۱۲-۶ یهودا برای مخفی کردن انگیزه اصلی اش، حرفهایی زد که بظاهر او را دیندار نشان دهد. اما عیسی می دانست در درون او چه می گذرد. شناخت عیسی از ما باید ما را وا دارد تا اعمالمان را با سخنانمان هماهنگ کنیم.

۷:۱۲ و ۸:۱۷ کار مریم و پاسخ عیسی، این تعلیم را به ما

انبوهی که برای مراسم عید آمده بودند،^{۱۳} با شاخه‌های نخل به پیشواز او رفتند، در حالی که فریاد می‌زدند:

«مقدمت مبارک، ای نجات دهنده! زنده باد پادشاه اسرائیل! درود بر تو ای فرستاده خدا!»

^{۱۴} عیسی نیز کوزه الاغی یافت و بر آن سوار شد، همانگونه که در پیشگویی کتاب آسمانی آمده است که: ^{۱۵} «ای قوم اسرائیل از پادشاهت ترس، چون او با فروتنی سوار بر کوزه الاغ می‌آید!»

^{۱۶} شاگردان او در آن زمان متوجه این پیشگویی نشدند، ولی بعد از این که عیسی به جلال خود در آسمان بازگشت، پی بردند که تمام پیشگویی‌های کتاب آسمانی، در مقابل چشمانشان، یکی پس از دیگری واقع شده است.

^{۱۷} در بین جمعیت، کسانی که زنده شدن ایلعازر را به چشم خود دیده بودند، آن را برای دیگران تعریف می‌کردند.^{۱۸} در واقع بخاطر همین معجزه بزرگ بود که مردم با چنان شور و حرارت به پیشواز او رفتند.

^{۱۹} فریسی‌ها به یکدیگر گفتند: «دیگر از ما کاری ساخته نیست. ببینید، تمام دنیا بدنبال او رفته‌اند!»

۱۳:۱۲
مز ۱۱۸:۲۶
اتیمو ۱:۱۷

۱۵:۱۲
زکر ۹:۹

۱۶:۱۲
یو ۲۲:۲۲؛ ۲۹:۷

۱۷:۱۲
یو ۱۱:۴۲
۱۸:۱۲
یو ۱۱:۱۲

درک کردند. بعد از قیام، سخنان و اعمال عیسی معنای تازه‌ای یافت و قابل درک شد. شاگردان وقتی به عقب نگاه می‌کردند، در می‌یافتند که عیسی چطور آنها را راهنمایی کرده بود که حقیقت او را عمیق‌تر و بهتر بفهمند. همین حالا باز ایستید و درباره وقایعی در زندگی خود فکر کنید که شما را به جایی که الان هستید رسانده است. خدا چطور شما را به اینجا رساند؟ وقتی سنتان بالا برود، به گذشته نگاه خواهید کرد و با وضوحی بیشتر از الان، دست خدا را در زندگی‌تان خواهید دید. اجازه بدهید این حقیقت شما را تشویق کند تا امروز با ایمان زندگی کنید.

۱۸:۱۲ مردم نزد عیسی آمدند چون خبر معجزه بزرگ عیسی یعنی زنده کردن ایلعازر به گوششان رسیده بود. عشق و علاقه آنها به عیسی بی‌دوام و وفاداری‌شان سطحی بود، چون بعد از چند روز، آنها هیچ کاری برای جلوگیری از اعدام او نکردند. عشق و علاقه‌ای که فقط براساس کنجکاوی یا از روی دنباله‌روی از کار دیگران باشد، خیلی زود فروکش می‌کند.

۱۳:۱۲ ما روز ورود پیروزمندانه عیسی به اورشلیم را با نام عید نخل جشن می‌گیریم. عیسی سوار بر الاغ، زیر چتری از شاخه‌های نخل و در حالی که مردم به او بعنوان پادشاه خود درود می‌فرستادند، وارد اورشلیم شد تا هفته آخر زندگی‌اش روی زمین را به پایان برساند. عیسی برای اینکه اعلام کند حقیقتاً همان مسیح است، زمانی را انتخاب کرد که همه اسرائیلی‌ها در اورشلیم جمع بودند، در جایی که جمعیت زیادی می‌توانست او را ببیند. او بهترین راه را برای اعلام رسالتش برگزید.

۱۳:۱۲ مردمی که خدا را بخاطر فرستادن پادشاه موعود تمجید می‌کردند، تصور غلطی درباره عیسی داشتند. آنها مطمئن بودند که او رهبری ملی خواهد بود که شکوه و جلال قبلی اسرائیل را به آن باز خواهد گرداند، و از اینرو نسبت به سخنان انبیای خود ناشنوا و نسبت به رسالت واقعی عیسی نابینا بودند. وقتی پی بردند که عیسی قصد ندارد به امیدهای آنها جامه عمل بپوشاند، بسیاری با او به مخالفت برخاستند.

۱۶:۱۲ شاگردان بعد از قیام عیسی، بسیاری از پیشگویی‌هایی را که تا آن موقع نفهمیده بودند،

عیسی علت مرگ خود را شرح می دهد

(۱۸۵)

۲۱:۱۲
یو ۱:۲۳ و ۴۴

۲۰ یک عده یونانی که برای مراسم عید به اورشلیم آمده بودند،^{۲۱} پیش فیلیپ که اهل بیت صیدای جلیل بود، رفتند و گفتند: «ما می خواهیم عیسی را ببینیم.»
 ۲۲ فیلیپ این را با اندریاس در میان گذاشت و هر دو رفتند و به عیسی گفتند.
 ۲۳ عیسی جواب داد: «وقت آن رسیده است که من به جلالی که در آسمان داشتم بازگردم.^{۲۴} این که می گویم عین حقیقت است: همانطور که دانه گندم در شیار زمین می افتد و می میرد و بعد ثمر می دهد، من نیز باید بمیرم، اگر نه، همچون یک دانه تنها خواهم ماند. ولی مرگ من دانه های گندم تازه بسیار تولید می کند، که همانا محصول فراوان از جانهای رستگار شده مردم می باشد.»^{۲۵} اگر در این دنیا به زندگی خود دل ببندید، آن را بر باد خواهید داد؛ ولی اگر از جان و زندگی خود بگذرید، به جلال و زندگی جاوید خواهید رسید.

۲۴:۲۳ و ۲۴
یو ۱۳:۳۲ و ۱۷:۱
روم ۶:۵ و ۶
اقرن ۱۵:۳۶-۴۵

۲۶ «به این یونانیها بگویید که اگر می خواهند شاگرد من شوند، باید از من سرمشق بگیرند. چون خدمتگزاران من باید هر جا می روم با من بیایند. اگر عیناً از من سرمشق بگیرند، پدرم خدا ایشان را سرفراز می گرداند.»^{۲۷} اکنون جانم همچون دریایی آشفته است. آیا باید دعا کنم که: ای پدر، از آنچه می خواهد بر من واقع شود، مرا نجات ده؟ ولی من برای همین امر به این جهان آمده ام!^{۲۸} پس می گویم: ای پدر، نام خود را جلال و سرفرازی ده.

۲۵:۱۲
متی ۱۰:۳۹
لو ۱۷:۲۴ و ۳۳۲۷:۱۲
لو ۱۲:۵۰ و ۲۲:۵۳۲۸:۱۲
متی ۱۷:۳ و ۱۷:۵
مر ۱۱:۹ و ۷
لو ۲۲:۳ و ۲۵:۹
۲ پط ۱:۱۷ و ۱۸

ناگاه صدایی از آسمان گفت: «جلال دادم و باز جلال خواهم داد.»^{۲۹} وقتی مردم این صدا را شنیدند، بعضی گمان بردند که صدای رعد بود و بعضی دیگر گفتند: «فرشته ای با او سخن گفت.»

این جهان آمد. اما عیسی همه را می پذیرد و فرقی نمی کند جویندگان واقعی چه کسانی باشند. پیغام او برای همه است. نگذارید تفاوت های اجتماعی یا نژادی موانعی در مقابل پیغام انجیل باشند. کلام خدا را به همه مردم برسانید.
 ۲۷:۱۲ عیسی می دانست که مصلوب خواهد شد، و از آن وحشت داشت. او می دانست که باید گناه جهان را بر خود بگیرد، و می دانست همین امر او را از پدرش جدا خواهد کرد. او می خواست از این مرگ وحشتناک رهایی پیدا کند، اما می دانست که خدا او را به این جهان فرستاده تا برای گناهان ما و بجای ما بمیرد. عیسی به تمایلات خودش پاسخ منفی داد تا از پدرش خدا اطاعت کند و او را جلال دهد. گرچه ما هرگز لازم نیست با چنین موقعیت دشواری روبرو شویم، با این همه خوانده شده ایم که مطیع باشیم. هر چیزی که خدای پدر از ما می خواهد، باید مطابق اراده اش عمل کنیم و نامش را جلال دهیم.

۲۰:۲۱ این یونانیها یهودی شده بودند. آنها احتمالاً به این دلیل پیش فیلیپ رفتند که گرچه یهودی بود، اما اسمی یونانی داشت.

۲۳-۲۵ این تصویر زیبایی است از ضرورت قربانی شدن عیسی. تا وقتی که دانه گندم در خاک نمیرد، خوشه گندم که با خود دانه های گندم بسیاری دارد، تولید نخواهد شد. عیسی مرد تا قدرتش را بر مرگ نشان دهد. قیامش ثابت کرد که او زندگی جاودانی دارد. او بخاطر قدرت و اختیار الهی اش، می تواند زندگی جاودانی از همین نوع را به همه کسانی که به او ایمان می آورند، بدهد.

۲۵:۱۲ ما باید بقدری وقف زندگی به مسیح باشیم که در مقایسه، از زندگی خود «متنفر» باشیم. این به آن معنا نیست که ما در آرزوی مرگ باشیم، بلکه به این معنی است که اگر مرگ ما باعث جلال مسیح شود، حاضر باشیم بمیریم.
 ۲۶:۱۲ بسیاری معتقدند که عیسی فقط برای یهودیان به

۳۰ ولی عیسی فرمود: «این صدا برای شما بود، نه برای من. ۳۱ چون وقت آن رسیده است که خدا مردم دنیا را داوری کند و فرمانروای این دنیا، یعنی شیطان را از قدرت بیندازد. ۳۲ وقتی مسیح را از زمین بلند کردید، او نیز همه را بسوی خود بالا خواهد کشید.»

۳۳ عیسی با این گفته، به نوع مرگ خود بر صلیب اشاره کرد. ۳۴ مردم پرسیدند: «تو از مرگ سخن می‌گویی؟ تا جایی که ما می‌دانیم مسیح باید همیشه زنده بماند و هرگز نمیرد. پس چرا تو می‌گویی که مسیح باید بمیرد؟ اصلاً درباره‌ی که صحبت می‌کنی؟»

۳۵ عیسی جواب داد: «نور من فقط تا مدتی کوتاه بر شما خواهد تابید؛ پس از فرصت استفاده کنید و پیش از تاریک شدن، هر جا می‌خواهید بروید، چون در تاریکی نمی‌توانید راه را تشخیص دهید. ۳۶ تا دیر نشده، به نور ایمان آورید تا نورانی شوید.» آنگاه عیسی رفت و خود را از چشم مردم پنهان کرد.

بسیاری از مردم به عیسی ایمان نمی‌آوردند (۱۸۶)

۳۷ با وجود تمام معجزاتی که عیسی کرد، بسیاری از مردم ایمان نیاوردند که او همان مسیح است. ۳۸ و این عین همان است که «اشعیای نبی» پیشگویی کرده

۳۱:۱۲
یو ۳۰:۱۴ ؛ ۱۱:۱۶
افس ۱۲:۶
عبر ۱۴:۲
۳۲:۱۲
یو ۱۴:۳ ؛ ۴۴:۶
عبر ۹:۲

۳۴:۱۲
۱۳:۷ سمو
مز ۳۶ و ۳۵:۸۹ ؛ ۴:۱۱۰
اش ۷:۹
جز ۲۵ و ۲۴:۳۷
دان ۱۴:۷
میکا ۷:۴
۳۵:۱۲
ار ۱۶:۱۳
یو ۱۲:۸ ؛ ۵:۹ ؛ ۴۶:۱۲
۳۶:۱۲
لو ۸:۱۶
یو ۱۲:۸ ؛ ۴۶:۱۲
افس ۸:۵
اتسا ۵:۵
ایو ۹:۲ و ۱۰

۳۸:۱۲
اش ۵:۳
روم ۱۶:۱۰

مسیح داشتند، مطابقت نمی‌کرد. مسیح اول می‌بایست رنج بکشد و بمیرد، بعد روزی ملکوت جاودانی‌اش را برقرار کند. شما بدنال چه نوع مسیح یا نجات‌دهنده‌ای هستید؟ از اینکه به زور عیسی را در قالبهای فکری خودتان جای دهید، برحذر باشید چون او در قالبهای فکری ما نمی‌گنجد.

۳۵:۱۲ و ۳۶ عیسی گفت که برای مدت کوتاهی شخصاً با آنها خواهد بود، و آنها باید تا وقتی که او با آنهاست، از حضور او استفاده کنند. اگر این کار را بکنند می‌توانند نور مسیح را به جاهای تاریک ببرند (جاهایی که پیغام عیسی هنوز شنیده نشده)، و حقیقت برای مردم آشکار شود و بسوی خدا بیایند. ما مسیحیان باید نور مسیح باشیم و بگذاریم نور او از طریق زندگی ما بدرخشد. درخشش نور شما چقدر است؟

۳۷:۱۲ و ۳۸ عیسی معجزات بسیاری کرده بود، اما باز بیشتر مردم به او ایمان نیاوردند. امروز هم بسیاری، علیرغم همه کارهایی که خدا می‌کند، ایمان نمی‌آورند. اگر شهادتی که درباره مسیح می‌دهید، آن تعدادی را که دلخواه شماست بسوی مسیح هدایت نمی‌کند، مأیوس نشوید. وظیفه شما این است که بعنوان شاهدی وفادار به کار خود ادامه دهید. شما

۳۱:۱۲ شیطان فرشته‌ای است که علیه خدا طغیان کرد. او حقیقی است و نمادین نیست و دائماً علیه خدا و کسانی که از او اطاعت می‌کنند، عمل می‌نماید. او حوا را در باغ و سوسه کرد و او را متقاعد ساخت که گناه کند. او عیسی را در بیابان و سوسه کرد ولی نتوانست او را متقاعد سازد که در گناه بیفتد (متی ۱:۴-۱۱). شیطان قدرت زیادی دارد، اما انسانها بواسطه پیروزی مسیح بر روی صلیب، می‌توانند از حکومت شیطان که در آن تاریکی روحانی حکمفرماست نجات بیابند. شیطان قدرتمند است، اما عیسی به مراتب قدرتمندتر از اوست. قیام عیسی قدرت شیطان را بر مرگ در هم شکست (کولسیان ۱:۱۳ و ۱۴).

۳۴:۱۲ مردم نمی‌توانستند باور کنند که مسیح موعود خواهد مرد. آنها شاخه‌های نخل را برای مسیح فاتحی تکان می‌دادند که فکر می‌کردند حکومتی سیاسی و زمینی برقرار خواهد کرد که هرگز پایانی نخواهد داشت. آنها از روی بعضی از قسمت‌های کتب مقدسه فکر می‌کردند که مسیح موعود هرگز نخواهد مرد (مزور ۳۶ و ۳۵:۸۹ ؛ ۴:۱۱۰ ؛ اشعیای ۷:۹). اما قسمت‌های دیگر کتب مقدسه نشان می‌داد که او خواهد مرد (اشعیای ۵:۳-۹). سخنان عیسی با تصویری که آنها از

بود که: «ای خداوند، چه کسی سخن ما را باور می‌کند؟ چه کسی معجزات بزرگ خدا را به عنوان دلیل و برهان قبول می‌کند؟»^{۳۹} البته ایشان نتوانستند ایمان بیاورند، چون همانطور که اشعیا گفته بود: «خدا چشمانشان را کور و دل‌هایشان را سخت کرده است، تا نبینند و نفهمند و بسوی خدا بازنگردند تا شفا یابند.»

۴۰:۱۲
اش ۱۰:۶ و ۹
متی ۱۴:۱۳

^{۴۱} اشعیا با این پیشگویی، به عیسی اشاره می‌کرد، چون پیش از آن در رؤیا جلال مسیح را دیده بود.

۴۱:۱۲
اش ۱:۶

^{۴۲} با این همه، بعضی از سران قوم یهود ایمان آوردند که او براستی همان مسیح است، ولی به کسی نگفتند چون می‌ترسیدند ایشان را از عبادتگاه بیرون کنند.

۴۲:۱۲
یو ۴:۷، ۱۳:۴۸، ۲۲:۲۳؛
۱۱:۱۲

^{۴۳} در واقع چیزی که برای این اشخاص اهمیت داشت، جلب نظر و احترام مردم بود نه جلب رضای خدا.

۴۳:۱۲
یو ۵:۴۴

عیسی پیغام خود را خلاصه می‌کند

(۱۸۷)

^{۴۴} پس عیسی با صدای بلند به مردم فرمود: «اگر به من ایمان آورید، در واقع به خدا ایمان آورده‌اید.»^{۴۵} چون آن که مرا دید، گویی فرستنده مرا دیده است.

۴۵:۱۲
یو ۹:۱۴

^{۴۶} من مثل نوری آمده‌ام تا در این دنیای تاریک بدرخشم تا تمام کسانی که به من ایمان می‌آورند، در تاریکی سرگردان نشوند.^{۴۷} اگر کسی صدای مرا بشنود

۴۶:۱۲
یو ۱:۹، ۵:۹، ۹:۳۱، ۱۹:۳؛
۳۹:۵، ۹:۱۲

۴۷:۱۲
یو ۱۷:۳۳؛
۴۵:۵؛
۱۶:۱۵

نکردند. اعتراف نکردن به ایمان نیز به بدی ایمان نیاوردن است؛ و عیسی کسانی را که به ایمانشان اعتراف نمی‌کنند مورد حمله قرار داد (به متی ۱۰:۳۲ و ۳۳ مراجعه کنید). کسانی که نزد دیگران به ایمان خود اعتراف نمی‌کنند، می‌ترسند مبادا مردم آنها را رد یا مسخره کنند. بسیاری از سران قوم به ایمان به مسیح اعتراف نکردند چون می‌ترسیدند آنها را از خانه خدا (که از آن طریق امرار معاش می‌کردند) بیرون کنند و اعتبار و موقعیت خود را در اجتماع از دست بدهند. اما تحسین و احترام مردم ناپایدار و موقتی است. ما باید به تأیید جاودانی خدا به مراتب بیشتر از رضایت زودگذر سایر مردم توجه داشته باشیم.

۴۵:۱۲ ما اغلب از خود می‌پرسیم، خدا چگونه است. ما چطور می‌توانیم خالقی را بشناسیم که خود را نمایان نمی‌سازد؟ عیسی بوضوح گفت که کسانی که به شناخت وجود او نائل شوند، خواهند دانست خدا چگونه است، زیرا عیسی مظهر وجود خداست. اگر شما می‌خواهید بدانید خدا چگونه است، شخصیت و سخنان عیسی مسیح را مطالعه کنید.

مسئول تصمیماتی که دیگران می‌گیرند نیستید، بلکه فقط وظیفه دارید که پیغام نجات را به آنها برسانید.

۴۰:۱۲ مردم زمان عیسی، مانند مردم روزگار اشعیا، علیرغم مدارک و شواهد موجود ایمان نمی‌آوردند (۳۷:۱۲). در نتیجه بی‌ایمانی، عیسی می‌گوید که خدا «دل‌های ایشان را سخت کرده است.» آیا این به آن معناست که خدا عمداً مانع شد که این مردم به او ایمان نیاورند؟ نه، خدا فقط بر این حقیقت صحنه گذاشت که آنها برای همیشه مخالفت با خدا را انتخاب کرده، و بقدری در طریق خود سخت شده‌اند که حتی نمی‌کوشند پیغام عیسی را درک کنند. برای چنین اشخاصی، آمدن نزد خدا تقریباً غیرممکن است، چرا که دل‌هایشان برای همیشه سخت شده است. نمونه دیگر از دل‌هایی که بخاطر سرسختی دائمی سخت شده، در خروج ۹:۱۲؛ رومیان ۱:۲۴-۲۸؛ و ۲سالونیکیان ۲:۸-۱۲ ثبت شده است.

۴۲:۱۲ و ۴۳ در کنار کسانی که از ایمان آوردن امتناع ورزیدند، عده‌ای نیز به او ایمان آوردند، اما آن را اعتراف

ولی اطاعت نکنند، من از او بازخواست نخواهم کرد، زیرا من نه برای بازخواست بلکه برای نجات جهان آمده‌ام.^{۴۸} ولی تمام کسانی که مرا و سخنان مرا نمی‌پذیرند، در روز قیامت بوسیله کلام من از ایشان بازخواست خواهد شد.^{۴۹} این سخنان از من نیست، بلکه من آنچه را که پدرم خدا گفته است، به شما می‌گویم؛^{۵۰} و می‌دانم که احکام او انسان را به زندگی جاوید می‌رساند. پس هر چه خدا به من می‌فرماید، من همان را می‌گویم.»

۴۸:۱۲
تث ۱۸:۱۸ و ۱۹

ج- مرگ و قیام عیسی، پسر خدا (۱:۱۳ - ۲۵:۲۱)

یوحنا انجیلش را با ازلت شروع می‌کند و با آمدن مجدد عیسی به زمین خاتمه می‌دهد. او در انجیل خود بیان می‌کند که چگونه عیسی پیش از مرگ خود، به شاگردان بطور خصوصی تعالیمی می‌دهد. در کتاب او بوضوح محبت عمیق عیسی نسبت به ایمانداران، و صلحی را که از ایمان حاصل می‌شود، می‌بینیم. ما نیز با آگاهی یافتن از محبت عیسی نسبت به ایمانداران، باید به عیسی ایمان بیاوریم و بگذاریم او گناهانمان را ببخشد. فقط در این صورت است که در دنیایی پر از ناآرامی، صلح را خواهیم چشید.

۱- عیسی به شاگردانش تعلیم می‌دهد

شستن پاهای شاگردان

(۲۱۰)

شب «عید پَسَح» فرا رسید و عیسی با شاگردان خود بر سر سفره شام نشست. عیسی می‌دانست که این آخرین شب عمر او بر زمین است و بزودی نزد خدای پدر به آسمان باز خواهد گشت، بنابراین محبت خود را به کمال به شاگردانش نشان داد. شیطان که یهودای اسخریوطی (پسر شمعون) را از قبل فریب داده بود تا به عیسی خیانت کند، در وقت شام به فکر او انداخت تا در همان شب نقشه خود را عملی سازد.

۱:۱۳
یو ۳۵:۳ + ۲۸:۱۶ + ۲:۱۷
اقرن ۱۵:۲۷
۲:۱۳
لو ۲:۲۲
یو ۷:۶ و ۷۱

جزو کدام دسته باشید چرا که تصمیم شما نتایج جاودانی خواهد داشت.

۱:۱۳ یوحنا در فصل‌های ۱۳ تا ۱۷ به ما می‌گوید که عیسی شب قبل از مرگش به شاگردانش چه گفت. عیسی این سخنان را فقط در طول یک شب، آن هم فقط به شاگردانش بیان فرمود. او آخرین تعالیمش را به شاگردان داد تا آنها را تسلی دهد و ایشان را برای مرگ و قیام خود، یعنی وقایعی که می‌رفت زندگی‌شان را دگرگون سازد، آماده کند.

۳-۱:۱۳ برای کسب اطلاعات بیشتر درباره یهودای اسخریوطی، به تاریخچه زندگی او در مرقس فصل ۱۴ مراجعه کنید.

۴۸:۱۲ هدف از رسالت عیسی بر روی زمین، این نبود که مردم را داوری کند، بلکه تا راه دستیابی به نجات و زندگی جاودانی را به آنها نشان دهد. وقتی او باز گردد، یکی از اهداف اصلی او بازخواست از مردم در مورد نحوه زندگی روی زمین خواهد بود. در روز داوری، کسانی که به طریق عیسی زندگی کرده‌اند، وارد زندگی جاودانی خواهند شد (اقرن‌تیان ۵۱:۱۵-۵۷؛ ۱۵:۴-۱۸؛ مکاشفه ۱:۲۱-۸)، و کسانی که او را نپذیرفته‌اند و هرطور که دلشان می‌خواسته زندگی کرده‌اند، با مجازات جاودانی روبرو خواهند شد (مکاشفه ۱۱:۲۰-۱۵). حالا تصمیم بگیرید که می‌خواهید

عیسی می‌دانست که خدا اختیار همه چیز را به دست او سپرده است و از نزد خدا آمده و بار دیگر به نزد او باز می‌گردد. ^۴ پس، از سرشام برخاست، لباس خود را درآورد، حوله‌ای به کمر بست، ^۵ آب در لگن ریخت و به شستن پایهای شاگردان و خشک کردن آنها با حوله پرداخت. ^۶ وقتی به شمعون پطرس رسید، پطرس به او گفت: «استاد، شما نباید پایهای ما را بشویید.»

^۷ عیسی جواب داد: «اکنون علت کار مرا درک نمی‌کنی؛ ولی یک روز خواهی فهمید.»

^۸ پطرس باز اصرار کرد: «نه، هرگز نمی‌گذارم شما پاهای مرا بشویید.»

عیسی فرمود: «اگر نگذاری، رابطه‌مان قطع می‌شود.»

^۹ پطرس باعجله گفت: «پس حالا که اینطور است، نه فقط پا، بلکه دست و صورتم را نیز بشویید.»

^{۱۰} عیسی جواب داد: «کسی که تازه حمام کرده، فقط کافی است که پایهای خود را بشوید تا تمام بدنش پاکیزه شود. شما نیز پاک‌بند ولی نه همه.» ^{۱۱} چون عیسی می‌دانست چه کسی به او خیانت خواهد کرد؛ از این جهت گفت که همه شاگردان پاک نیستند.

^{۱۲} پس از آنکه پاهای شاگردان خود را شست، لباس خود را پوشید و سر میز شام نشست و پرسید: «آیا فهمیدید چرا این کار را کردم؟» ^{۱۳} شما مرا استاد و

۴:۱۳
لو ۳۷:۱۲ : ۲۷:۲۲
۵:۱۳
لو ۴۴:۷

۸:۱۳
مز ۷۲:۵۱
اش ۵۲:۴ و ۱۵
حز ۲۵:۳۶
یو ۵:۳
اعما ۳۸:۲
اقرن ۱۱:۶
افس ۲۶:۵
تیط ۵:۳
عبر ۱۳:۹ و ۱۴:۱۰ : ۲۲:۱۰

۱۰:۱۳
خرو ۴:۲۹ : ۴:۳۰ و ۱۸-۲۱ : ۱۲:۴۰
یو ۳:۱۵
۱۱:۱۳
یو ۶:۶ : ۶:۱۳ و ۲:۱۳
۱۲:۱۳
یو ۴:۱۳
۱۳:۱۳
اقرن ۶:۸ : ۱۲:۳

دارد. با وجود این، ما را دوست دارد. چه پاسخی در مقابل این نوع محبت می‌دهید؟

۷:۶ تصور کنید شما پطرس هستید و می‌بینید عیسی پاهای دیگران را می‌شوید و کم‌کم نوبت به شما می‌رسد. گویا پطرس با دیدن این صحنه که استادش مانند یک برده رفتار می‌کند، آشفته شد. اما عیسی بصورت عملی برای پطرس تشریح کرد که برای شاگردی او باید از الگوی او پیروی کند. برای رهبر بودن، باید خدمتگزار بود. این قسمت برای بسیاری که وظایف رهبری را دارند و خدمت به افراد زیر دست خود برایشان سخت است، زیاد جالب نیست. با کسانی که زیر دست شما کاری می‌کنند (اعم از کودکان، کارمندان، یا کسانی که داوطلبانه می‌خواهند تحت رهبری شما باشند)، چگونه رفتار می‌کنید؟

۱۲:۱۳ عیسی پاهای شاگردان را فقط به این دلیل نشست که آنها را وا دارد تا با هم خوب باشند. هدف بزرگتر او این بود که بعد از رفتنش رسالتش را روی زمین بسط دهد. شاگردان می‌بایست وارد دنیا می‌شدند تا خدا، راه، یکدیگر را و همه کسانی را که پیغام نجات را به آنها می‌رسانند، خدمت کنند.

۱-۱۷ عیسی الگوی خدمتگزاری بود، و این طرز فکر خود را به شاگردانش نیز نشان داد. وقتی مهمانی به خانه کسی می‌رفت، این وظیفه خدمتگزار آن خانه بود که پاهای او را بشوید. اما عیسی حوله‌ای به کمر بست، کاری که دون‌پایه‌ترین برده‌ها می‌کردند، و پاهای شاگردانش را شست. اگر حتی او که فرزند خدا بود، حاضر است خدمت کند، ما پیروان او نیز باید خدمت نماییم، و حاضر باشیم به هر طریقی که شده، خدمت کنیم تا خدا جلال بیابد. آیا حاضرید در خدمت کردن از الگوی مسیح پیروی کنید؟ امروز به چه کسی می‌توانید خدمت کنید؟

۳:۱۳ در عبارت ساده «پس بخاطر محبت زیادی که به شاگردان خود داشت»، حقیقت عمیقی نهفته است. عیسی می‌دانست که یکی از آنها به او خیانت خواهد کرد و یکی دیگر او را انکار خواهد نمود، و همه آنها برای مدتی او را تنها خواهند گذاشت. با وجود این، او آنها را دوست داشت. همان طور که عیسی شاگردانش را می‌شناخت، خدا هم کاملاً ما را می‌شناسد. او از گناهیانی که مرتکب شده‌ایم و گناهیانی که باز هم مرتکب خواهیم شد، اطلاع

محبوب بودن پر قدرت‌ترین انگیزش‌ها در دنیاست! توانایی دوست داشتن در ما اغلب با تجربه عشق شکل می‌گیرد. ما معمولاً دیگران را همان طوری دوست داریم که آنها ما را دوست دارند. بعضی از بزرگترین گفته‌ها درباره طبیعت پرمحبت خدا را مردی نوشت که محبت خدا را بطریقی منحصر بفرد تجربه کرد. یوحنا خود را «شاگرد محبوب عیسی» (یوحنا ۲۱:۲۰) نامید و به این ترتیب، نوع رابطه‌اش را با پسر خدا بیان کرد. اگرچه محبت عیسی بوضوح در تمام اناجیل بیان شده، اما در انجیل یوحنا موضوع اصلی را تشکیل می‌دهد. از آنجا که تجربه‌ای که یوحنا از محبت عیسی داشت، بسیار قوی و شخصی بود، او نسبت به آن دسته از سخنان و اعمال عیسی حساس بود که نشان می‌داد چطور کسی که محبت است، دیگران را محبت می‌کند.

عیسی یوحنا را بطور کامل می‌شناخت و او را بطور کامل محبت کرد. عیسی به یوحنا و برادرش یعقوب نام مستعار «پسران رعد» را داد. روزی این دو برادر از عیسی خواستند تا اجازه دهد از خدا درخواست کنند بر روی دهکده‌ای که عیسی و شاگردانش را پذیرفته بودند، «از آسمان آتش بفرستد» (لوقا ۹:۵۴). شاید عیسی بعد از این واقعه، این نام را بر روی آنها گذاشت. در این انجیل و نامه‌های یوحنا ما خدای بزرگ محبت را می‌بینیم، در حالی که در صفحات کتاب مکاشفه نُتدر عدالت خدا نمودار می‌شود.

عیسی با هر یک از ما روبرو می‌شود، همان طور که با یوحنا روبرو شد. تا وقتی که ما نخواهیم با این حقیقت روبرو شویم که او ما را بطور کامل می‌شناسد، نمی‌توانیم به عمق محبت او پی ببریم. در غیراینصورت ما دچار این فریب می‌شویم که خدا ما را آن طور که وانمود می‌کنیم دوست دارد، نه همچون گناهکار، یعنی چیزی که واقعاً هستیم. شناخت محبت خدا محرک بزرگی برای عوض شدن است. محبت او در قبال تلاش‌های ما به ما داده نمی‌شود؛ محبت او ما را آزاد می‌کند تا واقعاً زندگی کنیم. آیا شما این محبت را پذیرفته‌اید؟

نقاط قوت و موفقیت‌ها:

* قبل از پیروی عیسی، یکی از شاگردان یحیای تعمیددهنده بود.
* یکی از ۱۲ شاگرد، و با پطرس و یعقوب جزو سه نفری بود که گروه مقربین عیسی را تشکیل می‌دادند.

* پنج کتاب از کتابهای عهدجدید را نوشت: انجیل یوحنا، اول و دوم و سوم یوحنا، و مکاشفه.

نقاط ضعف و اشتباهات:

* همراه با یعقوب تمایل به بروز ناگهانی خودخواهی و خشم خود داشت.
* از عیسی خواست تا جایگاه ویژه‌ای در ملکوتش داشته باشد.

درس‌هایی از زندگی او:

* کسانی که در می‌یابند چقدر مورد محبت قرار گرفته‌اند، قادرند زیاد محبت کنند.
* وقتی خدا زندگی کسی را عوض می‌کند، ویژگی‌های شخصیتی خاص آن فرد را از او نمی‌گیرد، بلکه از آنها برای استفاده مؤثرتر جهت خدمت به خودش بهره می‌گیرد.

آمار حیاتی:

* شغل: ماهیگیر، شاگرد عیسی
* خویشاوندان: پدر: زبدي. مادر: سالومه. برادر: یعقوب.
* هم‌عصر با: عیسی، پیلاتوس، هیروودیس

آیه کلیدی:

«ای برادران، به شما می‌گویم که یکدیگر را محبت نمایند. این یک حکم تازه نیست، بلکه همان حکم قدیمی است که از ابتدا به شما داده شده و همه شما آن را شنیده‌اید. با اینحال همیشه تازه است و همانگونه که مسیح به آن عمل کرد، شما نیز باید بکنید، زیرا در همان حال که به یکدیگر محبت می‌نمایید، لکه‌های تیره و تار زندگی از میان می‌رود، و نور تازه زندگی مسیحیایی شروع به تابیدن می‌کند» (۱ یوحنا ۲:۷ و ۸).

ماجراهای مربوط به یوحنا در سرتاسر اناجیل، اعمال، و مکاشفه نقل شده است.



خداوند می خوانید، و درست می گویند چون همینطور نیز هست.^{۱۴} حال، اگر من که خداوند و استاد شما هستم، پاهای شما را شستم، شما نیز باید پاهای یکدیگر را بشوید.^{۱۵} من به شما سر مشقی دادم تا شما نیز همینطور رفتار کنید.^{۱۶} چون مسلماً خدمتکار از اربابش بالاتر نیست و قاصد نیز از فرستنده اش مهم تر نمی باشد.^{۱۷} در زندگی، سعادت در این است که به آنچه می دانید، عمل کنید.»^{۱۸} «این را به همه شما نمی گویم، چون تک تک شما را که انتخاب کرده ام، خوب می شناسم. کتاب آسمانی می گوید: "کسی که با من نان خورده است، به من خیانت می کند." و این همین الان واقع می شود.^{۱۹} این را به شما می گویم تا وقتی واقع شد، به من ایمان بیاورید.^{۲۰} بدانید که هر کس فرستاده مرا قبول کند، مرا پذیرفته است و آنکه مرا قبول کند فرستنده من یعنی خدای پدر را پذیرفته است.»

شام آخر

(۲۱۱ / متی ۲۶: ۲۰-۲۹؛ مرقس ۱۴: ۱۷-۲۵؛ لوقا ۲۲: ۱۴-۳۰)

^{۲۱} پس از این سخن، عیسی بشدت محزون شد و با دلی شکسته گفت: «حقیقت این است که یکی از شما به من خیانت خواهد کرد.»
^{۲۲} شاگردان مات و مبهوت به یکدیگر نگاه می کردند و در حیرت بودند که عیسی این را در باره چه کسی می گوید.^{۲۳} شاگردی که معمولاً سر رو سینه عیسی می گذاشت و عیسی او را بسیار محبت می نمود، کنار عیسی نشسته بود.^{۲۴} شمعون پطرس به او اشاره کرد تا پرسد کیست که دست به چنین کار و حشنتاکی می زند.^{۲۵} پس، آن شاگرد به عیسی نزدیکتر شد و پرسید: «خداوندا، آن شخص کیست؟»
^{۲۶} فرمود: «آن کسی است که یک لقمه می گیرم و به او می دهم.» آنگاه لقمه ای گرفت و آن را به یهودا پسر شمعون اسخریوطی داد.^{۲۷} به محض اینکه لقمه از گلو یهودا پایین رفت، شیطان داخل او شد.
 پس عیسی به او فرمود: «عجله کن و کار را به پایان برسان!»^{۲۸} هیچکس به هنگام

۱۴:۱۳
 لو ۲۷:۲۲
 روم ۱۰:۱۲
 اپطر ۵:۵
 ۱۵:۱۳
 فیل ۷-۵:۲
 اپطر ۵-۳:۵
 ایو ۶:۲
 ۱۷:۱۳
 یعقو ۲۵:۱
 ۱۸:۱۳
 مز ۹:۴
 اتیمو ۱۹:۲
 ۲۰:۱۳
 متی ۴۰:۱۰
 لو ۱۶:۱۰

۲۱:۱۳
 متی ۲۵-۲۰:۲۶
 مر ۲۱-۱۸:۱۴
 لو ۲۳-۲۱:۲۲
 ۲۳:۱۳
 یو ۲۶:۱۹
 ۲۵:۱۳
 یو ۲۰:۲۱
 ۲۶:۱۳
 یو ۷۱:۶
 ۲۷:۱۳
 لو ۳:۲۲

برای اثبات مسیح بودنش، استفاده کند. یا شاید یهودا رسالت عیسی را درک نکرده بود و دیگر ایمان نداشت، که او برگزیده خداست. هر فکری که یهودا در سر داشته، شیطان تصور کرد که مرگ عیسی به رسالتش خاتمه خواهد داد و نقشه خدا را خنثی خواهد کرد. شیطان مانند یهودا نمی دانست که مرگ عیسی مهم ترین قسمت نقشه خداست.

۲۶:۱۳ مهمان محترم را به این طریق از بقیه مشخص می کردند.

۲۷:۱۳ سهم شیطان در تسلیم عیسی، هیچ یک از مسؤولیتهایی را که یهودا در این کار داشت، رفع نمی کند. یهودا از سخنان عیسی دل سرد شده بود، زیرا عیسی بجای آنکه درباره برقراری ملکوتش سخن گوید، درباره مردن سخن می گفت. او کوشید عیسی را وا دارد تا از قدرتش

شام منظور عیسی را نفهمید.^{۲۹} فقط بعضی گمان کردند که چون پول دست یهودا بود، عیسی به او دستور داد که برود و خوراک بخرد و یا چیزی به فقرا بدهد.^{۳۰} یهودا لقمه را خورد و فوراً برخاست و در تاریکی شب بیرون رفت.

۲۹:۱۳
یو ۶:۱۲

۳۰:۱۳
لو ۵۳:۲۲

پیشگویی انکار پطرس

(۲۱۲ / لوقا ۲۲:۳۱-۳۸)

^{۳۱} به محض اینکه یهودا از اطاق خارج شد، عیسی فرمود: «وقت من تمام شده است. بزودی جلال خدا مرا فرا خواهد گرفت و آنچه برای من پیش می آید، باعث جلال و ستایش خدا خواهد شد.^{۳۲} خدا نیز بزودی بزرگی و جلال خود را به من خواهد داد.^{۳۳} ای فرزندان من که برایم بسیار عزیز هستید، چقدر این لحظات کوتا هستند. بزودی باید شما را بگذارم و بروم. آنگاه همانطور که به سران قوم یهود گفتم، همه جا بدنبال من خواهید گشت، اما مرا نخواهید یافت و نخواهید توانست به جایی که می روم، بیایید.

۳۱:۳۱ و ۳۲
لو ۲۶:۲۴

یو ۲۳:۱۲ ؛ ۵:۱۷
اقرن ۴۲:۱۵
عبر ۵:۵

۳۳:۱۳
یو ۳۳:۷ و ۳۴

۳۴:۱۳
لاو ۱۸:۱۹

افس ۲:۵
اتسا ۹:۴

عبر ۱:۱۳
یعقو ۸:۲

ایطر ۲۲:۱
ایو ۸:۲ ؛ ۱۱:۳ ؛ ۲۰:۴ و ۲۱

۳۵:۱۳
اعما ۴۶-۴۴:۲

۳۶:۱۳
یو ۲:۱۴ ؛ ۱۸:۲۱

۲ پطر ۱:۱۳ و ۱۴

^{۳۴} «پس حال، دستوری تازه به شما می دهم: یکدیگر را دوست بدارید همانگونه که من شما را دوست می دارم.^{۳۵} محبت شما به یکدیگر، به جهان ثابت خواهد کرد که شما شاگردان من می باشید.»

^{۳۶} شمعون پطرس پرسید: «استاد، شما کجا می خواهید بروید؟»

عیسی جواب داد: «حال، نمی توانی با من بیایی، ولی بعد بدنبال خواهی آمد.»

که عیسی محبت می کرد، انقلابی در حوزه عشق و محبت بود. حالا ما باید دیگران را بر اساس محبت فداکارانه ای که عیسی نسبت به ما داشت، دوست داشته باشیم. چنین عشقی نه تنهایی ایمانان را بسوی مسیح می آورد، بلکه ایمانداران را نیز در دنیایی که دشمن خداست، قوی و متحد می سازد. عیسی نمونه زنده ای از محبت خدا بود و زندگی ما هم باید نمونه ای از محبت عیسی باشد.

۳۵:۱۳ محبت فقط احساسات گرم نیست، بلکه حالتی است که در عمل آشکار می شود. ما چطور می توانیم دیگران را به همان شکل که مسیح ما را دوست دارد، دوست داشته باشیم؟ با کمک کردن، زمانی که کمک کردن راحت نیست؛ با دادن، زمانی که دادن به ضرر ماست؛ با صرف کردن نیروی خود برای رفاه دیگران نه خودمان؛ با شکایت نکردن از دیگران و مقابله به مثل نکردن زمانی که به ما صدمه زده اند. عمل کردن به چنین محبتی سخت است. به همین دلیل، اگر به این محبت عمل کنید، مردم پی خواهند برد و خواهند دانست که از منبعی فوق طبیعی قدرت می گیرید. کتاب مقدس توصیف زیبایی دیگری از محبت در اقرنتیان فصل ۱۳ دارد.

۲۷:۱۳-۳۸ یوحنا این دقایق را با جزئیات کامل توصیف می کند. می بینیم که عیسی دقیقاً می دانست چه در پیش رو دارد. او می دانست پطرس و یهودا چه خواهند کرد، اما نه اقدامی در جهت تغییر مسیر وقایع کرد و نه از محبت کردن به ایشان دست کشید. امروز نیز عیسی دقیقاً می داند که شما در چه زمانی قلب او را خواهید شکست. با وجود این، بدون قید و شرط شما را دوست دارد و هر وقت که از او طلب بخشش کنید، شما را خواهد بخشید. یهودا نتوانست این را درک کند، و زندگی اش بطرز وحشتناکی به پایان رسید. اما پطرس این حقیقت را فهمید و علیرغم قصوراتش، زندگی اش با پیروزی خاتمه یافت چون او هرگز دست از ایمانش نکشید.

۳۴:۱۳ و ۳۵ عیسی می گوید که محبت مسیح گونه ما ثابت خواهد کرد که شاگرد او هستیم. آیا مردم در کلیسای شما، پرخاشگری و حسادت و اختلافات کوچک می بینند؟ یا از محبتی که نسبت به یکدیگر دارید، می دانند که پیروان عیسی هستید؟

۳۴:۱۳ محبت به یکدیگر، دستوری تازه نبود (به لاویان ۱۸:۱۹ مراجعه کنید)، اما محبت به دیگران، آنگونه

۳۷ پطرس پرسید: «استاد، چرا نمی توانم حالا بیایم؟ من حتی حاضرم جانم را فدای شما کنم.»
 ۳۸ عیسی جواب داد: «تو جانت را فدای من می کنی؟ همین امشب پیش از بانگ خروس، سه بار مرا انکار کرده، خواهی گفت که مرا نمی شناسی.»

عیسی راه بسوی خداست (۲۱۳)

۱۴ «خاطرتان آسوده باشد. شما که به خدا ایمان دارید، به من نیز ایمان داشته باشید. ^{۳۷} نزد پدر من خدا، جا بسیار است. من می روم تا آن جا را برای شما آماده کنم. وقتی همه چیز آماده شد، باز خواهم گشت و شما را خواهم برد، تا جایی که من هستم شما نیز باشید. اگر غیر از این بود، بطور واضح به شما می گفتم.»
 ۴ «شما می دانید من کجا می روم و می دانید چگونه به آنجا بیایید.»
 ۵ «توما گفت: «نه، نمی دانیم، ما اصلاً خبر نداریم شما کجا می روید؛ پس چطور می توانیم راه را پیدا کنیم؟»
 ۶ عیسی به او فرمود: «راه منم، راستی منم، زندگی منم. هیچ کس نمی تواند به خدا برسد مگر بوسیله من.»

۲:۱۴
 مز ۱:۹۰
 یو ۱۶:۲-۱۹، ۲۱-۲۱:۴ : ۴:۱۴
 ۳:۱۴
 یو ۱۰:۳۸-۱۰:۱۴
 ۱۰:۱۴ و ۱۸:۲۰ : ۲۲-۱۹، ۱۶:۱۶
 ۲۱:۱۷-۲۴ : ۶:۱۴
 یو ۱:۱۶-۱۶:۴ : ۳۲:۸
 ۱:۱۰ و ۱۰:۱۰ : ۲۵:۱۱
 روم ۲:۵
 افس ۲:۱۸
 عبر ۱۰:۱۰
 ایو ۲:۵

جاودانی بر ما معلوم نیست، اما نباید بترسیم، چون عیسی آن را برای ما آماده می کند و جاودانگی را با ما خواهد بود.
 ۶-۴:۱۴ این قسمت یکی از اساسی ترین و مهم ترین قسمت های کتاب مقدس است. در این قسمت این سؤال مطرح می شود که «چطور می توان خدا را یافت؟» جواب آن هم داده می شود که «فقط از طریق عیسی!» عیسی راه است زیرا هم خداست و هم انسان. با پیوند دادن زندگی خود به زندگی عیسی، به خدا می پیوندیم. به عیسی ایمان داشته باشید تا شما را به حضور خدا ببرد؛ او تمام امتیازات فرزند خدا از آن شما خواهد بود.

۶:۱۴ عیسی می گوید که او تنها راه بسوی خدای پدر است. بعضی از مردم ممکن است با ما مشاجره کنند که این بسیار تنگ نظرانه است. اما در واقع، اگر تمام مردم دنیا بر آن شوند که آن را بپذیرند، به اندازه کافی وسیع هست که همه آنها را شامل شود. بجای آنکه ناراحت این باشیم که وجود تنها یک راه، چقدر محدود بنظر می رسد، باید بگوییم: «خدایا تو متشکریم که راه مطمئنی برای رسیدن به خودت مهیا کرده ای!»
 ۶:۱۴ عیسی می گوید که او «راه، راستی، و زندگی» است. او به عنوان «راه»، طریق ما بسوی خدای پدر است. بعنوان «راستی»، او واقعیت همه وعده های خداست.

۳۷ و ۳۸ پطرس با غرور به عیسی گفت که حاضر است جانش را فدای او کند. او می دانست پطرس درست در همان شب برای حفظ جان خود او را انکار خواهد کرد (۲۵:۱۸-۲۷). در اوج احساسات وعده و وعید دادن کار ساده ای است، اما خدا از میزان وفاداری ما اطلاع دارد. پولس به ما می گوید که خود را صادقانه مورد ارزیابی قرار دهیم (رومیان ۳:۱۲). بجای لاف زدن، وفاداری خود را قدم به قدم همراه با رشد در شناخت کلام خدا و ایمانتان، نشان دهید.
 ۱-۱:۴ سخنان عیسی نشان می دهد که راه نادیدنی بسوی زندگی جاودانی راهی نامطمئن نیست. وجود آسمان به اندازه ایمان شما به عیسی قطعی است. او قبلاً راه زندگی جاودانی را آماده کرده است و شکی در آن نیست. تنها چیز نامطمئن اشتیاق شما به ایمان آوردن به اوست.
 ۲-۲:۱۴ در کتاب مقدس آیات کمی هست که چگونگی عالم آینده را توصیف می کند، اما همین معدود آیه پر از وعده می باشند. اینجا عیسی می گوید: «می روم تا آن جا را برای شما آماده کنم»، و «وقتی همه چیز آماده شد، باز خواهم گشت و شما را خواهم برد.» شما می توانید چشم انتظار زندگی جاودانی باشید چون عیسی آن را به همه آنانی که به او ایمان دارند، وعده داده است. گرچه جزئیات زندگی

۷ «اگر می‌دانستید من کیستم، آنگاه می‌دانستید پدرم کیست. اما از حالا به بعد، او را می‌شناسید و او را دیده‌اید.»
 ۸ فیلیپ گفت: «خداوندا، پدر را به ما نشان دهید که همین برای ما کافی است.»
 ۹ عیسی جواب داد: «فیلیپ، آیا بعد از تمام این مدتی که با شما بوده‌ام، هنوز هم نمی‌دانی من کیستم؟ هر که مرا ببیند، خدای پدر را دیده است. پس دیگر چرا می‌خواهی او را ببینی؟^{۱۰} آیا ایمان نداری که من در خدای پدر هستم و او در من است؟ سخنانی که می‌گویم، از خودم نیست بلکه از پدر من خداست که در من ساکن است؛ و اوست که این کارها را می‌کند.^{۱۱} فقط ایمان داشته باش که من در خدای پدر هستم و او در من است؛ و گرنه بخاطر این معجزات بزرگ که از من دیده‌ای، به من ایمان آور. ^{۱۲} اینک می‌گویم عین حقیقت است: هر که به من ایمان بیاورد، می‌تواند همان کارهایی را بکند که من کرده‌ام و حتی بزرگتر از اینها نیز بکند، چون من نزد «پدرم» باز می‌گردم.^{۱۳} شما می‌توانید به نام من، هر چیزی از خدا درخواست کنید، و من آن را به شما خواهم داد. چون من که فرزند خدا هستم هر چه برای شما انجام دهم، باعث بزرگی و جلال خدا خواهد شد.^{۱۴} بلی، به نام من هر چه لازم دارید بخواهید تا به شما عطا کنم.

۷:۱۴

یو ۴:۴۶؛ ۱۹:۸
ایو ۱۳:۲

۹:۱۴

یو ۱:۱۴، ۱۸:۱۲؛ ۴۵:۱۲
قرن ۴:۴
کول ۱:۱۵
عبر ۳:۱

۱۰:۱۴

یو ۱۹:۵؛ ۳۸:۱۰
۲۴-۲۱، ۱۱:۱۷

۱۲:۱۴

اعما ۱۵:۵؛ ۱۲و۱۱:۱۹

وعده فرستادن روح القدس

(۲۱۴)

۱۵ اگر مرا دوست دارید، آنچه می‌گویم اطاعت کنید.^{۱۶} و من از «پدرم»

۱۶:۱۴

یو ۲۶:۱۴؛ ۲۶:۱۵

باشد، جواب نخواهد داد، و ما نمی‌توانیم از نام او بعنوان فرمولی جادویی برای برآورده کردن تمایلات خودخواهانه خود استفاده کنیم. اگر ما صادقانه خدا را پیروی کنیم و اراده‌اش را برای خود بخواهیم، درخواستهای ما با خواست او مطابقت خواهد داشت، و او چیزهایی را که از او می‌خواهیم به ما عطا خواهد کرد.

۱۶:۱۴ و ۱۶:۱۵ شاگردان باید گیج و متعجب بوده باشند که عیسی چطور می‌توانست آنها را ترک کند و در عین حال نیز با ایشان باشد. تسلی‌بخش یعنی روح خدا قرار بود بعد از رفتن عیسی، جهت توجه و پشتیبانی از شاگردان بیاید. آمدن تسلی‌بخش در روز پنطیکاست صورت گرفت (اعمال فصل ۲)، یعنی چند روز بعد از صعود عیسی به آسمان. حضور روح القدس به معنی حضور خدا در وجود ما و تمام ایمانداران است و به ما کمک می‌کند تا مطابق خواست خدا زندگی کنیم.

۱۶:۱۴ کلمه تسلی‌بخش تلفیقی از مفاهیم تسلی و

بعنوان «زندگی»، او زندگی الهی‌اش را به زندگی ما پیوند می‌دهد، از حال تا به جاودانگی.

۹:۱۴ عیسی تجسم قابل رؤیت و عینی خدای نادیدنی است. او مکاشفه کامل خداست. عیسی به فیلیپ که می‌خواست خدا را ببیند، توضیح داد که شناخت او شناخت خداست. جستجوی خدا و راستی و حقیقت، به مسیح منتهی می‌شود (همچنین به کولسیان ۱:۱۵؛ عبرانیان ۱:۱-۴ مراجعه کنید).

۱۳و۱۲:۱۴ عیسی نمی‌گوید که شاگردانش معجزاتی عجیب‌تر از او انجام خواهند داد، زیرا زنده کردن مرده تقریباً عجیب‌ترین معجزه‌ای بود که می‌توان تصور کرد. منظور عیسی این است که شاگردان به قدرت روح القدس، خیرخوش ملکوت خدا را به بیرون از فلسطین و به تمام دنیا خواهند رساند.

۱۴:۱۴ وقتی عیسی به ما می‌گوید که می‌توانیم هر چیزی از او بخواهیم، باید به خاطر داشته باشیم که درخواست ما باید در نام او باشد، یعنی بر طبق شخصیت و اراده او. خدا به درخواستهایی که با طبیعت و اراده‌اش مغایرت داشته

درخواست خواهیم کرد تا پشتیبان و تسلی بخش دیگری به شما عطا نماید که همیشه با شما بماند.^{۱۷} این پشتیبان و تسلی بخش همان روح القدس است که شما را با تمام حقایق آشنا خواهد کرد. مردم دنیا به او دسترسی ندارند، چون نه در جستجوی او هستند و نه او را می‌شناسند. ولی شما در جستجوی او هستید و او را می‌شناسید، چون او همیشه با شماست و در وجودتان خواهد بود.

۱۸:۱۴

روم ۹:۸-۱۱

قرن ۳ و ۱۷:۱۷

۱۸ «در طوفانهای زندگی، شما را یتیم و بی‌سرپرست نخواهم گذاشت و به کمک شما خواهم آمد.^{۱۹} برای مدت کوتاهی از این دنیا خواهم رفت ولی حتی در آن هنگام نیز با شما خواهم بود، زیرا دوباره زنده خواهم شد و چون من زنده‌ام شما نیز خواهید زیست.^{۲۰} وقتی زندگی را از سر گیرم، خواهید دانست که من در خدای پدر هستم و شما در من هستید و من نیز در شما هستم.^{۲۱} کسی مرا دوست دارد که آنچه می‌گویم اطاعت کند؛ و چون مرا دوست دارد، پدرم خدا نیز او را دوست خواهد داشت و من نیز او را دوست خواهم داشت و خود را به او نشان خواهم داد.»

۲۰:۱۴

یو ۳۸:۱۰ ؛ ۵۴:۱۵

۲۱:۱۶ ؛ ۲۳:۱۶ ؛ ۲۱:۱۷-۲۴

۲۱:۱۴

امت ۱۷:۸

یو ۱۰:۱۵ ؛ ۲۷:۱۶

۲۱:۱۴

امت ۱۷:۸

۲۲:۱۴

لو ۱۶:۱۴

اعما ۴۰:۱۰

۲۳:۱۴

مز ۱:۹۱

یو ۱۰:۱۵

افس ۱۷:۳

۱ یو ۱۶:۴ ؛ ۳:۵

مکا ۲۰:۳ ؛ ۳:۲۱

۲۲ یکی از شاگردان او به اسم یهوذا (البته نه یهوذای اسخریوطی) پرسید: «ای استاد، چرا خود را فقط به شاگردانتان نشان می‌دهید ولی به مردم دنیا نشان نمی‌دهید؟»

۲۳ عیسی جواب داد: «من خود را فقط به کسانی نشان می‌دهم که مرا دوست می‌دارند و هر چه می‌گویم اطاعت می‌کنند. پدرم خدا نیز ایشان را دوست دارد

بر آن نشده است که آگاهی از آینده را به ما بدهد؛ تنها او می‌داند در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد. اما او همه چیزهایی را که لازم است بدانیم به ما می‌گوید تا خود را برای آینده آماده کنیم؛ وقتی طبق معیارهای او زندگی کنیم، او با ما خواهد ماند؛ او نزد ما خواهد آمد؛ او در وجود ما خواهد بود؛ و خود را به ما نشان خواهد داد. خدا می‌داند در آینده چه اتفاقاتی خواهد افتاد، و چون در تمام مدت با ما خواهد بود، نباید ترسیم. ما برای ایمان داشتن به خدا لازم نیست از آینده باخبر باشیم؛ ما برای اطمینان از آینده‌مان باید فقط به خدا ایمان داشته باشیم.

۲۱:۱۴ عیسی فرمود که پیروانش با اطاعت از خدا، نشان می‌دهند که او را دوست دارند. محبت فراتر از سخنان محبت‌آمیز است؛ محبت تعهد و عمل است. اگر مسیح را دوست دارید، محبت خود را با اطاعت از کلامش ثابت کنید. ۲۳ و ۲۲:۱۴ از آنجا که شاگردان هنوز انتظار داشتند مسیح ملکوت و حکومتی زمینی برقرار سازد و حکومت روم را سرنگون کند، برایشان درک این امر مشکل می‌نمود که چرا عیسی به مردم دنیا نمی‌گوید که مسیح است. از بنطیکاست تا

نصیحت است. روح القدس شخصیت پر قدرتی است که از ما جانبداری می‌نماید و برای ما و با ما کار می‌کند. ۱۷:۱۴ آیات زیر این حقایق را درباره روح القدس تعلیم می‌دهد: او همیشه با ما می‌ماند (۱۶:۱۴)؛ ما را با تمام حقایق آشنا می‌کند (۱۷:۱۴)؛ مردم دنیا نمی‌توانند او را بشناسند (۱۷:۱۴)؛ با ما و در ما زندگی می‌کند (۱۷:۱۴)؛ ما را تعلیم می‌دهد (۲۶:۱۴)؛ سخنان عیسی را به یاد ما می‌آورد (۲۶:۱۴ ؛ ۲۶:۱۵)؛ سرچشمه تمام حقایق است (۲۶:۱۵)؛ به ما می‌قبولاند که گناهکاریم، ما را مطمئن می‌سازد که خدای خوب و مهربان حاضر است مردم را ببخشد، و در مورد قطعیت داوری خدا به ما یقین می‌بخشد (۸:۱۶)؛ ما را از وقایع آینده باخبر می‌کند (۱۳:۱۶)؛ جلال مسیح را نشان می‌دهد (۱۴:۱۶). روح القدس از همان آغاز در بین انسانها کار می‌کرده است، اما بعد از بنطیکاست (اعمال فصل ۲)، آمد تا در تمام ایمانداران زندگی کند.

۱۹:۱۴-۲۱ بعضی اوقات مردم آرزو می‌کنند که از آینده باخبر بودند تا می‌توانستند خود را آماده کنند. خدا

و ما نزد ایشان آمده، با ایشان زندگی خواهیم کرد.^{۲۴} اگر کسی مرا دوست نداشته باشد، کلام مرا اطاعت نخواهد کرد. سخنانی که می شنوید، از من نیست، بلکه از پدری است که مرا فرستاده است.^{۲۵} این چیزها را اکنون که با شما هستم، می گویم.^{۲۶} ولی وقتی پدر «تسلیمی بخش» را به جای من فرستاد، منظورم همان روح القدس است، او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد؛ درضمن هر چه من به شما گفته‌ام، به یادتان خواهد آورد.

^{۲۷} «من هدیه‌ای نزد شما می گذارم و می روم. این هدیه، آرامش فکر و دل است. آرامشی که من به شما می دهم، مانند آرامش‌های دنیا بی دوام و زودگذر نیست. پس آسوده خاطر باشید! نرسید! نرسید!»^{۲۸} فراموش نکنید چه گفتم؛ گفتم که می روم و زود بازمی گردم. اگر واقعاً مرا دوست داشته باشید، از این خبر شاد خواهید شد، چون نزد پدرم خدا می روم که از من بزرگتر است.^{۲۹} من همه چیز را از پیش به شما گفتم تا وقتی واقع می شود، به من ایمان آورید.

^{۳۰} «دیگر فرصت زیادی نمانده است تا باز با شما سخن گویم، زیرا شیطان فرمانروای این دنیاست، نزدیک می شود. البته در برابر من هیچ قدرتی ندارد.^{۳۱} من آزادانه آنچه «پدر» از من می خواهد می کنم تا مردم دنیا بدانند که من چقدر پدرم خدا را دوست دارم.

«برخیزید از اینجا برویم.»

۲۴:۱۴
یو ۱۶:۷ + ۱۰:۱۴

۲۶:۱۴
لو ۴۹:۲۴
یو ۳۳:۱ + ۲۶:۱۵ + ۷:۱۶ + ۲۲:۲۰
ایو ۲۷:۲۰:۲

۲۷:۱۴
یو ۳۳:۱۶ + ۱۹:۲۰ + ۷:۴
کول ۱۵:۳

۲۸:۱۴
اقرن ۱۱:۳

۲۹:۱۴
یو ۱۹:۱۳

۳۰:۱۴
یو ۳۱:۱۲
عبر ۱۵:۴

۳۱:۱۴
یو ۱۸:۱۰ + ۴۹:۱۲

۲۷:۱۴-۲۹ گناه، ترس، عدم اطمینان، شک، و نیروهای بسیار زیاد دیگر، در درون ما در جنگند. آرامش خدا قلب ما را در بر می گیرد و در ما می ماند تا این نیروهای متخاصم را مهار کند و بجای تضاد و کشمکش، آرامی را جایگزین سازد. عیسی فرمود که این آرامش را به ما خواهد داد، به شرط آنکه مایل باشیم آن را از او بپذیریم.

۲۸:۱۴ عیسی بعنوان پسر خدا داوطلبانه از خدای پدر اطاعت می کند. عیسی بر روی زمین به بسیاری از محدودیت‌های بشری تن داد.

۳۱:۱۴-۳۰ اگرچه شیطان قادر نبود بر عیسی غالب شود (متی فصل ۴)، اما باز از روی غروری که داشت، سعی خود را می کرد. شیطان قدرت عمل دارد چون خدا این اجازه را به او می دهد. اما از آنجا که عیسی بی گناه است، شیطان هیچ قدرتی یا ادعایی بر او ندارد. هرچه شما بیشتر از عیسی اطاعت نمایید و بیشتر مطابق خواست و نقشه‌های او زندگی کنید، شیطان کمتر بر شما قدرت خواهد داشت.

کنون خبرخوش ملکوت در تمام دنیا اعلام شده است. با وجود این، هر کسی پذیرای آن نیست. عیسی عمیق ترین مکاشفات از خودش را به کسانی اختصاص می دهد که او را دوست دارند و از او اطاعت می کنند.

۲۶:۱۴ عیسی به شاگردان وعده داد که روح القدس به آنها کمک خواهد کرد تا تعالیمی را که او به ایشان داده، به خاطر بیاورند. این وعده اعتبار و صحت عهدجدید را تأیید می کند. شاگردان شاهد عینی زندگی و تعالیم عیسی بودند، و روح القدس به آنها کمک کرد تا تعالیم او را به یاد بیاورند، بدون آنکه دید شخصی شان را از آنها بگیرد. ما می توانیم یقین داشته باشیم که اناجیل ثبت دقیقی از تعالیم و اعمال عیسی است (به اقرنیتان ۲:۱۰-۱۴ مراجعه کنید).

۲۷:۱۴ نتیجه کار روح القدس در زندگی ما آرامش عمیق و پایدار است. برخلاف آرامشی که دنیا می دهد که معمولاً به معنی نبودن نزاع و کشمکش است، آرامش مسیح داشتن اطمینان خاطر در هر شرایطی است. با چنین آرامشی ما دیگر نباید از حال یا آینده ترس داشته باشیم. اگر زندگی شما پر از فشارهای روحی است، بگذارید خدا شما را با آرامش حقیقی اش پراسازد (در مورد چشیدن آرامش خدا به فیلیپیان ۴:۷ و ۷ مراجعه کنید).

تعلیم درباره تاک و شاخه‌ها

(۲۱۵)

۱۵

«من تاک حقیقی هستم و پدرم باغبان است.^۲ او هر شاخه‌ای را که میوه ندهد، می‌بُرد و شاخه‌هایی را که میوه می‌دهند، اصلاح می‌کند تا میوه بیشتری بدهند.^۳ بوسیله احکامی که به شما دادم، خدا شما را اصلاح و پاک کرده است تا قوی‌تر و مفیدتر باشید.^۴ در من بمانید و بگذارید من هم در شما بمانم. زیرا وقتی شاخه از درخت جدا شود، دیگر نمی‌تواند میوه بدهد. شما نیز جدا از من نمی‌توانید بارور و مفید باشید.^۵ «بله، من تاک هستم، شما نیز شاخه‌های من. هر که در من بماند و من نیز در او، میوه فراوان می‌دهد، چون جدا از من هیچ کاری از شما ساخته نیست.^۶ اگر کسی از من جدا شود، مانند شاخه‌ای بیفایده آن را می‌بُرند، دور می‌اندازند و آن شاخه خشکیده می‌شود؛ سپس، آن را با سایر شاخه‌ها جمع می‌کنند و در آتش می‌سوزانند.^۷ ولی اگر در من بمانید و از کلام من اطاعت کنید، هر چه بخواهید به شما داده خواهد شد.^۸ شاگردان واقعی من محصول فراوان می‌دهند و این، باعث بزرگی و جلال پدرم خدا می‌شود.»

۱:۱۵

مز ۸۸۰

اش ۷-۱:۵

۳:۱۵

یو ۱۷:۱۷

۴:۱۵

یو ۶:۵۶؛ ۲۰:۱۴

ایو ۱۳:۴ و ۱۳

۵:۱۵

هو ۸:۱۴

۶:۱۵

متی ۱۰:۳؛ ۱۹:۷

عبر ۶-۴:۶

۸:۱۵

متی ۱۶:۵ و ۱۶

منفی می‌گذارند. کسانی که برای خدا ثمر نیاورند یا سعی کنند مانعی برای تلاشهای پیروان خدا بوجود آورند، خدا آنها را از جریان زندگی الهی خارج خواهد کرد.

۵:۱۵ میوه فقط به صید جانها محدود نمی‌شود. در این فصل، از دعا، شادی، و محبت بعنوان میوه نام برده شده است (۷:۱۵، ۱۱ و ۱۲). در غلاتیان ۵:۲۲ و ۲۳ و ۲ پطرس ۵:۱-۸ به میوه‌های دیگری اشاره می‌شود. این میوه‌ها خصائل و صفات فرد مسیحی است.

۶:۱۵ زندگی کردن در مسیح یعنی، (۱) ایمان به اینکه او پسر خداست (یوحنا ۴:۱۵)، (۲) پذیرفتن او بعنوان منجی و خداوند (یوحنا ۱:۱۲)، (۳) بجا آوردن احکام خدا (یوحنا ۳:۲۴)، (۴) حفظ ایمان (یوحنا ۲:۲۴)، و (۵) پیوستن به جامعه ایمانداران یعنی بدن مسیح.

۸-۵:۱۵ بسیاری از مردم می‌کوشند نیکویی کنند، درستکار باشند، و به راستی عمل کنند. اما عیسی می‌گوید که تنها راه برای برخورداری از زندگی درست و خداپسندانه، ماندن در ارتباط نزدیک با اوست، مانند شاخه‌ای که به تاک متصل است. جدا از او تلاشهای ما بی‌حاصل است. آیا خوراک و زندگی‌ای را که مسیح یعنی تاک می‌دهد، می‌پذیرید؟ اگر نپذیرید، هدیه استثنایی‌ای را که او برای شما دارد، از دست خواهید داد.

۸:۱۵ محصول فراوان مایه افتخار دروگر می‌باشد، چون محصول را او جمع‌آوری کرده است. محصول همچنین

بالاخانه خود را آماده کنند، اما آنها عملاً تا ۱:۱۸ آنجا را ترک نکردند.

۱:۱۵ مسیح تاک است، و خدا باغبانی است که به شاخه‌ها رسیدگی می‌کند تا میوه بیاورند. شاخه‌ها تمام کسانی هستند که ادعا می‌کنند پیرو مسیح‌اند. شاخه‌های پرمیوه ایمانداران حقیقی هستند که با زندگی در اتحاد با مسیح میوه بیشتری تولید می‌کنند. اما خدا شاخه‌هایی را که میوه نمی‌آورند از تاک جدا خواهد کرد. این قبیل شاخه‌ها کسانی هستند که بعد از سرسپردگی سطحی به مسیح، از او رو بر می‌گردانند. پیروان بی‌ثمر مثل مرده بی‌فایده‌اند و بریده شده، دور انداخته خواهند شد.

۱:۱۵ درخت مو بسیار پر بار است؛ هر تاک انگور زیادی به بار می‌آورد. در عهدعتیق انگور مظهر ثمردهی اسرائیل در انجام کار خدا بر روی زمین بود (مزمور ۸۰:۸؛ اشعیا ۵:۷-۱۰؛ حزقیال ۱۹:۱۰-۱۴). در شام پسخ، میوه مو مظهر نیکویی خدا به قومش بود.

۳ و ۲:۱۵ عیسی بین دو نوع اصلاح یا هتس فرق قائل می‌شود: (۱) یکی جدا کردن است (۲:۱۵)، و (۲) دیگری بریدن شاخه‌ها (۳:۱۵). شاخه‌های پر بار را می‌بُرند تا بیشتر رشد کنند. بعبارت دیگر، خدا بعضی وقتها باید ما را تنبیه کند تا شخصیتمان قوی و ایمانمان تقویت شود. اما خدا شاخه‌هایی را که میوه نمی‌آورند از بین می‌برد چون این قبیل شاخه‌ها نه تنها بی‌ثمرند، بلکه اغلب بر بقیه درخت نیز اثر

^۹ «همانطور که پدر مرا دوست دارد، من نیز شما را دوست دارم، پس در محبت من بمانید. ^{۱۰} اگر از کلام من اطاعت ننمایید، در محبت من خواهید ماند، درست همانگونه که من از احکام پدرم اطاعت می‌نمایم و در محبت او می‌مانم. ^{۱۱} این را گفتم تا شما نیز از شادی من لبریز شوید؛ بلی، تا مالا مال از خوشی گردید. ^{۱۲} از شما می‌خواهم که به همان اندازه که من شما را دوست می‌دارم، شما نیز یکدیگر را دوست بدارید. ^{۱۳} بزرگترین محبتی که شخص می‌تواند در حق دوستانش بکند، این است که جان خود را در راه ایشان فدا سازد. محبت را باید اینچنین سنجید. ^{۱۴} و شما دوستان منید اگر آنچه می‌گویم اطاعت کنید. ^{۱۵} دیگر شما را «بنده» نمی‌خوانم، چون معمولاً بنده مورد اعتماد اربابش نیست. من شما را «دوستان خود» می‌خوانم، به این دلیل که به شما اعتماد کرده، هر چه پدرم به من گفته است، همه را به شما گفته‌ام.

^{۱۶} «شما مرا برنگزیدید، من شما را برگزیدم و شما را فرستادم که بروید و دائم میوه‌های خوب بیاورید تا هر چه می‌خواهید، با بردن نام من، از پدرم خدا بگیریید.»

۹:۱۵
 یو ۳۵:۳ + ۲۳:۱۷-۲۶
 ۱۰:۱۵
 یو ۲۹:۸ + ۱۵:۱۴ و ۳۱:۱۶
 ۱۱:۱۵
 یو ۲۴:۱۶ + ۱۳:۱۷
 ایو ۴:۱
 ۱۲:۱۵
 اتسا ۹:۴
 ایطر ۸:۴
 ایو ۱۱:۳
 ۱۳:۱۵
 یو ۱۱:۱۰
 روم ۸-۶:۵
 افس ۲:۵

زندگی با عیسی مسیح هر روز، چه در شرایط خوب و چه شرایط بد، ما را آرام نگه می‌دارد.

۱۳ و ۱۲:۱۵ ما باید یکدیگر را همان گونه دوست بداریم که عیسی ما را دوست داشت؛ او آنقدر ما را دوست داشت که جانش را در راه ما فدا کرد. ممکن است لازم نباشد برای کسی ببیریم، اما راه‌های دیگری وجود دارد که از طریق آن می‌توانیم محبت فداکارانه‌مان را به آنها نشان دهیم. مثل گوش دادن به حرفهایشان، کمک، تشویق، و از مال خود به ایشان دادن. بطور خاص به کسی فکر کنید که امروز به این نوع محبت نیاز دارد. هر چه در توان دارید به او محبت کنید، و بعد بکوشید کمی بیشتر محبت نمایید.

۱۵:۱۵ از آنجا که عیسی خداوند و استاد است، می‌بایست ما را بنده بخواند؛ اما او ما را دوست می‌نامد. از آنجا که او خداوند و استاد است، اطاعت ما از او باید بی‌قید و شرط و کورکورانه باشد، اما عیسی از ما می‌خواهد که او را بخاطر محبتی که به او داریم اطاعت کنیم (۲۴ و ۲۳:۱۴).

۱۶:۱۵ حق انتخاب اول با عیسی بود. او اول ما را دوست داشت و بخاطر ما مرد. اوست که ما را دعوت می‌کند تا جاودان با او زندگی کنیم. بعد از او نوبت ماست تا انتخاب کنیم که هدیه او را بپذیریم یا رد کنیم. بدون انتخاب او، ما هیچ انتخابی نمی‌داشتیم.

باعث سربلندی کارنده و آبیاری‌کننده نیز می‌شود، چون بدون ایشان محصولی برای برداشت وجود نمی‌داشت. بیش از همه، محصول باعث عزت و جلال خدا که صاحب مزرعه است می‌شود، زیرا او هر روز نور خورشید و باران را می‌فرستد تا محصول زیر کشت رشد کند. حتی وقتی کارنده و آبیاری‌کننده خوابند، او هر گیاه کوچکی را تغذیه می‌کند و برای شکوفایی آماده می‌سازد. چه لحظه پرشکوهی است برای خداوند حصاد، زمانی که محصول سالم و آماده بهره‌برداری در انبارها گذاشته می‌شود. در واقع این خداست که باعث بوجود آمدن همه اینها بوده است! این تمثیل از کشاورزی نشان می‌دهد که چطور خدا جلال می‌یابد وقتی شاگردان عیسی مردم را بسوی رابطه‌ای درست با او هدایت می‌کنند. خدا ما را که انسانها را برای ملکوت او درو می‌کنیم، احترام می‌کند، اما جلال از آن خداست!

۱۱:۱۵ وقتی اوضاع خوب پیش می‌رود، ما احساس خرسندی می‌کنیم. وقتی سختی‌ها می‌آیند، افسرده می‌شویم. اما خوشی حقیقی فراسوی اوضاع و شرایط می‌باشد. خوشی از ارتباط دائمی با عیسی مسیح حاصل می‌شود. وقتی زندگی ما در زندگی عیسی تنیده شود، او به ما کمک خواهد کرد تا بدون آنکه در منتهای افسردگی فرو برویم، از ناملایمات بگذریم و بدون رسیدن به خوشیهای فریبنده، به خوشبختی نائل شویم. خوشی

هشدار درباره نفرت دنیا

(۲۱۶)

۱۸:۱۵ از شما می‌خواهم که یکدیگر را دوست بدارید،^{۱۸} چون مردم دنیا از شما نفرت خواهند داشت. اما بدانید که پیش از اینکه از شما نفرت کنند، از من نفرت داشته‌اند.^{۱۹} اگر به دنیا دل می‌بستید، دنیا شما را دوست می‌داشت. ولی شما به آن دل نبسته‌اید، چون من شما را از میان مردم دنیا جدا کرده‌ام. به همین دلیل از شما نفرت دارند.^{۲۰} آیا بخاطر دارید چه گفتم؟ مقام خدمتکار از اربابش بالاتر نیست. پس اگر مرا اذیت کردند، شما را نیز اذیت خواهند کرد و اگر به سخنان من گوش ندادند، به سخنان شما نیز گوش نخواهند داد.^{۲۱} مردم دنیا شما را آزار و اذیت خواهند کرد، از اینرو که شما از آن منبید و همچنین به این دلیل که خدا را نمی‌شناسند، خدایی که مرا فرستاده است.

۲۲ «اگر من به دنیا نمی‌آمدم و با مردم سخن نمی‌گفتم، تقصیری نمی‌داشتند. ولی حال که آمده‌ام، دیگر برای گناهانشان عذر و بهانه‌ای ندارند.^{۲۳} هر که از من نفرت دارد، از پدرم نیز نفرت دارد.^{۲۴} اگر من در مقابل چشمان این مردم کارهایی نکرده بودم که غیر از من کسی تابحال نکرده بود، بی‌تقصیر می‌بودند؛ ولی اینک حتی با دیدن تمام این معجزات، باز از من و از پدرم نفرت دارند؛^{۲۵} و با این کارشان پیشگویی تورات را در باره مسیح عملی می‌کنند که می‌گوید: بی‌جهت از من نفرت دارند.

۲۶ «اما من آن روح تسلی‌بخش را به کمک شما خواهم فرستاد. او سرچشمه تمام حقایق است و از طرف «پدرم» آمده، درباره من همه چیز را به شما خواهد گفت.^{۲۷} شما نیز باید درباره من با تمام مردم صحبت کنید، چون از ابتدا با من بوده‌اید.»

۱۸:۱۵
یو ۷:۷
ایو ۱۳:۱۳

۱۹:۱۵
متی ۲۲:۱۰
یو ۱۴:۱۷
ایو ۶:۵، ۴

۲۱:۱۵
یو ۲۵:۱۷
۱ پط ۱:۴

۲۲:۱۵
یو ۹:۹

۲۴:۱۵
یو ۳۸-۳۶:۱۰
۳۸ و ۳۷

۲۵:۱۵
مز ۱۹:۳۵
۴:۶۹

۲۶:۱۵
یو ۲۶:۱۷-۱۵:۱۴
اعما ۳:۲

۲۷:۱۵
یو ۳۵:۱۹
۲۴:۲۱
ایو ۱:۱ و ۲

۲۶:۱۵ عیسی از دو نام برای اشاره به روح القدس استفاده می‌کند، یکی *تسلی‌بخش* دیگری *سرچشمه تمام حقایق*. کلمه تسلی‌بخش بیانگر کمک، تشویق، و تقویت روح القدس است. *سرچشمه تمام حقایق* به تعلیم، تنویر، و یادآوری روح القدس اشاره دارد. اگر ما تمایل داریم بر جنبه‌ای از کار روح القدس بیش از جنبه‌های دیگر تأکید کنیم، باید به خاطر داشته باشیم که او به ما هم تسلی می‌دهد و هم تعلیم، بنابراین هر دو جنبه کار او مهم است.

۱۸ و ۱۷:۱۵ مردم دنیا از مسیحیان بسیار نفرت خواهند داشت؛ از اینرو ما به محبت و حمایت یکدیگر احتیاج داریم. آیا شما اجازه می‌دهید مشکلات کوچک مانع دوست داشتن سایر ایمانداران باشد؟ عیسی به شما امر می‌کند که آنها را دوست بدارید، و قوت آن را هم به شما خواهد داد.

۲۷-۲۵:۱۵ عیسی یک بار دیگر امید می‌بخشد. روح القدس قوت می‌دهد تا نفرت و شرارت دنیايمان و خصومتی را که بسیاری نسبت به مسیح دارند، تحمل کنیم. این امر بخصوص برای کسانی که با آزار و اذیت روبرو می‌شوند، تسلی‌بخش است.

«این امور را از هم اکنون به شما می‌گویم تا وقتی با مشکلات روبرو می‌شوید، ایمانتان را از دست ندهید.^۲ شما را از عبادتگاهها بیرون خواهند راند و حتی زمانی فرا خواهد رسید که مردم شما را خواهند کشت به خیال اینکه خدا را خدمت می‌کنند.^۳ به این علت با شما اینچنین رفتار خواهند کرد که نه خدا را می‌شناسند، و نه مرا.^۴ پس در آن موقع به یاد داشته باشید که خبر تمام این پیش‌آمدها را از قبل به شما دادم. علت اینکه این موضوع را زودتر به شما نگفتم این است که خودم با شما بودم.»

تعلیم درباره روح‌القدس

(۲۱۷)

«ولی اکنون نزد کسی می‌روم که مرا فرستاد. اما گویی هیچیک از شما علاقه ندارد که بدانند منظور من از این رفتن و آمدن چیست. حتی تعجب هم نمی‌کنید؛^۵ در عوض غمگین و محزونید.^۶ رفتن من به نفع شماست، چون اگر نروم، آن روح تسلی‌بخش نزد شما نخواهد آمد. ولی اگر بروم او خواهد آمد، زیرا خودم او را نزد شما خواهم فرستاد.^۷ وقتی او بیاید دنیا را متوجه این سه نکته خواهد کرد: نخست آنکه مردم همه گناهکار و محکومند، چون به من ایمان ندارند. دوم آنکه پدر خوب و مهربان من خدا، حاضر است مردم را ببخشد، چون من به نزد او می‌روم و دیگر مرا نخواهید دید و برای ایشان شفاعت می‌کنم. سوم

۲:۱۶
اعما ۱:۸؛ ۱:۹؛ ۹:۲۶؛
مکا ۹:۶

۳:۱۶
اعما ۱۷:۳

۴:۱۶
یو ۱۹:۱۳؛ ۲۹:۱۴

۵:۱۶
یو ۳۳:۷؛ ۳۶:۱۳

۷:۱۶

یو ۲۶:۱۴

۸:۱۶

اپطر ۲:۱

۹:۱۶

روم ۱۸:۱-۲۳؛ ۹:۳؛ ۱۰:۹؛
۲۳:۱۴

۱۰:۱۶

اعما ۱۴:۳؛ ۵۲:۷

۱۱:۱۶

لو ۱۸:۱۰

یو ۳۱:۱۲

عبر ۱۴:۲

۷:۱۶ اگر عیسی کاری را که برای آن به دنیا آمده بود، انجام نمی‌داد، هیچ انجیل یا خبرخوشی وجود نمی‌داشت. اگر نمی‌مرد، نمی‌توانست گناهان ما را رفع کند؛ اگر نمی‌مرد، نمی‌توانست دوباره زنده شود و مرگ را شکست دهد. اگر دوباره نزد پدرش خدا باز نمی‌گشت، روح‌القدس نمی‌آمد. رفتن او به این معنا بود که او بعد از ترک زمین می‌توانست از طریق روح‌القدس در میان همه حاضر باشد.

۹:۱۶ به فرموده عیسی، بی‌ایمانی نسبت به او گناه است. ۸:۱۶-۱۱ سه کار مهم روح‌القدس به این قرار است: (۱) مردم دنیا را به گناهشان متقاعد می‌سازد؛ (۲) نشان می‌دهد که خدا حاضر است هر کسی را که به او ایمان می‌آورد، ببخشد؛ و (۳) ثابت می‌کند که شیطان زیر محکومیت و مجازات مسیح قرار گرفته است.

۱۱:۱۰-۱۱ مرگ مسیح روی صلیب رابطه‌ای شخصی با خدا را برای ما مهیا کرد. وقتی ما به گناهانمان اعتراف می‌کنیم، خدا ما را بی‌گناه اعلام می‌کند و از مجازات گناه رهایی می‌بخشد.

۱۶-۱:۱۶ عیسی در آخرین لحظاتی که با شاگردان بود، (۱) آنها را از آزار و اذیت بیشتر مطلع ساخت؛ (۲) به آنها گفت که بعد از ترک ایشان به کجا می‌رود و چرا می‌رود؛ (۳) به آنها اطمینان داد که در دنیا تنها نخواهند ماند، بلکه روح‌القدس خواهد آمد. او می‌دانست چه در پیش است، و نمی‌خواست ایمانشان متزلزل شود یا از بین برود. خدا می‌خواهد شما بدانید که در دنیا تنها نیستید. شما روح‌القدس را دارید تا به شما تسلی بخشد، تعلیم دهد، و کمکتان کند. ۲:۱۶ تحقق روشن این پیشگویی زمانی رخ داد که استیفان را از عبادتگاه بیرون راندند و سنگسار کردند (اعمال ۷:۵۷-۶۰). شائول (که بعداً پولس نام گرفت)، به هدایت کاهن اعظم، در سرتاسر فلسطین مسیحیان را دنبال می‌کرد و ایشان را آزار می‌رساند (اعمال ۹:۱).

۵:۱۶ گرچه شاگردان درباره مرگ عیسی از او سؤال کرده بودند (۱۳:۳۶؛ ۵:۱۴)، اما هیچوقت درباره معنای آن فکر نکرده بودند. آنها بیشتر نگران وضع خودشان بودند. آنها در این فکر بودند که اگر عیسی برود، چه بر سرشان خواهد آمد؟

آنکه نجات برای همه مهیا شده، نجات از غضب و کيفر خدا، چون فرمانروای این دنیا یعنی شیطان محکوم شده است.

^{۱۲} «بسیار چیزهای دیگر دارم که بگویم، ولی افسوس که حال نمی‌توانید بفهمید.» ^{۱۳} ولی وقتی روح‌القدس که سرچشمه همه راستی‌ها است بیاید، تمام حقیقت را به شما آشکار خواهد ساخت. زیرا نه از جانب خود، بلکه هر چه از من شنیده است خواهد گفت. او از آینده نیز شما را باخبر خواهد ساخت. ^{۱۴} او جلال و بزرگی مرا به شما نشان خواهد داد و با این کار باعث عزت و احترام من خواهد شد. ^{۱۵} تمام بزرگی و جلال پدرم خدا از آن من است. وقتی گفتم جلال و بزرگی مرا به شما نشان می‌دهد، منظورم همین بود.

^{۱۶} بزودی خواهم رفت و دیگر مرا نخواهید دید. ولی بعد از مدت کوتاهی باز می‌گردم و دوباره مرا خواهید دید!»

تعلیم درباره کاربرد نام عیسی

(۲۱۸)

^{۱۷} بعضی از شاگردان او از یکدیگر پرسیدند: «استاد چه می‌گوید؟ منظور شما از این سخن چیست که می‌گوید: دیگر مرا نخواهید دید، ولی بعد از مدت کوتاهی دوباره مرا خواهید دید؟» ^{۱۸} منظور شما از "نزد پدر می‌روم" چیست؟»

^{۱۹} عیسی متوجه شد که شاگردان می‌خواهند از او سؤال کنند. پس فرمود:

«می‌پرسید منظورم چیست که گفتم: دیگر مرا نخواهید دید، ولی بعد از مدت کوتاهی خواهید دید؟» ^{۲۰} مردم دنیا از رفتن من خوشحال خواهند شد ولی شما محزون خواهید گردید و گریه خواهید کرد. ولی وقتی دوباره مرا ببینید، گریه شما تبدیل به شادی خواهد شد. ^{۲۱} همچون زنی که درد می‌کشد تا نوزادی به دنیا آورد؛ ولی بعد از زایمان، رنج او به شادی تبدیل می‌شود و درد را فراموش می‌کند، زیرا انسان جدیدی به دنیا آورده است. ^{۲۲} شما نیز اکنون غمگین

۱۳:۱۶

یو ۲۶:۱۴

۱۴:۱۶

فیل ۱۹:۱

۱۵:۱۶

متی ۲۷:۱۱

یو ۱۰:۱۷

کول ۱۰:۲ و ۱۰

۱۶:۱۶

یو ۱۹:۱۴-۲۵

۲۰:۱۶

مر ۱۰:۱۶

لو ۲۷:۲۳

یو ۲۰:۱۹ و ۲۰

۲۱:۱۶

اش ۱۶:۲۶-۱۹

اعما ۳۳:۱۳

کول ۱۸:۱

۲۲:۱۶

یو ۲۰:۱۹ و ۲۰

^{۱۳:۱۶} عیسی فرمود که روح‌القدس شاگردان را از آینده، از ماهیت رسالتشان، از مخالفت‌هایی که با آنها روبرو خواهند شد، و از نتیجه نهایی تلاش‌هایشان، باخبر خواهد کرد. تا پیش از آمدن روح‌القدس بعد از مرگ و قیام عیسی، آنها کاملاً بی‌معنای این پیشگویی‌ها نبوده بودند. روح‌القدس حقایق را برای شاگردان روشن کرد و آنها آن حقایق را بصورت مکتوب در آوردند که عهدجدید را تشکیل داد.

^{۱۳:۱۶} حقایقی که روح‌القدس برای ما آشکار می‌کند، حقایق درباره مسیح است.

^{۱۶:۱۶} عیسی به مرگ خود اشاره می‌کرد. اما سه روز بعد او دوباره زنده شد و خود را به شاگردان نشان داد. ^{۲۰:۱۶} چقدر بین شاگردان و مردم دنیا تفاوت وجود داشت! وقتی آنها گریه می‌کردند، مردم دنیا خوشحال بودند؛ اما آنها بعد از سه روز دوباره او را دیدند و شادی کردند. معیارهای دنیا غالباً در نقطه مقابل معیارهای خداست. این امر می‌تواند موجب این شود که مسیحیان احساس کنند که وصله ناجوری در دنیا می‌باشند. اما حتی اگر زندگی کنونی مشکل باشد، روزی به شادی خواهیم رسید. چشم به آینده و وعده‌های خدا بدوزید!

می‌باشید، ولی دوباره شما را خواهیم دید. آنگاه شاد خواهید شد و کسی نمی‌تواند آن شادی را از شما بگیرد.^{۲۳} در آنموقع دیگر از من چیزی نخواهید خواست، چون واقعاً می‌توانید مستقیم نزد «پدر» بروید، و به نام من، هر چه می‌خواهید از او دریافت کنید.^{۲۴} تا بحال به نام من چیزی نخواسته‌اید. بخواید تا بیایید و شاد شوید و شادی‌تان کامل گردد.

^{۲۵} «این چیزها را با مثلها به شما گفتم. ولی وقتی می‌رسد که دیگر به این کار احتیاج نخواهد بود و همه چیز را به روشنی درباره پدرم خدا به شما خواهم گفت.^{۲۶} آنگاه به نام من درخواستهایتان را به حضور پدر خواهم آورد. البته لازم نیست که من سفارش شما را به پدر بکنم تا آنچه می‌خواهید به شما بدهد؛^{۲۷} زیرا خود پدر، شما را دوست دارد چونکه شما مرا دوست دارید و ایمان دارید که من از نزد پدرم آمده‌ام.^{۲۸} بلی، من از نزد پدرم خدا به این دنیا آمده‌ام، و حال دنیا را می‌گذارم و نزد او باز می‌گردم.»

^{۲۹} شاگردان گفتند: «اکنون آشکارا با ما سخن می‌گویید و نه با مثل.^{۳۰} حالا فهمیدیم که شما همه چیز را می‌دانید و احتیاج ندارید کسی به شما چیزی بگوید. همین برای ما کافی است تا ایمان بیاوریم که شما از نزد خدا آمده‌اید.»

^{۳۱} عیسی پرسید: «آیا سرانجام به این موضوع ایمان آوردید؟^{۳۲} ولی وقتی می‌رسد، و یا بهتر بگویم همین الان رسیده است که شما مانند کاه پراکنده می‌شوید و هر کدام به خانه‌تان برمی‌گردید و مرا تنها می‌گذارید. ولی من تنها نیستم چون پدرم با من است.^{۳۳} این چیزها را گفتم تا خیالتان آسوده باشد. در این دنیا با مشکلات و زحمات فراوان روبرو خواهید شد؛ با اینحال شجاع باشید، چون من بر دنیا پیروز شده‌ام.»

۲۳:۱۶
یو ۲۰:۱۴؛ ۱۶:۱۵؛ ۲۶:۱۶

۲۴:۱۶
یو ۱۱:۱۵

۲۵:۱۶
یو ۶:۱۰؛ ۲۹:۱۶

۲۷:۱۶
یو ۴۲:۸؛ ۲۱:۱۴؛ ۸:۱۷

۲۸:۱۶
یو ۱۴:۱؛ ۴۶:۳۲؛ ۴۲:۸؛ ۱۳:۱۱؛ ۱۷؛ ۳۰:۱۳

۳۲:۱۶

زکر ۷:۱۳

متی ۳۱:۲۶

یو ۲۹:۸

۳۳:۱۶

یو ۲۷:۱۴

اعما ۲۲:۱۴

روم ۱:۵؛ ۳۷:۸

قرن ۲۷:۱۵

قرن ۱۴:۲

افس ۱۴:۲

کول ۲۰:۱

مکا ۱۹:۳

اول بسوی ایمان بزرگی بود که بعد از ساکن شدن روح‌القدس در وجودشان تجربه کردند.

۳۲:۱۶ بعد از دستگیری عیسی شاگردان پراکنده شدند (به مرقس ۵۰:۱۴ مراجعه کنید).

۳۳:۱۶ عیسی سخنان امشب خود را خلاصه می‌کند و موضوعات آیات ۲۷-۲۹؛ ۱۴-۱۶؛ ۴-۱۱؛ ۱۶-۱۱ را به هم مربوط می‌سازد. با این سخنان، عیسی می‌خواهد به شاگردان بگوید که دلیر باشند، زیرا علیرغم مشکلاتی که بطور حتم با آنها روبرو خواهند شد، تنها نیستند. اما گذشته از همه این سختی‌ها، عیسی قبلاً پیروزی نهایی را بدست آورده است!

۲۳:۱۶-۲۷ عیسی درباره رابطه تازه‌ای بین شخص ایماندار و خدا سخن می‌گوید. در عهدعتیق، یهودیان از طریق کاهنان به خدا نزدیک می‌شدند. بعد از قیام عیسی، هر ایماندار می‌توانست مستقیماً به خدا نزدیک شود. دوره نوینی شروع شده و اکنون همه ایمانداران کاهن هستند و شخصاً و مستقیماً با خدا سخن می‌گویند (به عبرانیان ۱۹:۱۰-۲۳ مراجعه کنید). ما به خدا نزدیک می‌شویم نه بواسطه شایستگی خودمان، بلکه چون عیسی، کاهن اعظم ما، ما را مقبول خدا ساخته است.

۳۰:۱۶ عیسی همه چیز را می‌دانست و همین باعث شد که شاگردان به او ایمان بیاورند. اما ایمان آنها فقط قدم

دعای عیسی برای خودش

(۲۱۹)

۱۷

وقتی عیسی سخنان خود را به پایان رساند، بسوی آسمان نگاه کرد و گفت: «پدر، وقت موعود فرا رسیده است. بزرگی و جلال پسرت را آشکار کن تا او نیز جلال و بزرگی را به تو بازگرداند. زیرا تو اختیار زندگی تمام مردم دنیا را به دست او سپرده‌ای؛ و او به آن عده‌ای که به او عطا کرده‌ای، زندگی جاوید می‌بخشد.^۳ و زندگی جاوید از این راه بدست می‌آید که تو را که خدای واقعی و بی‌نظیر هستی و عیسی مسیح را که به این جهان فرستاده‌ای، بشناسند.

۴ «بر روی زمین آنچه را که به من محول کرده بودی، انجام دادم تا باعث بزرگی و جلال تو شوم.^۵ و حال، ای پدر که در حضورت ایستاده‌ام، بزرگی و جلال مرا آشکار کن، همان بزرگی و جلالی که پیش از آفرینش جهان نزد تو داشتم.

۱:۱۷
یو ۳۹:۷ ؛ ۳۱:۱۳ و ۳۲

۲:۱۷
یو ۳۵:۳ ؛ ۳۷:۶ ؛ ۲۸:۱۰

۳:۱۷
فیل ۱۰:۸:۳
ایو ۲۰:۵

۵:۱۷
یو ۱:۲ و ۲۴:۱۷ ؛
فیل ۶:۲

دعای عیسی برای شاگردانش

(۲۲۰)

۶ «من تو را به این شاگردان شناساندم. ایشان در دنیا بودند و تو ایشان را به من بخشیدی. در واقع همیشه از آن تو بودند و تو ایشان را به من دادی؛ و هر چه به ایشان گفتم اطاعت کردند.^۷ حال، می‌دانند که هر چه من دارم، هدیه توست.^۸ هر دستوری به من دادی، به ایشان دادم و ایشان قبول کردند و دانستند که من از نزد تو به این جهان آمده‌ام و ایمان دارند که تو مرا فرستاده‌ای.

۹ «من برای مردم دنیا دعا نمی‌کنم بلکه برای این شاگردان دعا می‌کنم که به

۶:۱۷
یو ۲۶:۱۷

۸:۱۷
یو ۱۵:۱۵ ؛ ۱۵:۱۶

۹:۱۷
ایو ۱۹:۵

عیسی مسیح حاصل می‌شود. ورود به رابطه‌ای شخصی با خدا در عیسی مسیح، لازمه حصول زندگی جاودانی است. وقتی به گناهان خود اعتراف می‌کنیم و از آنها رو بر می‌گردانیم، محبت مسیح از طریق روح القدس در ما ساکن می‌شود.

۵:۱۷ عیسی پیش از آنکه به این جهان بیاید، با خدا یکی بود. حالا که رسالتش را روی زمین تقریباً تمام کرده بود، از پدرش خدا می‌خواهد که او را به همان جای نخست در آغوش خودش باز گرداند. قیام و صعود عیسی و فریاد حاکی از تعجب استیفان در لحظه شهادت (اعمال ۷:۵۶)، گواه بر این است که عیسی به مقام پرجلالش در دست راست خدا باز گشت.

۱:۱۷ تمام این فصل دعای عیسی است. از دعای عیسی در می‌یابیم که دنیا میدان نبرد بزرگی است که در آن نیروهای شیطان و نیروهای الهی با هم در ستیزند. محرک شیطان و نیروهایش برای جنگ، نفرت شدید از مسیح و نیروهای اوست.

عیسی برای شاگردانش که ما را هم شامل می‌شود، دعا کرد. او دعا کرد که خدا ایمانداران برگزیده‌اش را از قدرت شیطان در امان نگه دارد، آنها را پاک و مقدس بسازد، و بواسطه حقیقت او آنها را با هم یکی کند.

۳:۱۷ ما چطور زندگی جاوید را بدست می‌آوریم؟ اینجا عیسی بوضوح به ما می‌گوید که با شناخت خدای پدر به زندگی جاودانی می‌رسیم. این شناخت از طریق پسرش،

دست من سپرده‌ای، چون از آن تو هستنند. ^{۱۰} هر چه از آن من باشد متعلق به تو نیز هست، و هر چه از آن تو باشد متعلق به من هم می‌باشد. از این جهت، ایشان باعث افتخار و سربلندی منند. ^{۱۱} بزودی من این جهان را گذاشته، نزد تو خواهم آمد، ولی ایشان همین جا می‌مانند. پس ای پدر مقدس، این شاگردان را که به دست من سپرده‌ای، با توجهات پدرانه‌ات حفظ فرما تا مانند من و تو با هم یکی باشند و هیچیک از ایشان از دست نرود. ^{۱۲} تا وقتی که در این دنیا بودم، با قدرت تو از ایشان خوب مواظبت کردم و تمام کسانی را که به من سپردی، حفظ نمودم بطوری که هیچکدام از دست نرفت، مگر آن پسر جهنمی که کتاب آسمانی درباره او پیشگویی کرده بود.

^{۱۳} «و حال، نزد تو می‌آیم. تا وقتی که با آنان بودم، چیزهای بسیار به ایشان گفتم تا از خوشی من لبریز باشند. ^{۱۴} احکام تو را به ایشان دادم. دنیا از آنان نفرت دارد، زیرا آنان به این دنیا تعلق ندارند، چنانکه من ندارم. ^{۱۵} نمی‌خواهم که ایشان را از دنیا ببری، بلکه می‌خواهم آنان را از قدرت شیطان حفظ کنی. ^{۱۶} ایشان نیز مانند من از این دنیا نیستند. ^{۱۷} کلام راستی خود را به آنان بیاموز تا پاک و مقدس شوند. ^{۱۸} همانطور که تو مرا به این جهان فرستادی، من نیز ایشان را به میان مردم می‌فرستم. ^{۱۹} من خود را وقف آنان کرده‌ام تا در راستی و پاکی رشد کنند.

۱۰:۱۷

روم ۳۰:۸ و ۲۹:۸
افس ۲۱:۳

۱۱:۱۷

یو ۳۰:۱۰ ؛ ۲۱:۱۷
روم ۵:۴ و ۴:۱۲
غلا ۲۸:۳

۱۲:۱۷

یو ۳۹:۶ ؛ ۲۸:۱۰
اعما ۲۰:۱
عبر ۱۳:۲
ایو ۱۹:۲

۱۳:۱۷

یو ۳۳:۷ ؛ ۱۱:۱۵

۱۴:۱۷

یو ۱۹:۱۵
ایو ۱۳:۳

۱۵:۱۷

ایو ۱۸:۵

۱۷:۱۷

یو ۳:۱۵

۱۸:۱۷

یو ۲۱:۲۰

۱۹:۱۷

اقرن ۳۰:۱
عبر ۱۱:۲

گناهان مردم دنیا با آنها همکاری نمی‌کنند؛ بنابراین بخاطر زندگی کردن برخلاف روش دنیا، مورد ملامت قرار می‌گیرند. مردم دنیا مطابق دستور شیطان عمل می‌کنند؛ شیطان دشمن آشکار عیسی و مقدسین اوست. **۱۷:۱۷** انسان از طریق ایمان به کلام خدا و اطاعت از آن (عبرانیان ۱۲:۴)، و قبول بخشش گناهان از طریق مرگ فداکارانه مسیح (عبرانیان ۷:۲۶ و ۲۷) پاک و مقدس می‌شود. فرایند پاک و مقدس شدن، مستلزم کار خدا در گذشته، حال، و آینده ماست. ما از طریق مسیح از گناه نجات پیدا کرده‌ایم؛ از طریق روح‌القدس در زندگی مسیحی مان رشد می‌کنیم؛ و مطابق نقشه خدا به هنگام بازگشت مسیح، کامل خواهیم شد (عبرانیان ۹:۲۴-۲۸). **۱۸:۱۷** عیسی از خدا نخواست که ایمانداران را از دنیا خارج کند، بلکه در عوض آنها را در دنیا بکار ببرد. عیسی ما را به میان مردم می‌فرستد، بنابراین نباید سعی کنیم خود را از مردم دور نگه داریم یا هیچ رابطه‌ای با غیرمسیحیان نداشته باشیم. ما خوانده شده‌ایم که نور و نمک باشیم (متی ۵:۱۳-۱۶)، و باید کاری را که خدا از ما انتظار دارد، انجام دهیم.

۱۰:۱۷ عیسی فرمود که شاگردانش باعث افتخار و سربلندی او می‌باشند. چه حقیقت شگفت‌انگیزی است که عیسی در ما جلال می‌یابد و زندگی ما می‌تواند موجب شادی او شود. آیا طوری زندگی می‌کنید که باعث شادی او شوید؟ آیا او در شما جلال می‌یابد؟

۱۱:۱۷ عیسی از خدا می‌خواهد تا شاگردانش را با هم یکی کند همان طور که پدر، پسر و روح‌القدس با هم یکی می‌باشند، و اتحاد بین این سه شخصیت مستحکم‌ترین اتحادها را تشکیل می‌دهد.

۱۲:۱۷ «پسر جهنمی» همان یهوذا بود که بخاطر خیانت به عیسی هلاک شد (به مزمور ۹:۴۱ مراجعه کنید).

۱۳:۱۷ خوشی موضوعی است که در تعالیم عیسی زیاد به چشم می‌خورد. او از ما می‌خواهد که شاد باشیم (آیات ۱۱:۱۵ ؛ ۲۴:۱۶، ۳۳ را نگاه کنید). راه رسیدن به شادی اینست که با عیسی، یعنی سرچشمه همه شادبها، رابطه‌ای نزدیک داشته باشیم.

۱۴:۱۷ مردم دنیا از مسیحیان متنفرند چون معیارهای مسیحیان با معیارهای آنها متفاوت است و همین امر فساد دنیا را نشان می‌دهد. مسیحیان با شرکت نکردن در

دعای عیسی برای ایمانداران آینده

(۲۲۱)

۲۰ «من فقط برای این شاگردان دعا نمی‌کنم؛ برای ایمان‌داران آینده نیز دعا می‌کنم که بوسیلهٔ شهادت ایشان به من ایمان خواهند آورد. ۲۱ برای تک‌تک ایشان دعا می‌کنم تا همه با هم یکدل و یکرأی باشند، همانطور که ای پدر، من و تو با هم یکی هستیم؛ تا همچنانکه تو در منی، و من در تو ایشان نیز با ما یک باشند، تا از این راه مردم جهان ایمان آورند که تو مرا فرستاده‌ای.

۲۲ «جلالی را که به من بخشیدی به ایشان داده‌ام، تا آنان نیز مانند ما یکی گردند. ۲۳ من در ایشان و تو در من، تا به این ترتیب ایشان نیز به تمام معنا با هم یکی باشند، و مردم دنیا بدانند که تو مرا فرستاده‌ای و بفهمند که ایشان را دوست داری، به همان اندازه که مرا دوست داری. ۲۴ پدر، می‌خواهم همهٔ آنانی که به من ایمان می‌آورند، در آینده با من باشند تا از نزدیک بزرگی و جلال مرا ببینند. تو به من جلال دادی، چون حتی پیش از آفرینش جهان مرا دوست می‌داشتی.

۲۰:۱۷

اعما ۲: ۴۰ و ۴: ۴۱؛ ۲۹: ۴؛ ۳۱: ۴

۴۴: ۱۰

۲۱:۱۷

یو ۱۰: ۳۸، ۳۰: ۱۱؛ ۱۱: ۱۴

۱۱: ۱۷

افس ۳: ۴-۶

۲۲:۱۷

قرن ۲: ۶: ۴

افس ۳: ۲۱، ۱۶: ۳

۲۳:۱۷

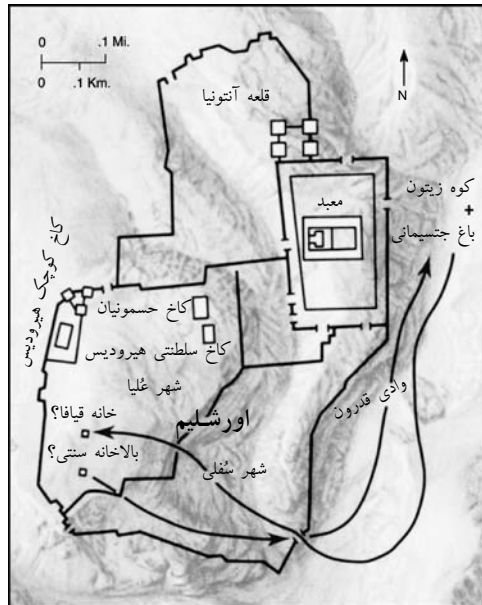
یو ۱۰: ۳۸، ۱۶: ۲۷؛ ۱۱: ۱۷

۲۴:۱۷

یو ۱: ۱۴؛ ۱۲: ۲۶

۲۰:۱۷ عیسی برای همه پیروان آینده‌اش دعا کرد، پس او برای شما و کسانی که می‌شناسید نیز دعا کرده است. عیسی دعا کرد تا مسیحیان با هم یکی باشند (۱۱:۱۷)، از قدرت شیطان محفوظ بمانند (۱۵:۱۷)، و پاک شوند (۱۷:۱۷). آگاهی از اینکه عیسی برای ما دعا کرده است، به هنگام کار برای ملکوتش به ما قوت قلب می‌بخشد. ۲۱:۱۷-۲۳ آرزوی بزرگ عیسی برای شاگردانش این بود که آنها با هم یکی باشند. او می‌خواست شاگردانش یکی باشند تا شهادت مؤثری از محبت خدا باشند. آیا شما به یکی شدن اعضای بدن مسیح، یعنی کلیسا، کمک می‌کنید؟ برای کمک به یکی شدن کلیسا می‌توانید برای سایر مسیحیان دعا کنید؛ از بدگویی درباره دیگر مسیحیان بپرهیزید؛ دیگران را تقویت و تشویق کنید؛ با فروتنی یکدیگر را خدمت نمایید؛ وقت و پول خود را برای خدمت به سایر مسیحیان بکار گیرید؛ مسیح را جلال دهید؛ و بالاخره اهمیت زیادی به بحث درباره موضوعاتی که در بین ما مسیحیان تفرقه ایجاد می‌کند، ندهید.

۲۱:۱۷-۲۳ عیسی برای اتحاد ایمانداران دعا کرد. این اتحاد مبتنی بود بر یکی بودن ایمانداران با او و با پدرش خدا. چنانچه مسیحیان در اتحاد با خدا زندگی کنند، می‌توانند مطمئن باشند که با یکدیگر نیز اتحاد دارند. مثلاً هر شاخه‌ای که در اتصال با تاک زندگی می‌کند، به سایر شاخه‌های تاک نیز وصل است.



خیانت در باغ

عیسی و شاگردانش پس از خوردن شام پسخ در بالاخانه، به جتسمانی رفتند، جایی که یهودا محافظین مخصوص خانه خدا را برای دستگیری عیسی هدایت کرد. عیسی را از آنجا به خانه قیافا بردند تا اولین محاکمه او صورت گیرد.

۲۵ «ای پدر خوب و مهربان، مردم جهان تو را نمی‌شناسند ولی من تو را می‌شناسم و این شاگردان می‌دانند که تو مرا فرستاده‌ای. ۲۶ من تو را به ایشان شناساندم و باز هم خواهم شناسانید تا آن محبت بی‌پایانی که تو نسبت به من داری در ایشان بوجود آید و من نیز در ایشان باشم.»

۲۶:۱۷
یو ۹:۱۵

۲- عیسی رسالتش را به کمال می‌رساند دستگیری عیسی

(۲۲۴ / متی ۲۶:۴۷-۵۶؛ مرقس ۱۴:۴۳-۵۲؛ لوقا ۲۲:۴۷-۵۳)

۱۸ پس از پایان دعا، عیسی با شاگردانش به یک باغ زیتون واقع در آنسوی درهٔ «قدرون» رفت. ۱ یهودای خائن نیز آن محل را می‌شناخت، زیرا عیسی و شاگردانش بارها در آنجا گرد آمده بودند. ۳ پس یهودا به همراه سربازان و محافظین مخصوص خانهٔ خدا که کاهنان اعظم و فریسیان در اختیارش گذاشته بودند، با اسلحه و مشعلها و چراغها وارد باغ شدند. ۴ عیسی با اینکه می‌دانست چه سرنوشتی در انتظار اوست، جلو رفت و از ایشان پرسید: «چه کسی را می‌خواهید؟» ۵ جواب دادند: «عیسای ناصری!»

۱:۱۸
آسمو ۲۳:۱۵
۲ یاد ۱۲:۴۰، ۲۳:۴۰
آتوا ۱۶:۱۵؛ ۱۶:۲۹؛
۱۴:۳۰

عیسی فرمود: «من خودم هستم!» وقتی عیسی این را می‌گفت یهودا نیز آنجا ایستاده بود. ۶ به محض اینکه گفت من خودم هستم، همه عقب‌عقب رفتند و بر زمین افتادند.

۷ عیسی باز از ایشان پرسید: «چه کسی را می‌خواهید؟»

باز جواب دادند: «عیسای ناصری را.»

۸ فرمود: «من که گفتم خودم هستم. اگر مرا می‌خواهید، بگذارید اینها بروند.» ۹ او این کار را کرد تا مطابق دعای آن شب خود عمل کرده باشد که فرمود: «تمام کسانی را که به من سپردی حفظ کردم بطوری که هیچیک از دست نرفت.»

۹:۱۸
یو ۱۲:۱۷

دستگیری عیسی، زندگی هر یک از آنها بکلی دگرگون شد. برای اولین بار یهودا آشکارا در برابر سایر شاگردان به عیسی خیانت کرد. برای اولین بار، شاگردان وفادار عیسی به ناگاه او را ترک کردند (متی ۲۶:۵۶). شاگردان قبل از اینکه از پیروانی دو دل به رهبرانی فعال تبدیل شوند، متحمل آزمایشهای سختی شدند.

۱۸:۶ سربازان و محافظین خانه خدا شاید از لحن عیسی یا از این سخن او که گفت: «من خودم هستم» (که بیانگر الوهیتش بود - خروج ۳:۱۴)، بیکه خوردند. یا شاید هم مغلوب قدرت و اقتدار آشکار او شدند.

۱۸:۳ محافظین خانه خدا یهودیانی بودند که از سران قوم این اختیار را دریافت کرده بودند که متخلفینی را که مرتکب جرائم کوچک می‌شدند، دستگیر کنند. سربازان شاید گروه کوچکی از سربازان رومی بوده باشند که دخالتی در دستگیری نمی‌کردند اما محافظین خانه خدا را همراهی می‌کردند تا مطمئن شوند چیزی خارج از کنترل و نظارت آنها صورت نگیرد.

۱۸:۵۴ یوحنا بوسه یهودا را به هنگام تسلیم عیسی ثبت نکرده است (متی ۲۶:۴۹؛ مرقس ۱۴:۴۵؛ لوقا ۲۲:۴۷ و ۴۸). اما بوسه یهودا نقطه عطفی برای شاگردان بود چون با

۱۰:۱۸ در همین وقت، شمعون پطرس شمشیر خود را کشید و گوش راست
 «ملوک» خدمتکار کاهن اعظم را برید. ^{۱۱} عیسی به پطرس فرمود: «شمشیرت
 را غلاف کن. آیا جامی را که پدرم به من داده است، نباید بنوشم؟»

بازجویی حنا از عیسی

(۲۲۵)

۱۲ آنگاه سربازان و فرماندهان و محافظین مخصوص، عیسی را گرفتند و دستهای
 او را بستند، ^{۱۳} و او را نخست نزد «حنا»، پدر زن «قیافا» که کاهن اعظم آن
 سال بود، بردند. ^{۱۴} قیافا همان است که به سران قوم یهود گفت: «بهتر است این
 یک نفر فدای همه شود.»

۱۵ شمعون پطرس و یک شاگرد دیگر نیز دنبال عیسی رفتند. آن شاگرد با
 کاهن اعظم آشنا بود، پس توانست دنبال عیسی داخل خانه کاهن اعظم شود.
^{۱۶} ولی پطرس پشت در ماند، تا اینکه آن شاگرد دیگر آمد و با کنیزی که دربان
 آنجا بود، گفتگو کرد و پطرس را با خود به داخل خانه برد. ^{۱۷} آن کنیز از
 پطرس پرسید: «آیا تو از شاگردان عیسی هستی؟» جواب داد: «نه، نیستم.»
^{۱۸} بیرون، هوا سرد بود. پس خدمتکاران و مأموران، آتشی درست کردند و دور
 آن جمع شدند. پطرس نیز به میان ایشان رفت تا خود را گرم کند.

اما قیافا و حنا بیشتر به فکر اهداف سیاسی شان بودند تا
 مسؤولیت رهبری مردم بسوی خدا. با آنکه عالم دینی
 بودند اما شرور شده بودند. آنها در مقام رهبران روحانی
 قوم، می‌بایست به مکاشفه خدا در کلامش حساس باشند.
 آنها می‌بایست بدانند که عیسی همان مسیحی است که
 کتب مقدسه درباره او سخن گفته‌اند، و می‌بایست مردم را
 بسوی او راهنمایی می‌کردند. اما وقتی انسانها بدی را
 دنبال می‌کنند، می‌خواهند همه مخالفتها را از سر راه خود
 بردارند. آنها بجای ارزیابی صادقانه ادعاهای عیسی
 براساس دانشی که از کتاب مقدس داشتند، در پی
 جاه‌طلبی‌های بیشتر خود بودند و می‌خواستند پسر خدا را
 بکشند تا به بلندپروازی‌های خود برسند.

۱۶:۱۵ و ۱۶ شاگرد دیگر، همان یوحنا، نویسنده این
 انجیل است. او کاهن اعظم را می‌شناخت و خود را به
 کنیزی که دربان بود، معرفی کرد. او بخاطر آشنایی‌اش با
 کاهن اعظم، توانست خود و پطرس را به حیاط خانه
 برساند. اما پطرس نخواست بگوید که پیرو عیسی است.
 تجربیات پطرس در چند ساعت آتی زندگی او را تغییر
 داد. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره پطرس، به
 تاریخچه زندگی او در متی فصل ۲۷ مراجعه کنید.

۱۱:۱۰ و ۱۱ پطرس برای حمایت از عیسی شمشیر
 کشید و یکی از محافظین را زخمی کرد؛ اما عیسی به او
 گفت که شمشیرش را غلاف کند و اجازه دهد تا نقشه
 خدا آشکار شود. بعضی اوقات وسوسه می‌شویم که خود
 وارد عمل شویم تا به نتیجه فوری برسیم. بجای این کار،
 باید مطمئن باشیم که خدا نقشه‌اش را عملی خواهد کرد.
 فکرش را بکنید، اگر موافق روش پطرس عمل شده بود،
 عیسی روی صلیب نمی‌رفت، و نقشه‌رهایی‌بخش متوقف
 می‌شد.

۱۱:۱۸ جام به معنای عذاب، تنهایی، و مرگی بود که عیسی
 می‌بایست برای کفار کردن گناهان مردم دنیا متحمل شود.
 ۱۳:۱۸ حنا و قیافا هر دو کاهن اعظم به حساب
 می‌آمدند. حنا از سال ۶ تا ۱۵ میلادی کاهن اعظم اسرائیل
 بود. اما بدست مقامات رومی برکنار شد. قیافا داماد حنا از
 سال ۱۸ تا ۳۶ یا ۳۷ میلادی سمت کهنات را عهده‌دار بود.
 طبق قوانین یهود، مقام کاهن اعظم برای تمام عمر بود. از
 اینرو، بسیاری از یهودیان هنوز حنا را کاهن اعظم
 می‌دانستند و هنوز این عنوان را در مورد او به کار
 می‌بردند. اما گرچه حنا بسیاری از اختیارات را در دست
 داشت، تصمیمات نهایی را قیافا اتخاذ می‌کرد.

با آنکه رومی‌ها کس دیگری را به مقام کهنات منصوب کرده بودند، اما از آنجا که مقام کاهن اعظم برای تمام عمر بود، از نظر یهودیان حنا هنوز کاهن اعظم «رسمی» بود.

این دادرسی مانند دادرسی در حضور حنا، در شب و بصورت محرمانه صورت گرفت. این دادرسی تماماً غیرقانونی بود و عدالت را به مسخرگی گرفته بود.

درست بعد از سپیده‌دم، ۷۰ عضو شورای عالی یهود، دور هم جمع شدند تا اعلام دارند دادرسی‌های قبلی مورد تأیید آنهاست. این کار به منظور قانونی جلوه دادن دادرسی‌های قبلی صورت گرفت. این محاکمه برای اجرای عدل و داد تشکیل نشد، بلکه آنها می‌خواستند به این وسیله پیش‌داوری‌های خود درباره جرم عیسی را موجه جلوه دهند.

سران قوم عیسی را به دلایل مذهبی محکوم به مرگ کرده بودند، اما فقط دولت روم می‌توانست حکم اعدام را صادر کند. از اینرو، آنها عیسی را نزد پیلاطوس، حاکم رومی بردند، و او را متهم به خیانت به حکومت روم و شورش کردند، جرائمی که روم برای آنها مجازات مرگ تعیین کرده بود. پیلاطوس فوراً متوجه شد که عیسی بی‌گناه است، اما او را بی‌گناه اعلام نکرد چون از بلوایی که سران قوم در این صورت پیا می‌کردند، ترسید.

از آنجا که موطن عیسی ایالت جلیل بود، پیلاطوس او را نزد هیروودیس اغریپاس، حاکم جلیل، فرستاد. در این زمان، او بخاطر عید پسخ در اورشلیم بود. هیروودیس اشتیاق دیدن عیسی را داشت تا معجزه‌های او را ببیند؛ اما وقتی عیسی سکوت اختیار کرد، هیروودیس دیگر کاری با او نداشت و دوباره او را نزد پیلاطوس بازگرداند.

پیلاطوس از سران قوم خوشش نمی‌آمد. او علاقه‌ای به محکوم کردن عیسی نداشت چون می‌دانست که عیسی بی‌گناه است. اما می‌دانست که یک ناآرامی دیگر در منطقه حکمرانی او، به قیمت از دست دادن سمتش تمام خواهد شد. بنابراین اول سعی کرد با سران قوم کنار بیاید و برای این کار دستور داد عیسی را شلاق بزنند، که خود عملی غیرقانونی بود. اما در آخر تسلیم شد و عیسی را تحویل داد تا اعدامش کنند. او بیشتر به فکر نفع شخصی‌اش بود تا اجرای عدالت.

دادرسی مقدماتی
در حضور حنا
(یوحنا ۱۸:۱۲-۲۴)

دادرسی در
حضور قیافا
(متی ۲۶:۵۷-۶۸)
محاکمه در حضور
شورای عالی
(متی ۲۷:۱-۲)

اولین دادرسی در
حضور پیلاطوس
(لوقا ۲۳:۱-۵)

دادرسی در
حضور هیروودیس
(لوقا ۲۳:۶-۱۲)

آخرین دادرسی در
حضور پیلاطوس
(لوقا ۲۳:۱۳-۲۵)

محاکمه در حضور
مقامات یهودی

محاکمه در حضور
مقامات رومی

شش مرحله
محاکمه عیسی
گرچه محاکمه
عیسی در کمتر از
۱۸ ساعت به پایان
رسید، اما شش
دادرسی متفاوت از
او بعمل آمد.

۱۹:۱۸ در داخل، کاهن اعظم، از عیسی درباره شاگردان و تعلیم او سؤالاتی کرد.
 ۲۰ عیسی جواب داد: «همه می‌دانند که من چه تعلیمی می‌دهم. آشکارا در عبادتگاهها و خانه خدا موعظه کرده‌ام؛ تمام سران قوم سخنان مرا شنیده‌اند و به کسی مخفیانه چیزی نگفته‌ام. ۲۱ چرا این سؤال را از من می‌کنی؟ از کسانی پرس که سخنانم را شنیده‌اند. عده‌ای از ایشان اینجا حاضرند و می‌دانند من چه گفته‌ام.»

۲۲ وقتی این را گفت، یکی از سربازان که آنجا ایستاده بود، به عیسی سیلی زد و گفت: «به کاهن اعظم اینطور جواب می‌دهی؟»

۲۳ عیسی جواب داد: «اگر سخنی ناراست گفته‌ام، آن را ثابت کن. ولی اگر سخنم راست است، چرا سیلی می‌زنی؟»

۲۴ سپس «حنا» عیسی را دست بسته، نزد «قیافا» فرستاد که او نیز کاهن اعظم بود.

۱۹:۱۸
 متی ۵۹:۲۶-۶۸
 مر ۵۵:۱۴-۶۵
 لو ۶۳:۲۲-۷۱
 ۲۰:۱۸
 متی ۵۵:۲۶
 لو ۱۵:۴
 یو ۷:۱۴، ۲۶، ۲۸

۲۲:۱۸
 اش ۵۰:۶
 میکا ۵:۱
 یو ۱۹:۳
 ۲۳:۱۸
 متی ۵:۳۹
 اعما ۲۳:۲
 عبر ۱۲:۳
 ۱ پتر ۲:۲۱-۲۳

انکار پطرس

(۲۲۷/ متی ۲۶:۶۹-۷۵؛ مرقس ۱۴:۶۶-۷۲؛ لوقا ۲۲:۵۴-۶۵)

۲۵ در حالی که شمعون پطرس در کنار آتش ایستاده بود و خود را گرم می‌کرد، یک نفر دیگر از او پرسید: «تو از شاگردان او نیستی؟»
 جواب داد: «البته که نیستم.»

۲۶ یکی از خدمتکاران کاهن اعظم که از خویشان کسی بود که پطرس گوشش را بریده بود، گفت: «مگر من خودم تو را در باغ با عیسی ندیدم؟»
 ۲۷ باز پطرس حاشا کرد. همان لحظه خروس بانگ زد.

۲۵:۱۸
 متی ۲۶:۷۳-۷۵

۲۷:۱۸
 یو ۱۳:۳۸

با مقایسه خودتان با کسانی که گناهانشان بدتر از گناهان شما بنظر می‌رسد، خود را توجیه نکنید. در عوض برای بخشش و شفا نزد عیسی بیایید.

۲۵:۱۸ سه انجیل دیگر می‌گویند که سه بار انکار پطرس در کنار همان آتش بیرون کاخ قیافا صورت گرفت. یوحنا انکار اول را بیرون خانه حنا، و دو مورد دیگر را بیرون خانه قیافا قرار می‌دهد. حیاطی که پطرس اینجا در آن است، بی‌شک همان حیاط قبلی است. خانه کاهن اعظم، بزرگ بود، و احتمالاً حنا و قیافا در همسایگی یکدیگر زندگی می‌کردند.

۲۷:۱۸ در اینجا سخنان عیسی به پطرس به تحقق پیوست، سخنانی که به پطرس فرمود بعد از آنکه پطرس به او قول داد هرگز انکارش نخواهد کرد (۳۸:۱۳).

۱۹:۱۸ در طول شب، قبل از آنکه عیسی را به حضور همه اعضای شورای عالی یهود ببرند، او را دوباره محاکمه کردند (در مورد محاکمه دوم آیه ۱۸:۲۴ را نگاه کنید). سران قوم می‌دانستند که هیچ علتی برای محکوم کردن عیسی ندارند. بنابراین، سعی کردند با استفاده از شاهدان دروغین، او را متهم کنند.

۲۲:۱۸-۲۷ خیلی راحت است که شورای عالی یهود را بخاطر محاکمه ناعادلانه عیسی محکوم کنیم، اما نباید فراموش کنیم که پطرس و بقیه شاگردان نیز با تنها گذاشتن عیسی و انکار او، دل عیسی را به درد آوردند (متی ۵۶:۲۶). اگرچه بسیاری از ما مانند سران قوم یهود عمل نمی‌کنیم، اما همه ما مانند شاگردان عیسی در قسمتهایی از زندگی‌مان خداوندی او را انکار کرده‌ایم.

محاكمه عیسی در حضور پیلاتوس

(۲۳۰ / متی ۱۱:۲۷-۱۴؛ مرقس ۱۵:۲-۵؛ لوقا ۲۳:۱-۵)

۲۸ نزدیک صبح، بازجویی از عیسی تمام شد. پس قیافا او را به کاخ فرماندار رومی فرستاد. یهودیان برای اینکه نجس نشوند، داخل کاخ نشدند، چون اگر داخل می‌شدند دیگر نمی‌توانستند در مراسم «عید پَسَح» و مراسم قربانی شرکت کنند. ۲۹ پس فرماندار رومی که نامش «پیلاتوس» بود، بیرون آمد و

۲۸:۱۸
متی ۲:۲۷
مر ۱:۱۵
لو ۱:۲۳
یو ۵۵:۱۱
اعما ۳:۱۱

پرسید: «اتهام این شخص چیست؟ از دست او چه شکایت دارید؟»

۳۰ جواب دادند: «اگر مجرم نبود، دستگیرش نمی‌کردیم.» ۳۱ پیلاتوس گفت:

«پس او را ببرید و مطابق قوانین مذهبی خودتان محاکمه کنید.»

گفتند: «ما می‌خواهیم او بر صلیب اعدام شود و لازم است که دستور این کار را شما بدهید.»

۳۲ این مطابق پیشگویی خود عیسی بود که فرموده بود به چه ترتیبی باید بمیرد.

۳۳ پیلاتوس به داخل کاخ برگشت و دستور داد عیسی را نزد او بیاورند. آنگاه از

۳۲:۱۸
متی ۱۹:۲۰
یو ۳۳:۱۲ و ۳۳
۳۳:۱۸
لو ۳:۲۳
یو ۱۲:۱۹

او پرسید: «آیا تو پادشاه یهود هستی؟»

۳۴ عیسی پرسید: «منظورت از "پادشاه" آن است که شما رومی‌ها می‌گویید یا

پادشاهی که یهودیان منتظر ظهورش هستند؟»

۳۱:۱۸ پیلاتوس در محاکمه عیسی به سه چیز مبادرت ورزید: (۱) سعی کرد مسؤلیت صدور حکم را به عهده کسی دیگر بگذارد (۳۱:۱۸)؛ (۲) سعی کرد راهی بیابد تا بتواند عیسی را آزاد کند (۳۹:۱۸)؛ (۳) سعی کرد با مردم کنار بیاید، یعنی کوشید بجای اعدام عیسی، با شلاق زدن او، مردم را راضی کند. (۳۹:۱۹-۳)؛ و (۴) سعی کرد احساس همدردی با مدعیان عیسی را برانگیزد (۱۵:۱۹). هر کسی وظیفه دارد تصمیم بگیرد که با عیسی چه خواهد کرد. پیلاتوس کوشید تصمیم‌گیری خود را به گردن دیگران بیندازد؛ برای همین، آخرالمر بازنده شد.

۳۲:۱۸ این پیشگویی در متی ۱۹:۲۰ ثبت شده است. به چهار میخ کشیدن روش معمول اعدام مجرمینی بود که شهروند رومی نبودند.

۳۴:۱۸ اگر پیلاتوس بعنوان فرماندار رومی از او سؤال و جواب می‌کرد، در جستجوی این بود که بداند آیا عیسی می‌خواهد شورشی برپا کند یا نه. اما یهودیان کلمه «پادشاه» را در معنای حاکم مذهبی‌شان یعنی مسیح موعود بکار می‌بردند. اسرائیل ملتی اسیر بود و زیر حاکمیت امپراطوری روم قرار داشت. یک پادشاه می‌توانست تهدیدی برای روم باشد، اما مسیح می‌توانست رهبری کامل مذهبی باشد.

۲۸:۱۸ پیلاتوس، فرماندار رومی، از سال ۲۶ تا ۳۶ میلادی حاکم یهودیه بود، یعنی ایالتی که اورشلیم در آن واقع بود. یهودیان از پیلاتوس بدشان می‌آمد چون او از خزانه خانه خدا برای ساختن آبرو استفاده کرده بود. او نیز از یهودیان خوشش نمی‌آمد. اما وقتی عیسی، پادشاه یهودیان، در مقابل او ایستاد، پیلاتوس او را بی‌گناه یافت.

۲۸:۱۸ مطابق قوانین و آیین یهود، اگر شخصی یهودی وارد خانه فردی غیر یهودی می‌شد، نجس می‌گردید و در نتیجه، نمی‌توانست در مراسم عبادت در خانه خدا یا در مراسم مذهبی عید شرکت کند. این مردان از ترس نجس شدن، بیرون خانه ماندند و عیسی را بیرون نگه داشتند تا بازجویی از او آنجا صورت بگیرد. آنها تظاهر به مذهب می‌کردند درحالی‌که قتل و خیانت را در دل می‌پروراندند.

۳۰:۱۸ پیلاتوس می‌دانست چه چیزی در جریان است؛ او می‌دانست سران قوم از عیسی متنفرند؛ به همین دلیل، نمی‌خواست عامل اجرای مقصود پلید ایشان برای اعدام عیسی باشد. آنها خودشان نمی‌توانستند عیسی را محکوم به اعدام کنند، زیرا اجازه این امر را می‌بایست حاکم رومی صادر کند. اما پیلاتوس از صدور حکم در مورد عیسی بدون مدرک کافی اجتناب می‌ورزید. زندگی عیسی در نبرد قدرتهای سیاسی آلت دست قرار گرفته بود.

۳۵ پیلاتوس گفت: «مگر من یهودی هستم که این چیزها را از من می‌پرسی؟ قوم خودت و کاهنانشان تو را اینجا آورده‌اند. چه کرده‌ای؟»

۳۶ عیسی فرمود: «من یک پادشاه دنیوی نیستم. اگر بودم، پیروانم می‌جنگیدند تا در چنگ سران قوم یهود گرفتار نشوم. پادشاهی من متعلق به این دنیا نیست.»

۳۷ پیلاتوس پرسید: «بهر حال منظورت این است که تو پادشاهی؟»

عیسی فرمود: «بلی، من برای همین منظور متولد شده‌ام، و آمده‌ام تا حقیقت را به دنیا بیاورم؛ و تمام کسانی که حقیقت را دوست دارند از من پیروی می‌کنند.»

۳۸ پیلاتوس گفت: «حقیقت چیست؟»

صدر حکم اعدام عیسی از سوی پیلاتوس

(۲۳۲/ متی ۲۷-۱۵؛ مرقس ۱۵-۶؛ لوقا ۲۳-۱۳-۲۵)

سپس بیرون رفت و به مردم گفت: «او هیچ جرمی مرتکب نشده است؛^{۳۹} ولی رسم اینست که در هر «عید پسخ» یک زندانی را برای شما آزاد کنم. اگر بخواهید، حاضرم "پادشاه یهود" را آزاد کنم.»

^{۴۰} ولی مردم فریاد زدند: «نه، او را نمی‌خواهیم. باراباس را می‌خواهیم!» (باراباس راهزن بود.)

۳۶:۱۸

اش ۶:۹

دان ۱۴:۷ ؛ ۴۴:۲

متی ۵۳:۲۶

لو ۲۱ و ۲۰:۱۷

یو ۱۵:۶

۳۷:۱۸

یو ۴۷:۸

۱ پط ۲۳:۱

ایو ۱۹:۳ ؛ ۶:۴

مکا ۵:۱

۳۸:۱۸

یو ۶:۱۹

۳۹:۱۸

متی ۱۸-۱۵:۲۷ و ۲۰-۲۳

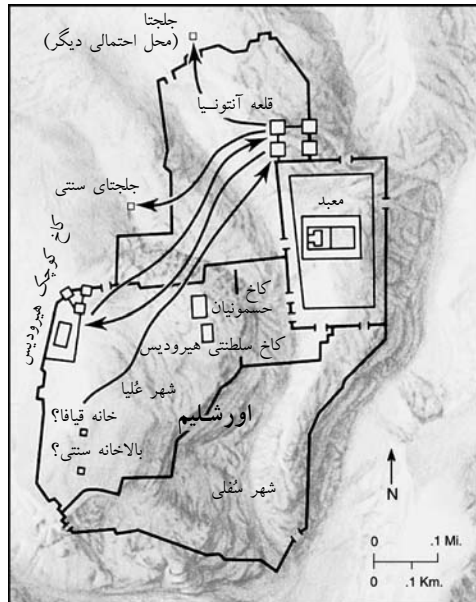
مر ۱۵-۶:۱۶

لو ۱۷-۱۷:۲۳

۳۶:۱۸ و ۳۷ پیلاتوس سؤال صریحی از عیسی کرد و عیسی هم جواب روشنی به او داد. او پادشاه است، اما نه پادشاهی که حکومتش متعلق به این دنیا باشد. بنظر می‌رسد که پیلاتوس هیچ شکمی نداشت که عیسی حقیقت را می‌گوید و بری از هر جرمی است. اما از طرف دیگر کاملاً مشهود است که پیلاتوس با اینکه حقیقت را تشخیص داد، بر آن شد که آن را رد کند. غم‌انگیز است که نتوانیم حقیقت را تشخیص دهیم. اما غم‌انگیزتر این است که حقیقت را تشخیص بدهیم، ولی نسبت به آن بی‌اعتنا باشیم.

۳۸:۱۸ شاید پیلاتوس فکری کرد که تمامی حقایق نسبی هستند. حقیقت در نزد بسیاری از مقامات دولتی آن چیزی بود که بیشتر مردم با آن موافق بودند یا هر چیزی که در جهت قدرت شخصی و پیشرفت سیاسی آنها مفید بود.

۴۰:۱۸ باراباس شخصی شورش علیه حکومت روم بود و با اینکه مرتکب خونریزی شده بود، احتمالاً در بین یهودیان قهرمان بود. یهودیان متنفرد بودند که روم بر آنها حکومت کند و از پرداخت مالیات به حکومت روم منجز بودند. باراباس که شورش را رهبری کرده و شکست خورده بود، بجای عیسی آزاد شد، یعنی بجای تنها کسی که حقیقتاً می‌توانست به اسرائیل کمک کند. در خصوص باراباس توضیحات مربوط به لوقا ۲۳-۱۷-۱۹ را نگاه کنید.



محاکمه و اعدام عیسی

عیسی را پس از محاکمه در حضور شورای عالی یهود، به قلعه آنتونیا بردند تا در حضور فرماندار رومی، پیلاتوس، محاکمه شود. پیلاتوس او را نزد هیروودیس فرستاد (لوقا ۲۳-۵-۱۲)، اما هیروودیس او را نزد پیلاتوس بازگرداند. پیلاتوس در مقابل تهدید مردم، بالاخره او را تحویل داد تا مصلوبش کنند.

۱۹ آنگاه به دستور پیلاتوس عیسی را شلاق زدند^۲ سربازان از خار تاجی ساختند و بر سر او گذاشتند و یک لباس بلند شاهانه ارغوانی رنگ به او پوشاندند؛^۳ و او را مسخره کرده، می گفتند: «زنده باد پادشاه یهود!» و به او سیلی می زدند.

۴ پیلاتوس باز بیرون رفت و به یهودیان گفت: «اینک او را نزد شما می آورم؛ ولی بدانید که او بی تقصیر است.»

۵ آنگاه عیسی با تاج خار و لباس بلند ارغوانی بیرون آمد. پیلاتوس به مردم گفت: «بینید، این همان شخص است.»

۶ به محض اینکه چشم کاهنان اعظم و محافظین مخصوص خانه خدا به عیسی افتاد، فریاد زدند: «اعدامش کن! برصلیب اعدامش کن!»

پیلاتوس گفت: «شما خودتان اعدامش کنید. چون به نظر من بی تقصیر است.»
۷ جواب دادند: «مطابق شریعت ما باید کشته شود چون ادعا می کند که پسر خداست.»

۸ وقتی پیلاتوس این را شنید بیشتر وحشت کرد. ۹ پس دوباره عیسی را به کاخ خود برد و از او پرسید: «تو اهل کجایی!» ولی عیسی به او جواب نداد.
۱۰ پیلاتوس گفت: «چرا جواب نمی دهی؟ مگر نمی دانی من قدرت آن را دارم که تو را آزاد کنم یا اعدام نمایم؟»

۱:۱۹

اش ۵۰:۶

متی ۲۷:۲۶-۳۰

مر ۱۵:۱۵-۱۹

لو ۳۲:۳۳

۳:۱۹

یو ۱۸:۲۲

۴:۱۹

یو ۱۸:۳۸

قرن ۲:۵

۶:۱۹

اعما ۳:۱۳

۷:۱۹

لاو ۱۵:۲۴ و ۱۶

متی ۲۶:۶۳-۶۶

۹:۱۹

اش ۵۳:۷

متی ۲۷:۱۴، ۲۷ و ۲۸

اعما ۸:۳۲

۷:۱۹ حقیقت بالاخره آشکار شد. سران قوم عیسی را بخاطر این نزد پیلاتوس نیاورده بودند که باعث شورش علیه روم شده بود، بلکه چون فکر می کردند او شریعت آنها را زیر پا گذاشته است. کفرگویی در شریعت یهود یکی از بزرگترین جرایم بود و مجازاتش مرگ بود. اگر سران قوم عیسی را به کفرگویی متهم می کردند، ادعایشان در نظر یهودیان دارای اعتبار می شد؛ و اگر او را به خیانت و شورش متهم می کردند، ادعایشان در نظر رومیها نیز اعتبار می یافت. چنانچه پیلاتوس با آنها همکاری می کرد و عیسی را متهم به مرگ می نمود، برای آنها فرق نمی کرد او به کدام اتهام توجه کند.

۱۰:۱۹ در طول محاکمه می بینیم که این عیسی است که بر اوضاع مسلط می باشد نه پیلاتوس یا سران قوم. پیلاتوس در تردید بود؛ سران قوم از روی خشم و نفرت عکس العمل نشان می دادند؛ اما عیسی آرام بود. او حقیقت را می دانست، او نقشه خدا را می دانست، او دلیل محاکمه اش را می دانست. علیرغم فشار و اذیت و آزار، عیسی تحت تأثیر قرار نگرفت. درواقع پیلاتوس و سران قوم محاکمه می شدند نه عیسی. وقتی بخاطر ایمانتان از شما بازجویی می شود یا مورد تمسخر قرار می گیرید، به

۱:۱۹ برای دستیابی به تصویر کاملی از اعدام عیسی، در کنار تصویری که یوحنا از آن ارائه می دهد، گزارش اناجیل متی و مرقس و لوقا را نیز در این زمینه که به ترتیب در فصل های ۱۵، ۲۳ و ۲۷ این انجیل ها آمده است، بخوانید. هر نویسنده جزئیات مهمی را اضافه می کند، اما هر چهار انجیل پیغام یکسانی دارند و آن اینست که عیسی روی صلیب مرد و بدین ترتیب پیشگویی عهدعتیق به تحقق پیوست. و عیسی مرد تا ما بتوانیم از گناهانمان نجات پیدا کنیم و زندگی جاودانی بیابیم.
۳-۱:۱۹ شلاق می توانست عیسی را بکشد. روش معمول شلاق زدن این بود که بالاتنه فرد قربانی را برهنه می کردند و دستهایش را به ستونی می بستند و بعد با شلاقی سه شاخه او را تازیانه می زدند. تعداد ضربات شلاق بسته به میزان جرم تعیین می شد. مطابق قوانین یهود تا ۴۰ ضربه شلاق مجاز بود (تثنیه ۲۵:۳).

۵-۲:۱۹ سربازان که دستور داشتند عیسی را شلاق بزنند، از دستور تجاوز کردند و علاوه بر شلاق، عیسی را مسخره نمودند و او را کتک زدند. آنها ادعای او را مبنی بر پادشاه بودن به مسخره گرفتند و تاجی بر سرش گذاشتند و شنلی شاهانه بر دوشش انداختند.

۱۱:۱۹
اعما ۲۳:۲ ؛ ۱۳:۳
روم ۱:۱۳

۱۲:۱۹
لو ۲:۲۳
اعما ۷:۱۷

۱۳:۱۹
متی ۱۹:۲۷

۱۶:۱۹
متی ۳۱:۲۶-۲۷
مر ۱۵:۱۵
لو ۲۴:۲۳

۱۷:۱۹
اعد ۳۶:۱۵
عبر ۱۲:۱۳

۱۱ عیسی فرمود: «اگر خدا این قدرت را به تو نمی داد، با من هیچ کاری نمی توانستی بکنی. ولی گناه کسانی که مرا پیش تو آوردند، سنگینتر از گناه توست.»
۱۲ پیلاتوس خیلی تلاش کرد تا عیسی را آزاد سازد، ولی سران یهود به او گفتند: «این شخص یاغی است، چون ادعای پادشاهی می کند. پس اگر آزادش کنی، معلوم می شود مطیع امپراتور نیستی.»
۱۳ با شنیدن این سخن، پیلاتوس عیسی را بیرون آورد و در محل سنگ فرش، بر مسند قضاوت نشست. ۱۴ ظهر نزدیک می شد و یک روز نیز بیشتر به عید پَسَح نمانده بود.

پیلاتوس به یهودیان گفت: «این هم پادشاهتان!»
۱۵ مردم فریاد زدند: «نابودش کن، نابودش کن! مصلوبش کن!»
کاهنان اعظم فریاد زدند: «غیر از امپراتور روم، پادشاه دیگری نداریم.»
۱۶ پس پیلاتوس عیسی را در اختیار ایشان گذاشت تا اعدام شود. سربازان او را گرفته، بردند،

در راه جل جتا

(۲۳:۲۷-۳۲-۳۴ ؛ مرقس ۱۵:۲۱-۲۴ ؛ لوقا ۲۳:۲۶-۳۱)

۱۷ و صلیب را بر دوشش گذاشتند و از شهر بیرون بردند تا به محلی به نام «جمجمه» رسیدند که به زبان عبری آن را «جلجتا» می گویند.

بگیریم این کار چه بهایی برای ما خواهد داشت. اگر بدانیم چه کاری درست است ولی آن را انجام ندهیم، گناه کرده ایم (یعقوب ۴:۴).

۱۳:۱۹ این محل سنگ فرش قسمتی از برج آنتونیا بود و مجاور گوشه شمال غربی ساختمان خانه خدا (هیکل) قرار داشت.

۱۵:۱۹ سران قوم بقدری برای خلاصی از دست عیسی بی تاب بودند که علیرغم نفرت شدیدشان از روم، فریاد برآوردند: «غیر از امپراتور روم، پادشاه دیگری نداریم.» چقدر مضحک است که آنها تظاهر کردند طرفدار امپراتورند، اما مسیح موعود خودشان را رد کردند. کاهنان رسالت واقعی خود را فراموش کرده بودند. آنها بجای آنکه مردم را بسوی خدا هدایت کنند، ادعای طرفداری از روم را کردند تا به این وسیله مسیح خود را بکشند.

۱۷:۱۹ این مکان که «جمجمه» یا جلجتا نامیده می شد، احتمالاً تپه ای بود بیرون از اورشلیم و در کنار جاده ای اصلی قرار داشت. رومی ها اعدامهای زیادی در این مکان انجام می دادند تا درس عبرتی باشد برای کسانی که فکر شورش و اغتشاش را در سر می پروراندند.

خاطر داشته باشید که وقتی در مقابل مدعیانان محاکمه می شوید، خود آنها در مقابل خدا محاکمه می شوند.

۱۱:۱۹ وقتی عیسی گفت که گناه آنها سنگینتر از اوست، پیلاتوس را بخاطر واکنشش در مقابل فشارهای سیاسی، تبرئه نمی کرد. پیلاتوس نیز بخاطر تصمیمی که درباره عیسی می گرفت، مسؤول بود. گناه سران قوم سنگینتر بود چون آنها از پیش و آگاهانه تصمیم به قتل او گرفته بودند.

۱۳ و ۱۲:۱۹ این سخنان، پیلاتوس را تحت فشار قرار داد تا اجازه دهد عیسی را مصلوب کنند. از پیلاتوس که فرماندار رومی این منطقه بود، انتظار می رفت که حافظ صلح در منطقه باشد. از آنجا که روم عملاً نمی توانست سپاه بزرگی در مناطق دور افتاده نگه دارد، از طریق سرکوب فوری شورش با خشونت تمام، بر این مناطق کنترل داشت. پیلاتوس می ترسید که گزارش شورش در منطقه تحت حکمرانی اش به امپراتور برسد، و این، به قیمت از دست دادن سمتش و شاید حتی جاننش تمام شود. وقتی ما با تصمیم دشواری روبرو می شویم، می توانیم بدون اینکه کاری بکنیم، خود را کنار بکشیم، و یا می توانیم از راستی دفاع کنیم، بدون آنکه در نظر

مصلوب شدن عیسی

(۲۳۵) / متی ۲۷:۳۵-۴۴ ؛ مرقس ۱۵:۲۵-۳۲ ؛ لوقا ۲۳:۳۲-۴۳)

^{۱۸} در آنجا او را با دو نفر دیگر مصلوب کردند یکی این طرف، یکی آن طرف و عیسی در وسط. ^{۱۹} پیلاتوس دستور داد در بالای صلیب او نوشته‌ای نصب کنند که روی آن نوشته شده بود: «عیسای ناصری، پادشاه یهود». ^{۲۰} بسیاری آن نوشته را که به زبان عبری، رومی و یونانی بود خواندند، چون جایی که عیسی را مصلوب کردند، نزدیک شهر بود.

^{۲۱} پس، سران کاهنان به پیلاتوس گفتند: «این نوشته را عوض کنید و بجای "پادشاه یهود" بنویسید: "او گفت که من پادشاه یهود هستم."» ^{۲۲} پیلاتوس جواب داد: «آنچه نوشته‌ام، نوشته‌ام و تغییر نخواهد کرد.»

^{۲۳} وقتی سربازان عیسی را مصلوب کردند، لباسهای او را بین خود به چهار قسمت تقسیم نمودند؛ ولی وقتی به ردای او رسیدند، دیدند که یکپارچه بافته شده و درز ندارد. ^{۲۴} پس به یکدیگر گفتند: «حیف است این را پاره کنیم. بنابراین قرعه می‌اندازیم تا ببینیم به که می‌رسد.» و این مطابق پیشگویی کتاب آسمانی بود که می‌فرماید: «لباسهایم را میان خود تقسیم کردند و بر ردای من قرعه انداختند.» پس سربازان نیز چنین کردند.

^{۲۵} در پای صلیب، مریم مادر عیسی، خاله عیسی، مریم زن کلویا و مریم مجدلیه ایستاده بودند. ^{۲۶} وقتی عیسی مادر خود را در کنار شاگردی که دوستش

۱۸:۱۹

غلا ۱۳:۳

۱۹:۱۹

اش ۱۲:۵۳

متی ۳۷:۲۷

مر ۲۶:۱۵

لو ۳۸:۲۳

۲۴ و ۲۳:۱۹

مز ۱۸:۲۲

۲۵:۱۹

متی ۵۶ و ۵۵:۲۷

لو ۸:۲ و ۳ ؛ ۱۸:۲۴

۲۶:۱۹

یو ۴:۲ ؛ ۲۳:۱۳ ؛ ۲۴:۲۱

رسانند. افراد معدودی با خواندن آن نوشته در آن بعدازظهر یاسی آور پی به معنای واقعی آن بردند، اما آن نوشته کاملاً درست بود. هنوز نور امید وجود داشت. عیسی پادشاه یهودیان و غیریهودیان و تمام مردم دنیا بود.

۲۰:۱۹ آن نوشته به سه زبان نوشته شده بود: عبری برای یهودیان بومی؛ لاتین برای رومی‌های آن منطقه؛ و یونانی برای خارجی‌ها و یهودیانی که از سرزمین‌های دیگر به آنجا سفر کرده بودند.

۲۴ و ۲۳:۱۹ مرسوم بود سربازان رومی که مسؤول مصلوب کردن مجرمین بودند، لباس محکومین را برای خودشان بر دارند. آنها لباسهای عیسی را بین خود تقسیم کردند، اما در مورد ردای او که از بقیه لباسهایش قیمتی‌تر بود، قرعه انداختند. به این ترتیب پیشگویی مزور ۱۸:۲۲ به تحقق پیوست.

۲۷-۲۵:۱۹ عیسی حتی وقتی روی صلیب می‌مرد، به فکر خانواده‌اش بود. او به یوحنا دستور داد که از مادرش مریم مواظبت کند. خانواده‌های ما هدایای گرانبهایی از

۱۸:۱۹ اعدام بوسیله صلیب روشی رومی بود. قربانیانی را که محکوم به این نوع اعدام می‌شدند، مجبور می‌کردند صلیب خود را در طول جاده اصلی تا محل اعدام حمل کنند تا هشدار می‌باشد برای مردم. صلیب و روش مصلوب کردن متفاوت بود. عیسی را روی صلیب می‌خکوب کردند؛ بعضی اوقات اعدامی را با طناب به صلیب می‌بستند. مرگ به طریقه صلیب در اثر خفگی صورت می‌گرفت، چون وقتی اعدامی قوتش را به تدریج از دست می‌داد و در اثر آویزان ماندن بر قفسه سینه‌اش فشار می‌آمد و نفس کشیدن برایش سخت می‌شد. مصلوب شدن مرگی هولناک، تدریجی و دردناک بود.

۱۹:۱۹ آن نوشته را برای طعنه بالای صلیب نصب کردند. پادشاهی که لخت و برهنه در ملاءعام اعدام می‌شد، مشخص بود که حکومت خود را برای همیشه از دست داده است. اما عیسی که حکمت دنیا را وارونه می‌کند، تازه قرار بود ملکوتش را شروع کند. مرگ و قیام او ضربه مهلکی بر حکومت شیطان وارد آورد و حاکمیت ابدی خود را بر دنیا به اثبات

می‌داشت، دید، به مادر خود گفت: «این پسر تو باشد.»^{۲۷} و به آن شاگرد نیز فرمود: «او مادر تو باشد.» از آن روز به بعد، آن شاگرد مادر عیسی را به خانه خود برد.

جان سپردن عیسی

(۲۳۶/متی ۲۷:۴۵-۵۶؛ مرقس ۱۵:۳۳-۴۱؛ لوقا ۲۳:۴۴-۴۹)

^{۲۸} عیسی می‌دانست که دیگر همه چیز تمام شده است. پس برای اینکه مطابق پیشگویی کتاب آسمانی عمل کرده باشد، فرمود: «تشنه‌ام.»^{۲۹} در آنجا یک کوزه شراب ترشیده بود. پس اسفنجی در آن فرو کردند و بر سر نی گذاشتند و جلو دهان او بردند.

^{۳۰} وقتی عیسی چشید، فرمود: «تمام شد!» و سر خود را پایین انداخت و جان سپرد.

^{۳۱} سران قوم یهود نمی‌خواستند جسدها روز بعد که شنبه و روز اول عید بود، بالای دار بمانند. بنابراین، از پیلاتوس خواهش کردند که دستور بدهد ساق

۲۸:۱۹
مز ۱:۳-۲۲:۲۱؛
۲۱:۶۹
اش ۵۳
متی ۲۷:۴۸-۵۰
مر ۱۵:۳۶ و ۳۷
لو ۲۳:۳۶
۳۰:۹
لو ۲۳:۴۶
عبر ۱:۱۰-۱۴
۳۱:۱۹
اعد ۲۸:۱۷
تث ۲۱:۲۲ و ۲۳

جانب خدایند، و ما باید در هر شرایطی به آنها بها بدهیم و از ایشان مراقبت کنیم. شما امروز برای اینکه محبتتان را به خانواده خود نشان دهید، چه کار می‌توانید بکنید؟

^{۲۷:۱۹} عیسی از دوست صمیمی‌اش، یوحنا، نویسنده این انجیل، خواست تا از مادرش مریم، که شوهرش احتمالاً تا آن وقت مرده بود، مواظبت کند. چرا عیسی این وظیفه را به عهده برادرانش نگذاشت؟ عیسی که پسر بزرگ مریم بود، مادرش را به کسی سپرد که با مریم در پای صلیب حضور داشت، و آن شخص یوحنا بود.

^{۲۹:۱۹} این شراب ترشیده، از نوع شراب ارزان قیمت بود که سربازان رومی در حین انتظار برای مرگ اعدامیان از آن می‌نوشیدند.

^{۳۰:۱۹} تا این زمان، برای کفار گناهان می‌بایست نظام پیچیده گذراندن قربانی انجام شود. گناه طبق شریعت موسی، انسان را از خدا جدا می‌کند، و او فقط از طریق قربانی حیوان، یعنی جانشین، می‌توانست آمرزش گناه را از خدا دریافت کند و در حضور او پاک گردد. اما انسان پیوسته گناه می‌کند؛ بنابراین، گذراندن قربانی‌های مکرر ضروری بود. اما عیسی قربانی نهایی و غایی برای گناه بود. عبارت **تمام شد** به معنی «بطور کامل پرداخت شد» می‌باشد. عیسی آمد تا کار نجات خدا را **تمام** کند (یوحنا ۴:۳۴؛ ۱۷:۴) و جرمه کامل گناهان ما را بپردازد. با مرگ او، نظام پیچیده قربانی به پایان رسید، زیرا عیسی

همه گناهان را بر خود گرفت. حالا ما بواسطه کاری که عیسی برای ما انجام داد، می‌توانیم مجاناً به خدا نزدیک شویم. کسانی که به مرگ و قیام عیسی ایمان دارند، می‌توانند تا ابد با خدا زندگی کنند و از مرگی که در نتیجه گناه حاصل می‌شود، رهایی بیابند.

^{۳۱:۱۹} این خلاف شریعت خدا بود که بدن شخص مرده‌ای در شب در معرض دید همه باشد (تثنیه ۲۱:۲۳). کار کردن در روز جمعه بعد از غروب خورشید یعنی وقتی که شنبه شروع می‌شد نیز برخلاف شریعت بود. به همین دلیل، سران قوم مصرانه می‌خواستند پیکر عیسی از صلیب پایین آورده شود تا پیش از غروب آفتاب دفن شود.

^{۳۵-۳۱:۱۹} این سربازان رومی با تجربه بودند. آنها می‌توانستند بفهمند که محکوم روی صلیب مرده است یا زنده. وقتی آنها عیسی را واری کردند، هیچ شک نداشتند که او مرده است. بنابراین، تصمیم گرفتند ساق پاهایش را نشکنند، درحالی‌که با آن دو نفر دیگر این کار را کرده بودند. نشانه دیگر مرگ عیسی این بود که وقتی پهلوی او را سوراخ کردند، دیدند که خون و آب از آن جاری شد. بعضی می‌گویند که عیسی واقعاً نمرد، بلکه بیهوش شد و به همین دلیل نیز باز به هوش آمد. اما ما به شهادت سربازان رومی که گروه بی‌طرفی بودند، می‌توانیم بگوئیم که عیسی روی صلیب مرد (به مرقس ۱۵:۴۴ و ۴۵ مراجعه کنید).

پایهای ایشان را بشکنند تا زودتر بمیرند و جسدشان را از بالای دار پایین بیاورند.^{۳۲} پس سربازان آمدند و ساق پایهای آن دو نفر را که با عیسی اعدام شده بودند، شکستند.^{۳۳} ولی وقتی به عیسی رسیدند، دیدند که مرده است. پس ساقهای او را نشکستند.^{۳۴} با این همه، یکی از سربازان نیزه خود را به پهلوی عیسی فرو کرد که خون و آب بیرون آمد.^{۳۵} (کسی که این وقایع را دید، آنها را عیناً نوشت تا شما نیز ایمان آورید. شهادت او راست است و او می‌داند که حقیقت را می‌گوید.)^{۳۶} کاری که سربازان کردند، مطابق پیشگویی کتاب آسمانی بود که می‌فرماید: «هیچ یک از استخوانهای او شکسته نخواهد شد.»^{۳۷} و همچنین «به او نیزه زدند و به تماشای او پرداختند.»

۳۵:۱۹
یو ۳۰:۲۰؛ ۳۱:۲۱؛ ۲۴:۲۱
ایو ۱:۱
۳۷ و ۳۶:۱۹
خرو ۱۲:۴۶
اعد ۹:۱۲
مز ۳۴:۲۰
زکر ۲:۱۰
مکا ۱:۷

تدفین پیکر عیسی

(۲۳۷/ متی ۲۷:۵۷-۶۱؛ مرقس ۱۵:۴۲-۴۷؛ لوقا ۲۳:۵۰-۵۶)

^{۳۸} ساعتی بعد، یکی از بزرگان یهود، به نام یوسف که اهل «رامه» بود و از ترس سران قوم، مخفیانه شاگرد عیسی شده بود، با بی‌باکی به حضور پیلاتوس رفت و اجازه خواست تا جسد عیسی را از بالای صلیب پایین بیاورد و بخاک بسپارد. پیلاتوس به او اجازه داد و او نیز جسد را پایین آورد و برد.^{۳۹} نیکودیموس هم که یک شب نزد عیسی آمده بود، سی کیلو مواد خوشبو که از مر و چوب عود

۳۹:۱۹
۱۴ و ۱۳:۱۶
متی ۲۶:۱۲
مر ۱۴:۸
یو ۳:۲؛ ۵:۰۷؛ ۵:۱۲

مقابل سایر علمای دینی دفاع کند (۷:۵۰-۵۲). اما اکنون که می‌خواستند عیسی را دفن کنند، خطر از دست دادن شهرتشان را به جان پذیرفتند. آیا شما مخفیانه ایماندار هستید؟ آیا ایمانتان را از دوستان و همکارانتان پنهان می‌کنید؟ حالا وقت مناسبی است که پرده از این راز بر دارید و بگذارید دیگران از ایمانتان مطلع شوند.

۳۹ و ۳۸:۱۹ چهار نفر در جریان مرگ عیسی عوض شدند. یکی، جنایتکاری بود که کنار عیسی روی صلیب جان می‌داد؛ او از عیسی خواست که او را نیز در ملکوتش به یاد آورد (لوقا ۲۳:۴۰-۴۲). دیگری، آن افسر رومی بود که گفت که عیسی حقیقتاً فرزند خداست (مرقس ۱۵:۳۹). دو نفر دیگر یوسف و نیکودیموس بودند. آنها عضو شورای عالی یهود و شاگردان مخفی عیسی بودند (۷:۵۰-۵۲) که پرده از راز خود بر داشتند. در دگرگونی این افراد، مرگ عیسی بیشتر از دوره زندگی‌اش تأثیر داشت. آنها تشخیص دادند که او کیست، و این تشخیص باعث شد که ایمان و اقرار و عمل آنها علنی شود. وقتی با عیسی و مرگ او روبرو می‌شویم، باید متحول شویم و باید ایمان بیاوریم، اقرار کنیم، و عمل نماییم.

۳۲:۱۹ سربازان رومی ساق پای مجرمین روی صلیب را می‌شکستند تا به مرگ آنها سرعت ببخشند. وقتی کسی را به صلیب می‌آویختند، در اثر خفگی جان می‌داد، اما او می‌توانست با فشار پاهایش به قسمت پایین صلیب، بدن خود را بالا بکشد و به این طریق نفس بکشد. وقتی پاهایش را می‌شکستند خیلی زود خفه می‌شد.
۳۵ و ۳۴:۱۹ جزئیات تصویر مرگ عیسی در انجیل یوحنا از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا یوحنا شاهد عینی مرگ او بود.

۳۷ و ۳۶:۱۹ عیسی زمانی مرد که بره‌های مخصوص شام عید پسخ ذبح می‌شدند. هیچیک از استخوانهای این بره‌های قربانی نمی‌بایست شکسته می‌شد (خروج ۱۲:۴۶؛ اعداد ۹:۱۲). عیسی، بره خدا، قربانی کامل برای گناهان همه مردم دنیا بود (اقرنتیان ۵:۷).

۴۲-۳۸:۱۹ یوسف رامه‌ای و نیکودیموس مخفیانه شاگرد عیسی شده بودند. آنها بخاطر مقامی که در جامعه یهودی داشتند، از آشکار نمودن ایمان خود ترس داشتند. یوسف از رهبران قوم و عضو سرشناس شورای عالی بود. نیکودیموس هم عضو شورا بود. او قبلاً در شب نزد عیسی آمده بود (۳:۱) و مدتی بعد از آن کوشید از عیسی در

درست شده بود برای مراسم تدفین آورد. ^{۴۰}ایشان با هم، مطابق رسم یهود، جسد عیسی را در پارچه کتانی که با مواد خوشبو معطر شده بود پیچیدند. ^{۴۱} در نزدیکی محل اعدام، باغ کوچکی بود و قبری تازه که تا آن زمان کسی در آن دفن نشده بود. ^{۴۲} پس چون شنبه در پیش بود و قبر نزدیک، جسد عیسی را همانجا دفن کردند.

زنده شدن عیسی

(۲۳۹ / متی ۲۸: ۱-۷؛ مرقس ۱۶: ۱-۸؛ لوقا ۲۴: ۱-۱۲)

۲۰ روز یکشنبه صبح زود، وقتی هوا تاریک و روشن بود، مریم مجدلیه به سر قبر آمد و با کمال تعجب دید که سنگ از در قبر کنار رفته است. ^۲ پس با عجله نزد پطرس و آن شاگردی که عیسی او را دوست می‌داشت آمد و گفت: «جسد خداوند را از قبر برده‌اند و معلوم نیست کجا گذاشته‌اند.»

۲:۲۰
یو ۲۳:۱۳

^۳ و ^۴ پطرس و آن شاگرد دیگر دویدند تا به سر قبر رسیدند. آن شاگرد از پطرس پیش افتاد و زودتر به قبر رسید. او خم شد و نگاه کرد. فقط کفن خالی آنجا بود. دیگر داخل قبر نرفت. ^۵ سپس شمعون پطرس رسید و داخل قبر شد. او هم فقط کفن خالی را دید، ^۶ و متوجه شد که پارچه‌ای که به سر و صورت عیسی پیچیده بودند، همان طور پیچیده و جدا از کفن مانده بود. ^۸ آنگاه آن شاگرد نیز

۳:۲۰
لو ۱۲:۲۴
۵:۲۰
یو ۴۰:۱۹
۶:۲۰
لو ۱۲:۲۴
۷:۲۰
یو ۴۴:۱۱؛ ۴۰:۱۹

۱:۲۰ کسانی که برای اولین بار رویداد قیام عیسی را می‌شنوند، برای آنکه بتوانند این داستان عجیب را درک کنند، شاید احتیاج به وقت داشته باشند. این قبیل اشخاص مانند مریم و شاگردان، شاید از چهار مرحله ایمان بگذرند: (۱) در ابتدا، شاید فکر کنند که این داستان، ساختگی است و نمی‌توان آن را باور کرد (۲:۲۰). (۲) مانند پطرس، ممکن است حقایق را مورد بررسی قرار دهند، اما باز از چیزی که روی داده، در حیرت باشند (۶:۲۰). (۳) فقط وقتی می‌توانند حقیقت قیام را بپذیرند که خودشان شخصاً با عیسی روبرو شوند (۱۶:۲۰). (۴) سپس با تسلیم خود به او و وقف زندگی‌شان برای خدمت به او، شروع به درک کامل این واقعیت می‌کنند که عیسی در کنارشان حضور دارد (۲۸:۲۰).

۷:۲۰ پارچه‌ای که جسد عیسی را در آن پیچیده بودند، به شکل منظم و مرتبی تا شده بود. اگر جسد را دزدیده بودند، کفن را به آن شکل در آنجا نمی‌گذاشتند.

۴۲:۱۹ این قبر احتمالاً غاری بود که در دل تپه‌ای سنگی کنده شده بود، و آنقدر بزرگ بود که کسی بتواند در آن راه برود. بنابراین، یوسف و نيقوديموس پيكر عیسی را به داخل قبر بردند و سنگ بزرگی را جلو مدخل آن غلطاندند.

۴۲:۱۹ نيقوديموس و یوسف برای دفن پيكر عیسی می‌بایست عجله می‌کردند تا در روز شنبه که از غروب جمعه شروع می‌شد، از کار کردن پرهیز کنند.

۱:۲۰ زنان دیگری نیز با مریم مجدلیه بر سر قبر آمدند. در انجیل دیگر اسامی آنها آمده است. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره مریم مجدلیه، به تاریخچه زندگی او در یوحنا فصل ۲۰ مراجعه کنید.

۱:۲۰ علت کنار رفتن سنگ از جلو قبر، این نبود که عیسی بتواند از قبر بیرون بیاید. عیسی خیلی راحت و بدون حرکت دادن سنگ، از قبر بیرون آمد. سنگ به این دلیل کنار رفته بود که دیگران بتوانند وارد قبر شوند و ببینند که عیسی رفته است.

بعضی ناراحت هستند از اینکه هیچیک از ۱۲ شاگرد عیسی، زن نبود. اما روشن است که زنان بسیاری پیرو عیسی بودند. همچنین واضح است که عیسی مانند فرهنگ زمان خودش با زنان رفتار نمی‌کرد؛ او در ارتباطش با زنان، به آنها ارج می‌نهاد و بعنوان افرادی باارزش با آنها برخورد می‌کرد.

مریم مجدلیه از پیروان اولیه عیسی بود و بی‌شک شایستگی این را دارد که شاگرد نامیده شود. او که زنی پرنرژی، پرتحرک، و مسؤولیت‌پذیر بود، نه فقط با عیسی مسافرت می‌کرد، بلکه در نیازهای شاگردان نیز سهیم می‌شد. او به هنگام اعدام عیسی، در محل حضور داشت و صبح روز یکشنبه به طرف قبر عیسی می‌رفت تا پیکر او را با عطریات تدهین کند که با قبر خالی مواجه شد. مریم اولین کسی بود که عیسی را بعد از زنده شدنش دید.

زندگی مریم مجدلیه نمونه دلگرم‌کننده‌ای از یک زندگی همراه با شکرگزاری است. عیسی او را بطرز معجزه‌آسایی آزاد کرد. عیسی هفت روح پلید را از وجود او بیرون راند. هر بار که نکته‌ای از او ذکر شده، می‌بینیم که بخاطر آزادی که عیسی به او ارزانی داشته، از روی شکرگزاری عمل می‌کند. همین آزادی این امکان را برای او فراهم ساخت که پای صلیب او بایستد، در حالی که همه شاگردان بجز یوحنا، از ترس خود را مخفی کرده بودند. مریم همچنان با عیسی صمیمی باقی ماند. پس از مرگ عیسی، هدف او این بود که هرگونه احترام ممکن را در مورد پیکر او بجا بیاورد. او نیز مانند تمامی پیروان عیسی، هرگز انتظار زنده شدن عیسی را نداشت، اما وقتی از قیام او مطلع شد، بسیار شاد گردید.

مریم ایمان پیچیده‌ای نداشت. ایمان او اصیل بود. او بیشتر مشتاق باور کردن و اطاعت بود تا فهمیدن همه چیز. عیسی این افتخار را به او داد که اولین شاهد قیامش باشد و به او این مأموریت را داد که اولین پیغام قیام را به شاگردانش برساند. عیسی با این کار، ایمان کودکانه او را مورد تجلیل قرار داد.

نقاط قوت و موفقیت‌ها:

- * در احتیاجات عیسی و شاگردان سهیم می‌شد.
- * یکی از معدود پیروان وفادار مسیح بود که موقع مرگ او درپای صلیب حضور داشت.
- * اولین کسی بود که مسیح قیام کرده را دید.

نقاط ضعف و اشتباهات:

- * عیسی می‌بایست هفت روح ناپاک را از وجود او بیرون می‌کرد.

درس‌هایی از زندگی او:

- * کسانی که مطیع‌اند، در فهم و درک رشد می‌کنند.
- * زنان در خدمت به عیسی، اهمیت حیاتی دارند.
- * عیسی با زنان بعنوان موجوداتی که مانند مردان صورت خدایند، یعنی همان طوری که آنها را آفرید، ارتباط برقرار می‌کند.

آمار حیاتی:

- * اهل: مجدل
- * شغل: نمی‌دانیم ولی بنظر می‌رسد که شخص ثروتمندی بوده است.
- * هم عصر با: عیسی، ۱۲ شاگرد، مریم، مرتا، ایلعازر، مریم مادر عیسی.

آیه کلیدی:

«عیسی روز یکشنبه صبح زود زنده شد. اولین کسی که او را دید مریم مجدلیه بود، که عیسی از وجود او هفت روح ناپاک بیرون کرده بود» (مرقس ۱۶: ۹).
داستان مریم مجدلیه در لوقا فصل ۸ و مرقس فصل ۱۵ و ۱۶ نقل شده است. نام او در متی فصل‌های ۲۷ و ۲۸ و یوحنا فصل‌های ۱۹ و ۲۰ هم ذکر شده است.

۹:۲۰

مز ۷:۲؛ ۸:۱۶-۱۱

داخل قبر شد و دید و ایمان آورد که عیسی زنده شده است!^۹ چون تا آنوقت آنها هنوز به این حقیقت پی نبرده بودند که کتاب آسمانی می فرماید که او باید زنده شود.

ظهور عیسی به مریم مجدلیه

(۲۴۰ / مرقس ۹:۱۶-۱۱)

^{۱۰} پس آنان به خانه رفتند. ^{۱۱} ولی مریم مجدلیه به سر قبر برگشته بود و حیران ایستاده، گریه می کرد. همچنانکه اشک می ریخت، خم شد و داخل قبر را نگاه کرد. ^{۱۲} در همان هنگام، دو فرشته را دید با لباس سفید، که در جایی نشسته بودند که جسد عیسی گذاشته شده بود، یکی نزدیک سر و دیگری نزدیک پاها. ^{۱۳} فرشته‌ها از مریم پرسیدند: «چرا گریه می کنی؟»

۱۲:۲۰

متی ۲:۲۸

مر ۵:۱۶

لو ۴:۲۴

جواب داد: «جسد خداوند مرا برده‌اند و نمی دانم کجا گذاشته‌اند.»

^{۱۴} ناگاه مریم احساس کرد کسی پشت سر او ایستاده است. برگشت و نگاه کرد. عیسی خودش بود. ولی مریم او را نشناخت.

۱۴:۲۰

متی ۹:۲۸

مر ۹:۱۶

یو ۴:۲۱

^{۱۵} عیسی از مریم پرسید: «چرا گریه می کنی؟ دنبال چه کسی می گردی؟» مریم به گمان اینکه باغبان است، به او گفت: «آقا، اگر تو او را برده‌ای، بگو کجا گذاشته‌ای تا بروم او را بردارم.»

۱۷:۲۰

متی ۱۰:۲۸

یو ۲۸:۱۶

روم ۲۹:۸

کول ۱۸:۱

عبر ۱۱:۲

۱ پط ۳:۱

^{۱۶} عیسی گفت: «مریم!»

مریم برگشت و عیسی را شناخت و با شادی فریاد زد: «استادا!»

^{۱۷} عیسی فرمود: «به من دست نزن، چون هنوز نزد پدرم بالا نرفته‌ام. ولی برو و

۹:۲۰ مدرک دیگری که بوسیله آن درمی یابیم این داستان را شاگردان نساخته‌اند، این است که وقتی پطرس و یوحنا دیدند عیسی در قبر نیست، تعجب کردند. وقتی یوحنا دید که کفن عیسی بشکل مرتب و منظمی تا شده، باور کرد که عیسی زنده شده است. آنها درست بعد از آنکه قبر خالی را دیدند، به خاطر آوردند که طبق کتاب آسمانی و گفته‌های عیسی، او می بایست بمیرد و زنده شود!

۹:۲۰ قیام عیسی کلید ایمان مسیحی است. چون (۱) «همان طور که خودش گفت»، او از میان مردگان برخاست. بنابراین می توانیم یقین داشته باشیم که او به همه وعده‌هایی که داده است، عمل خواهد کرد. (۲) زنده شدن بدن عیسی به ما نشان می دهد که مسیح زنده فرمانروای ملکوت جاودانی خداست و نه پیغمبری دروغین یا شاید. (۳) چون او قیام کرد، می توانیم از زنده شدن و قیام خود یقین داشته باشیم. مرگ پایان

زندگی نیست. پس از مرگ، زندگی دیگری وجود دارد. (۴) همان قدرت الهی که عیسی را زنده کرد، حالا در دسترس است که وجود ما را که روحاً مرده است، زنده کند. (۵) قیام مسیح اساس شهادت کلیسا به دنیاست.

۱۴:۲۰ بسیاری در وهله اول عیسی را نشناختند. غم و اندوه مریم، چشمان او را بسته بود؛ او نتوانست مسیح را ببیند چون انتظار دیدن او را نداشت. آنگاه عیسی مریم را به نام صدا کرد. مریم فوراً عیسی را شناخت. تصور کنید وقتی مریم شنید که منجی اش نام او را صدا می کند، چه محبتی وجودش را پر کرد. عیسی نزدیک شماس و نام شما را صدا می زند. آیا می توانید مانند مریم، با گفتن «استاد» به او جواب بدهید؟

۱۷:۲۰ «به من دست نزن» را می توان «به من نجسب» نیز ترجمه کرد. مریم نمی خواست بار دیگر عیسی را از دست بدهد. او هنوز قیام را درک نکرده بود. اما عیسی

برادرانم را پیدا کن و به ایشان بگو که من نزد پدر خود و پدر شما و خدای خود و خدای شما بالا می‌روم.»
 ۱۸ مریم شاگردان را پیدا کرد و به ایشان گفت: «خداوند زنده شده است! من خودم او را دیدم!» و پیغام او را به ایشان داد.

ظهور عیسی بر شاگردان از میان درهای بسته

(۲۴۴ / لوقا ۲۴:۳۶-۴۳)

۱۹ غروب همان روز، شاگردان دور هم جمع شدند و از ترس سران قوم یهود، درها را از پشت بستند. ولی ناگهان عیسی را دیدند که در میانشان ایستاده است. عیسی سلام کرد، ۲۰ و زخم دستها و پهلوئی خود را به ایشان نشان داد تا او را بشناسند. وقتی خداوند خود را دیدند، بی‌اندازه شاد شدند.

۲۱ عیسی باز به ایشان فرمود: «سلام بر شما باد. همچنانکه پدر مرا به این جهان فرستاد، من نیز شما را به میان مردم می‌فرستم.» ۲۲ آنگاه به ایشان دمید و فرمود: «روح‌القدس را بیایید. ۲۳ هرگاه گناهان کسی را ببخشید، بخشیده می‌شود، و هرگاه نبخشید، بخشیده نمی‌شود.»

۱۹:۲۰
مر ۱۴:۱۶
لو ۲۴:۳۶-۴۳
قرن ۱:۵-۴۲، ۴۵

۲۱:۲۰
متی ۲۰-۱۸:۲۸
یو ۱۸:۱۷
۲۲:۲۰
یو ۳۹-۳۷:۷
۲۶:۱۸-۱۶:۱۴

زمان بنطیکاست (اعمال فصل ۲) و بعد از آن تجربه کردند.

۲۲:۲۰ در دم خدا زندگی هست. انسان خلق شد اما زمانی موجود زنده گردید که خدا زندگی را در او دمید (پیدایش ۲:۷). اولین دم او انسان را از تمامی مخلوقات متمایز ساخت. حالا خدا از طریق دم عیسی، زندگی ابدی و روحانی می‌دهد. با این دم، قدرت انجام اراده خدا روی زمین حاصل شد.

۲۳:۲۰ عیسی رسالت شاگردان را به ایشان گوشزد می‌کند؛ رسالت ایشان اینست که خبرخوش عیسی را موعظه کنند تا مردم به آن وسیله بخشیده شوند. شاگردان از خود قدرت بخشیدن گناهان را نداشتند، چون هیچ انسانی نمی‌تواند این کار را بکند (اعمال ۱۰:۴۳). عیسی این امتیاز را به آنها داد که به ایمانداران جدید اعلام کند که بخاطر پذیرفتن پیغام عیسی، گناهانشان بخشیده شده است. همه ایمانداران از این امتیاز برخوردارند. برعکس، کسانی که علناً عیسی را رد می‌کنند، بخشیده نخواهند شد؛ مسیحیان باید این حقیقت را به آنها اعلام کنند. انسان تا زمانی که سرچشمه آمرزش، یعنی عیسی را نپذیرد، نمی‌تواند پیغام بخشش را قبول کند.

نمی‌خواست قبر، او را نگه دارد. هم او و هم مریم کارهای مهمی داشتند که انجام دهند.

۱۸:۲۰ مریم تا قبر خالی را ندید، مسیح قیام کرده را ملاقات نکرد. او با شادی و اطاعت پذیرفت که پیغام را به شاگردان برساند. تا ما نفهمیم که مسیح حقیقتاً زنده است و قبر او خالی، نمی‌توانیم واقعاً او را ملاقات کنیم. آیا وجود ما غرق شادی است و آیا ما این خبرخوش را به دیگران می‌رسانیم؟

۲۱:۲۰ بار دیگر عیسی خود را با پدرش خدا یکی می‌کند. او به شاگردان گفت که با قدرت و اختیار چه کسی کارهایش را انجام داده است. اکنون او رسالت رساندن پیغام نجات انجیل به سرتاسر دنیا را به شاگردانش سپرده است. به خاطر داشته باشید که اگر خدا کاری را به شما سپرده: (۱) اختیار انجام آن را خودش به شما می‌دهد؛ و (۲) عیسی با سخنان و اعمالش نشان داده که آن کار را چطور انجام دهید. همان‌طور که پدر عیسی را فرستاد، عیسی هم پیروانش را می‌فرستد.

۲۲:۲۰ این پر شدن از روح‌القدس، بطور خاص برای شاگردان بود و پیش‌درآمدی بود از آنچه که ایمانداران از

ظهور عیسی بر شاگردان، منجمله بر توما

(۲۴۵ / مرقس ۱۶:۱۴)

^{۲۴} «توما» معروف به «دوقلو» که یکی از دوازده شاگرد مسیح بود، آن شب در آن جمع نبود. ^{۲۵} پس، وقتی به او گفتند که خداوند را دیده‌اند، جواب داد: «من که باور نمی‌کنم. تا خودم زخم میخهای صلیب را در دستهای او نبینم و انگشتانم را در آنها نگذارم و به پهلوی زخمی‌اش دست نزنم، باور نمی‌کنم که او زنده شده است.» ^{۲۶} یکشنبه هفته بعد، باز شاگردان دور هم جمع شدند. این بار توما نیز با ایشان بود. باز هم درها بسته بود که ناگهان عیسی را دیدند که در میانشان ایستاد و سلام کرد. ^{۲۷} عیسی رو به توما کرد و فرمود: «انگشتت را در زخم دست‌هایم بگذار. دست به پهلویم بزن و بیش از این بی‌ایمان نباش. ایمان داشته باش.» ^{۲۸} توما گفت: «ای خداوند من، ای خدای من.»

^{۲۹} عیسی به او فرمود: «بعد از اینکه مرا دیدی، ایمان آوردی. ولی خوشحال کسانی که ندیده به من ایمان می‌آورند.»

مقصود از نوشته شدن این کتاب

^{۳۰} شاگردان عیسی معجزات بسیاری از او دیدند که در این کتاب نوشته نشده است. ^{۳۱} ولی همین مقدار نوشته شد تا ایمان آورید که عیسی، همان مسیح و فرزند خداست و با ایمان به او، زندگی جاوید بیابید.

۲۴:۲۰

یو ۱۶:۱۱

۲۸:۲۰

یو ۱۸:۱۰، ۳۰:۱۰، ۹:۱۴

فیل ۲:۶

کول ۲:۹

تیط ۲:۱۳

۲ پط ۱:۱

۱ یو ۵:۲۰

۲۹:۲۰

۱ قرن ۷:۵

۱ پط ۸:۱

۳۱ و ۳۰:۲۰

یو ۳:۱۵ و ۱۶، ۵:۲۴

۲۵:۱۹، ۳۵:۲۱

۲۷:۲۰ بدن قیام‌کرده عیسی نوع منحصر بفردی از بدن جسمانی بود. بدن او همانند جسم و خونی که ایلعازر بعد از زنده شدن داشت، نبود. بدن عیسی دیگر مثل پیش از مرگش، تابع قوانین طبیعی نبود. او اکنون می‌توانست در اتاق در بسته ظاهر شود. با وجود این، روح یا شیخ نبود؛ او قابل لمس بود و می‌توانست غذا بخورد. قیام عیسی فیزیکی بود. او روحی بدون بدن نبود.

۲۹:۲۰ بعضی از مردم فکر می‌کنند اگر علامت یا معجزه مشخصی ببینند، ایمان خواهند آورد. اما عیسی می‌گوید که خوشبحال ما اگر بتوانیم ندیده ایمان بیاوریم. ما همه دلایل لازم برای ایمان آوردن را در کتاب مقدس و شهادت ایمانداران داریم.

۳۱ و ۳۰:۲۰ آنچه که ما برای درک کامل‌تر زندگی و رسالت عیسی لازم داریم، مطالعه انجیل است. یوحنا به ما می‌گوید که در انجیل فقط معدودی از وقایع بسیار زندگی عیسی روی زمین نوشته شده است. اما آنچه نوشته شده، تمام آن چیزی است که لازم است بدانیم تا ایمان بیاوریم که عیسی همان مسیح و پسر خداست و از طریق او زندگی جاودانی بیابیم.

۲۹-۲۴:۲۰ آیا تا بحال آرزو کرده‌اید که کاش می‌توانستید واقعاً عیسی را ببینید، به او دست بزنید، و صدایش را بشنوید؟ آیا وقتی هستی که بخواید کنار او بنشینید و به نصایح او گوش بگیرید؟ توما می‌خواست جسماً و حضوراً عیسی را ببیند. اما نقشه خدا حکیمانه‌تر است. او خود را به یک بدن جسمانی محدود نکرده است؛ او می‌خواهد در همه وقت با همه ما باشد. حتی حالا هم او به شکل روح القدس با ماست. شما می‌توانید با او صحبت کنید، و سخنان او را در کتاب مقدس پیدا کنید. او می‌تواند همان قدر برای شما واقعی باشد که برای توما بود.

۲۵:۲۰ عیسی از توما بخاطر شک و تردیدش انتقاد نکرد. توما غلیرغم شکهایی که داشت، هنوز نسبت به ایمانداران و خود عیسی وفادار بود. برخی قبل از ایمان آوردن لازم است شک کنند. اگر شک به سؤال منجر شود و سؤال به جواب، و جواب پذیرفته شود، در این صورت شک مفید واقع شده است. فقط زمانی شک به ایمان صدمه می‌زند که تبدیل به لجاجت شود و لجاجت نیز تبدیل شود به شیوه زندگی. وقتی دچار شک می‌شوید، همانجا توقف نکنید، بگذارید شک شما در همان حال که در جستجوی جواب هستید، ایمانتان را عمیق کند.

توما که غالباً از او بعنوان «تومای شکاک» یاد می‌شود، شایسته است که بخاطر ایمانش تحسین شود. او شکاک بود، اما شکهای او هدفی داشت و آن دانستن حقیقت بود. شک‌های توما برای او حکم بت را نداشت؛ وقتی شکهایش برطرف شد، با شادمانی ایمان آورد. او تمام و کمال شکهایش را ابراز داشت و بطور کامل جواب سؤالات و تردیدهایش را گرفت. شک فقط عکس‌العمل او را نشان می‌داد، نه حالت همیشگی او را.

گرچه ما تصویر مختصری از توما داریم، اما مشخصه شخصیت او ثبات و پایداری است. علیرغم چیزی که احساس می‌کرد، تلاش می‌نمود به چیزی که می‌داند وفادار بماند. در یک مورد، وقتی برای همه مشخص بود که زندگی عیسی در خطر است، فقط توما آن چیزی را که احساس بیشتر شاگردان بود بر زبان آورد؛ او گفت: «بیایید ما نیز برویم و با او بمیریم» (یوحنا ۱۱:۱۶). او در پیروی از عیسی تردید نداشت.

ما نمی‌دانیم چرا وقتی عیسی برای بار اول بعد از قیامش به شاگردان ظاهر شد، توما حضور نداشت، اما مایل نبود شهادت آنها را درباره قیام مسیح باور کند. حتی ده شاگرد که از دوستانش بودند، نتوانستند نظر او را عوض کنند!

ما می‌توانیم شک کنیم بدون آنکه زندگی‌مان را در حالت شک و تردید بگذرانیم. شک کمک می‌کند تا در عقاید خود تجدیدنظر کنیم. کار شک بیشتر روشن کردن فکر است تا تغییر دادن آن. شک می‌تواند برای مطرح کردن سؤال، گرفتن جواب و اتخاذ تصمیم مفید واقع شود. اما شک هرگز به معنای حالتی دائمی نیست. شک گامی است که در جهت جلو یا عقب برمی‌داریم. تا وقتی که پایی را که جهت گام برداشتن از زمین بلند می‌کنیم زمین نگذاریم، حرکتی صورت نخواهد گرفت.

وقتی دچار شک می‌شوید از توما قوت قلب بگیرید. او در شک و تردید باقی نماند، بلکه اجازه داد تا عیسی به او یقین و ایمان بخشد. از این حقیقت نیز قوت قلب بگیرید که تعداد بی‌شماری از پیروان مسیح، در کشمکش با شک و تردید بوده‌اند. جوابهایی که خدا به آنها داد می‌تواند کمک بزرگی به ما باشد. در شک نمانید، بلکه به طرف تصمیم‌گیری و ایمان قدم بردارید. ایماندار دیگری را پیدا کنید که شکایتان را با او در میان بگذارد. برای شکهای نهفته به ندرت جوابی پیدا می‌شود.

نقاط قوت و موفقیت‌ها:

- * یکی از ۱۲ شاگرد عیسی بود.
- * جدیت زیادی داشت، هم در شک و هم در ایمان.
- * مردی وفادار و صادق بود.

نقاط ضعف و اشتباهات:

- * مانند دیگران عیسی را به هنگام دستگیری‌اش ترک کرد.
- * از قبول ادعاهای دیگران مبنی بر دیدن مسیح امتناع ورزید و خواستار دلیل شد.
- * درگیر نگرشی بدبینانه بود.

درس‌هایی از زندگی او:

- * عیسی شکهایی را که از روی صداقت و در جهت ایمان باشد، می‌پذیرد.
- * شک را با صدای بلند ابراز کردن بهتر از بی‌ایمانی بی‌صداست.

آمار حیاتی

- * اهل: جلیل، یهودیه، سامره
- * شغل: شاگرد عیسی
- * هم عصر با: عیسی، سایر شاگردان، هیرودیس، پیلاتوس.

آیه کلیدی:

«عیسی رو به توما کرد و فرمود: "انگشتت را در زخم دستهایم بگذار. دست به پهلویم بزن و بیش از این بی‌ایمان نباش. ایمان داشته باش." توما گفت: "ای خداوند من، ای خدای من!"» (یوحنا ۲۰:۲۷-۲۸).

ماجرای مربوط به توما در انجیل نقل شده است. نام او در اعمال ۱:۱۳ نیز ذکر شده است.

ظهور عیسی به شاگردان به هنگام ماهگیری

(۲۴۶)

۱:۲۱
یو ۱۴:۲۱
۲:۲۱
متی ۴:۲۱ و ۲۲
یو ۱-۴۵-۵۱

۲۱ پس از چند روز، در کنار دریاچهٔ جلیل، عیسی بار دیگر خود را به شاگردانش نشان داد. شرح واقعه چنین است. ^۲ چند نفر از شاگردان کنار دریا بودند: شمعون پطرس، توما دوقلو، نثنائیل اهل قانای جلیل، پسران زبدی و دو نفر دیگر از شاگردان. ^۳ شمعون پطرس گفت: «من می‌روم ماهی بگیرم.»

همه گفتند: «ما هم می‌آییم.» پس، سوار قایق شدند و رفتند ولی آن شب چیزی نگرفتند.

^۴ صبح زود دیدند یک نفر در ساحل ایستاده است، ولی چون هوا هنوز نیمه روشن بود، نتوانستند ببینند کیست.

^۵ او صدا زد: «بچه‌ها، ماهی گرفته‌اید؟»

جواب دادند: «نه.»

^۶ گفت: «تورتان را در سمت راست قایق ببندازید تا بگیرید.»

۶:۲۱
لو ۵:۴-۷

مرقس ۹:۱۶-۱۱؛ یوحنا ۱۰:۲۰-۱۸-۱۰
متی ۸:۲۸-۱۰
لوقا ۲۴:۳۴؛ اقرنتیان ۵:۱۵
مرقس ۹:۱۶-۱۱؛ یوحنا ۱۰:۲۰-۱۸
مرقس ۱۶:۱۴؛ لوقا ۳۶:۴۳-۳۶؛
یوحنا ۲۵-۱۹:۲۰
یوحنا ۲۶:۳۱-۳۱؛ اقرنتیان ۵:۱۵
یوحنا ۱-۱:۲۱
متی ۱۶:۲۸-۲۰
اقرنتیان ۶:۱۵
اقرنتیان ۷:۱۵
لوقا ۲۴:۴۴-۴۹؛ اعمال ۳:۱-۸

کسانی که عیسی بعد از قیامش به آنها ظاهر شد
مریم مجدلیه
زن دیگری که در کنار قبر بود
پطرس در اورشلیم
دو شاگرد در راه عمواَس
ده شاگرد پشت درهای بسته
همه شاگردان همراه با توما (بجز یهودای اسخریوطی)
هفت تن از شاگردان به هنگام ماهگیری
بازده شاگرد روی کوه
جمعیت ۵۰۰ نفری
برادرش یعقوب
کسانی که شاهد صعود او به آسمان بودند

حقانیت مسیحیت بیشتر بر واقعه قیام متکی است. اگر عیسی از قبر بیرون آمده، چه کسی او را دیده است؟ گواهی شاهدان چقدر معتبر است؟ کسانی که ادعا کردند عیسی قیام کرده را دیده‌اند، رفتند تا دنیا را زیرورو کنند. بیشتر آنها نیز بخاطر پیروی از عیسی جان باختند. مردم برای عقایدی که می‌دانند نادرست است، جان خود را فدا نمی‌کنند. اینها کسانی بودند که عیسی قیام کرده را دیده بودند.

۱:۲۱ در این فصل بیان می‌شود که عیسی پطرس بعد از انکارش، به تشویق خاصی نیاز چطور به پطرس مأموریت می‌دهد. احتمالاً داشت.

آنها هم انداختند. آنقدر ماهی در تور جمع شد که از سنگینی نتوانستند تور را بالا بکشند.

^۷ آنگاه شاگردی که عیسی او را دوست می‌داشت به پطرس گفت: «این خداوند است! پطرس هم که تا کمر برهنه بود، فوراً لباسش را به خود پیچید و داخل آب پرید و شناکنان خود را به ساحل رساند.^۸ بقیه در قایق ماندند و تور پر از ماهی را به ساحل کشیدند. ساحل حدود صد متر با قایق فاصله داشت.^۹ وقتی به ساحل رسیدند، دیدند آتش روشن است و ماهی روی آن گذاشته شده، و مقداری هم نان آنجاست.

^{۱۰} عیسی فرمود: «چند تا از ماهی‌هایی را که تازه گرفته‌اید، بیاورید.»^{۱۱} پطرس رفت و تور را به ساحل کشید و ماهی‌ها را شمرد؛ صدوپنجاه و سه ماهی بزرگ در تور بود، باوجود این، تور پاره نشده بود.

^{۱۲} عیسی فرمود: «بیاید صبحانه بخورید.» ولی هیچیک جرأت نکرد از او بپرسد که آیا او خود عیسای خداوند است یا نه، چون همه مطمئن بودند که خود اوست.^{۱۳} آنگاه عیسی نان و ماهی را گرفت و بین شاگردان تقسیم کرد.^{۱۴} این سومین باری بود که عیسی پس از زنده شدن، خود را به شاگردان نشان می‌داد.

۷:۲۱

یو ۲۱:۱۳ - ۲۰:۲۱

۹:۲۱

یو ۱۱:۹-۱۱

۱۲:۲۱

اعما ۴۱:۱۰

۱۴:۲۱

یو ۲۶:۱۹-۲۰

گفتگوی عیسی با پطرس

(۲۴۷)

^{۱۵} بعد از صبحانه، عیسی از شمعون پطرس پرسید: «شمعون، پسر یونا، آیا تو از دیگران بیشتر مرا دوست داری؟» پطرس جواب داد: «بلی، خودتان می‌دانید که من شما را دوست دارم.»

عیسی به او فرمود: «پس به بره‌های من خوراک بده.»

^{۱۶} عیسی بار دیگر پرسید: «شمعون، پسر یونا، آیا واقعاً مرا دوست داری؟» پطرس جواب داد: «بلی خداوندا، خودتان می‌دانید که من شما را دوست دارم.» عیسی فرمود: «پس، از گوسفندان من مراقبت کن.»

۱۵:۲۱

متی ۳۳:۲۶

اعما ۲۸:۲۰

افس ۱۱:۴

۱۶:۲۱

عبر ۲۱:۱۳ و ۲۱

۱ پطر ۲:۲۵ - ۲:۵

عیسی، اشتیاقی است که برای خدمت به او دارید. پطرس توبه کرده بود، و حالا عیسی از او می‌خواهد که زندگی‌اش را وقف او کند.

۱۹-۱۵:۲۱ وقتی شناخت پطرس از عیسی تکمیل شد، زندگی‌اش تغییر کرد. شغل او از ماهیگیری به کار بشارت تبدیل شد؛ ویژگی شخصیتی او تغییر کرد؛ او که فردی عجول بود به «صخره» تبدیل شد؛ نوع رابطه‌اش با عیسی تغییر کرد. حالا او بخشیده شده بود و کاملاً اهمیت سخنان عیسی را در باره مرگ و قیامت درک می‌کرد.

۷:۲۱ یوحنا عیسی را شناخت، بی‌شک چون عیسی معجزه‌های شبیه به آن را قبلاً انجام داده بود.

۱۷-۱۵:۲۱ در اینجا عیسی پطرس را از تجربه‌ای گذرانده که غم و اندوه ناشی از انکار او را برطرف کرد. پطرس سه بار عیسی را انکار کرده بود. عیسی هم سه بار از او پرسید که آیا او را دوست دارد. وقتی پطرس به او جواب مثبت داد، عیسی به او فرمود که گوسفندان را خوراک بدهد. گفتن اینکه عیسی را دوست دارید، دلیلی است بر دوست داشتن او، اما محک واقعی دوست داشتن

۱۷:۲۱ یک بار دیگر عیسی از او پرسید: «شمعون، پسر یونا، آیا مرا دوست داری؟» این بار پطرس از طرز سؤال عیسی که سه بار پرسیده بود که او را دوست دارد، ناراحت شد و گفت: «خداوندا، شما از قلب من باخبرید. خودتان می‌دانید که شما را دوست دارم.»

عیسی به او فرمود: «پس به بره‌های کوچک من خوراک بده. ^{۱۸} واقعیت این است که وقتی جوان بودی هر کاری می‌خواستی می‌توانستی بکنی و هر جا می‌خواستی می‌رفتی، ولی وقتی پیر شوی، دیگران دستت را می‌گیرند و به این طرف و آن طرف می‌کشند، و جایی می‌برند که نمی‌خواهی بروی.» ^{۱۹} این را فرمود تا پطرس بداند که با چه نوع مرگی خواهد مرد و خدا را جلال خواهد داد. بعد عیسی به او فرمود: «حالا بدنبال من بیا.»

^{۲۰} پطرس برگشت و شاگرد محبوب عیسی را دید که دنبالشان می‌آید، یعنی همان کسی که سر شام، کنار عیسی تکیه زده، از او پرسید: «استاد، کدامیک از ما به تو خیانت می‌کنیم؟»

^{۲۱} پطرس از عیسی پرسید: «بر سر او چه خواهد آمد؟»

^{۲۲} عیسی جواب داد: «اگر بخواهم او بماند تا باز گردم، چه ربطی به تو دارد؟ تو دنبال من بیا.»

^{۲۳} پس این خبر در میان برادران پیچید که آن شاگرد محبوب نخواهد مرد.

۱۷:۲۱

اتوا ۹:۲۸ + ۱۷:۲۹

توا ۳۰:۶

ار ۱۰:۱۷

یو ۲:۲۴ و ۳۸:۱۳

روم ۲۷:۸

اتسا ۴:۲

۱۹:۲۱

۲ پتر ۱:۱۳ و ۱۴

۲۰:۲۱

یو ۲۳:۱۳-۲۵

۲۲:۲۱

تث ۲۹:۲۹

اقرن ۵:۴ + ۲۶:۱۱

مکا ۲:۲۵ + ۳:۱۱ + ۲۲:۲۲ + ۲۰:۷

مصلوب کردند؛ اما چون او خود را شایسته نمی‌دانست که مانند خداوندش بمیرد، خواست که او را وارونه مصلوب کنند. علیرغم آینده‌ای که در انتظار پطرس بود، عیسی به او گفت که بدنبال او برود. ما ممکن است از آینده خود نامطمئن و از آن ترس داشته باشیم. اما این اطمینان را داریم که خدا کنترل زندگی ما را بدست دارد، و می‌توانیم با اطمینان خاطر مسیح را پیروی کنیم.

۲۱:۲۱ و ۲۲ پطرس از عیسی پرسید که یوحنا به چه طریقی خواهد مرد. عیسی پاسخ داد که پطرس نباید دخالتی در این کار بکند. ما تمایل داریم که زندگی خود را با دیگران مقایسه کنیم، خواه به منظور توجیه کردن میزان وقف و سرسپردگی خود به مسیح، خواه به منظور زیر سؤال بردن عدالت خدا. عیسی همان جوابی را به ما می‌دهد که به پطرس داد: «چه ربطی به تو دارد؟ تو دنبال من بیا.»

۲۳:۲۱ روایت می‌کنند که یوحنا بعد از سپری کردن سالهای تبعید در جزیره پتموس، به افسس بازمی‌گردد و در اواخر قرن اول که در آن وقت پیر و سالخورده شده بود، چشم از جهان فرومی‌بندد.

۱۷:۲۱ عیسی سه مرتبه از پطرس پرسید که آیا او را دوست دارد یا نه. بار اول عیسی پرسید: «آیا تو از دیگران بیشتر مرا دوست داری؟» (در متن اصلی یونانی برای دوست داشتن کلمه agape بکار رفته که بیانگر دوست داشتن اختیاری و فداکارانه است). بار دوم سؤال عیسی تنها خود پطرس را در بر می‌گیرد، اما باز همان کلمه یونانی agape را بکار می‌برد. بار سوم، عیسی کلمه یونانی phileo را (که بیانگر مهر و محبت، دوستی، یا دوست داشتن برادرانه است) بکار می‌برد و می‌پرسد: «آیا با من دوست هستی؟» پطرس در جواب عیسی هر بار از کلمه یونانی phileo استفاده می‌کند. عیسی با جوابهای فوری و سطحی راضی نمی‌شود. عیسی روشی دارد که بوسیله آن قلب موضوع را هدف قرار می‌دهد. لازم بود که پطرس به هنگام رویارویی با مسیح با احساسات و انگیزه‌های واقعی خود روبرو شود. اگر عیسی از شما پرسد: «آیا مرا دوست داری؟» چه جوابی به او می‌دهید؟ آیا واقعاً عیسی را دوست دارید؟ آیا با او دوست هستید؟ **۱۸:۱۹ و ۱۹** این پیشگویی مرگ پطرس به طریقه صلیب بود. مطابق روایات، پطرس را بخاطر ایمانش

در صورتی که عیسی هر گز چنین چیزی نگفت، او فقط فرمود: «اگر بخواهم او بماند تا بازگردم، چه ربطی به تو دارد.»

۲۴ آن شاگرد تمام این چیزها را دید و اینجا نوشت؛ و ما همه می‌دانیم که این نوشته‌ها عین حقیقت است.

۲۵ من گمان می‌کنم اگر تمام رویدادهای زندگانی عیسی در کتابها نوشته می‌شد، دنیا گنجایش آن کتاب‌ها را نمی‌داشت!

۲۴:۲۱

یو ۱:۱۴؛ ۱۵:۲۷؛ ۱۹:۳۵

۱ یو ۱:۱-۳

۳ یو ۱۲

۲۵:۲۱

یو ۲۰:۳۰ و ۳۱

تصمیم بگیرند که آیا عیسی پسر خداست یا نه؟ شما هم مانند هیأت منصفه دادگاه هستید که دلایل ارائه شده را می‌شنوند. یوحنا دلایل را به روشنی ارائه کرده است. حالا تصمیم با شماست. انجیل یوحنا را بخوانید و ایمان بیاورید!

۲۵:۲۱ یوحنا بیان می‌کند که هدف از نوشتن انجیلش این بوده که نشان دهد عیسی پسر خداست. او به روشنی و بطور منظم دلایل ادعاهای عیسی را ارائه می‌دهد. وقتی در دادگاه دلیل ارائه می‌شود، شنوندگان باید تصمیم بگیرند. کسانی هم که انجیل یوحنا را می‌خوانند، باید